



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

مردان رحمت شده

و

مردان نافرین شده

چاپ سوم

تألیف و ترجمه:

سید هاشم نجفی جزائری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مردان رحمت شده و مردان نفرین شده

نویسنده:

هاشم ناجی موسوی جزائری

ناشر چاپی:

ناجی جزائری

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۹	مردان رحمت شده و مردان نفرین شده
۱۹	مشخصات کتاب
۱۹	اشاره
۲۱	مقدمه مؤلف
۲۵	اجازه روایت حضرت آیه الله العظمی میرزا هاشم آملی - رضوان الله تعالی علیه - به مؤلف
۲۶	اجازه روایت حضرت آیه الله العظمی میرزا محمدتقی مجلسی اصفهانی - دامت برکاته - به مؤلف
۲۷	یادداشتی از جناب آقای دکتر محسن روز رُخ - دام توفیقه -
۳۱	بخش اول: مردان رحمت شده
۳۱	احترام گذاشتن به بانوان و گرامی داشتن آنها
۳۱	مردی که به بانوان احترام می گذارد و آنها را گرامی می دارد
۳۲	آراستگی
۳۲	مردی که آراسته می باشد
۳۶	اذان گفتن در منزل
۳۶	مردی که در منزل اذان می گوید
۳۸	ازدواج نمودن
۳۸	مردی که ازدواج می نماید
۴۳	توبه نمودن از عمل شنیع زنا
۴۳	مردی که از عمل شنیع زنا توبه واقعی نمود
۶۰	توبه نمودن از ارتکاب عمل شنیع لواط
۶۰	مردی که از ارتکاب عمل شنیع لواط توبه واقعی نمود
۶۵	تعرض نکردن به نوامیس مردم
۶۵	مردی که به نوامیس مردم تعرض نمی کند
۶۶	پاکدامن بودن

۶۶	مردی که پاکدامن می باشد و خود را به گناه زنا آلوده نمی سازد
۶۷	جهاد نمودن در راه خداوند متعال
۶۷	مردی که در راه خداوند متعال جهاد می نماید
۷۰	چشم پوشی از نگاه حرام به زن نامحرم
۷۰	مردی که از نگاه حرام به زن نامحرم خودداری می کند
۷۵	حرفه و هنر داشتن
۷۵	مردی که دارای حرفه و هنر می باشد
۷۶	خلوت نکردن با زن نامحرم
۷۶	مردی که با زنی که نامحرم او می باشد خلوت نمی کند
۷۷	خوشبو بودن
۷۷	اشاره
۷۷	مردی که خود را خوشبو می کند
۸۱	خوشبو بودن دهان
۸۱	مردی که دهان او خوشبو می باشد
۸۳	علل و اسباب خوشبو شدن دهان
۸۳	اشاره
۸۳	۱ - علل و اسباب مادی خوشبو شدن دهان
۸۳	مسواک زدن
۸۳	اهمیت مسواک زدن
۸۸	۱ - خوشبو کردن دهان بوسیله مسواک زدن
۹۵	خلال نمودن
۹۵	اهمیت خلال نمودن
۹۸	۲ - خوشبو کردن دهان بوسیله خلال نمودن
۹۹	۳ - خوشبو کردن دهان با استفاده نمودن از مواد خوشبو کننده
۹۹	اشاره
۹۹	اذخر

- ۱۰۰ ..... شُعد
- ۱۰۰ ..... کُندر
- ۱۰۰ ..... نعناع
- ۱۰۱ ..... چوب درخت اراک
- ۱۰۳ ..... چوب درخت زیتون
- ۱۰۴ - ۴ - خوشبو کردن دهان با تناول نمودن بعضی از خوراکیها انار
- ۱۰۴ ..... اشاره
- ۱۰۴ ..... انجیر
- ۱۰۴ ..... پنیر
- ۱۰۵ ..... خربزه
- ۱۰۵ ..... خرما
- ۱۰۶ ..... روغن زیتون
- ۱۰۶ ..... مویز
- ۱۰۷ ..... مرزه
- ۱۰۷ ..... نمک
- ۱۰۷ ..... نوشیدن آب گرم در هنگام افطار کردن
- ۱۰۸ ..... ۵ - خوشبو کردن دهان بوسیلهٔ امور دیگر
- ۱۰۸ ..... ۱ - آب گرداندن در بینی - استنشاق
- ۱۰۸ ..... ۲ - آب گرداندن در دهان - مضمضه
- ۱۰۹ ..... ۲ - علل و اسباب معنوی خوشبو شدن دهان
- ۱۰۹ ..... اشاره
- ۱۰۹ ..... قرآن خواندن
- ۱۰۹ ..... استغفار کردن
- ۱۱۰ ..... ذکر مبارک: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
- ۱۱۱ ..... ذکر فضائل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت
- ۱۱۳ ..... انجام دادن کار نیک

- ۱۱۴ ----- دعا کردن و ذکر گفتن
- ۱۱۵ ----- دسترنج حلال
- ۱۱۵ ----- مردی که از دسترنج حلال خود استفاده می کند
- ۱۱۹ ----- ریش گذاشتن
- ۱۱۹ ----- مردی که ریش خود را به اندازه و در حد متناسب می گذارد
- ۱۲۰ ----- ریش کوتاه داشتن
- ۱۲۰ ----- مردی که ریش خود را به اندازه و متناسب کوتاه می کند
- ۱۲۱ ----- شانه زدن ریش و محاسن
- ۱۲۱ ----- مردی که ریش خود را شانه می زند
- ۱۲۲ ----- خوشبو کردن ریش و محاسن
- ۱۲۲ ----- مردی که ریش و محاسن خود را خوشبو می کند
- ۱۲۴ ----- ریش سفید داشتن
- ۱۲۴ ----- مردی که ریش او سفید می باشد
- ۱۲۸ ----- احترام گذاشتن به افراد ریش سفید و گرمی داشتن آنها
- ۱۲۹ ----- سبیل کوتاه داشتن
- ۱۲۹ ----- مردی که سبیل خود را کوتاه می کند
- ۱۳۰ ----- آثار و برکات و منافع و ثمرات کوتاه کردن سبیل
- ۱۳۰ ----- ملائکه برای چنین شخص با ایمانی استغفار کرده و طلب آموزش
- ۱۳۰ ----- باعث شادابی می گردد
- ۱۳۱ ----- پاکیزگی و نظافت را بوجود می آورد
- ۱۳۲ ----- رزق و روزی را افزون می کند و فقر را از بین می برد
- ۱۳۲ ----- زیبایی را افزون می کند
- ۱۳۳ ----- ثواب آزاد کردن بنده ای را دارد
- ۱۳۴ ----- سعی و تلاش نمودن در راه کسب رزق و روزی حلال
- ۱۳۴ ----- مردی که در راه کسب رزق و روزی حلال سعی و تلاش می کند
- ۱۳۷ ----- سرگرم نشدن به تجارت در هنگام فرا رسیدن وقت نماز



- مردی که در هنگام فرا رسیدن وقت نماز، از تجارت خود دست کشیده و به خواندن نماز مشغول می گردد - ۱۳۷
- غیرت داشتن - ۱۳۹
- مردی که با غیرت می باشد - ۱۳۹
- منصرف شدن از ارتکاب گناه با زن نامحرم - ۱۴۱
- اشاره - ۱۴۱
- مردی که بخاطر ترس از خدای عزّ و جلّ از ارتکاب گناه - ۱۴۱
- موی بینی - ۱۵۲
- اشاره - ۱۵۲
- مردی که موی بینی خود را برطرف می کند - ۱۵۲
- موی سر - ۱۵۳
- اشاره - ۱۵۳
- مردی که موی سر او کوتاه و مرتّب می باشد - ۱۵۳
- بخش دوّم: مردان نفرین شده - ۱۵۷
- ازدواج نکردن - ۱۵۷
- مردی که از ازدواج کردن امتناع می ورزد - ۱۵۷
- استمناء خود ارضائی - ۱۶۳
- مردی که استمناء می کند - ۱۶۳
- آثار سوء و عواقب شوم در دنیا - ۱۶۶
- نفرین شدن و مورد لعنت قرار گرفتن - ۱۶۶
- کیفر و عقوبت در آخرت و روز قیامت - ۱۶۶
- افترا زدن و تهمت بستن و نسبت ناروا دادن به زنان با ایمان و پاکدامن - ۱۶۷
- مردی که به زن با ایمان و پاکدامن افترا می زند و تهمت می بندد و نسبت ناروا به او می دهد - ۱۶۷
- آثار سوء و عواقب شوم در دنیا - ۱۶۸
- کیفر و عقوبت در آخرت و روز قیامت - ۱۷۶
- بازی کردن با بیضه - ۱۷۷
- مردی که با بیضه خود بازی می کند - ۱۷۷

- ۱۷۸ ..... بازی کردن با ریش
- ۱۷۸ ..... مردی که با ریش خود زیاد بازی می کند
- ۱۷۹ ..... بازی کردن با ریش در اثناء نماز
- ۱۷۹ ..... مردی که - در اثناء نماز - با ریش خود بازی می کند
- ۱۸۲ ..... بد اخلاقی
- ۱۸۲ ..... مردی که بد اخلاق می باشد
- ۱۸۵ ..... بد بو بودن
- ۱۸۵ ..... مردی که بد بو می باشد
- ۱۸۹ ..... بد بو بودن دهان
- ۱۸۹ ..... مردی که دهان او بد بو می باشد
- ۱۹۲ ..... علل و اسباب مادی بد بو شدن دهان
- ۱۹۲ ..... ۱ - گرسنگی و خالی بودن معده
- ۱۹۳ ..... ۲ - باقی ماندن غذا در لابای دندانها
- ۱۹۵ ..... ۳ - تناول خوراکیهائی که بوی نامطبوعی دارند
- ۱۹۹ ..... ۴ - آروغی که پس از پر شدن معده بوجود می آید
- ۲۰۰ ..... ۵ - باقی ماندن بر جنابت
- ۲۰۰ ..... ۶ - بسته شدن فضای دهان در وقت خواب
- ۲۰۱ ..... ۷ - قرار گرفتن صورت روبروی آفتاب
- ۲۰۱ ..... ۸ - مسواک زدن در توالت
- ۲۰۲ ..... ۹ - خون خوردن
- ۲۰۳ ..... ۱۰ - شراب خوردن
- ۲۰۴ ..... علل و اسباب معنوی بد بو شدن دهان
- ۲۰۴ ..... اشاره
- ۲۰۴ ..... ۱ - کفر و شرک و بت پرستی و اعتقاد نداشتن به توحید و یکتاپرستی
- ۲۰۴ ..... ۲ - ارتکاب گناه و معصیت
- ۲۰۵ ..... ۳ - غیبت و بدگوئی کردن و عیب جوئی نمودن

- ۴ - دروغ گفتن ..... ۲۰۹
- ۵ - گفتن سخن باطل و بیان مطالب غیر حق ..... ۲۰۹
- بذله گویی نمودن با زن نامحرم ..... ۲۱۰
- مردی که با زن نامحرم بذله گویی می کند ..... ۲۱۰
- بزدلی - بخل - جفاکاری ..... ۲۱۱
- مردی که بزدل و بخیل و جفاکار می باشد ..... ۲۱۱
- بغل نمودن زن نامحرم ..... ۲۱۲
- مردی که زن نامحرمی را بغل می کند ..... ۲۱۲
- بوسیدن حرام ..... ۲۱۳
- مردی که از راه حرام دیگری را می بوسد ..... ۲۱۳
- بوسیدن پسری از روی شهوت ..... ۲۱۴
- مردی که - از روی شهوت - پسری را می بوسد ..... ۲۱۴
- بیکاری ..... ۲۱۵
- مردی که بیکار می باشد ..... ۲۱۵
- تجاوز جنسی به حیوانات ..... ۲۱۶
- مردی که با حیوانات آمیزش جنسی می کند ..... ۲۱۶
- آثار سوء و عواقب شوم در دنیا ..... ۲۱۸
- نفرین شدن و مورد لعنت قرار گرفتن ..... ۲۱۸
- مسخ شدن ..... ۲۱۸
- کیفر و عقوبت در آخرت و روز قیامت ..... ۲۱۸
- تعقیب زن نامحرم و دنبال کردن او ..... ۲۱۹
- مردی که زن نامحرمی را تعقیب کرده و دنبال او راه می افتاد ..... ۲۱۹
- تنبلی نمودن و سعی و تلاش نکردن در راه کسب رزق و روزی حلال ..... ۲۲۰
- مردی که تنبلی می کند و در راه کسب روزی حلال تلاش نمی نماید ..... ۲۲۰
- توصیف زیبایی زن نامحرم به مرد نامحرم ..... ۲۲۶
- مردی که زیبایی زن نامحرمی را برای مرد نامحرمی توصیف می کند ..... ۲۲۶

- ۲۲۸ ..... جهاد نکردن در راه خدا
- ۲۲۸ ..... مردی که از جهاد نمودن در راه خداوند متعال امتناع می ورزد
- ۲۳۰ ..... جویدن موی ریش
- ۲۳۰ ..... مردی که موی ریش خود را می جود
- ۲۳۱ ..... حرفه و هنر نداشتن
- ۲۳۱ ..... مردی که دارای حرفه و هنری نیست
- ۲۳۲ ..... حریر پوشیدن
- ۲۳۲ ..... مردی که لباس حریر می پوشد
- ۲۳۳ ..... ختنه نکردن
- ۲۳۳ ..... مردی که ختنه نمی کند
- ۲۳۵ ..... خلوت کردن با زن نامحرم
- ۲۳۵ ..... مردی که با زن نامحرم خلوت می کند
- ۲۳۷ ..... خیانت نمودن به نوامیس مردم
- ۲۳۷ ..... مردی که به نوامیس مردم خیانت می کند
- ۲۳۸ ..... دست دادن به زن نامحرم
- ۲۳۸ ..... مردی که به زن نامحرم دست می دهد و با او مصافحه می کند
- ۲۳۹ ..... ریش بلند داشتن
- ۲۳۹ ..... مردی که ریش خود را بیش از حدّ و اندازه بلند می گذارد
- ۲۴۱ ..... ریش تراشیدن صاف کردن صورت و از بین بردن محاسن چهره
- ۲۴۱ ..... مردی که صورت خود را صاف می کند و محاسن خود را از بین می برد
- ۲۴۵ ..... زنا آمیزش جنسی با زن نامحرم
- ۲۴۵ ..... مردی که را با زن نامحرم آمیزش جنسی می نماید
- ۲۴۵ ..... اشاره
- ۲۴۶ ..... ۱ - مجازات و تنبیه معنوی
- ۲۴۸ ..... ۲ - مجازات و تنبیه حقوقی
- ۲۴۸ ..... اشاره

- ۲۴۸ ----- محرومیت از ازدواج نمودن با زنان پاکدامن - قبل از توبه کردن
- ۲۴۹ ----- محرومیت از ازدواج نمودن با بعضی از زنان
- ۲۵۰ ----- تبعید شدن و محرومیت از حضور در شهر
- ۲۵۰ ----- محرومیت از دیه و خونبها
- ۲۵۰ ----- محرومیت از قبول گواهی و شهادت
- ۲۵۱ ----- ۳ - مجازات و تنبیه جسمی و بدنی
- ۲۵۲ ----- ۴ - آثار سوء و عواقب شوم در دنیا
- ۲۵۲ ----- آبرو را از بین می برد
- ۲۵۲ ----- اجل و مرگ را نزدیک می سازد
- ۲۵۲ ----- اعمال نیک را از بین می برد و آن را نابود می سازد
- ۲۵۳ ----- برکت رزق را از بین می برد
- ۲۵۳ ----- جنایت بزرگی بشمار می آید
- ۲۵۳ ----- خیر و برکت را از بین می برد
- ۲۵۴ ----- خرابی و نابودی شهرها را در پی دارد
- ۲۵۴ ----- خشم و غضب خداوند متعال را موجب می گردد
- ۲۵۵ ----- درهای آسمان را به روی دعا می بندد
- ۲۵۵ ----- دشمنی خداوند متعال را موجب می گردد
- ۲۵۶ ----- رزق و روزی را از بین می برد
- ۲۵۷ ----- سرایت آثار سوء به نوامیس و مورد تعرض قرارگرفتن آنها
- ۲۵۹ ----- سرایت آثار سوء به نسل و تبار
- ۲۵۹ ----- شایستگی نداشتن برای عفو و آمرزش
- ۲۶۰ ----- شکایت زمین
- ۲۶۰ ----- عذاب و عقوبت در قبر
- ۲۶۱ ----- فقر و تنگدستی را موجب می گردد
- ۲۶۱ ----- فساد و تباهی را بوجود می آورد
- ۲۶۲ ----- کیف و عقوبت

- لذت آمیزش با همسر را از بین می برد ..... ۲۶۲
- مسخ شدن ..... ۲۶۳
- نفرین آسمان و زمین بر آنها ..... ۲۶۴
- نور چهره آنها از بین می رود ..... ۲۶۴
- معصیت و گناه بزرگ بشمار می آید ..... ۲۶۵
- ۵ - کیفر و عقوبت در آخرت و روز قیامت ..... ۲۶۶
- اشاره ..... ۲۶۶
- محرومیت از وارد شدن به بهشت و سکونت در آن ..... ۲۶۶
- محرومیت از استشمام بوی بهشت ..... ۲۶۶
- حسابرسی سخت از آنها ..... ۲۶۷
- پاک نشدن و مورد تزکیه قرار نگرفتن آنها ..... ۲۶۷
- محرومیت از نگاه رحمت آمیز الهی به آنها ..... ۲۶۷
- سخن نگفتن خداوند عزّ و جلّ با آنها ..... ۲۶۸
- خشم و غضب خداوند عزّ و جلّ بر آنها ..... ۲۶۸
- بوی گند و متعفن داشتن آنها ..... ۲۶۹
- مورد لعن و نفرین قرارگرفتن آنها ..... ۲۷۲
- عذاب و عقوبت ..... ۲۷۳
- سکونت در آتش جهنّم ..... ۲۷۴
- زن نمائی ..... ۲۷۵
- مردی که خود را به صورت زن در می آورد و رفتار زنانه دارد ..... ۲۷۵
- اشاره ..... ۲۷۵
- ۱ - آرایش و زینت زنانه داشتن ..... ۲۷۵
- ۲ - نازک کردن صدا مانند صدای زنان ..... ۲۷۶
- ۳ - پوشیدن لباس زنانه ..... ۲۷۶
- ۴ - رفتار و سلوک و اطوار زنانه داشتن ..... ۲۷۷
- ۵ - مختّث بودن ..... ۲۷۷

- ۲۷۸ ..... آثار سوء و عواقب شوم در دنیا
- ۲۷۸ ..... لعن و نفرین الهی بر آنها
- ۲۷۹ ..... لعن و نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله بر آنها
- ۲۸۰ ..... عذاب و کیفر در دنیا
- ۲۸۱ ..... کیفر و عقوبت در آخرت و روز قیامت
- ۲۸۲ ..... سبیل بلند داشتن
- ۲۸۲ ..... مردی که موی سبیل خود را بیش از حدّ و اندازه بلند می گذارد
- ۲۸۵ ..... شراب خواری
- ۲۸۵ ..... مردی که شرابخوار می باشد
- ۲۸۶ ..... ظلم نمودن به زن
- ۲۸۶ ..... مردی که به زنی ظلم کند
- ۲۸۷ ..... عقیم کردن
- ۲۸۷ ..... مردی که خود را عقیم می سازد
- ۲۸۸ ..... غیرت نداشتن
- ۲۸۸ ..... مردی که غیرت ندارد
- ۲۸۹ ..... قبول نمودن دعوت زن نامحرم برای انجام گناه
- ۲۸۹ ..... مردی که دعوت زن نامحرم برای انجام گناه را اجابت می کند
- ۲۹۰ ..... کتک زدن زن
- ۲۹۰ ..... مردی که زنی را کتک زد
- ۲۹۲ ..... کثیفی و ژولیدگی
- ۲۹۲ ..... مردی که کثیف و ژولیده می باشد و به نظافت شخصی نمی پردازد
- ۲۹۳ ..... لمس نمودن زن نامحرم
- ۲۹۳ ..... مردی که زن نامحرمی را لمس می کند
- ۲۹۵ ..... لواط همجنس بازی
- ۲۹۵ ..... مردی که مرتکب عمل شنیع لواط می گردد
- ۲۹۵ ..... اشاره

- ۱ - مجازات و تنبیه معنوی ..... ۲۹۶
- ۲ - مجازات و تنبیه حقوقی ..... ۲۹۷
- ۳ - مجازات و تنبیه جسمی و بدنی ..... ۲۹۸
- ۴ - آثار سوء و عواقب شوم در دنیا ..... ۳۰۰
- آثار سوء و عواقب شومی که گریبانگیر قوم حضرت لوط علیه السلام شد ..... ۳۰۰
- اشاره ..... ۳۰۰
- کور شدن چشم ..... ۳۰۱
- متلاشی شدن صورت ..... ۳۰۱
- بارش باران سنگ ..... ۳۰۲
- واژگون شدن شهر ..... ۳۰۸
- فرو رفتن شهر در قعر زمین ..... ۳۱۱
- صیحه و نهیب آسمانی ..... ۳۱۲
- وزش طوفان و تندباد ..... ۳۱۲
- دچار شدن به عذاب و عقوبت ..... ۳۱۳
- قطع شدن نسل و از بین رفتن دودمان ..... ۳۱۴
- هلاکت و نابودی ..... ۳۱۵
- آثار سوء و عواقب شومی که گریبانگیر شخص همجنس باز می گردد ..... ۳۱۶
- اصابت سنگی - از سنگهایی که قوم لوط را هلاک نمود - به همجنس باز ..... ۳۱۶
- اصابت سنگی - از سنگهایی که قوم لوط را هلاک کرد - به جگر همجنس باز ..... ۳۱۷
- دچار شدن به آفت و آلودگی و درد ..... ۳۱۸
- دچار شدن به کیفری مانند کیفر قوم لوط ..... ۳۱۹
- دچار شدن به عذاب و عقوبت الهی ..... ۳۲۰
- شایستگی نداشتن برای سلام کردن به آنها ..... ۳۲۲
- شایستگی نداشتن آنها برای مجالست و همنشینی ..... ۳۲۲
- لرزیدن عرش الهی از کار آنها ..... ۳۲۲
- فساد و تباهی ..... ۳۲۳



- مورد خشم و غضب الهی قرار گرفتن آنها ----- ۳۲۳
- مورد لعن و نفرین الهی قرار گرفتن آنها ----- ۳۲۴
- مورد لعن و نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفتن آنها ----- ۳۲۷
- مسخ شدن ----- ۳۲۸
- هلاکت و نابودی ----- ۳۲۹
- فرو رفتن جنازه آنها در زمین و ملحق شدنشان به قوم لوط ----- ۳۲۹
- ۵ - کیفر و عقوبت در آخرت و روز قیامت ----- ۳۳۰
- اشاره ----- ۳۳۰
- محرومیت از وارد شدن به بهشت و سکونت در آن ----- ۳۳۰
- محرومیت از استنشام بوی بهشت ----- ۳۳۱
- محشور شدن با قوم لوط ----- ۳۳۱
- عقوبت و عذاب ----- ۳۳۲
- موی سر ژولیده و نامرتب ----- ۳۳۶
- مردی که موی سر او ژولیده و نامرتب می باشد ----- ۳۳۶
- نگاه نامشروع به زن نامحرم ----- ۳۳۸
- مردی که به زن نامحرم نگاه نامشروع می کند ----- ۳۳۸
- آثار سوء و عواقب شوم در دنیا ----- ۳۳۹
- تیر مسموم شیطان ----- ۳۳۹
- افتادن در دام شیطان ----- ۳۴۰
- تهییج و تحریک شهوت و افتادن به دام گناه ----- ۳۴۰
- حسرت ----- ۳۴۱
- در معرض لعن و نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفتن ----- ۳۴۱
- رسوائی و فضیحت ----- ۳۴۲
- فتنه و آشوب ----- ۳۴۲
- قبول نشدن نماز ----- ۳۴۴
- قبول نشدن روزه ----- ۳۴۴

- ۳۴۵ ..... نگاه متقابل نامحرمان به نوامیس او
- ۳۴۶ ..... هلاکت و نابودی
- ۳۴۷ ..... کیفر و عقوبت در آخرت و روز قیامت
- ۳۴۸ ..... وارد شدن بدون اجازه بر مادر یا خواهر
- ۳۴۸ ..... مردی که بدون اذن و اجازه و خبر بر مادر یا خواهر خود وارد می شود
- ۳۵۴ ..... وسواس داشتن
- ۳۵۴ ..... مردی که وسواس دارد
- ۳۵۶ ..... درباره مرکز

## مردان رحمت شده و مردان نفرین شده

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: مردان رحمت شده و مردان نفرین شده [کتاب] / تالیف و ترجمه هاشم ناجی جزائری

مشخصات نشر: قم: ناجی جزائری، 1390

مشخصات ظاهری: 332ص.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: چاپ 3

شماره کتابشناسی ملی: 2666879

ص: 1

اشاره

مردان رحمت شده و مردان نقرین شده

ص: 2

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين وخاتم السفراء المقربين، محمد وآله الطيبين الطاهرين المعصومين.

واللعن الدائم على أعدائهم أجمعين من الآن الى قيام يوم الدين.

کتاب حاضر جلد دیگری از سری مجموعه: رحمت شدگان و نفرین شدگان (1) بشمار می آید که با نام:

مردان رحمت شده و مردان نفرین شده

چاپ و منتشر گشته و تقدیم هموطنان عزیز شده است.

امید است که مطالعه این کتاب و بکارگیری مطالب آن راهگشای زندگی و موجب سعادت دنیا و آخرت گردد.

و با بررسی و تحقیق بیشتر می توان. اخبار و احادیث شریف دیگری را - که مناسب این موضوع می باشد - پیدا کرده و مورد استفاده قرار داده و به این کتاب اضافه نمود.

ص: 3

---

1- - بحمدالله تعالی - تا کنون - چهار جلد از این مجموعه چاپ و منتشر شده است: 1) همسران رحمت شده و همسران نفرین شده. 2) پدران و مادران رحمت شده و پدران و مادران نفرین شده. 3) فرزندان رحمت شده و فرزندان نفرین شده. 4) زنان رحمت شده و زنان نفرین شده.

کتاب حاضر شامل دو بخش زیر می باشد:

1 - مردان رحمت شده.

2 - مردان نفرین شده.

اگر چه این کتاب - در ظاهر - اختصاص به موضوعاتی دارد که مربوط به مردان می باشد.

اما بسیاری از مطالب ذکر شده در آن می تواند مورد استفاده زنان نیز قرار گیرد.

لازم به ذکر است که گاهی انسان عمل نیک و پسندیده ای را انجام می دهد اما از قدر و منزلت آن کار آگاهی ندارد. لذا با مشاهده و مواجهه با اندک مشکلی. سست شده و آن عمل را رها نموده. و یا بدون داشتن انگیزه. آن را ادامه می دهد.

ولی اگر این عمل خیر را با آگاهی و معرفت و شناخت و بصیرت انجام دهد - و نسبت به آثار و برکات و پیامدهای نیک آن در دنیا. و اجر و ثواب آن در آخرت علم و آگاهی داشته باشد - انگیزه و شوق و اشتیاق او برای انجام آن عمل نیک و ادامه آن افزون می گردد.

و با این بصیرت و آگاهی و شناخت است که ثمردهی و نتیجه بخشی آن عمل - به مراتب - بیشتر خواهد بود. و در این صورت است که رویارویی با مشکلات - و احیاناً - طعنه و مسخره کردن دیگران. او را در ادامه آن کار نیک - و به نتیجه رساندن آن - سست و خسته و ملول نخواهد ساخت.

و گاهی انسان عمل زشت و ناپسندی را - بدون داشتن آگاهی و بصیرت کامل نسبت به آثار سوء و عواقب شوم آن در دنیا. و عقوبت و کیفر آن در آخرت - مرتکب می شود.

اما اگر به عواقب شوم دنیوی. و کیفر اخروی آن اعمال ناپسند آگاهی داشته باشد - یقیناً - از ارتکاب آن عمل زشت دست برداشته و چشم پوشی خواهد نمود.

1 - کتاب حاضر در بردارنده ترجمه احادیث اهل بیت علیهم السلام و برگردان کلمات معصومین علیهم السلام به زبان فارسی است. و نگارنده آن - در این جهت - خود را مصون از خطا و اشتباه ندانسته، وجود نارسایی در لابه لای بعضی از جملات و احتمال خطا در نگارش بعضی از کلمات را - در این کتاب - دور از انتظار نمی داند. و لذا عذر تقصیر به پیشگاه باری تعالی برده - و به همین خاطر - به درگاه ذات ربوبی عزّ وجلّ استغفار نموده و از ساحت مقدّس اهل بیت علیهم السلام طلب عفو و بخشش می نماید.

و از خوانندگان عزیز و گرامی نیز انتظار اغماض و چشم پوشی را دارد.

و از جمله اموری که بر سختی ترجمه حدیث و کلام منسوب به معصومین علیهم السلام می افزاید. عبارت از این امر است که گاهی متن یک حدیث ذکر شده. - در دو مصدر و کتاب - به دو گونه مختلفی نقل گردیده است.

و لذا نگارنده این کتاب - در امثال این موارد - سعی کرده تا بین آن دو گونه نقل تلفیقی ایجاد کرده و مضمون و مفهوم به دست آمده - از آن دو نقل - را به عنوان نگارش و ترجمه ای آزاد ذکر نماید(1).

ص: 5

---

1- - عن داود بن فرقد قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إني أسمع الكلام منك. ف ارید أن أرويه - كما سمعته منك - فلا يجيء (1). قال عليه السلام: فتعمد (2) ذلك؟ قلت: لا. فقال عليه السلام: تريد المعاني؟ قلت: نعم. قال عليه السلام: فلا بأس (الكافي ج 1 ص 51 وفي بحار الأنوار ج 2 ص 164 نقله عن الكافي). عن محمد بن مسلم قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: أسمع الحديث منك - فأزيد و أنقص -؟ قال عليه السلام: إن كنت تريد معانيه. فلا بأس (الكافي ج 1 ص 51). (1) في بحار الأنوار هكذا: فلا يجيء ذلك. (2) في بحار الأنوار هكذا: فتعمد.

2 - لازم به ذکر است که ترجمهٔ یک متن - از زبانی به زبان دیگر - به مراتب سخت تر و پرمسئولیت تر از تألیف یک متن مستقل می باشد.

و این سخن که: کار ترجمه از تألیف مشکل تر است. کلامی مبالغه آمیز نخواهد بود.

بویژه اگر این ترجمه مربوط به احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام باشد.

و لذا باید گفت: که ترجمه. تفسیر و تبیین کلام معصومین علیهم السلام - کما هو حقّه - برای احدی میسر و ممکن نیست. زیرا فهم گنه و لب کلام معصومین علیهم السلام و درک حقیقت مرادشان مختصّ خود معصومین علیهم السلام می باشد.

3 - از خدای متعال تمّنًا دارم تا پدر. مادر. اعضای خانواده و اساتید و مشایخ اجازه و ذوی الحقوق و کلیهٔ عزیزانی که اینجانب را تشویق نموده و در چاپ و نشر این کتاب مشارکت داشته اند در برکات و خیرات دنیوی و اجر و ثواب اخروی این تألیف. سهیم و شریک گرداند.

4 - از همسر گرامی و محترمه ام، بخاطر حوصلهٔ زیادی که از خود نشان داده، و با حفظ آرامش محیط خانه، موجبات آسودگی خاطر اینجانب را - در وقت تألیف این کتاب - فراهم ساخته، کمال تشکر را دارم.

5 - از خوانندگان عزیز و گرامی انتظار دارم - پس از مطالعهٔ این کتاب - با راهنمایی ها و پیشنهادات و انتقادات سازندهٔ خود. اینجانب را در هر چه بهتر عرضه نمودن این مجموعه یاری دهند.

قبلاً از بذل محبت و راهنمایی و همفکری یکایک آن عزیزان کمال تشکر و قدردانی و سپاسگزاری را دارم. و الحمد لله رب العالمین

سیّد هاشم ناجی موسوی جزایری



اجازة روايت حضرت آيه الله العظمى ميرزا هاشم آملی - رضوان الله تعالى عليه - به مؤلف

ص:7

اجازة روایت حضرت آیه الله العظمی میرزا محمدتقی مجلسی اصفهانی - دامت برکاته - به مؤلف

ص: 8

## یادداشتی از جناب آقای دکتر محسن روز رُخ - دام توفیقه -

ریاست محترم بیمارستان مفید

بسم الله الرحمن الرحيم

در دنیای امروز بحران های متعددی جوامع بشری را در بر گرفته. و آن را به سوی انحطاط می کشاند.

از مهمترین عوامل این بحرانها - همانا - عدم پایبندی به اصول اخلاقی و دور شدن از معنویات می باشد.

معضلات اجتماعی امروز دنیا نیز ناشی از عدم تعهد به اخلاق و کرامت انسانی است.

علل تمام جنگها - سوداگری های ضد بشری. فسادها و رشوه خواریهها. فحشا و جنایات - کم رنگ شدن اخلاق و نبود معنویات در بشر است.

به همین خاطر است که انبیای الهی علیهم السلام - قبل از هر چیز - در راه تکامل اخلاقی بشر و تعالی معنوی او سعی و تلاش نموده اند.

و سخن گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود:

اِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

شاهدی بر این حقیقت است.

هدف نهایی تمام فرامین الهی. الزام انسانها به رعایت اصول اخلاقی می باشد.

و شرع مقدّس اسلام - که کاملترین قوانین و مقرّرات را در بر دارد - از کوچکترین نکته ای که برای زندگی سعادت‌مندانه بشر لازم می باشد غافل نبوده است.

ص:9

این دین حنیف نه تنها برای انسانها بلکه برای حیوانات و گیاهان - و به طور کلی محیط زیست - نیز برنامه ریزی کرده و مقررات و قوانین خاصی برای هر یک از آنها تدوین و تعیین کرده است.

و این مقررات و قوانین در ضمن آیات مبارکه قرآنی و اخبار و احادیث پیامبر گرامی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام گنجانده شده است.

بدیهی است که عمل نمودن به آنها موجب آرامش قلبی و پاکی روح و گشایش در امور مادی می گردد.

و در این مورد کتب مختلف و جزوات متفاوتی تدوین گشته و تألیف شده است.

مجموعه کتب تألیف و ترجمه شده توسط حجه الاسلام والمسلمین آقای سید هاشم ناجی جزایری نمونه گویا و کاملی است برای رسیدن به قلّه های سعادت و دستیابی به سرچشمه های فضائل اخلاقی انسانیت.

کتاب حاضر که در بردارنده سخنان ائمه معصومین علیهم السلام و بزرگان دین می باشد راه رسیدن به اهداف متعالی فوق را ارائه می دهد.

توفیق و سلامتی مؤلف محترم را از خداوند متعال خواستاریم.

دکتر محسن روزرخ

فوق تخصص جراحی کودکان

تهران - 1389

ص: 10





**احترام گذاشتن به بانوان و گرامی داشتن آنها**

**مردی که به بانوان احترام می‌گذارد و آنها را گرامی می‌دارد**

1 - راوی می‌گوید: روزی زنی به مجلسی که در آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضور داشت وارد شد. اما جایی را برای نشستن پیدا نکرد.

در این حین مردی از جای خویش برخاسته و جای خود را به آن زن داد.

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن مرد فرمود: آیا این زن مادر تو می‌باشد؟

آن مرد گفت: خیر.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن مرد فرمود: آیا این زن خواهر تو می‌باشد؟

آن مرد گفت: خیر.

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن مرد فرمود: تو این زن را مورد رحمت خودت قرار دادی. خدای متعال تو را نیز مورد رحمت قرار دهد.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دوباره به آن مرد فرمود: تو این زن را مورد رحمت خود قرار دادی خداوند عزّ و جلّ تو را مورد رحمت قرار دهد(1).

ص: 13

---

1- - عن ابن المنکدر: انّ امرأه أتت النبیّ صلی الله علیه و آله فلم تجد مجلساً. فقام رجل من مجلسه. فجاءت. فجلست. فقال النبیّ صلی الله علیه و آله: امّک هی؟ قال: لا. قال صلی الله علیه و آله: اختک؟! قال: لا. قال صلی الله علیه و آله: ف رحمتها. رحمک الله. ف رحمتها. رحمک الله عزّ و جلّ (کتاب العیال لابن أبی الدنیا ص 209 منشورات دارالوفاء).

2 - امام صادق علیه السلام فرمود: بدرستی که خداوند عزّ وجلّ زیبایی و آراستگی را دوست دارد.

و از ژولیده گی و شلخته گی متنفر است (1).

3 - امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: خود را آراسته نما. زیرا خداوند متعال زیبا است و او زیبایی را دوست دارد.

و لازم است که این آراستگی. حلال باشد (2).

4 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بر شما لازم است که خودتان را برای برادر دینی خود آراسته سازید (3) همانگونه که در مقابل شخصی که غریب است خود را آراسته می سازید (4).

ص: 14

---

1 - قال الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ الله عزَّ وجلَّ يحبُّ الجمال و التَّجَمُّل. و يبغض البؤس و التَّبَاؤُس (الكافي ج 6 ص 440 و الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام ص 354 الباب 95).

2 - قال الإمام الصادق عليه السلام لرجل: ... ألبس و تجمّل. فإنَّ الله جميل. يحبُّ الجمال. و ليكن من حلال (الكافي ج 6 ص 442 و وسائل الشيعة ج 5 ص 6).

3 - یعنی: لازم است خود را برای افراد خودی و نزدیک نیز آراسته سازید. زیرا بعضی از اشخاص - به بهانه خودمانی بودن - با وضع غیر آراسته ای در برابر افراد خودی ظاهر می شوند.

4 - قال أمير المؤمنين عليه السلام: ل يتزيّن أحدكم لأخيه المسلم. كما يتزيّن للغريب الذي يحبُّ أن يراه في أحسن الهيئه (الكافي ج 6 ص 440 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 220).



5 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - هنگام روبرو شدن با اصحاب و یارانش - خود را آراسته می ساخت.

و آن حضرت. خود را برای اهل خانه اش نیز آراسته می نمود(1).

6 - روزی مردی کنار درب خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آمده. و از آن حضرت. اجازه ملاقات خواست. آن حضرت - قبل از آنکه با آن مرد دیدار کند - خود را مرتب و آراسته نمود.

پس از آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدار آن مرد بازگشت. عایشه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: - یا رسول الله - شما سرور فرزندان آدم و پیامبر خدا می باشید. چرا قبل از دیدار با این مرد. در برابر آینه قرار گرفتید و خود را آراسته ساختید؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عایشه فرمود: - ای عایشه - بدرستی که خداوند متعال دوست دارد هنگامیکه بنده مؤمنی برای دیدار برادر مؤمن خود می رود. خود را آراسته نماید. و زیبا سازد(2).

7 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بدرستی که خداوند متعال زیبا است.

و او زیبایی را دوست دارد(3).

ص: 15

1- - لقد كان (رسول الله صلى الله عليه وآله) يتجمل لأصحابه فضلاً على تجملهم لأهله (مكارم الأخلاق ج 1 ص 84).

2- - قال الإمام الباقر عليه السلام: وقف رجل على باب النبي صلى الله عليه وآله يستأذن عليه. فخرج النبي صلى الله عليه وآله فوجد في حجرته ركوه فيها ماءً. فوقف يسوي لحيته و ينظر إليها. فلما رجع داخلاً. قالت له عائشه: - يا رسول الله - أنت سيد ولد آدم. و رسول رب العالمين. و قفت على الركوه. تسوي لحيتك و رأسك؟ فقال صلى الله عليه وآله: - يا عائشه - إن الله يحب إذا خرج عبده المؤمن - إلى أخيه - أن يتهيأ له. و أن يتجمل (مكارم الأخلاق ج 1 ص 218). كان رسول الله صلى الله عليه وآله ينظر في المرآه. و يرجل جمته و يتمشط. و ربما نظر في الماء و سوي جمته فيه (مكارم الأخلاق ج 1 ص 84).

3- - قال أميرالمؤمنين عليه السلام: إن الله عز و جل جميل. يحب الجمال (الكافي ج 6 ص 438 و الخصال ص 612 و دعائم الإسلام ج 2 ص 155 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 231).

8 - حسن بن جهم می گوید: بر امام کاظم علیه السلام وارد شدم و دیدم که آن حضرت خود را آراسته نموده و محاسنشان را خضاب کرده است.

به آن حضرت گفتم: چه‌رۀ شما را آراسته می بینم.

آن حضرت علیه السلام فرمود: آراستگی اجر و ثواب دارد.

زیرا آراسته بودن یک مرد موجب ازدیاد عفت همسر او می گردد.

و بعضی از زنان بخاطر آراسته نبودن مردهایشان - و بی توجهی به آنها - از مسیر عفاف منحرف شده اند(1).

ص:16

---

1- - عن الحسن بن الجهم قال: دخلت على أبي الحسن عليه السلام - وقد اختضب بالسواد - فقلت: أراك قد اختضبت بالسواد؟ فقال عليه السلام: إن في الخضاب أجراً. والخضاب و التهيئه مما يزيد الله عز وجل في عفه النساء. و لقد ترك النساء. العفه. بترك أزواجهن - لهن - التهيئه (الكافي ج 6 ص 480). (راجع: مكارم الأخلاق ج 1 ص 184). دخل الحسن بن جهم على أبي الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام و قد اختضب بالسواد. فقال عليه السلام: إن في الخضاب أجراً. و الخضاب و التهيئه مما يزيد الله عز وجل في عفه النساء. و لقد ترك نساء العفه. بترك أزواجهن التهيئه (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 69). عن الحسن بن جهم قال: رأيت أبا الحسن عليه السلام اختضب. فقلت: - جعلت فداك - اختضبت؟ فقال عليه السلام: نعم. إن التهيئه مما يزيد في عفه النساء. و لقد ترك النساء العفه. بترك أزواجهن التهيئه. ثم قال عليه السلام: أيسرُك أن تراها على ما تراك عليه - إذا كنت على غير تهيئه -؟ قلت: لا. قال عليه السلام: فهو ذاك. ثم قال عليه السلام: من أخلاق الأنبياء عليهم السلام: التنظف و التطيب و حلق الشعر و كثره الطروقه (الكافي ج 5 ص 567).

9 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بدرستی که خداوند متعال دوست دارد که بنده او هنگامیکه می خواهد به دیدار برادران خود برود، خود را آراسته سازد و زیبا نماید(1).

10 - در حدیث آمده است: بر شما لازم است که - در روز جمعه - غسل کنید.

و خود را آراسته سازید.

و از بوی خوش استفاده نمائید.

و موهای خود را شانه کنید.

و لباس تمیز بپوشید.

و برای نماز جمعه خود را آماده سازید.

و شایسته است که - در آن روز - با سکینه و وقار باشید. و اعمال خیر انجام دهید.

زیرا خداوند متعال در این روز با نگاه رحمت بر بندگان خود نظر می افکند. تا حسنات آنها را فزونی می بخشد(2).

ص: 17

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله يحب من عبده - إذا خرج إلى إخوانه - أن يتهيأ لهم. و يتجمل (مكارم الأخلاق ج 1 ص 85).

2- قال الإمام الصادق عليه السلام: ليتزين أحدكم - يوم الجمعة - و يغتسل. و يتطيب. و يتسرح. و يلبس أنظف ثيابه. و ليتهيأ للجمعه. و ليكن عليه - في ذلك اليوم - السكينة و الوقار. و ليحسن عباده ربه. و ليفعل الخير ما استطاع. فإن الله جل ذكره يطلع على الأرض. ليضعف الحسنات (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 64).

### مردی که در منزل اذان می گوید

11 - محمد بن راشد می گوید: هشام بن ابراهیم به من گفت: من از بیماری خود و اینکه صاحب فرزند نمی گردم به امام رضا علیه السلام شکوه کردم.

امام رضا علیه السلام به من فرمود: در منزل - با صدای بلند - اذان بگو.

هشام بن ابراهیم می گوید: من پس از آنکه این کار را انجام دادم. خدای متعال مرا از بیماری شفا داده و فرزندان زیادی به من کرامت فرمود.

سپس محمد بن راشد می گوید: من نیز همیشه درگیر بیماری و مریضی بودم.

و کسانی که با من در خانه زندگی می کردند نیز بیمار و مریض بودند. بگونه ای که من تنها می ماندم و شخصی نبود که به من خدمت کند.

هنگامیکه این حدیث را از هشام شنیدم. به کاری که امام علیه السلام فرموده بود پرداختم.

پس آنگاه خداوند عزوجل بیماریها را از من و خانواده ام دور ساخت - والحمدلله - (1).

ص: 18

---

1- - محمد بن راشد قال: حدّثنی هشام بن ابراهیم: أنّه شكّا إلى أبي الحسن (الرضا عليه السلام) (1) سقمه. و أنّه لا يولد له (ولد) (2). فأمره أن يرفع صوته بالأذان - في منزله - قال: ففعلت. فأذهب الله عني سقمي و كثر ولدي. قال محمد بن راشد: و كنت دائم العله - ما أنفك منها - في نفسي - و جماعه خدمي - و عيالي (حتّى أني كنت أبقى وحدى و ما لي أحد يخدمني) (3). فلمّا سمعت ذلك - من هشام - عملت به. فأذهب الله عني - و عن عيالي - العلل. (و الحمد لله) (4) (الكافي ج 3 ص 308 و الكافي ج 6 ص 10). (راجع: الفقيه ج 1 ص 189). (1 و 2) ما بين القوسين لم يذكر في الكافي ج 6. (3 و 4) ما بين القوسين لم يذكر في الكافي ج 3.

12 - سلیمان جعفری می گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: در منزل خود اذان بگو.

زیرا این کار شیطان را فراری می دهد(1).

13 - مردی از فقر و نداری خود به امام صادق علیه السلام شکوه نمود.

امام صادق علیه السلام به او فرمود: هنگامی که صدای اذان را می شنوی. اذان بگو(2).

14 - پیامبر اکرم علیه السلام فرمود: بدرستی که خدای متعال نسیمی را مأمور کرده که صدای اذان را به آسمان ببرد.

و هنگامی که ملائکه صدای اذان را از اهل زمین می شنوند می گویند: این صدای امت محمد صلی الله علیه و آله است که به یگانگی خدا اقرار می کنند.

و آن ملائکه تا پایان آن نماز برای افراد این امت استغفار می کنند(3).

ص: 19

---

1- - عن سلیمان الجعفری قال: سمعته علیه السلام يقول: أذن فی بیتک. فإنه یطرد الشیطان. و یتحبّ من أجل الصبیان (1) (الكافی ج 3 ص 308).

2- - شکی رجل إلى أبی عبد الله علیه السلام الفخر. فقال علیه السلام: أذن - کما سمعت الأذان - كما يؤذن المؤذن (مکارم الأخلاق ج 2 ص 150). (راجع: الدعوات للشیخ الراوندی - علیه الرحمه - ص 116).

3- - عن أبی عبد الله علیه السلام قال: کان طول حائط مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله قامه. فكان صلی الله علیه و آله یقول لبلال - إذا دخل الوقت -: - یا بلال - اعل فوق الجدار. و ارفع صوتک بالأذان. فإنّ الله قد وکل بالأذان ریحاً ترفعه إلى السماء. و إنّ الملائکه إذا سمعوا الأذان من أهل الأرض قالوا: هذه أصوات امّه محمد بتوحید الله عزّ وجلّ. و یتغفرون (2) لأمه محمد صلی الله علیه و آله حتّی یفرغوا من تلك الصلاه (الكافی ج 3 ص 307 و المحاسن ج 1 ص 120). روى إنّ الملائکه - إذا سمعت الأذان من أهل الأرض - قالت: هذه أصوات امه محمد. بتوحید الله. فیتغفرون الله لأمه محمد صلی الله علیه و آله حتّی یفرغوا من تلك الصلاه (من لا یحضره الفقیه ج 1 ص 186). عن محمد بن مروان قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام یقول: المؤذن یغفر له مدى صوته. و یشهد له کلّ شیء سمعه (الكافی ج 3 ص 307). (1) أی: لا یتولی علیهم الشیطان و یضربهم (نقلاً عن هامش الكافی). (2) فی المحاسن هكذا: فیتغفرون الله.

(1)

15 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که بخواهد خداوند متعال را - در حالی که پاک و پاکیزه است - ملاقات کند. بر او لازم است که با زن شایسته ای ازدواج نماید.

تا پاکدامنی خود را - بوسیله این ازدواج - تداوم بخشد(2).

16 - امام سجّاد علیه السلام فرمود: شخصی که برای امتثال امر الهی ازدواج می کند و بوسیله این کار موجب انجام صلّه رحم می گردد. خدای متعال - در روز قیامت - تاج مُلک را بر سر او قرار خواهد داد(3).

ص: 20

- 
- 1- - برای اطلاع از آثار و برکات و ثمرات ازدواج به کتاب: همسران رحمت شده و همسران نفرین شده مراجعه فرمائید.
  - 2- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من سرّه أن یلقى الله طاهراً مطهراً. فلیلقه بزوجه (1) (من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 243 و مکارم الأخلاق ج 1 ص 433). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من أحبّ أن یلقى الله طاهراً مطهراً. فلیلقه (2) بزوجه (3) (روضه الواعظین ج 2 ص 257 و الجعفریات ص 154 والنوادر للسید فضل الله الراوندی - علیه الرحمه - ص 113). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من أحبّ أن یلقى الله طاهراً مطهراً. فلیتعمّف بزوجه (دعائم الإسلام ج 2 ص 189).
  - 3- - (قال الإمام السجّاد علیه السلام): من زوّج لله - و وصل الرحم - توجّه الله بتاج الملك یوم القیامه (مشکاه الأنوار ج 1 ص 372). (1) فی نسخه من مکارم الأخلاق: بزوجه صالحه. (2) فی الجعفریات و النوادر: فلیلقاه. (3) فی النوادر: بزوجه.

17 - امام سجّاد علیه السلام فرمود: شخصی که برای رضای خدا و انجام صلّه رحم ازدواج کند خدای متعال تاج کرامت و ملک را بر سر او قرار خواهد داد(1).

18 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شیطان برای فریب مردان پارسا، سلاحی برّنده تر و کارا تر از زنان بد ندارد.

او بوسیله آنها مردان صالح را فریب می دهد مگر آن مردانی که ازدواج کرده باشند.

آنان پاک بوده و از گناه و بدی دور می باشند(2).

19 - امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدای عزّ و جلّ می فرماید:

چنانچه بخواهم برای مردی خیر دنیا و آخرت را جمع نمایم به او: قلبی خاشع.

و زبانی ذاکر. و بدنی که - در هنگام بلا - صابر باشد می دهم.

و زن با ایمانی به او کرامت خواهم نمود.

زنی که در وقت دیدن او مسرور و خوشحال می گردد.

و در غیاب او پاکدامنی خود و مال همسرش را حفظ می کند(3).

ص: 21

---

1- - قال الإمام السجّاد علیه السلام: من تزوّج لله عزّ و جلّ و لصله الرحم توجّه الله بتاج (1) الملك والكرامه (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 243). (راجع: مكارم الأخلاق ج 1 ص 433 و عوالی اللئالی ج 3 ص 301).

2- - (قال رسول الله صلى الله عليه وآله): ما للشيطان سلاح أبلغ في الصالحين - من النساء - إلا المتزوّجون. أولئك المطهّرون المبرّؤون من الخنا (مستدرک الوسائل ج 14 ص 159).

3- - قال الإمام الباقر علیه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: قال الله عزّ و جلّ: إذا أردت أن أجمع للمسلم خير الدنيا والآخرة. جعلت له قلباً خاشعاً. و لساناً ذاكراً. و جسداً - على البلاء - صابراً. و زوجه مؤمنه تسره إذا نظر إليها. و تحفظه - إذا غاب عنها - في نفسها و ماله (الكافي ج 5 ص 327). (1) في عوالی اللئالی: تاج.

20 - امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز در دنیا وجود دارد که در هر زمان گرانها می باشد:

1 - برادری و اخوتی که در راه خدا باشد.

2 - همسر شایسته ای که دارای الفت و محبت بوده و کمک حال دینداری شوهرش می باشد.

3 - فرزند برومند.

شخصی که این سه چیز را داشته باشد. خیر دنیا و آخرت را خواهد داشت.

و بهترین بهره را در دنیا و آخرت برده است(1).

21 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی فرمود: ازدواج کن. بدرستی که ازدواج مایه برکت بوده و باعث افزونی پاکدامنی می گردد(2).

22 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی فرمود: ازدواج کن. در این صورت است که بر پاکدامنی تو افزوده می گردد(3).

ص: 22

---

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: ثلاثة أشياء في كل زمان عزيزة. وهي: الإخاء في الله تعالى. و الزوجه الصالحه الأليفه. تعينه في دين الله عز وجل. و الولد الرشيد. و من وجد الثلاثة. فقد أصاب خير الدارين و الحظ الأوفر من الدنيا و الآخرة (مصباح الشريعة ص 150 الباب: 71).

2- - (قال رسول الله صلى الله عليه و آله لرجل): تزوج. فإن في التزويج بركة و التعفف مع عفتك (جامع الأخبار ص 274).

3- - (قال رسول الله صلى الله عليه و آله لرجل): تزوج. تستعف \* مع عفتك... (الخصال ص 316 و معاني الأخبار ص 318 و روضه الواعظين ج 2 ص 262 و عوالي اللئالی ج 3 ص 302). \* في عوالي اللئالی: تستعفف.



23 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برای مرد مسلمان - پس از ایمان داشتن - هیچ چیزی پرفایده تر از داشتن همسری با ایمان نیست.

زنی که همسرش از دیدن او خوشحال می گردد. و فرمان او را اطاعت می کند.

و در وقت غیبت همسر. پاکدامنی خود و دارائی شوهرش را حفظ می نماید(1).

24 - امام صادق علیه السلام فرمود: از جمله چیزهایی که موجب راحتی مؤمن می گردد.

وجود همسر شایسته ای است که او را در امر دنیا و آخرت یاری می دهد(2).

25 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از جمله نشانه های سعادت مرد آن است که دارای همسری شایسته باشد(3).

ص: 23

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما استفاد إمراً مسلم فأنده - بعد الإسلام - أفضل من زوجه مسلمه. تسره إذا نظر إليها. و تطيعه إذا أمرها. و تحفظه - إذا غاب عنها - في نفسها و ماله (الكافي ج 5 ص 327 و من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 258 و تهذيب الأحكام ج 7 ص 287 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 438 و روضه الواعظين ج 2 ص 258). قال الإمام الصادق عليه السلام: ما أفاد عبداً فأنده خيراً من زوجه صالحه. إذا رآها سرتّه. و إذا غاب عنها حفظته في نفسها و ماله (الكافي ج 5 ص 327 و قرب الاسناد ص 20).

2- - (قال الإمام الصادق عليه السلام): ثلاثة للمؤمن فيهنّ \* راحه: ... و امرأه صالحه تعينه على أمر الدنيا والآخرة... (الخصال ص 159). (راجع: الكافي ج 5 ص 327 و الكافي ج 6 ص 525 و عوالي اللئالي ج 3 ص 295 و المحاسن ج 2 ص 449 و مشكاة الأنوار ج 2 ص 182). في مشكاة الأنوار هكذا: ثلاثة فيهنّ للمؤمن راحه. \* في الكافي: فيها.

3- - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من سعادة المرء. الزوجه الصالحه (الكافي ج 5 ص 327 و دعائم الإسلام ج 2 ص 195). (قال رسول الله صلى الله عليه وآله): أربعة من سعادة المرء: الخلطاء الصالحون. و الولد البارّ. و المرأه المؤتية. و أن تكون معيشته في بلده (النوادر للسيد فضل الله الرواندي - عليه الرحمه - ص 110). (قال الإمام الصادق عليه السلام): ثلاثة من السعادة. الزوجه المؤتية. و الأولاد البارّون. و الرجل يرزق معيشته ببلده. يغدو إلى أهله و يروح (الكافي ج 5 ص 258).

26 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که در جوانی ازدواج می کند شیطان از این کار او خشمناک شده و می گوید: وای بر من.

این جوان - با این کار - دو سوّم از دین و آئین خود را از گزند و آفت من حفظ نمود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: این جوان باید - با تقوا و پرهیزکاری - باقیمانده دین و آئین خود را حفظ نماید(1).

27 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که ازدواج می کند. در حقیقت نصف دین و آئین خود را حفظ کرده است.

پس بر او لازم است که برای حفظ باقیمانده آن. تقوای الهی را پیشه خود سازد(2).

28 - امام باقر علیه السلام فرمود: بدرستی که دو رکعت نمازی را که مرد متأهل می خواند.

بهتر است از شخص مجردی که شب را به شب زنده داری مشغول. و روز را روزه دار بوده است(3).

ص: 24

1- - (قال رسول الله صلى الله عليه وآله): ما من شاب تزوّج - في حدائه سنّه - إلا عَجَّ شيطانه يقول: يا ويلاه. عصم هذا - منّي - ثلثي دينه. فليتّق الله العبد في الثلث الباقي (دعائم الإسلام ج 2 ص 190) (راجع: الجعفریات ص 153 والنوادر للسيد فضل الله الراوندي - عليه الرحمه - ص 113).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من تزوج فقد أحرز نصف دينه. فليتّق الله في النصف الباقي (الأمالي للشيخ الطوسي - عليه الرحمه - ص 518 و جامع الأخبار ص 271 و عوالي اللئالی ج 3 ص 289 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 429). (راجع: الكافي ج 5 ص 329 والفقیه ج 3 ص 241). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من تزوّج أحصن نصف دينه. فليتّق الله في النصف الباقي (عوالي 257/1). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا تزوّج الرجل أحرز نصف دينه. فليتّق الله في النصف الآخر (مستدرک الوسائل ج 14 ص 154).

3- - قال الإمام الباقر عليه السلام: الركعتان يصلّيهما رجل متزوّج. أفضل من رجل أعزب يقوم ليله و يصوم نهاره (الكافي ج 5 ص 329 و تهذيب الأحكام ج 7 ص 286). قال الإمام الباقر عليه السلام: إنّ ركعتين يصلّيهما رجل متزوّج. أفضل من رجل - يقوم ليله و يصوم نهاره - أعزب (قرب الاسناد ص 20 ح 67). قال الإمام الباقر عليه السلام: إنّ ركعتين يصلّيهما رجل متزوّج. أفضل من رجل عزب يقوم ليله و يصوم نهاره (مكارم الأخلاق ج 1 ص 431).

مردی که از عمل شنیع زنا توبه واقعی نمود

29 - شخصی به نام عبدالرحمان می گوید: روزی معاذ بن جبل در حالی که بشدت می گریست خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد. و به آن حضرت سلام کرد.

پس از آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله جواب سلام او را داد به او فرمود: - ای معاذ - چه چیزی تو را به گریه واداشته است؟

معاذ در جواب گفت: - یا رسول الله - در بیرون درب. پسر جوانی که صورت زیبا و چهره ای خوشرنگ دارد ایستاده است. و مانند زن جوان مرده ای بشدت می گرید و ناله سر می دهد.

عن عبدالرحمن بن غنم الدوسی قال: دخل معاذ بن جبل علی رسول الله صلی الله علیه و آله باکیاً.

ف سلم.

ف ردّ صلی الله علیه و آله علیه. السلام.

ثم قال صلی الله علیه و آله: ما بیکیک - یا معاذ -؟

فقال: - یا رسول الله - إنّ بالباب شاباً طریّ الجسد. نقیّ اللون. حسن الصورة.

بیکی علی شبابه - بکاء الثکلی علی ولدها -.

یرید الدخول علیک.

فقال النبی صلی الله علیه و آله: ادخل علیّ الشاب - یا معاذ -.

فأدخله علیه.

ف سلم.

ص: 25

و تقاضای آمدن به محضر شما را دارد.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معاذ فرمود: این جوان را به نزد من بیاور.

پس از دستور پیامبر صلی الله علیه و آله معاذ آن جوان را به نزد ایشان آورد.

پس از آنکه آن جوان بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد به آن حضرت صلی الله علیه و آله سلام گفت.

و پیامبر صلی الله علیه و آله جواب سلام او را داد.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: - ای جوان - چه چیزی تو را به گریه واداشته است؟

آن جوان گفت: چگونه گریه نکنم. در حالی که گناهان بسیاری مرتکب شده ام.

که اگر خدای عزّ و جلّ بخواهد مرا بخاطر بعضی از آنها مجازات کند. مسلماً جای من در آتش جهنّم خواهد بود.

و گمان می کنم که خدا مرا بخاطر گناهایی که کرده ام مجازات خواهد نمود.

و هیچگاه مرا نخواهد بخشید.

ف ردّ صلی الله علیه و آله علیه. السلام.

ثمّ قال صلی الله علیه و آله: ما یبکیک - یا شابّ -؟

قال: کیف لا أبکی.

وقد رکبت ذنوباً.

إن أخذنی الله عزّ و جلّ - ببعضها - أدخلنی نار جهنّم.

و لا أرانی إلاّ سیأخذنی بها.

و لا یغفر لی - أبداً -.

فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: هل أشركت بالله شیئاً؟

قال: أعود بالله أن أشرك برّبی شیئاً.

قال صلی الله علیه و آله: أقتلت النفس الّتی حرّم الله؟

قال: لا.



در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: آیا به خدا شرک ورزیده ای؟

آن جوان گفت: پناه بر خدا می برم اگر به او شرک ورزیده باشم.

آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: آیا مرتکب قتل نفس محترمه ای شده ای؟

آن جوان گفت: خیر.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: خداوند عزّ و جلّ گناهان تو را خواهد آمرزید اگر چه به اندازه رشته کوههای بلند باشد.

آنگاه آن جوان به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: گناهان من از کوههای به هم پیوسته نیز بیشتر است.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: خداوند متعال گناهان تو را می بخشد اگر چه به اندازه زمینهای هفتگانه و دریاها و شنزارها و درختها و تعداد مخلوقات باشد.

فقال النبی صلی الله علیه و آله: یغفر الله لك ذنوبك - وإن كانت مثل الجبال الرواسی -.

قال الشاب: فإنها أعظم من الجبال الرواسی.

فقال النبی صلی الله علیه و آله: یغفر الله لك ذنوبك - وإن كانت مثل الأرضین السبع و بحارها و رمالها و أشجارها و ما فیها من الخلق -

قال: فإنها أعظم من الأرضین السبع و بحارها و رمالها و أشجارها و ما فیها من الخلق.

فقال النبی صلی الله علیه و آله: یغفر الله لك ذنوبك - وإن كانت مثل السماوات السبع و نجومها و مثل العرش والكرسی.

قال: فإنها أعظم من ذلك.

قال: فنظر النبی صلی الله علیه و آله - إليه - ك هیئته الغضبان.

ثم قال صلی الله علیه و آله: و یحك - یا شاب - ذنوبك أعظم أم ربّك؟

ف خرّ الشاب - لوجهه - و هو یقول: - سبحان ربّی - ما شیء أعظم من ربّی.

ربّی أعظم - یا نبی الله - من كلّ عظیم.

فقال النبی صلی الله علیه و آله: ف هل یغفر الذنب العظیم إلاّ الربّ العظیم!

سپس آن جوان به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: گناهان من بیشتر از زمینهای هفتگانه و دریاها و شنزارها و درختان و تعداد مخلوقات می باشد.

آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به آن جوان فرمود: خداوند متعال گناهان تو را می بخشد. حتی اگر به اندازه آسمانهای هفتگانه و ستاره های آنها و به قدر عرش و کرسی باشد.

سپس آن جوان به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: گناهان من از اینها بیشتر می باشد.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله نگاه تند و غضبناکی به آن جوان افکنده. سپس به او فرمود:

وای بر تو - ای جوان - آیا گناهان تو بیشتر است یا رحمت الهی؟

در این هنگام آن جوان سر خود را به زیر افکنده و گفت: منزه است خدای من.

زیرا هیچ چیزی با عظمت تر از خدای عزّ و جلّ نیست.

قال الشاب: لا - و الله - یا رسول الله.

ثمّ سکت الشاب.

فقال له النبی صلی الله علیه و آله: ویحک - یا شابّ - . ألا تخبرنی ب ذنب - واحد - من ذنوبک؟

قال: بلی.

اخبرک.

إنی کنت انبش القبور - سبع سنین - . اخرج الأموات. وأنزع الأكفان.

فماتت جاریه من بعض بنات الأنصار.

فلما حملت إلى قبرها. ودفنت. و انصرف عنها أهلها. و جنّ علیها اللیل.

أتیت قبرها. ف نبشتها. ثمّ استخرجتها.

و نزع ما کان علیها من أكفانها.

و ترکتها - متجرّده - علی شفیر قبرها.

و مضیت. منصرفاً.





و پروردگار جهانیان از هر بزرگی بزرگتر است.

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: آیا جز خدای بزرگ. شخص دیگری گناهان بزرگ را می بخشد؟

آن جوان گفت: نه - بخدا -.

سپس آن جوان ساکت شد.

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: - ای جوان - آیا مرا به یکی از گناهانی که مرتکب شده ای آگاه نمی سازی.

آن جوان در جواب گفت: بله. یکی از گناهانی را که مرتکب شده ام برای شما بازگو می کنم.

فأتانی الشيطان.

فأقبل يزيئها لي.

و يقول: أما ترى بطنها؟ و بياضها؟

أما ترى وركيها؟

فلم يزل يقول لي هذا. حتى رجعت إليها.

ولم أملك نفسي حتى جامعتها.

و تركتها مكانها.

فإذا - أنا - بصوت من ورائي يقول: - يا شاب - ويل لك من ديّان يوم الدين.

يوم يقفني - و إياك - كما تركتني. عريانه في عساكر الموتى.

و نزعتنى من حفرتى. و سلبتنى أكفانى.

و تركتني أقوم - جنبه - إلى حسابى.

ف ويل لشبابك من النار.

سپس آن جوان گفت: من به مدت هفت سال قبرها را می شکافتم.

و مردگان را از آنها بیرون می آوردم.

و کفن آنها را از بدنشان جدا می کردم.

روزی از روزها دختری یکی از انصار از دنیا رفت.

هنگامی که او را به طرف قبر آورده و در آن دفن نمودند. و خانواده او در آنجا دور شدند. و شب هنگام فرارسید و تاریکی همه جا را گرفت. من به نزد قبر این دختر رفتم و آن قبر را شکافتم و بدن آن دختر را از قبر بیرون آوردم و کفن را از تن او بیرون کردم. و او را لخت و برهنه در کنار قبر قرار دادم.

هنگامی که می خواستم از آنجا دور گردم شیطان به سراغم آمده و مرا از رفتن منصرف ساخته و باوسوسه های شیطانی خود به من گفت: به اندام این دختر نگاه کن.

آیا سپیدی شکم او را نمی بینی؟ آیا رانهای او را مشاهده نمی کنی؟

فَمَا أَظُنُّ أُمَّيْ رِيحَ الْجَنَّةِ أَبَدًا.

فَمَا تَرَى لِي - يَا رَسُولَ اللَّهِ -؟

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَنَحَّ عَنِّي - يَا فَاسِقُ -.

إِنِّي أَخَافُ أَنْ أَحْتَرِقَ بِنَارِكَ.

فَمَا أَقْرَبُكَ مِنَ النَّارِ.

فَمَا أَقْرَبُكَ مِنَ النَّارِ.

ثم لم يزل صلى الله عليه وآله يقول. و يشير إليه. حتى أمعن من بين يديه. فذهب.

فأتى المدينة. فتزود منها.

ثم أتى بعض جبالها. ف تعبّد فيها.

و لبس مسحاً. و غلّ يديه - جميعاً - إلى عنقه.

و شیطان با این وسوسه ها مرا تحریک کرده بطوری که از رفتن منصرف شدم.

سپس به طرف آن دختر برگشتم.

و بدون آنکه بتوانم نفس اماره خود را مهار کنم. اسیر هواهای نفس خود شده و فریب شیطان را خوردم.

و به جسد آن دختر تجاوز نموده و با او آمیزش جنسی کردم.

و پس از انجام این عمل او را - با آن وضع - در همانجا رها کردم و از او دور شدم.

و نادى: - یا ربّ - . هذا عبدک بهلول - بین یدیک - مغلول.

- یا ربّ - أنت الذی تعرفنى.

وزلّ متی ما تعلم - یا سیّدی - .

- یا ربّ - إتی أصبحت من النادمین.

و أتیت نبیک تائباً.

ف طردنى.

وزادنى خوفاً.

فأسألك - یا سمک و جلالک و عظمه سلطانک - أن لا تخیّب رجائی - سیّدی - .

و لا تبطل دعائى.

و لا تقنطنى من رحمتک.

فلم یزل. یقول ذلک - أربعین يوماً و ليله - .

تبكى له السّباع و الوحوش.

فلما تمّت له أربعون - يوماً و ليله - رفع یدیه إلى السماء.

وقال: اللّهمّ ما فعلت فى حاجتى؟

إن كنت استجبت دعائى - و غفرت خطیئتى - . ف أوح إلى نبیک.

در این هنگام صدائی را از پشت سر خود شنیدم که بر من نهیب زده و گفت:

- ای جوان - وای بر تو از دادگاهی که در روز قیامت برپا می شود.

در آن روز من و تو - در آن دادگاه - در محضر عدل الهی حضور خواهیم یافت.

و من با این بدن برهنه در آن دادگاه از تو شکایت خواهم نمود که تو مرا از قبر خارج نمودی. و کفنم را از بدن بیرون آوردی.

و مرا در حال جنابت رها کردی.

وای بر تو - ای جوان - از آتش دوزخ.

سپس آن جوان به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: با این گناهی که مرتکب شده ام مطمئن هستم که هیچگاه بوی بهشت را نیز استشمام نخواهم نمود.

وإن لم تستجب لی دعائی.

و لم تغفر لی خطیئتی. و أردت عقوبتی.

ف عجل ب نار. تحرقنی.

أو عقوبه - فی الدنيا - تهلكنی. و خلصنی من فضیحه یوم القیامه.

فأنزل الله تبارک و تعالی علی نبیّه صلی الله علیه و آله:

والذین إذا فعلوا فاحشه.

یعنی: الزّنا.

أو ظلموا أنفسهم.

یعنی: یارتکاب ذنب أعظم من الزنا. و نبش القبور. و أخذ الأكفان.

و ذکروا الله فاستغفروا لذنوبهم.

یقول: خافوا الله. ف عجلوا التوبه.

ومن یغفر الذنوب إلا الله.

اینک چه می گوئی - یا رسول الله -؟

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: از من دور شو - ای فاسق گناهکار -.

زیرا اینک می ترسم که آتشی به سوی تو بیاید و مرا نیز با تو بسوزاند.

زیرا تو. به آتش نزدیک شده ای!

زیرا تو. به آتش نزدیک شده ای!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چندین بار این جمله را - خطاب به او - تکرار نمود.

و با دست اشاره می فرمود - و از او می خواست - که از آنجا دور شود.

آنگاه آن جوان از آنجا دور شد.

او سپس به شهر بازگشت و مقداری توشه برای خود تهیه کرده و روانه بیابان شد.

و در میانه کوهها به عبادت خدا پرداخت.

و پیراهنی که از مو بافته شده بود بر تن خود کرد.

يقول عزّ و جلّ: أتاك عبدی - یا محمّد - تائباً. ف طردته.

ف این یدهب؟

وإلی من یقصد؟

و من یسأل أن یغفر له ذنباً غیری؟

ثمّ قال عزّ و جلّ: ولم یصروا علی ما فعلوا وهم یعلمون.

يقول: لم یقیموا علی الزنا. و نبش القبور. و أخذ الأكفان.

أولئك جزاؤهم مغفره من ربّهم و جنات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها.

نعم أجر العاملين.

فلما نزلت هذه الآیه علی رسول الله صلی الله علیه و آله. خرج و هو یتلوها. و یتبسّم.

فقال صلی الله علیه و آله لأصحابه: من یدلّنی علی ذلك الشائب التائب؟



و دو دست خویش را به گردن خود بست.

و ندا داده و فریاد می زد - ای پروردگار من - این بهلول بنده تو می باشد که با سرافکنندگی و دست بسته به سویت آمده و از تو طلب عفو و بخشش می کند.

- ای پروردگار من - تو مرا می شناسی و از گناه من آگاهی.

- ای سید و ای مولای من - اینک من از کرده خود نادم و پشیمان گشته ام.

و برای توبه نمودن به نزد پیامبر تو رفتم. اما او مرا از خود راند.

و این کار او ترس و خوف مرا بیشتر نموده است.

اینک تو را به نام مقدّست - و به عزّت و جلالت و عظمت شأنت و بزرگی قدرتت - می خوانم.

و از تو می خواهم و عاجزانه طلب می نمایم تا مرا ناامید نگردانی و دعایم را بی اجابت نگذاری. و مرا از رحمت خود محروم نسازی.

فقال معاذ: - یا رسول الله - بلغنا أنّه فی موضع کذا و کذا.

فمضی رسول الله صلی الله علیه و آله بأصحابه حتّی انتهوا إلی ذلک الجبل.

ف صعدوا إلیه. یطلبون الشّابّ.

فإذا هم بالشّابّ. قائم بین صخرتین. مغلوله یداه إلی عنقه.

وقد اسودّ وجهه.

و تساقطت أشفار عینیه من البكاء.

و هو یقول: - سیدی - قد أحسنت خلقی. و أحسنت صورتی.

فلیت شعری ماذا ترید بی؟

أفی النّار تحرقنی؟

أو فی جوارک تسکننی؟

اللّهمّ إنک قد أكثرت الإحسان إلیّ. و أنعمت علیّ.

و این جوان در مدّت چهل شبانه روز این گونه عمل می نمود و درخواست عفو و طلب توبه می کرد.

و وضع او به گونه ای رقت بار شده بود که حیوانات اطراف او برایش می گریستند.

و پس از گذشت چهل روز - از این وضع - او دست به آسمان برده و گفت:

- ای پروردگار - با خواهش من چه کردی؟

آیا دعای مرا مستجاب نمودی؟

و گناه مرا بخشیدی؟

و توبه مرا پذیرفتی؟

اگر چنین است از تو می خواهم که به پیامبرت وحی فرمایی.

و جواب مرا به وسیله او بدهی.

فلیت شعری ماذا یكون آخر امری؟

إلی الجنّه ترفنی؟

أم إلی النّار تسوفنی؟

اللّهمّ إنّ خطیبتی أعظم من السماوات والأرض.

و من کرسیک الواسع. و عرشک العظیم.

فلیت شعری تغفر لی خطیبتی.

أم تفضحنی بها یوم القیامه؟

فلم یزل یقول نحو هذا.

و هو یبکی. و یحثو التراب علی رأسه.

وقد أحاطت به السّباع.

وصفت فوقه الطیر.



و چنانچه دعای مرا مستجاب نکرده ای.

و از گناه مرا نبخشیده ای.

و توبه مرا نپذیرفته ای.

و می خواهی که مرا عقوبت نمایی. و به کیفر برسانی. از تو می خواهم که آتشی را به سوی من روانه نمایی تا مرا در همین دنیا بسوزاند و به عقوبت رسانده و هلاک گرداند. تا بدینوسیله از رسوائی روز قیامت رها گردم.

و از آتش دوزخ نجات یابم.

پس از آنکه چهل روز از ماجرای این جوان گذشت. خداوند متعال آیاتی از قرآن را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل فرمود.

و بدینوسیله توبه آن جوان پذیرفته شد.

و پس از نزول این آیات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن حضرت. از محل خود خارج شده و در حالی که آن آیات را تلاوت می فرمود و لبخند می زد به اصحاب خود فرمود:

کدامیک از شما مرا به آن جوان توبه کننده می رساند؟

و هم بیگون لبکائه.

ف دنا رسول الله صلی الله علیه و آله فأطلق یدیه من عنقه.

و نفض التراب عن رأسه.

و قال صلی الله علیه و آله: - یا بهلول - . أبشر. فإنک عتیق الله من النار.

ثم قال صلی الله علیه و آله لأصحابه: هكذا تدارکوا الذنوب - كما تدارکها بهلول - .

ثم تلا صلی الله علیه و آله ما أنزل الله عزّ و جلّ فيه.

و بشره بالجنّه (الأمالی للشیخ الصدوق - رضوان الله تعالی علیه - ص 97 المجلس 11).

(راجع: روضه الواعظین ج 2 ص 486).

در این هنگام معاذ به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: خبردار شده ایم که این جوان در میان بیابان در کنار کوهی سکونت گزیده است.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به همراه اصحاب خود به طرف آن بیابان رفته و خود را به آن کوه رساندند.

و پس از رسیدن به محل. مشاهده نمودند که آن جوان در بالای کوهی سکنی گزیده است و او در حالی که بین دو صخره بر روی پا ایستاده. و دستان خود را به گردن خود بسته - و چهره اش سیاه و تاریک گشته. و پلکهای چشمش - بخاطر گریه زیادی که کرده ریخته شده بود - با خدای عز و جلّ مناجات می کرد. و این چنین می گفت:

- ای مولای من - خلقت مرا نیکو قرار دادی و چهره مرا زیبا آفریدی.

کاش می دانستم که مرا برای چه آفریدی؟

آیا می خواهی مرا به آتش جهنّم بسوزانی؟

یا می خواهی مرا در بهشت سکنی دهی؟

- ای پروردگار من - احسان تو بر من بیش از حد زیاد بوده است.

و نعمتهای تو بر من افزون بوده است.

کاش می دانستم که عاقبت امر من چه خواهد شد؟

آیا بهشت مرا در خود جای خواهد داد؟

یا آنکه آتش جهنّم از من استقبال خواهد نمود؟

- ای پروردگار من - گناه من از آسمانها و زمینها بیشتر است.

کاش می دانستم که آیا مرا می آمرزی و گناه مرا می بخشی؟

یا آنکه می خواهی در روز قیامت مرا رسوا ساخته و آبروی مرا بریزی؟

این جوان. پیوسته این سخنان را می گفت و در حالی که می گریست - و خاک بر سر خود می ریخت - به مناجات خود با پروردگار ادامه می داد.

در این هنگام حیوانات و درندگانی که در اطراف او بودند دور او جمع شدند و پرندگان در بالای سر او بالهای خود را گسترانده و در کنار هم قرار گرفته بودند.

و آن حیوانات و پرندگان از گریه این جوان می گریستند.

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او نزدیک شد و دستان او را از گردنش باز نمود و خاکهایی که بر سر آن جوان بود زدود.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: - ای بهلول - بر تو بشارت باد. زیرا تو از آتش جهنم آزاد گشته ای و خداوند عزّ و جلّ توبه تو را پذیرفته است.

آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رو به اصحاب خود نموده و فرمود: این گونه از گناه خود توبه نمائید.

سپس آن حضرت صلی الله علیه و آله آیاتی را که به ایشان وحی شده بود. برای آن جوان تلاوت نموده و او را به بهشت بشارت دادند.

مردی که از ارتکاب عمل شنیع لواط توبه واقعی نمود

30 - روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در جمع اصحاب خود نشسته بود که مردی بر ایشان وارد شده و به حضرت گفت: - ای امیرالمؤمنین - من مرتکب عمل شنیع لواط گشته ام و می خواهم از این کار توبه کنم.

و به نزد شما آمده ام تا مرا از آلودگی این گناه پاک نمائید.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به آن مرد فرمود: - ای مرد - به خانه خود برگرد.

زیرا ممکن است که تو - واقعاً - مرتکب این عمل نشده ای بلکه دچار خیالات گشته ای (1).

آن مرد به خانه خود برگشت و در صبحگاه فردای آن روز دوباره به نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و در نزد حضرت اقرار کرده و به ایشان گفت:

- ای امیرالمؤمنین - من مرتکب عمل شنیع لواط گشته ام و می خواهم از این کار توبه کنم و به نزد شما آمده ام تا مرا از آلودگی این گناه پاک نمائید.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بار دیگر به او فرمود: - ای مرد - به خانه خود برگرد. زیرا ممکن است که تو - واقعاً - مرتکب این عمل نشده ای بلکه دچار خیالات گشته ای.

آنگاه آن مرد به خانه خود برگشت.

ص: 39

---

1- - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با این کار خواسته اند تا این مرد - اگر هم مرتکب این عمل شنیع شده است - بین خود و خدای عزّ و جلّ توبه نماید. و با اقرار و اعتراف - به انجام این عمل - آبروی خود را نزد مردم نریزد. زیرا در صورت اعتراف او به ارتکاب این عمل شنیع - و تکرار این اعتراف - در محضر حجّت خدا و امام معصوم علیه السلام. آن حضرت. مکلف به اجرای حدود الهی می گردد.

و آن مرد در روز سوّم دوباره به نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و بار دیگر نسبت به ارتکاب این عمل اقرار و اعتراف نمود و خواستار مجازات خود گردید.

در روز سوّم نیز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام او را به بازگشت به خانه دعوت نمود و سخن روزهای گذشته را برای او بازگو فرموده و تکرار نمود.

در روز چهارم بار دیگر آن مرد به نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و اقرار خود را تکرار کرده و به ارتکاب این عمل شنیع اعتراف نمود. و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خواست تا او را مجازات نماید.

و بدین ترتیب این مرد - چهار بار - به این امر اقرار کرده و اعتراف نمود و اجرای مجازات را - برای خود - از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست کرد.

در این هنگام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: - ای مرد - بدرستی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای این عمل سه نوع مجازات را مقرر فرمود.

اینک تویکی از آنها را برای خود انتخاب کن.

آن مرد به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: آن مجازاتهای سه گانه کدام است؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود:

گردن زدن با شمشیر.

پرت کردن از بالای کوه در حالی که دست و پای مجرم بسته شده است.

آتش زدن.

آن مرد به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: کدامیک از این سه مجازاتها سختتر و شدیدتر می باشد؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: آتش زدن.

در این هنگام آن مرد به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: من مجازات آتش زدن را برای خود انتخاب کرده ام.

سپس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به آن مرد فرمود: خود را برای مجازاتی که انتخاب کرده ای مهیا ساز و لوازم آن را نیز آماده کن (1).

آن مرد گفت: آماده می کنم.

سپس آن مرد دو رکعت نماز بجای آورده و پس از تشهد و سلام گفت:

- بار خدایا - من مرتکب گناه شیعی - که تو از آن اطلاع داری - گشته ام.

و از ارتکاب این گناه پشیمان و نادم و از مجازات آن در روز قیامت بیمناک هستم.

به همین خاطر به نزد وصی رسول تو آماده ام و از او خوسته ام تا مرا از آلودگی این گناه پاک گرداند.

و او مرا - در انتخاب یکی از سه گونه مجازات - مخیر نموده است.

- بار خدایا - من سخت ترین و شدیدترین مجازاتها را برای خود انتخاب کرده ام.

- بار خدایا - از تو می خواهم تا این مجازات را کفاره گناهم قرار دهی.

و مرا به آتش دوزخ در روز قیامت نسوزانی.

سپس این مرد در حالی که می گریست از جای خود برخاست و خود را به گودالی که برای سوزاندن او مهیا شده بود - و آتش از آن زبانه می کشید - رساند. و در وسط آن نشست.

در این هنگام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و یاران ایشان گریستند.

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام رو به آن مرد کرده و در حالیکه در آتش می سوخت به او فرمود: - ای مرد - تو با این کار. ملائکه آسمان و زمین را به گریه واداشتی.

ص: 41

---

1- - یعنی لازم است که خودت هیزم و چیزی را که می خواهی به وسیله آن مجازات گردی آماده ساخته و تهیه نمائی.

و خدای متعال توبهٔ تورا پذیرفت. اینک از جای خود برخیز و از گودال آتش بیرون بیا. و عهد بنما که از این پس مرتکب این گناه نخواهی شد(1).

ص: 42

1- - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: بينا أمير المؤمنين عليه السلام في ملاء - من أصحابه - إذ أتاه رجل. فقال: - يا أمير المؤمنين - إني (قد) (1). أوقبت على غلام. فطهرني. فقال عليه السلام له (أمير المؤمنين عليه السلام) (2): - يا هذا - امض إلى منزلك. لعلّ مراراً هاج بك. فلمّا كان من غدٍ عاد إليه. فقال (له) (3): - يا أمير المؤمنين - إني أوقبت على غلام. فطهرني. فقال عليه السلام له: - يا هذا - امض إلى منزلك. لعلّ مراراً هاج بك. حتّى فعل ذلك - ثلاثاً - بعد مرّته الأولى. فلمّا كان في الرابعه قال عليه السلام له: - يا هذا - إن رسول الله صلى الله عليه وآله حكم - في مثلك - بثلاثة (4) أحكام. فإختر أيهنّ شئت. قال: و ما هنّ - يا أمير المؤمنين -؟ قال عليه السلام: ضربه بالسيف - في عنقك - بالغه ما بلغت. أو اهداء (5) من جبل - مشدود اليدين والرجلين - أو إحراق بالنار. فقال (له) (6): - يا أمير المؤمنين - أيهنّ (7) أشدّ عليّ؟ قال عليه السلام: الإحراق بالنار. (1) ما بين القوسين لم يذكر في تهذيب الأحكام. (2) ما بين القوسين لم يذكر في الكافي. (3) ما بين القوسين لم يذكر في تهذيب الأحكام. (4) ما بين القوسين لم يذكر في الكافي. (5) أي: إماته - سقطاً من جبل. وفي تهذيب الأحكام: أو إهدارك. (6) ما بين القوسين لم يذكر في الكافي. (7) في تهذيب الأحكام: فأى هنّ. -





31- در حدیث آمده است: به نوامیس مردم تعرّض نکنید. و از زنان مردم چشم پوشی نمائید. تا به زنان شما نیز تعرّض نگردد و آنها پاکدامن بمانند(1)(2).

ص:44

1- - یعنی: تعرّض نمودن به نوامیس مردم. و چشم پوشی کردن از نگاه گناه آلود به آنها موجب می گردد تا زنان شما نیز از تعرّض دیگران در امان بوده و دامانشان پاک بماند.

2- - أوحى الله تبارك و تعالى إلى موسى بن عمران عليه السلام: عُف. تعف أهلك (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 13 و عوالی اللئالی ج 3 ص 546). قال رسول الله صلى الله عليه و آله: عَفُوا. تعفّ نساؤكم (مكارم الأخلاق ج 1 ص 508). قال الإمام الصادق عليه السلام: عَفُوا عن نساء الناس. تعفّ نساؤكم (الكافی ج 5 ص 554 و النخصال ص 55 و من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 13 و الأمالی للشيخ الصدوق - عليه الرحمه - ص 364 المجلس 48 و تحف العقول ص 359). قال الإمام الصادق عليه السلام: عَفُوا عن نساء الناس. يعفّ عن نسائكم (روضه الواعظین ج 2 ص 240). قال الإمام الرضا عليه السلام: كَفُوا عن نساء الناس. يعفّ نساؤكم (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام ص 355 الباب 95 و فی بحار الأنوار ج 71 ص 21 نقله عن الفقه).

مردی که پاکدامن می باشد و خود را به گناه زنا آلوده نمی سازد

32 - امام صادق علیه السلام فرمود: سه نفر - در روز قیامت - در حرز و امان الهی بسر می برند:

مردی که هیچگاه اقدام به زنا نمی کند.

مردی که هیچگاه مال خود را به ربا آلوده نمی سازد.

مردی که هیچگاه برای ارتکاب این دو گناه قدمی بر نمی دارد(1).

33 - در حدیث قدسی آمده است: چنانچه بخواهی خیر خانواده ات فزونی یابد.

از ارتکاب عمل زنا پرهیز کن(2).

ص: 45

---

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: ثلاثة في حرز الله عز وجل إلى أن يفرغ الله من الحساب: رجل ما يهّم ب زنا - قَطّ - . ورجل لم يشب ماله ب ربا - قَطّ - . ورجل لم يسع فيهما - قَطّ - (الخصال ص 101).

2- - (جاء في الحديث القدسي): إن أردت أن يكثر خير أهل بيتك. فإيتاك و الزنا (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 13 و دعائم الإسلام ج 2 ص 449 و عوالي اللئالی ج 3 ص 546).

(1)

34 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن خطبه ای پیرامون ارزش و مقام جهاد نمودن در راه خداوند عزّ وجلّ فرمود: بدرستی که جهاد دری است از دربهای بهشت که خداوند عزّ وجلّ آن را برای اولیای مخصوص خود گشوده است.

و جهاد کرامتی است که خدای متعال به آنها بخشیده و نعمتی است که برای آنها ذخیره ساخته است.

جهاد لباس پرهیزگاری و زره محکم الهی است.

و سپر مطمئن خداوند متعال بشمار می آید... (2).

ص: 46

---

1- - لازم به یادآوری است که فریضه جهاد - با وجود شرایط آن - فقط بر مردان واجب است. اما دفاع نمودن. تکلیفی است که اختصاص به مردان ندارد و شامل زنان نیز می گردد.

2- - قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: أما بعد. فإنّ الجهاد باب من أبواب الجنّة. فتحه الله لخاصّه أوليائه. (و سوّغهم. كرامه منه لهم. و نعمه ذخرها) (1). و (الجهاد) (2) هو لباس التقوى. و درع الله الحصينه. و جنّته الوثيقه... (الكافي ج 5 ص 4 و نهج البلاغه الخطبه 27). (راجع: معانى الأخبار ص 309 و كتاب الغارات ج 2 ص 326). (1) مابين القوسين لم يذكر فى نهج البلاغه و معانى الأخبار و الغارات. (2) مابين القوسين لم يذكر فى نهج البلاغه و معانى الأخبار و الغارات.

35 - امام باقر علیه السلام در حدیثی پیرامون فضیلت جهاد در راه خداوند عزّ وجلّ فرمود:

خدای متعال جهاد را بر سایر اعمال فضیلت داد و عمل کننده به آن را - بر دیگران - در درجات و مغفرت و رحمت برتری بخشید.

زیرا بوسیله جهاد نمودن. دین استحکام پیدا می کند و از آن دفاع می شود.

و بوسیله جهاد است که خدای متعال جانهای مؤمنین و اموال آنها را خریده و بهشت را به آنها ارزانی بخشیده است.

و حفظ و رعایت حدود جهاد را برای آنها شرط نموده است (1).

36 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: وارد شدن به بهشت را برای شش گروه ضمانت می کنم.

از جمله آن گروه: شخصی است که برای انجام فریضه جهاد در راه خدا از خانه خود خارج می گردد. و در میان راه از دنیا می رود (2).

ص: 47

---

1- - قال الإمام الباقر عليه السلام في شأن الجهاد في سبيل الله عزّ وجلّ: ... فضّله الله عزّ وجلّ على الأعمال. وفضّل عامله على العَمال. تفضيلاً في الدرجات و المَغْفَرَة و الرَحْمَة. لأنّه ظهر به الدين. و به يدفع عن الدين. و به اشترى الله من المؤمنين أنفسهم و أموالهم بالجنّة. بيعاً مفلحاً منجحاً. اشترط عليهم فيه حفظ الحدود. أوّل ذلك: الدعاء إلى طاعة الله عزّ وجلّ من طاعة العباد. و إلى عبادة الله من عبادة العباد. و إلى ولاية الله من ولاية العباد... (الكافي ج 5 ص 3).

2- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: ضمنت لسنّة الجنّة: ... ورجل خرج مجاهداً - في سبيل الله - فمات. فله الجنّة (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 84).

37 - مردی به نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده و گفت: من به جهاد نمودن رغبت دارم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: در راه خدای متعال جهاد کن.

زیرا در صورتیکه در این راه کشته شوی در نزد خدا زنده بوده و رزق خواهی داشت.

و چنانچه در میانه راه بمیری اجر تو در نزد خدا خواهد بود.

و اگر به سلامت برگشتی از گناهان پاک خواهی شد(1).

38 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ شخصی از کسانی که داخل بهشت می شوند آرزوی بیرون آمدن از آن را نمی کند مگر شخصی که در راه خدا شهید شده باشد.

زیرا او آرزو می کند که به دنیا برگردد و در راه خدا ده بار کشته شود تا باز هم شاهد کرامتهای الهی - که شامل شهید می گردد - باشد(2).

39 - پس از آنکه جناب حنظله - در جنگ احد - به شهادت رسید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستوری برای غسل دادن بدن او صادر فرمود - تا بدن او را غسل دهند -.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله در باره او فرمود: ملائکه را - بین آسمان و زمین دیدم - که حنظله را با آب بهشتی - که در ظرفهایی از نقره قرار داشت - غسل دادند.

و به همین خاطر است که جناب حنظله را غسیل الملائکه می نامند(3).

ص: 48

---

1- - عن أبي جعفر عليه السلام قال: أتى رجل رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: إنني راغب نشيط في الجهاد. قال صلى الله عليه وآله: فجاهد في سبيل الله. فإني ان تقتل كنت حياً عند الله ترزق. وإن متّ. فقد وقع أجرک على الله. وإن رجعت. خرجت من الذنوب إلى الله (مستدرک الوسائل ج 11 ص 10).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من أحد يدخل الجنة فيتمنى أن يخرج منها إلا الشهيد. فإنه يتمنى أن يرجع. فيقتل - عشر مرّات - ممّا يرى من كرامه الله (مستدرک الوسائل ج 11 ص 14).

3- - استشهد حنظله ابن أبي عامر الراهب - ب أحد - فلم يأمر النبي صلى الله عليه وآله ب غسله. وقال صلى الله عليه وآله: رأيت الملائكة بين السماء والأرض تغسل حنظله بماء المزن. في صحافٍ من فضّه. و كان يسمّى: غسيل الملائكة (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 97).

## چشم پوشی از نگاه حرام به زن نامحرم

### مردی که از نگاه حرام به زن نامحرم خودداری می کند

40 - قُلْ (1) لِّلْمُؤْمِنِينَ يُغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ (2) وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ (3) ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ (4) إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (30) (النور).

خداوند متعال در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

به مؤمنین بگو تا از نگاه به حرام چشم پوشی نمایند.

و عفت و پاکدامنی خود را حفظ کنند.

زیرا این کار باعث پاکی و تزکیه آنها می باشد.

بدرستی که خداوند به کارهای آنها آگاه است.

ص: 49

1- -- یا محمد -.

2- -- عما لا یحلّ لهم النظر إلیه.

3- -- عن من لا یحلّ لهم. و عن الفواحش. و المعنی: ینقصوا من نظرهم. فلا ینظروا إلی ما حرّم.

4- -- آی: أنفع لدينهم و دنیاهم. و أظهر لهم. و أنفی للثمه. و أقرب إلی التقوی (مجمع البیان ج 7 ص 216-217). عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كلّ آیه فی القرآن فی ذکر الفروج فهو من الزنا - إلا هذه الآیه - فإنّها من النظر (تفسیر القمّی - علیه الرحمه - ج 2 ص 102). (قال الإمام الصادق علیه السلام): کلّمّا کان فی کتاب الله عزّ وجلّ من ذکر حفظ الفرج. فهو من الزنا إلا فی هذا الموضع - فإنّه للحفظ من أن ینظر إلیه (من لا یحضره الفقیه ج 1 ص 63).

41 - در حدیث آمده است: نگاه کردن به زیباییهای زن نامحرم. تیری است از تیرهای ابلیس.

و خداوند متعال به شخصی که از این نگاه حرام پرهیز نماید. مژده عبادتی را می چشاند که از آن شاد می گردد(1).

42 - مردی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در باره نگاه کردن به زن نامحرم پرسید؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نگاه اول: از آن تو می باشد.

و نگاه دوم: علیه تو می باشد و برای تو نیست.

و نگاه سوم: تیری است مسموم از تیرهای ابلیس.

و خداوند متعال به شخصی که - بخاطر خدا - از این نگاه حرام پرهیز نماید.

ایمانی عنایت می فرماید که مژده آن را خواهد چشید(2).

43 - در حدیث آمده است: شخصی که - بخاطر ترس از خدا - از نگاه حرام به نامحرم پرهیز نماید. خداوند متعال ایمانی به او عنایت

می فرماید که مژده شیرین آن را در قلب خود احساس خواهد نمود(3).

ص: 50

---

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: النظر إلى محاسن النساء سهم من سهام إبليس. فمن تركها. أذاقه الله طعم عباده تسره (مستدرک الوسائل ج 14 ص 270-271).

2- - (سَدِّئِلْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ الرَّجُلِ. تَمَرَّ بِهِ الْمَرْأَةُ. فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوَّلُ نَظَرِهِ لَكَ. وَ الثَّانِيهِ: عَلَيْكَ - لَا لَكَ -. وَ النِّظَرَةُ الثَّلَاثَةُ: سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ. مِنْ تَرْكِهَا لِلَّهِ - لَا لِغَيْرِهِ - أَعْقَبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ (دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ ج 2 ص 202). قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النِّظَرَةُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ. مَسْمُومٌ. مِنْ تَرْكِهَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - لَا لِغَيْرِهِ - أَعْقَبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ (مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ ج 4 ص 11).

3- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: النظره سهم مسموم من سهام إبليس. فمن تركها - خوفاً من الله - أعطاه الله إيماناً يجد حلاوته في قلبه (جامع الأخبار ص 407).

44 - در حدیث آمده است: هنگامی که نگاه مردی به زن نامحرمی بیفتد.

و آن مرد در این هنگام به آسمان نظر بیفکند - و از نگاه به آن زن پرهیز نماید -.

خداوند متعال حور العین را به ازدواج آن مرد درخواهد آورد(1).

45 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هنگامی که شخصی از شما زنی را دید و آن زن چشم او را گرفت. بر او لازم است که به نزد همسر خود برود.

و کاری نکند که شیطان بر قلبش راه یابد.

و بر او لازم است که چشم خود را از نگاه به آن زن باز دارد. زیرا همسر او دارای همان چیزی است که آن زن داشته است.

و اگر او دارای همسر نمی باشد. بر او لازم است که دو رکعت نماز بخواند.

و حمد الهی را بسیار بجای آورد.

و بر محمد و آل محمد صلوات و درود بفرستد.

سپس از خدا طلب نماید که از فضل و کرمش به او عنایت فرماید.

در این صورت خدای متعال - به کرم و رأفت خود - خواسته او را برآورده می سازد(2).

ص: 51

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: من نظر إلى امرأة. فرفع بصره إلى السماء - أو غمض بصره - لم يرتد إليه بصره حتى يزوجه الله من الحور العين. (وفى خبر آخر: لم يرتد إليه طرفه حتى يعقبه الله إيماناً يجد طعمه) (1) (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 304 و عوالی اللثالی ج 3 ص 291 و مکارم الأخلاق ج 1 ص 505). (1) ما بین القوسین لم يذكر فی مکارم الأخلاق.

2- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: إذا رأى أحدكم امرأة تعجبه. فليأت أهله. فإن عند أهله مثل ما رأى. و لا يجعلن للشيطان - إلى قلبه - سبيلاً. و لا يصرف بصره عنها. فإن لم تكن له زوجته. فليصل ركعتين. و يحمد الله كثيراً. و يصلّى على النبي و آله صلى الله عليه و آله. ثم ليسأل الله من فضله. فإنه يبيح له - ب رأفته - ما يغنيه (الخصال ص 637).



46 - روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جماعتی فرمود: چنانچه نگاه هر یک از شما به زن زیبایی افتاد. بر او لازم است که به نزد همسر خود برود.

زیرا همسر او دارای همان چیزی است که آن زن داشته است.

در این هنگام مردی به حضرت گفت: اگر آن مرد همسر نداشته باشد چه کند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تقوای الهی را پیشه خود نماید. و به سوی آسمان نگاه کند.

و از خدای متعال بخواهد تا از فضل و کرم خود به او کرامت فرماید (1).

47 - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ بر دیده و چشم تکلیف نمود تا به حرام نگاه نکند. و از نگاه کردن به حرام صرفنظر نماید.

و این امر نشانه ایمان است (2).

ص: 52

1- - عن أبي عبد الله عليه السلام: قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا نظر أحدكم إلى المرأة الحسنة. فليأت أهله. فإن الذي معها مثل الذي مع تلك. فقام رجل فقال: - يا رسول الله - فإن لم يكن له أهل فما يصنع؟ قال صلى الله عليه وآله: فليرفع نظره (1) إلى السماء (و) (2) ليراقبه. و ليسأله من فضله (الكافي ج 5 ص 494 و عوالي اللئالي ج 3 ص 290). قال أمير المؤمنين عليه السلام: إذا نظر أحدكم إلى امرأة. فليتمس أهله. فإنما هي امرأة كإمراته (عوالي اللئالي ج 3 ص 290). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: - أيها الناس - إنما النظر من الشيطان. فمن وجد - من ذلك - شيئاً. فليأت أهله (الكافي ج 5 ص 494).

2- - قال الإمام الصادق عليه السلام: فرض الله على البصر أن لا ينظر إلى ما حرّم الله عزّ وجلّ (عليه) (3). و أن يغصّ (4) عمّا نهى الله عنه - ممّا لا يحلّ له - و هو عمله (5). و ذلك من الإيمان (دعائم الإسلام ج 1 ص 6 و الكافي ج 2 ص 35 و الفقيه ج 2 ص 382). (1) في عوالي اللئالي: بصره. (2) ما بين القوسين لم يذكر في العوالي. (3) ما بين القوسين لم يذكر في دعائم الإسلام. (4) في الكافي هكذا: أن يعرض. (5) أي: هذا الأمر يعدّ وظيفه لهذا العضو من البدن و الجوارح.

48 - امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی که از نگاه کردن به حرام صرفنظر می کند.

بهره ای خواهد برد که هیچ بهره ای مانند آن نخواهد بود.

زیرا هنگامیکه شخصی از نگاه کردن به حرام صرفنظر می کند. با چشم دل عظمت و جلال الهی را مشاهده خواهد نمود.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند: چگونه می توان به چشم پوشی از حرام عادت نمود؟

حضرت فرمود: با شناخت عظمت و جلال خداوندی که ناظر بر سر و ضمیر است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از نگاه به حرام. صرفنظر نمودید عجائب را مشاهده خواهید نمود(1).

ص: 53

---

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: ما اغتتم أحد بمثل ما اغتتم ب غصّ البصر. لأنّ البصر لا يغصّ عن محارم الله تعالى إلا وقد سبق إلى قلبه مشاهدته العظمه والجلال. سئل أمير المؤمنين عليه السلام: بما ذا يستعان على غصّ البصر؟ فقال عليه السلام: بالخمود تحت سلطان المطّلع على سرّك. والعين جاسوس القلب. و يريد العقل. ف غصّ بصرک عمّا لا يليق بدینک. و یکرهه قلبک وینکره عقلک. قال النبی صلی الله علیه و آله: غصّوا أبصارکم ترون العجائب. قال الله تعالى: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ. و لا تتوفّر عين نصیبها من نظر إلى محذور إلا وقد انعقد عقده على قلبه من المنیه. و لا تنحل إلا بإحدى الحالتین: أمّا بیکاء الحسره والندامه. بتوبه صادق. و أمّا بأخذ نصیبه ممّا تمنى ونظر إليه. فأخذ الحظّ - من غیر توبه - مصیره إلى النار. و أمّا التائب الباکی بالحسره والندامه - عن ذلك - فمأواه الجنّه. و منقلبه إلى الرضوان (مصباح الشریعه باب: غصّ البصر).

49 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ دوست دارد بنده مؤمنی را که دارای حرفه و هنر بوده و امین می باشد(1).

50 - امام صادق علیه السلام فرمود: من دوست دارم مردی را که دارای حرفه بوده و در طلب رزق و روزی سعی و تلاش می کند(2). (3).  
ص: 54

- 
- 1- قال أمير المؤمنين عليه السلام: إنّ الله عزّ وجلّ يحبّ المحترف الأمين (الكافي ج 5 ص 113 و من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 95). قال أمير المؤمنين عليه السلام: إنّ الله عزّ وجلّ يحبّ المؤمن المحترف (الكافي ج 5 ص 113). قال أمير المؤمنين عليه السلام: إنّ الله عزّ وجلّ يحبّ العبد المحترف الأمين (الخصال ص 620). (راجع: تحف العقول ص 110).
  - 2- روى عليّ بن عبدالعزيز عن أبي عبدالله عليه السلام أنّه قال: إنّني لأحبّ أن أرى الرجل متحرّفاً في طلب الرزق (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 95). هكذا في المصدر. و الظاهر: محترفاً.
  - 3- از این حدیث شریف استفاده می شود که داشتن هنر و حرفه به تنهایی کارساز نمی باشد. بلکه باید این حرفه و هنر مورد استفاده بهینه قرار گیرد. و از آن در راه کسب رزق و روزی حلال استفاده گردد.

## خلوت نکردن با زن نامحرم

### مردی که با زنی که نامحرم او می باشد خلوت نمی کند

51 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سه چیز است که هر شخصی آنها را رعایت نماید از گزند شیطان. - و هر گرفتاری - در حفظ و امان خواهد بود.

(1) با زنی که به او محرم نمی باشد خلوت نکند.

(2) و با صاحب سلطنتی همکاری نکند (1).

(3) بدعت گزاری را - در راه بدعت او - کمک و اعانت نکند (2).

ص: 55

---

1- - یعنی: با حاکمان و قدرتمندان ظالم همکاری نکند.

2- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: ثلاث (1) من حفظهنّ كان معصوماً من الشيطان الرجيم. و من كلّ بليّته: من لم يخل بامرأه ليس يملك (2) منها شيئاً. و لم يدخل على سلطان. و لم يعن صاحب بدعه ب بدعه (3) (النوادر للسيد فضل الله الراوندي - عليه الرحمه - ص 120 و الجعفریات ص 165). (1) في الجعفریات: ثلاثه. (2) في الجعفریات: لا يملك. (3) في الجعفریات هكذا: صاحب بدعه ببدعته - لم ينكره -.

مردی که خود را خوشبو می کند

52 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: - یا علی - بر تو لازم است که - در هر روز جمعه (2) - از بوی خوش استفاده نمائی.

زیرا این کار شیوه و سنت من است.

و تا هنگامی که آن بوی خوش از تو استشمام می گردد برای تو حسنه نوشته می شود (3).

53 - امام رضا علیه السلام فرمود: برای یک مرد سزاوار نیست که استفاده نمودن از بوی خوش را در هر روز ترک نماید.

و چنانچه این امر برای او - در هر روز - مقدور نیست. یک روز در میان به انجام آن پردازد.

و چنانچه یک روز در میان نیز برای او مقدور نیست. بر او لازم است که در هر روز جمعه از بوی خوش استفاده نماید (4).

ص: 56

1- - در اخبار و احادیث اهل بیت علیهم السلام مطالب گوناگون و بسیاری پیرامون استفاده کردن از بوی خوش و استعمال عطر وجود دارد که در این بخش به پاره ای از آنها اشاره می کنیم.

2- - لازم به یادآوری است که استفاده نمودن از بوی خوش در تمام روزهای هفته مورد توصیه قرار گرفته و اختصاص به روز معینی ندارد. اما استفاده از آن در روز جمعه مورد تأکید بسیار قرار گرفته و از ترک نمودن آن نهی شده است.

3- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله لأمرالمؤمنین علیه السلام: - یا علی - علیک بالطیب فی کلّ جمعه. فإنه من سنتی. و تکتب لک حسناته. مادام یوجد منک رائحته (مکارم الأخلاق ج 1 ص 104).

4- - عن معمر بن خلّاد عن أبی الحسن علیه السلام قال: لا ینبغی للرجل أن یدع الطیب فی کلّ یوم. فإن لم یقدر علیه. ف یوم و یوم لا. فإن لم یقدر. ففی کلّ جمعه. و لا یدع (الکافی ج 6 ص 510).

54 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی فرمود: استفاده کردن از بوی خوش را ترک نکن.

زیرا ملائکه بوی خوش را از شخص مؤمن استشمام می کنند(1).

55 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: استفاده نمودن از بوی خوش موجب زیادی عقل می گردد(2).

56 - امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی که در اوّل روز بوی خوش استعمال می کند عقل او تا هنگام شب - همچنان - با او خواهد بود(3).

57 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: استفاده نمودن از بوی خوش. موجب قوّت قلب می گردد(4).

58 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: استفاده نمودن از بوی خوش موجب شادابی می گردد(5).

ص: 57

---

1- - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال عثمان بن مظعون لرسول الله صلى الله عليه وآله: قد أردت أن أدع الطيب. - وأشيء ذكرها - فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تدع الطيب. فإنّ الملائكة تستنشق ريح الطيب من المؤمن. فلا تدع الطيب في كلّ جمعه (الكافي ج 6 ص 511).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ الریح الطيبه تشدّ العقل. و تزيد في الجماع (الكافي ج 6 ص 510). قال رسول الله عليه السلام: ما طابت رائحه عبد إلا زاد عقله (دعائم الإسلام ج 2 ص 165). قال الإمام الصادق عليه السلام: من تطيب بطيب أول النهار - و هو صائم - لم يفقد عقله (من لا يحضره الفقيه ج 2 ص 52 و راجع ص 71 منه).

3- - قال الإمام الصادق عليه السلام: من تطيب أول النهار لم يزل عقله معه إلى الليل (الكافي ج 6 ص 510).

4- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الرائحة الطيبة تشدّ القلب (مكارم الأخلاق ج 1 ص 100). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الطيب يشدّ القلب (الكافي ج 6 ص 510).

5- - قال أميرالمؤمنين عليه السلام: الطيب نشره (مكارم الأخلاق ج 1 ص 102).

59 - امام رضا علیه السلام فرمود: استعمال بوی خوش و استفاده نمودن از عطر. شیوه و روش انبیاء علیهم السلام می باشد(1).

60 - امام صادق علیه السلام فرمود: خود را در روز جمعه به بهترین عطرها معطر سازید(2).

61 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هزینه ای را که برای خرید عطر و بوی خوش صرف می نمود بیشتر از هزینه ای بود که برای خورد و خوراک خرج می کرد(3).

62 - امام صادق علیه السلام فرمود: در خرجی که برای خرید عطر هزینه می کنی اسراف وجود ندارد(4).

ص: 58

1- - قال الإمام الرضا عليه السلام: الطيب من أخلاق الأنبياء عليهم السلام (الكافي ج 6 ص 510). قال الإمام الصادق عليه السلام: العطر من سنن المرسلين (الكافي ج 6 ص 510). قال الإمام الصادق عليه السلام: من أخلاق الأنبياء عليهم السلام. التطيّب (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 77). قال الإمام الصادق عليه السلام: من أخلاق الأنبياء عليهم السلام. الطيب (مكارم الأخلاق ج 1 ص 102). قال الإمام الصادق عليه السلام: من سنن المرسلين. التعطر (مكارم الأخلاق ج 1 ص 138 و من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 32). قال الإمام الرضا عليه السلام: من سنن المرسلين. العطر (الكافي ج 5 ص 320). قال عليه السلام: من أخلاق الأنبياء عليهم السلام. التطيّب (مكارم الأخلاق ج 1 ص 147).

2- - قال الإمام الصادق عليه السلام: تطيّبوا بأطيب طبيكم يوم الجمعة (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 77). قال الإمام الصادق عليه السلام: حقّ (1) على كلّ محتلم (2) في كلّ جمعه: أخذ شاربته. و أظفاره. و مسّ شيء من الطيب (الكافي ج 6 ص 511 و الخصال ص 392).

3- - قال الإمام الصادق عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه و آله ينفق في الطيب أكثر ممّا ينفق في الطعام (الكافي ج 6 ص 512 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 83). في مكارم الأخلاق: على.

4- - قال الإمام الصادق عليه السلام: ما أنفقت في الطيب. فليس ب سرفٍ (الكافي ج 6 ص 512 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 101). (1) في الخصال: لله حقّ. (2) في نسخه: مسلم.

63 - امام صادق علیه السلام فرمود: دو رکعت نمازی که با عطر و بوی خوش خوانده می شود. بهتر از هفتاد رکعت نمازی است که بدون عطر خوانده می شود(1).

64 - امام صادق علیه السلام فرمود: من دوست دارم مردی را که - شب هنگام - وقتی که برای نماز شب برمی خیزد مسواک بزند و بوی خوش استعمال نماید.

زیرا در آن هنگام فرشته ای به نزد او می آید و دهان خود را بر دهانش می گذارد.

و آن ملک آنچه را که او از قرآن تلاوت نموده است به کام خود می گیرد(2).

ص: 59

---

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: ركعتان يصلِّيهِما متعطر أفضل من سبعين ركعه يصلِّيهِما غير متعطر (مكارم الأخلاق ج 1 ص 102). قال الإمام الصادق عليه السلام: صلاة متطيب أفضل من سبعين صلاة غير طيب (الكافي ج 6 ص 511). قال عليه السلام: ركعتان على أثر طيب. أفضل من سبعين ركعه ليست كذلك (تنبيه الخواطر ج 1 ص 28).

2- - عن اسحاق بن عمار قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إني لأحب للرجل إذا قام بالليل أن يستاك. وأن يشم الطيب. فإن الملك يأتي الرجل - إذا قام بالليل - حتى يضع فاه على فيه. فما خرج من القرآن - من شيء - دخل جوف ذلك الملك (المحاسن ج 2 ص 378).



(1)

65 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دهانهای شما راهی است از راههای الهی.

و محبوبترین این راهها - در نزد خداوند عزّ و جلّ - خوشبوترین آنها می باشد.

پس بر شما لازم است که دهانهای خود را - با هر چیزی که می توانید - خوشبو سازید (2).

66 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دهانهای شما راهی است از راههای الهی.

پس این راه را پاکیزه و تمیز کنید (3).

67 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دهانهای خود را تمیز و پاکیزه کنید.

بدرستیکه دهانهای شما مسیر تسبیح الهی است (4).

ص: 60

---

1- - لازم به یادآوری است که توصیه به خوشبو بودن دهان اختصاصی به مردان ندارد. اما چون - غالباً - زنان بیشتر از مردان به بهداشت و پاکیزگی و نظافت شخصی می پردازند. لذا بخشی از مطالب مربوط به خوشبو بودن دهان را در این کتاب ذکر می نمائیم تا مردان نیز به بهداشت و پاکیزگی و نظافت شخصی توجه بیشتری نموده و نسبت به این امر اهتمام افزونتری داشته باشند. و بدانند که در - این صورت - در شمار رحمت شدگان قرار خواهند گرفت. إنشاء الله تعالی.

2- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أفواهمك طريق من طرق ربکم. فأحبّها إلى الله أطيبيها ريحاً. فطیبوها بما قدرتم علیه (المحاسن ج 2 ص 377).

3- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أفواهمك طرق من طرق ربکم. فنظّفوها (بحار الأنوار ج 73 ص 130).

4- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: طهّروا أفواهمکم. فإنّها مسالک التسبیح (مکارم الأخلاق ج 1 ص 119).

68 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مسیر و راه قرآن را تمیز و پاکیزه کنید.

به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: راه قرآن چیست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دهانهای شما راه قرآن است (1).

69 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دهانهای خود را پاکیزه و تمیز کنید.

بدرستی که دهان شما راه قرآن است (2).

ص: 61

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: نظّفوا طريق القرآن. قيل: - يا رسول الله - وما طريق القرآن؟ قال صلى الله عليه وآله: أفواهكم (المحاسن ج 2 ص 377 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 118 و الدعوات للشيخ الراوندى - عليه الرحمة - ص 161 و النوادر للسيد فضل الله الراوندى - عليه الرحمة - ص 201 و دعائم الإسلام ج 1 ص 119).

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: طهّروا أفواهكم. فإنّها طرق القرآن (إرشاد القلوب ج 1 ص 349).

علل و اسباب خوشبو شدن دهان(1)

## 1 - علل و اسباب مادی خوشبو شدن دهان

### مسواک زدن

### اهمیت مسواک زدن

(2)

70 - امام صادق علیه السلام فرمود: مسواک زدن از اخلاق انبیاء علیهم السلام به شمار می آید(3).

71 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه جبرئیل بر من نازل می شد. سفارش به مسواک زدن می نمود(4).

ص:62

- 
- 1- - لازم به ذکر است که خوشبو شدن دهان. علل و اسباب مادی و معنوی متعددی دارد. در این فصل به پاره ای از آنها اشاره می گردد.
  - 2- - شرع مطهر اسلام برای نظافت دهان و دندان و استفاده نمودن از مسواک و خلال و سایر مواد خوشبو کننده. اهمیت ویژه ای قائل شده است. و نسبت به انجام این امور. تأکید و سفارش و توصیه فراوانی می نماید. و اخبار و احادیث بسیاری از اهل بیت عصمت و طهارت - صلوات الله تعالی علیهم - در این باره وجود دارد. که جمع آوری آنها می تواند موضوع تألیف یک کتاب پر حجم باشد.
  - 3- - قال الإمام الصادق علیه السلام: من اخلاق الأنبياء عليهم السلام: السواك (المحاسن ج 2 ص 380). قال الإمام الصادق علیه السلام: من سنن المرسلين عليهم السلام: السواك (الكافي ج 3 ص 23).
  - 4- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما أتاني (صاحبی) (1) جبرئیل إلا (و) (2) أوصاني بالسواك (دعائم الإسلام ج 1 ص 118 و الجعفریات ص 27 و النوادر للسید فضل الله الراوندى - عليه الرحمه - ص 192). (1) ما بين القوسين لم يذكر في دعائم الإسلام. (2) ما بين القوسين لم يذكر في الجعفریات و النوادر.

72 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آنچه‌ان جبرئیل مسواک زدن را سفارش می کرد.

که گمان بردم بر اتم واجب می گردد(1).

73 - امام صادق علیه السلام فرمود: مسواک زدن. موجب شادابی می گردد(2).

74 - امام صادق علیه السلام فرمود: بر شما باد به مسواک زدن.

زیرا مسواک زدن. وسوسه را از دل بیرون می راند(3).

75 - امام باقر علیه السلام فرمود: مسواک زدن عقل را زیاد می کند(4).

76 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چنانچه مردم به فوائد و منافع مسواک زدن واقف می گشتند. آن را در کنار رختخواب خود. قرار می دادند(5).

ص: 63

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما زال جبرئيل يوصيني بالسواك. حتى ظننت أنه سيجمعه فريضه (وسائل الشيعه ج 2 ص 9 و من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 7 و الأملی للشيخ الصدوق - عليه الرحمه - ص 514 المجلس 66 و تنبيه الخواطر ج 2 ص 260 و مكارم الأخلاق ج 2 ص 313). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما جئني صاحبى جبرئيل إلا أوصاني بالسواك. حتى خشيت أن يفرضه عليّ و على امتي. و لو لا أني أخاف أن أشقّ على امتي لفرضته عليهم (مستدرک الوسائل ج 1 ص 360). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لقد امرت بالسواك حتى خشيت أن يكتب عليّ (مكارم الأخلاق ج 1 ص 94).

2- - قال الإمام الصادق عليه السلام: النشره (1) في عشره أشياء: و السواك (المحاسن ج 1 ص 78). قال الإمام الصادق عليه السلام: النشره في عشره أشياء: ... و السواك (الخصال ص 443)

3- - قال الإمام الصادق عليه السلام: عليكم بالسواك. فإنه يذهب وسوسه الصدر (الأملی للشيخ الطوسي - عليه الرحمه - ص 667 المجلس 36).

4- - قال الإمام الباقر عليه السلام: السواك يذهب بالبلغم. و يزيد في العقل (ثواب الأعمال ص 34).

5- - (قال رسول الله صلى الله عليه وآله في شأن السواك): ولو يعلم الناس ما فيه - من المنفعه - لأبأتوه معهم في اللحاف (اعلام الدين ص 362). عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أبو جعفر عليه السلام: لو يعلم الناس ما في السواك. لأبأتوه - معهم - في لحاف (ثواب الأعمال ص 34). (1) في بعض النسخ: البشره.

77 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر برای امت من مایه مشقت و زحمت نبود. هر آینه به آنها دستور می دادم که برای هر نماز مسواک کنند(1).

78 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دو رکعت نماز که با مسواک زدن خوانده می شود - در نزد خدای متعال - محبوب تر است از هفتاد رکعت نمازی که بدون مسواک خوانده می شود(2).

79 - امام صادق علیه السلام فرمود: دو رکعت نمازی را که با مسواک زدن خوانده می شود.

بهتر از هفتاد رکعت نمازی است که بدون مسواک خوانده می شود(3).

ص: 64

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لولا أن أشق على أمتي لأمرتهم بالسواك مع كل صلاة (الكافي ج 3 ص 22 و المحاسن ج 2 ص 381 و علل الشرائع ج 1 ص 388). في المحاسن: عند كل. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لولا أن أشق على أمتي لأمرتهم بالسواك عند وضوء كل صلاة (مكارم الأخلاق ج 1 ص 117 و من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 34 و دعائم الإسلام ج 2 ص 21). في دعائم الإسلام هكذا: عند كل وضوء. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لولا أن أشق على أمتي لفرضت عليهم السواك مع الوضوء. و من أطاق ذلك. فلا يدعه (دعائم الإسلام ج 1 ص 119).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ركعتان ب سواك. أحب إلى الله تعالى من سبعين ركعه بغير سواك (جامع الأخبار ص 152 و الخصال ص 480).

3- - قال الإمام الصادق صلى الله عليه وآله: ركعتان بالسواك أفضل من سبعين ركعه بغير سواك (الكافي ج 3 ص 22 و المحاسن ج 2 ص 382). في المحاسن: ب سواك. قال الإمام الصادق صلى الله عليه وآله: صلاة ركعتين ب سواك أفضل من سبعين ركعه بغير سواك (مكارم الأخلاق ج 1 ص 116 و من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 33). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن أفواهكم طرق القرآن. فطيبوها بالسواك. فإن صلاة على أثر السواك خير من خمس و سبعين صلاة بغير سواك (اعلام الدين ص 273). في وصية النبي صلى الله عليه وآله لأئمة المؤمنين عليه السلام: - يا عليّ - عليك بالسواك. و إن استطعت أن لا تقلّ منه. فإفعل. فإن كل صلاة تصلّيها - بالسواك - تفضل على التي تصلّيها بغير سواك. أربعين يوماً (مكارم الأخلاق ج 1 ص 118).

80 - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که در نیمه شب برای خواندن نماز برمی خیزی مسواک بزن. زیرا بدرستی که در این صورت ملکی به نزد تو آمده و دهان خود را بر دهان تو قرار داده و هر سخن و کلامی که بر زبان جاری می کنی با خود به آسمان خواهد برد. پس بر تو لازم است که دهان خود را خوشبو کنی (1).

81 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که بنده مؤمنی در نیمه شب از جای خود برمی خیزد و مسواک می زند. آنگاه وضوی نیکویی می گیرد.

سپس - برای عبادت - به خانه ای از خانه های خدا روانه می گردد.

در این هنگام ملکی به سوی او روی می آورد و دهان خود را بر دهان او می گذارد.

و هر چیزی که از دهان آن مؤمن خارج می گردد. در دهان آن فرشته قرار می گیرد.

و آن فرشته - در روز قیامت - از آن مؤمن شفاعت می کند و به نفع او شهادت می دهد (2).

ص: 65

---

1- قال الإمام الصادق عليه السلام: إذا قمت بالليل فإستك. فإنّ الملك يأتيك. ف يضع فاه على فيك. و ليس (1) من حرف تتلوه و تنطق به إلاصعد به إلى السماء. ف ليكن فوك طيب الريح (الكافي ج 3 ص 23 و علل الشرائع ج 1 ص 388 الباب 222).

2- قال رسول الله صلى الله عليه و آله: ما من عبد مؤمن قام في جوف الليل إلى سواكه. فإستتر (2). ثمّ تطهّر. فأحسن الطهر. ثمّ قام إلى بيت من بيوت الله. إلا أتاه ملك. فوضع فاه على فيه. فلا يخرج من جوفه شيء إلا وقع في جوف الملك. و يأتيه - يوم القيامة - شفيعاً شهيداً (دعائم الإسلام ج 1 ص 119). (1) في علل الشرائع: فليس. (2) أي فإستاك.

82 - امام صادق علیه السلام فرمود: من دوست دارم مردی را که - شب هنگام - وقتی که برای نماز شب برمی خیزد مسواک بزند و بوی خوش استعمال نماید.

زیرا در آن هنگام فرشته ای به نزد او می آید و دهان خود را بر دهانش می گذارد.

و آن ملک آنچه را که او از قرآن تلاوت نموده است به کام خود می گیرد(1).

83 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هنگامی که شخصی وضو می گیرد و سپس مسواک می زند و به نماز می ایستد. ملکی به نزد او آمده و دهان خود را بر دهان او قرار خواهد داد. و هر چه را که آن شخص بر زبان جاری می کند آن ملک خواهد گرفت.

و چنانچه این شخص مسواک زدن را ترک نماید. آن ملک به کناری ایستاده و فقط به قرائت و سخن او گوش می دهد(2).

ص: 66

- 
- 1- - عن اسحاق بن عمار قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إنني لأحبُّ للرجل إذا قام بالليل أن يستاك. وأن يشمَّ الطيب. فإنَّ الملك يأتي الرجل - إذا قام بالليل - حتى يضع فاه على فيه. فما خرج من القرآن - من شيء - دخل جوف ذلك الملك (المحاسن ج 2 ص 378).
  - 2- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: إذا توضأ الرجل. و سوَّك ثمَّ قال ف صلَّى. وضع الملك فاه على فيه. فلم يلفظ شيئاً إلا التقمه. و زاد فيه بعضهم: فإن لم يستك. قام الملك جانباً. يسمع إلى قرائته (المحاسن ج 2 ص 382).

## 1 - خوشبو کردن دهان بوسیله مسواک زدن

84 - امام صادق علیه السلام فرمود: برای هر چیزی یک نوع پاکیزه گی وجود دارد.

و مسواک زدن. موجب پاکیزه گی دهان می گردد(1).

85 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دهانهای شما یکی از راههای رسیدن به خدای عزّ و جلّ می باشد.

پس بر شما لازم است که دهانهای خود را بوسیله مسواک زدن تمیز کنید(2).

86 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مسواک زدن موجب خشنودی خداوند عزّ و جلّ است.

و شیوه و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله بشمار می آید. و باعث خوشبو شدن دهان می گردد(3).

ص: 67

---

1- قال الإمام الصادق عليه السلام: لكلّ شيء طهور. و طهور الفم: السواک (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 33 و علل الشرایع ج 1 ص 391 الباب 227 و مکارم الأخلاق ج 1 ص 116).

2- قال رسول الله صلى الله عليه و آله: أفواهمكم طرق من طرق ربّكم. ف نظّفوها بالسواک (صحيفه الإمام الرضا عليه السلام ص 109 ح 65).

3- قال أمير المؤمنين صلى الله عليه و آله: السواک من مرضاه الله عزّ و جلّ (1). و سنّه النبیّ صلى الله عليه و آله (2). و مطيبه للفم (الخصال ص 610 و المحاسن ج 2 ص 382 و مکارم الأخلاق ج 1 ص 119). قال أمير المؤمنين صلى الله عليه و آله: السواک مرضاه للربّ. و مطيبه للفم وهو من السنّه (تحف العقول ص 101) قال رسول الله صلى الله عليه و آله: السواک مطيبه للفم. و مرضاه للربّ (دعائم الإسلام ج 1 ص 118 و النوادر للسید فضل الله الراوندی - عليه الرحمه - ص 192). قال رسول الله صلى الله عليه و آله: تسوّکوا. فإنّ السواک مطيبه للفم. و مرضاه للربّ (مستدرک الوسائل ج 1 ص 360). (1) فی مکارم الأخلاق هكذا: مرضاه لله عزّ و جلّ. (2) فی بعض المصادر: و سنّه للنبيّ صلى الله عليه و آله.



87 - حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام فرمود: مسواک زدن موجب پاکیزه گی دهان می گردد. و رضایتمندی خداوند عزّ و جلّ را در پی دارد(1).

88 - امام صادق علیه السلام فرمود: مسواک زدن دارای دوازده اثر و فائده می باشد:

سنت و شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله است.

دهان را پاکیزه می کند.

به چشم جلا می دهد.

رضایت الهی را در پی دارد.

بلغم را از بین می برد.

حافظه را زیاد می کند.

دندانها را سفید می نماید.

حسنات را مضاعف می سازد.

زردی دندان را زائل می کند.

لثه را محکم می نماید.

باعث زیادی اشتها می شود.

موجب خوشحالی ملائکه می گردد(2).

ص: 68

---

1- قال أمير المؤمنين عليه السلام: السواك مطهره للفم. و مرضاه للربّ (الكافي ج 6 ص 495 و الجعفریات ص 27). قال أمير المؤمنين عليه السلام: السواك مرضاه الله. و سنّه النبی صلی الله علیه و آله و مطهره للفم (المحاسن ج 2 ص 382).

2- قال الإمام الصادق عليه السلام: فی السواك اثنتا عشر خصله: هو من السنّه. و مطهره للفم. و مجلاه للبصر. و یرضی الربّ. و یذهب بالبلغم. و یزید فی الحفظ. و یبیض الأسنان. و یضاعف الحسنات. و یذهب بالحفر. و یشدّ اللثه. و یشهی الطعام. و تقرح به الملائکه (الكافی ج 6 ص 496). (و راجع: المحاسن ج 2 ص 383 و الخصال ص 449 و ص 480 و ص 481 و الفقیه ج 1 ص 34 و ج 4 ص 264 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 117 و ج 2 ص 328 و الدعوات ص 161 و اعلام الدین ص 362).

89 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که در روز یک بار مسواک بزند. خدای متعال از او راضی گشته و بهشت را به او ارزانی خواهد داشت.

و چنانچه شخصی در روز دو بار مسواک بزند. بدرستیکه او از شیوه و روش انبیاء علیهم السلام پیروی نموده است.

و خدای متعال برای هر نمازی که می خواند. ثواب صد رکعت نماز برای او می نویسد. و چنین شخصی از فقر بی نیاز می گردد. و دهانش خوشبو خواهد گشت.

و حافظه اش افزایش می یابد. و فهم و درک او زیاد می شود.

و غذای او گوارا می گردد. و دردهای دندان او از بین خواهد رفت.

و مرضهای دیگر از او دور خواهد گشت.

و ملائکه بخاطر نوری که در صورتش تالّو می کند. به او دست خواهند داد.

و دندانهای او پاکیزه می گردد.

و هنگامی که او از خانه خارج می شود. ملائکه او را بدرقه و مشایعت می کنند.

و ملائکه عرش الهی و ملائکه کزوین برای او استغفار کرده و طلب آمرزش می نمایند. و برای او ثواب هزار سال عبادت نوشته می شود.

و خدای متعال هزار درجه به مقام او می افزاید.

و درهای بهشت در برابر او گشوده می گردد.

و به او گفته می شود: از هر دری که می خواهی وارد بهشت شو.

و خدای متعال نامه اعمال او را به دست راستش می دهد. و محاسبه او آسان خواهد بود. و خدای متعال درهای رحمتش را بر او خواهد گشود.

و او از دنیا نخواهد رفت مگر اینکه جایگاه خود را در بهشت خواهد دید.

زیرا چنین شخصی به پیامبران الهی علیهم السلام اقتدا و تاسی نموده است.

و شخصی که به پیامبران اقتدا و تاسی کند. به همراه آنها وارد بهشت خواهد شد.

و شخصی که در هر روز مسواک بزند از دنیا نمی رود تا آنکه حضرت ابراهیم علیه السلام را در خواب ببیند.

و او - در روز قیامت - در زمره انبیاء الهی خواهد بود.

و خداوند متعال حوائج دنیوی و اخروی او را برآورده خواهد نمود.

و جایگاه او - در روز قیامت - زیر سایه عرش الهی خواهد بود.

و او - در بهشت - رفیق حضرت ابراهیم علیه السلام و سایر انبیاء خواهد گشت (1).

ص: 70

---

1- - عن أمير المؤمنين عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله قال: من استاك كل يوم - مره - رضی الله عنه. و له الجنة. و من استاك كل يوم - مرتين - فقد ادم سنه الانبياء عليهم السلام. و كتب الله له ب كل صلاه - يصلها - ثواب مائة ركعه. و استغنى عن الفقر. و تطيب نكهته. و يزيد في حفظه. و يشتد له فهمه. و يمرى طعامه. و يذهب أوجاع أضراسه. و يدفع عنه السقم. و تصافحه الملائكة - لما يرون عليه من النور - . و ينقى أسنانه. و تشيعه الملائكة عند خروجه من البيت. و يستغفر له حمله العرش والكرسيون. و كتب الله له - بكل مؤمن و مؤمنة - ثواب ألف سنه. و رفع الله له ألف درجه. و فتح الله له أبواب الجنة. يدخل من أيها شاء. و أعطاه الله كتابه بيمينه. و حاسبه حساباً يسيراً. و فتح الله عليه أبواب الرحمة. و لا يخرج من الدنيا حتى يرى مكانه من الجنة. و قد اقتدى بالأنبياء عليهم السلام. و من اقتدى بالأنبياء عليهم السلام دخل - معهم - الجنة. و من استاك كل يوم فلا يخرج من الدنيا حتى يرى ابراهيم عليه السلام في المنام. و كان يوم القيامة في عداد الأنبياء. و قضى الله تعالى له كل حاجه كانت له من أمر الدنيا و الآخرة. و يكون - يوم القيامة - في ظل العرش. يوم لا ظل إلا ظله. و يكون - في الجنة - رفيق ابراهيم عليه السلام و رفيق جميع الأنبياء عليهم السلام (جامع الأخبار تأليف الشيخ محمد بن محمد السبزواری - عليه الرحمة - ص 151 الفصل 27 تحقيق و نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث تحت إشراف سماحه العلامة حجه الإسلام والمسلمين الحاج السيد جواد الحسيني الشهرستاني - دامت برکاته -).

90 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مسواک زدن باعث پاک شدن و تمیزی دهان می گردد. و رضایتمندی الهی را در پی دارد.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله مسواک زدن را از سنتهای مستحکم قرار داده است. زیرا مسواک زدن دارای آثار و منافع ظاهری و باطنی بسیاری است.

به گونه ای که آن آثار و منافع را خردمندان نیز نمی توانند شمارش کنند.

و همانگونه که دهان خود را بوسیله مسواک زدن - از باقیمانده خوراکیها - پاک و تمیز می کنید. بر شما لازم است که با تضرع و خشوع و نماز شب و استغفار - در سحرگاهان - پلیدی گناه و معصیت را از خود دور سازید.

و ظاهر و باطن خود را - با خلوص نیت - از ناپاکیها و پلیدیها پاک نمائید.

زیرا بدرستی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استفاده نمودن از مسواک را مثل و نمودی برای یادآوری و تنبّه کسانی که هوشیار می باشند قرار داده است.

زیرا مسواک گیاهی است لطیف و پاک و شاخه درختی است مبارک و شیرین.

و خدای متعال دندانها را در دهان قرار داد تا ابزاری برای خوردن غذا و جویدن آن باشد. و بوی دهان در اثر جویدن غذا تغییر پیدا می کند.

و این تغییر. باعث آلودگی دهان می شود.

و این آلودگی به مغز نیز سرایت کرده و باعث اخلال در آن می گردد.

و شخص با ایمان همانگونه که بوسیله این شاخه لطیف و گیاه خوشبو مسواک می زند - و آن را بر دندان درخشان خود می کشد تا بدینوسیله آلودگی را از آن پاک می سازد - قلب خود را نیز بوسیله توبه و ذکر الهی و اندیشه درست از آلودگی گناه و غفلت پاک می نماید.

زیرا خداوند متعال می فرماید: بدرستی که خداوند افراد توبه کننده و پاکیزه را دوست دارد.

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما باد به مسواک زدن.

و شخصی که پیشانی اندیشه خود را بر درگاه عبرتها بساید و از آنها درس بگیرد خداوند متعال برای او چشمه های حکمت را جاری و درهای دانش را در برابرش می گشاید. و مشمول لطف و فضل الهی می گردد.

زیرا خداوند متعال اجر و پاداش افراد نیکوکار را تباه نمی گرداند(1).

ص: 72

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: السواك مطهره للفم. و مرضات للرب. و جعلها من السنن المؤكده. و فيها منافع كثيره للظاهر والباطن - ما لا يحصى لمن عقل -. فكما تزيل ما تلوث من أسنانك من ما أكلك و مطعمك بالسواك. كذلك. ازل نجاسه ذنوبك بالتضرع و الخشوع و التهجد و الاستغفار بالأسحار. و طهر ظاهرک من النجاسات و باطنک من کدورات المخالفات. و رکوب المناهی کلها خالصاً لله. فإنّ النبی صلی الله علیه و آله ضرب یاستعمالها مثلاً لأهل التنبه و اليقظه. و هو أنّ السواک نبات لطیف و غصن شجر عذب مبارک. و الأسنان خلق. خلقه تعالی - فی الفم - آله للأكل و أداءه للمضغ. و سبباً لإشتهاء الطعام. و إصلاح المعده. و هی جوهره صافیه تتلوّث بصحبه تمضیغ الطعام و تتغیّر بها رائحه الفم. و يتولّد منها الفساد فی الدماغ. فإذا استاک المؤمن الفطن. بالنبات اللطیف. و مسحها علی الجوهره الصافیه أزال عنها الفساد و التغيّر. و عادت إلى أصلها. كذلك خلق الله القلب طاهراً صافياً. و جعل غذائه: الذكر و الفكر و الهیبه و التعظیم. و إذا شیب القلب الصافی بتغذیته - بالغفله و الكدر - صقل بمصلقه التوبه. و نظّف بماء الإنابه. ليعود علی حالته الأولى و جوهرته الأصلية. قال الله تبارک و تعالی: إنّ الله یحبّ التّوّابین و یحبّ المتطهّرين. قال النبی صلی الله علیه و آله و علیکم بالسواک. فإنّ النبی صلی الله علیه و آله أمر بالسواک - فی ظاهر الأسنان - و أراد هذا المعنی. و من أناخ تفکّره علی باب عتبه العبره فی استخراج مثل هذه الأمثال - فی الأصل و الفرع - فتح الله له عیون الحکمه و المزید من فضله. و الله لا یضیع أجر المحسنین (مصباح الشریعه باب: السواک).

91 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: راه و مسیر قرآن را تمیز و پاکیزه نمائید.

به پیامبر گفته شد: راه قرآن چیست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دهان شما.

به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: چگونه این راه را تمیز کنیم؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بوسیله مسواک زدن(1).

92 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دهان خود را بوسیله مسواک زدن پاکیزه نمائید.

زیرا دهان های شما مسیر قرآن است(2).

93 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بدرستیکه دهان های شما راه و مسیر قرآن است.

پس بر شما لازم است که دهان خود را بوسیله مسواک زدن پاکیزه نمائید(3).

94 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بدرستیکه دهان های شما مسیر و راه قرآن است.

پس بر شما لازم است که دهان خود را بوسیله مسواک زدن خوشبو نمائید(4).

ص: 73

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله نظّفوا طريق القرآن. قالوا: - يا رسول الله - و ما طريق القرآن؟ قال صلى الله عليه وآله: أفواهكم. قالوا: بماذا نظّفه (1)؟ قال صلى الله عليه وآله: بالسواك (الجعفریات ص 27 و الدعوات ص 161 و النوادر للسید فضل الله الراوندى - عليه الرحمه - ص 201 و دعائم الإسلام ج 1 ص 119). (راجع: مكارم الأخلاق ج 1 ص 118 و المحاسن ج 2 ص 377).

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: طهّروا أفواهكم بالسواك. فإنّها طرق القرآن (تنبيه الخواطر ج 1 ص 7).

3- قال أمير المؤمنين عليه السلام: إنّ أفواهكم طرق القرآن. فطهّروها بالسواك (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 32 و اعلام الدين ص 272).

4- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ أفواهكم طرق القرآن. فطّبوها بالسواك (اعلام الدين ص 273). (1) فى الجعفریات: و كيف نظّفه.

95 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خلال نمودن را جبرئیل به من سفارش نمود(1).

96 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دندانهای خود را خلال کنید. و این کار نشانه پاکیزه گی است.

و پاکیزه گی از ایمان است.

و بهشت جایگاه شخص با ایمان می باشد(2).

97 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: استفاده نمودن از خلال تو را محبوب فرشتگان قرار می دهد.

زیرا ملائکه از بوی دهان شخصی که - پس از خوردن غذا - خلال نمی کند اذیت می شوند(3).

98 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال شخصی - از امت من - که دندانهای خود را خلال می کند(4).

99 - در حدیث آمده است: خداوند متعال مورد رحمت قرار می دهد افرادی - از این امت - را که پس از خوردن غذا دندانهای خود را خلال می کنند(5).

ص: 74

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: نزل جبرئيل عليه السلام عليّ بالخلال (الكافي ج 6 ص 376)

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تخلّلوا فإِنَّه من النّظافه. و النّظافه من الإيمان. و الإيمان - مع صاحبه - فى الجَنّة (بحار الأنوار ج 59 ص 291).

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الخلال يحبّيك إلى الملائكة. فإنّ الملائكة تتأذى ب ریح فم من لا يتخلّل بعد الطعم (تحف العقول ص 13).

4- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: حبّذا المتخلّل من امتى (مكارم الأخلاق ج 1 ص 332). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: حبّذا المتخلّلون من امتى (بحار الأنوار ج 63 ص 442).

5- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: رحم الله المتخلّلين - من امتى - فى الوضوء و الطعم (مكارم الأخلاق ج 1 ص 330).

100 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال کسانی که پس از خوردن غذا دندانهای خود را خلال می کنند(1).

101 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعال مورد رحمت قرار می دهد کسانی را که خلال بکار می برند.

به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: آنها چه کسانی هستند؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آنها کسانی هستند که پس از خوردن غذا دندانهای خود را خلال می کنند.

زیرا هنگامی که باقیمانده غذا در دهان می ماند. بوی دهان تغییر می کند.

و این بو فرشتگان را آزار می دهد(2).

ص: 75

- 
- 1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تخللوا على أثر الطعام. وقال صلى الله عليه وآله: حبّذا المتخلّلون في الوضوء. و من الطعام. و ليس شيء أشدّ على ملكي المؤمن من أن يريا شيئاً من الطعام في فيه - و هو قائم يصلّي - (دعائم الإسلام ج 2 ص 120).
- 2- - عن أبي حمزه عن أبي الحسن عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: رحم الله المتخلّلين. قيل: - يا رسول الله - و ما المتخلّلون؟ قال صلى الله عليه وآله: يتخلّلون من الطعام. فإنّه إذا بقي - في الفم - تغيّر. ف أذى الملك. ريحه (المحاسن ج 2 ص 377). قال الإمام الصادق عليه السلام: إنّ رسول الله صلى الله عليه وآله (1) خرج ذات يوم فقال: حبّذا المتخلّلون. فقيل: - يا رسول الله - و ما هذا التخلّل؟ قال صلى الله عليه وآله: التخلّل في الوضوء بين الأصابع والأظافر. و التخلّل من الطعام. فليس شيء أشدّ على ملكي المؤمن من أن يريا شيئاً من الطعام في فيه. و هو قائم يصلّي (الجعفریات ص 29 و دعائم الإسلام ج 1 ص 123 و النوادر للسيد فضل الله الراوندي - عليه الرحمة - ص 202). (1) في دعائم الإسلام هكذا: خرج رسول الله صلى الله عليه وآله يوماً على أصحابه فقال. و في النوادر هكذا: قال رسول الله صلى الله عليه وآله - ذات يوم - حبّذا.



102 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پس از خوردن غذا خلال نمائید.

زیرا هیچ چیز - برای ملائکه - منفورتر از این نیست که ببینند در لابلای دندان بنده ای غذائی باقی مانده باشد(1).

103 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پس از خوردن غذا خلال نمائید.

زیرا این کار دندانها را محکم می نماید و رزق و روزی را زیاد می کند(2).

104 - امام کاظم علیه السلام فرمود: فرشته ای در آسمان ندا داده و این گونه دعا می کند:

- خدایا - بر کسانی که در خانه آنها سرکه وجود دارد. و بر کسانی که خلال بکار می برند برکت عنایت فرما(3).

ص: 76

---

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تخللوا. فإنه ليس شيء أبغض إلى الملائكة من أن يروا في أسنان العبد طعاماً (مكارم الأخلاق ج 1 ص 332).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تخللوا على أثر الطعام. فإنه صحه للناب والنواجذ. ويجلب على العبد الرزق (دعائم الإسلام ج 2 ص 120). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تخللوا على أثر الطعام. فإنه مصحح للفم والنواجذ. ويجلب الرزق على العبد (مكارم الأخلاق ج 1 ص 331).

3- - (عن السياري) عن أبي الحسن الأول عليه السلام قال: ملك ينادى في السماء: اللهم بارك في الخلالين (1) و المتخللين. فقلت: - جعلت فداك - و ما الخلالون و المتخللون؟ قال عليه السلام: الآذنين في بيوتهم الخلل. و الآذنين يتخللون. فإن الخلال (2) نزل به (3) جبرئيل مع اليمين و الشهاده من السماء (مستطرفات السرائر ص 49 تحقيق و نشر مدرسه الإمام المهدي عليه السلام). (راجع: مكارم الأخلاق ج 1 ص 330 و بحار الأنوار ج 63 ص 304 و ص 441-442). (1) و الخلل: بمنزله الرجل الصالح يدعو لأهل بيته بالبركه. (2) في مكارم الأخلاق ج 1 ص 331 هكذا: الخلال نزل به جبرئيل عليه السلام على النبي صلى الله عليه وآله - مع اليمين و الشاهد - من السماء. (3) أي نزل باستحبابه.

105 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دهان خود را بوسیلهٔ خلال کردن تمیز و پاکیزه کنید.

زیرا دهان شما مکان و محلی است برای آن دو ملکی که از شما حفاظت می کنند و اعمال شما را می نویسند.

مرگب آنها: آب دهان شما می باشد.

وقلم آنها: زبان شما می باشد.

و برای آنها هیچ چیز سخت تر (و نفرت انگیز تر) از آن نیست که ببینند غذائی لابلائی دندانها باقی مانده است(1).

106 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دندانهای خود را خلال کنید. زیرا این کار دهان را تمیز و پاکیزه می کند. و لثه ها را نیز اصلاح می نماید(2).

107 - امام صادق علیه السلام فرمود: خلال نمودن دندان. دهان را خوشبو می کند(3).

108 - روزی پیامبر صلی الله علیه و آله خاللی را به جناب جعفر طیار داده و به او فرمود: - ای جعفر - خلال کن. زیرا این کار دهان را اصلاح می کند(4).

ص: 77

---

1- - عن سعد بن معاذ قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تقوا أفواهكم بالخالل. فإنها مسكن الملكين. الحافظين. الكاتبين. وإن مدادهما: الريق. وقلمهما: اللسان. وليس شيء أشد عليهما من فضل الطعام في الفم (مكارم الأخلاق ج 1 ص 330).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تخللوا. فإنه ينقى الفم. و مصلحه للثه (الكافي ج 6 ص 376).

3- - عن وهب بن عبد ربه قال: رأيت أبا عبد الله عليه السلام يتخلل. فنظرت إليه. فقال عليه السلام: إن رسول الله صلى الله عليه وآله كان يتخلل. وهو يطيب الفم (الكافي ج 6 ص 376 و من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 226).

4- - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ناول النبي صلى الله عليه وآله جعفر بن أبي طالب عليه السلام خاللاً. فقال صلى الله عليه وآله له: - يا جعفر - تخلل. فإنه مصلحه للفم (الكافي ج 6 ص 376).

اشاره

109 - مستحب است برای شخصی که می خواهد وارد شهر مکه مکرمه گردد. چیز خوشبویی را بحدود تا دهان او خوشبو گردد(1).

اذخر

(2)

110 - ابو بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: هنگامی که وارد حریم شهر مکه می شوی. مقداری از اذخر را در دهان خود قرار بده و آن را بجو.

ابو بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام به ام فروه نیز می فرمود تا او این کار را(3) انجام دهد(4).

111 - شیخ بزرگوار کلینی - علیه الرحمه - می فرماید: از بعضی از اصحاب در باره این حدیث سؤال کردم؟

در جواب گفت: این کار مستحب است. تا برای بوسیدن حجر الأسود. دهان خوشبو باشد(5).

112 - مستحب است هنگامی که شخصی می خواهد وارد شهر مکه مکرمه گردد.

دهان خود را با اذخر خوشبو نماید(6).

ص: 78

1- (قال الشيخ الطوسي - عليه الرحمه -): وينبغي أن يمضغ شيئاً من الإذخر - أو غيره - ممّا يطيب الفم - إذا أراد دخول الحرم - (مصباح المتهدّج ص 678).

2- نام گیاهی است که بوی خوش دارد. الإذخر: نبات معروف طيب الرائحة.

3-

4- عن أبي بصير قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا دخلت الحرم. فتناول من الإذخر. فأمضغه و كان عليه السلام: يأمر ام فروه بذلك (الكافي ج 4 ص 398 و تهذيب الأحكام ج 5 ص 113). عن معاوية بن عمّار عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا دخلت الحرم. فخذ من الإذخر. فأمضغه (الكافي ج 4 ص 398). - یعنی: جویدن این گیاه خوشبو.

5- (قال الشيخ الكليني - عليه الرحمه -): سألت بعض أصحابنا عن هذا؟ فقال: يستحب ذلك ليطيب بها الفم لتقبيل الحجر (الكافي ج 4 ص 398).

6- (قال الشيخ الطوسي - عليه الرحمه -): يستحب لمن أراد دخول الحرم أن يتناول شيئاً من الإذخر. فيمضغه. فإن ذلك ممّا يطيب الفم (تهذيب الأحكام ج 5 ص 113 باب دخول الحرم).

113 - امام صادق عليه السلام فرمود: سُعد را در دهان خود بگذارید.

زیرا سعد. دهان را خوشبو می کند(2).

## کُنْدَر

114 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: جویدن کُنْدَر دندانها را محکم می کند.

و بلغم را از بین می برد و بوی بد دهان را زائل می سازد(3).

## نَعْنَاع

115 - امام کاظم علیه السلام فرمود: خوردن نعناع. دهان را خوشبو می کند(4).

ص: 79

1- - نام گیاهی است که خوشبو می باشد. السُعد: نبات طیب الرائحة. فیه مراره.

2- - قال الإمام الصادق عليه السلام: اتَّخَذُوا (1) فِي أَسْنَانِكُمُ السُّعْدَ. فَإِنَّهُ يَطَيِّبُ الْفَمَ. وَيَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ (الكافي ج 6 ص 378 والمحسن ج 2 ص 203 و الخصال ص 63 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 302 و روضه الواعظین ج 2 ص 117).

3- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: مضغ اللبان. يشدّ الاضرار. و ينفى البلغم. و يقطع ريح الفم (تحف العقول ص 101 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 423). قال أمير المؤمنين عليه السلام: مضغ اللبان. يشدّ الاضرار. و ينفى البلغم. و يذهب بريح الفم (الخصال ص 612).

4- - (قال الإمام الكاظم عليه السلام في وصف الباذروج (2)): اختم طعامك به. فإنه يمرىء ما قبل. كما يشهي ما بعد. و يذهب بالثقل. و يطيب الجشاء و النكهه (الكافي ج 6 ص 364). (1) في مكارم الأخلاق: إجعلوا. (2) الباذروج: نوع من الرياحان. و لعلّه: النعناع المعروف (نقلاً عن هامش الكافي).

116 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با چوب درخت اراک مسواک می نمود.

و جبرئیل علیه السلام به این کار دستور داده بود(2).

ص:80

---

1- کان صلی الله علیه و آله یستاک بالأراک. أمره - بذلك - جبرئیل علیه السلام (مکارم الأخلاق ج 1 ص 95).

2- - اراک: نام درختی است که از شاخه های آن مسواک تهیه می شود. و اراک. نام منطقه ای است در اطراف شهر مکه مکرمه. مانند: انار که نام میوه ای است. و همچنین نام شهری است که در استان کرمان واقع شده است. الأراک: شجرٌ یُستاک بقضبانہ. الأراک: موضع بعرفه من ناحیه الشام. قرب نمره (نقلاً عن هامش علل الشرائع ج 2 ص 191). الغدیر. فی وادی الأراک. (المناقب ج 3 ص 35). عن جعفر بن محمد علیهما السلام أنه قال: عرفه - کلّها - موقف. و أفضل ذلك. سفح الجبل. و نهی عن النزول و الوقوف بالأراک. و قال علیه السلام: الجبال أفضل (دعائم الإسلام ج 1 ص 320). عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا وقفت بعرفات. فأدن عن الهضبات. و الهضبات هی الجبال. فإنّ النبیّ صلی الله علیه و آله قال: إنّ أصحاب الأراک. لا حجّ لهم. یعنی: الذین یقفون عند الأراک (الکافی ج 4 ص 463). (و راجع: علل الشرائع ج 2 ص 191 الباب 211). قال الإمام الصادق علیه السلام: و إذا رأیت خللاً فتقدّم. ف سدّه بنفسک و راحتک. فإنّ الله یحبّ أن تسدّ تلك الخلال. و أسهل عن الهضبات. و اتقّ الأراک. و نمره. و بطن عرنه و ثویه. و ذا المجاز. فإنّه لیس من عرفه. فلا تقف فيه (تهذیب الأحکام ج 5 ص 206 باب: الغدو إلى عرفات). فی وسائل الشیعه ج 3 ص 534 هكذا: و أسفل.

1- - قال الإمام الرضا عليه السلام: إن أجود ما استكت به ليف الأراك (1). فإنه يجلو الأسنان. و يطيب النكهه. و يشد اللثة. و يسمنها. و هو نافع من الحفر - إذا كان باعتدال - . و الإكثار منه يرقق الأسنان و يززعها و يضعف اصولها (بحار الأنوار ج 59 ص 317 و مستدرک الوسائل ج 1 ص 369). في البحار: و يسننها. (1) و ليف النخل معروف. و لعل المراد - هنا - ما يعمل من ورق الأراك - و هو غير معروف - . و فسره بعضهم: ب عرقه. و لم أجده في اللغة. و يحتمل أن يكون المراد به: غصن الأراك الذي عمل للإستياك. يمضغ طرفه. فإنه - حينئذٍ - شبيه الليف (بحار الأنوار للعلامة المجلسي - قدس الله تبارك و تعالی روحه القدوسی - ج 59 ص 340). سأل منصور بن حازم أبا عبد الله عليه السلام عن الأراك. يكون في الحرم - فأقطعه -؟ قال عليه السلام: عليك فداؤه (من لا يحضره الفقيه ج 2 ص 166). عن سليمان بن خالد عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن رجل قلع من الأراك الذي بمكة؟ قال عليه السلام: عليه ثمنه. و قال عليه السلام: لا ينزع من شجر [ه] مكة شيء إلا النخل و شجر الفاكهه (تهذيب الأحكام ج 5 ص 421). سأل سليمان بن خالد عن الرجل يقطع من الأراك الذي بمكة؟ قال عليه السلام: عليه ثمنه. يتصدق به. قال عليه السلام: و لا ينزع من شجر مكة شيئاً إلا النخل و شجر الفواكه (من لا يحضره الفقيه ج 2 ص 166).

118 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مسواک زدن با چوب درخت مبارک زیتون. دهان را خوشبو می کند. و زردی دندان را از بین می برد.

و مسواک من - و پیامبران قبل از من - می باشد(2).

ص: 82

---

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: نعم السواك. الزيتون - من الشجرة المباركة - يطيب الفم. ويذهب بالحفر. وهي سواكی وسواك الأنبياء قبلي (مستدرک الوسائل ج 1 ص 369). لازم به یادآوری است که تهیه چوب مسواک. منحصر به درخت خاصی نیست. بلکه بخاطر فوائد و منافع ویژه ای که در بعضی از درختان وجود دارد. تهیه نمودن مسواک از آنها توصیه شده است. مانند: درخت اراک و درخت زیتون. در حدیثی در باره مسواک آمده است: شاخه ای است از درختی که مبارک می باشد. و همچنین لازم به تذکر است که از خلال نمودن با چوب بعضی درختان نهی شده است. مانند: شاخه درخت انار و برگ درخت خرما و گیاه آس و شاخه نیشکر. قال الإمام الصادق عليه السلام: لا تخللوا بعود الريحان ولا بقضيب الرمان (المحاسن ج 2 ص 386 و الكافي ج 6 ص 377). قال الإمام الصادق عليه السلام: نهی رسول الله صلى الله عليه وآله عن التخلل بالرمان والآس والقصب... (المحاسن ج 2 ص 386 و الكافي ج 6 ص 377). قال الإمام الصادق عليه السلام: نهی رسول الله صلى الله عليه وآله أن يتخلل بالقصب والريحان (الكافي ج 6 ص 377). قال الإمام الصادق عليه السلام: كان النبي صلى الله عليه وآله يتخلل بكل ما أصاب. ما خلا الخوص. والقصب (الكافي ج 6 ص 377).

2- - قال عليه السلام: ... إن السواك. نبات لطيف نظيف وغصن شجر عذب مبارك (مصباح الشريعة باب: سواك). الخوص: ورق النخل (نقلاً عن هامش الكافي).

### اشاره

119 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خوردن انار بوی بد دهان را از بین می برد.

و نفس را خوشبو می کند(1).

120 - در حدیث آمده است: انار بخورید. تا دهانهای شما پاکیزه گردد(2).

### انجیر

121 - امام رضا علیه السلام فرمود: خوردن انجیر بوی بد دهان را از بین می برد(3).

### پنیر

122 - امام صادق علیه السلام فرمود: پنیر. خوراک خوبی است.

دهان را شیرین. و نفس را خوشبو می سازد(4).

ص: 83

1- - (قال أمير المؤمنين عليه السلام في وصف الرمان): فإنه يذهب بالحفر. و بالبخر (1). و يطيب النفس (المحاسن ج 2 ص 357).

2- - عن عبدالله بن الحسن قال: كلوا الرمان. تنقي أفواهكم (المحاسن ج 2 ص 360).

3- - قال الإمام الرضا عليه السلام: التين أشبه شيء بنبات الجنة. و هو يذهب بالبخر (المحاسن ج 2 ص 372). قال الإمام الرضا عليه السلام: التين يذهب بالبخر. و يشدّ (الفم و) (2) العظم. و ينب الشعر. و يذهب بالداء. و لا يحتاج معه إلى دواء (الكافي ج 6 ص 358 و المحاسن ج 2 ص 372). (راجع: مكارم الأخلاق ج 1 ص 376).

4- - قال الإمام الصادق عليه السلام: نعم اللقمة. الجبن. يعذب (3) الفم. و يطيب (4) النكهة (بحار الأنوار ج 63 ص 105 و ج 94 ص 133). (1) البخر: التين في الفم و غيره. (2) ما بين القوسين لم يذكر في المحاسن. (3) في البحار ج 63: تعذب. (4) في البحار ج 63: تطيب.



123 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خوردن خریزه دهان را پاک می سازد(1).

124 - در حدیثی - که پیرامون خواص خرما ی برنی(2) می باشد - آمده است:

خوردن آن نفس را خوشبو می نماید(3).

125 - مردی به امام کاظم علیه السلام از بوی بد دهان خود شکوه و شکایت نمود.

امام کاظم علیه السلام به او فرمود: خرما ی برنی بخور(4).

ص: 84

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: عض البطّيح. ولا تقطعها قطعاً. فإنّها فاكهه مباركه طيبه. مطهّره الفم. مقدّسه القلب. و تبيّض الأسنان. و ترضى الرحمان. ريحها من العنبر. و ماؤها من الكوثر. و لحمها من الفردوس. و لذّتها من الجنّة. و أكلها من العباده (بحار الأنوار ج 59 ص 296).

2- - نام نوعی از خرما می باشد.

3- - (قال رسول الله صلى الله عليه وآله في وصف تمر البرنى):... هذا جبرئيل يخبرنى أنّ فيها تسع خلال: تقوى الظهر. و تزيد في المجامع. و تخبّل الشيطان. و تزيد في السمع والبصر. و تقرب من الله. و تباعد من الشيطان. و تمرىء الطعام. و تطيب النكهه. و تذهب بالداء (المحاسن ج 2 ص 344). (راجع: المحاسن ج 1 ص 77 و مشكاه الأنوار ج 1 ص 337). (قال رسول الله صلى الله عليه وآله في وصف تمر البرنى):... إنّ هذا جبرئيل يخبرنى أنّ فيه تسع خصال: يطيب النكهه... (الخصال ص 417).

4- - عن محمّد بن الحسن ابن شّمون قال: كتبت إلى أبى الحسن عليه السلام: إنّ بعض أصحابنا يشكو البخر؟ فكتب عليه السلام إليه: كُل التمر البرنى (المحاسن ج 2 ص 343).

126 - امام کاظم علیه السلام فرمود: روغن زیتون. خوراک نیکویی می باشد.

نفس را خوشبو می کند(1).

127 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: روغن زیتون بخورید. و بدن خود را با آن چرب کنید.

زیرا از درخت مبارکی است(2).

### مویز

128 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مویز بخورید. زیرا مویز. تلخی دهان را از زائل می سازد.

.... و دهان را خوشبو می کند. و غم را از بین می برد(3).

ص: 85

1- - قال الإمام الكاظم عليه السلام: نعم الطعام. الزيت. يطيب النكهة. ويذهب بالبلغم. ويصفى اللون. ويشدّ العصب. ويذهب بالوصب. ويطفيء الغضب (مكارم الأخلاق ج 1 ص 415).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: كلوا الزيت. وادّهنوا بالزيت (1) فإنه من شجره مبارکه (الكافي ج 6 ص 331 باب: الزيت و الزیتون. و مكارم الأخلاق ج 1 ص 415). عن إبراهيم بن عبد الحميد عن أبي الحسن عليه السلام قال: كان ممّا أوصى به آدم عليه السلام إلى هبه الله - ابنه - أن كلّ الزيتون. فإنه من شجره مبارکه (الكافي ج 6 ص 331).

3- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: عليكم بالزبيب. فإنه يكشف المرّة. ويذهب بالبلغم. ويشدّ القصب. ويذهب بالأعياء. ويحسن الخلق. ويطيب الفم. ويذهب بالغم (روضه الواعظين ج 2 ص 119). قال أمير المؤمنين عليه السلام: إنّ الزبيب يشدّ القلب. ويذهب بالمرض. ويطفيء الحرارة. ويطيب النفس (الأمالى للشيخ الطوسى - عليه الرحمه - ص 362 المجلس 13). قال الإمام الصادق عليه السلام: الزبيب يشدّ العصب و يذهب بالنصب و يطيب النفس (المحاسن ج 2 ص 364). عن أبي هند الدارى قال: اهدى إلى رسول الله صلى الله عليه وآله طبق مغطى. فكشف الغطاء عنه. ثم قال صلى الله عليه وآله: كلوا بسم الله. نعم الطعام. الزبيب. يشدّ العصب. و يذهب بالوصب و يطفيء الغضب. و يرضى الربّ و يذهب بالبلغم. و يطيب النكهة. و يصفى اللون (الاختصاص ص 124). (1) فى المكارم هكذا: وادّهنوا به.

129 - امام صادق علیه السلام فرمود: خوردن مرزه و نمک دهان را خوشبو می کند.

و بوی بد را از آن زائل می سازد(1).

### نوشیدن آب گرم در هنگام افطار کردن

130 - در حدیث آمده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزه خود را با حلوا افطار می نمود.

و اگر حلوا در دسترس نبود. با شکر (2) - یا خرما - روزه خود را باز می کرد.

و اگر هیچ کدام از اینها در دسترس نبود. با آب گرم و ولرم افطار می نمود.

آن حضرت صلی الله علیه و آله در باره نوشیدن آب گرم در وقت افطار فرمود: معده و کبد را پاکیزه می نماید. و دهان و نفس را خوشبو می کند(3).

ص: 86

1- قال الإمام الصادق عليه السلام: السُّعْتَر (1) و الملح يطردان الرياح من الفؤاد. و يفتحان السدد. و يحرقان البلغم. و يدرّان الماء. و يطيبان النكهه. و يلبّتان المعده. و يذهبان الريح الخبيثه من الفم. و يصلبان الذكر (مكارم الأخلاق ج 1 ص 416).

2- یعنی: شکر طبیعی و گیاهی.

3- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله صلى الله عليه و آله إذا أفطر بدء بحلواء - يفطر عليها - فإن لم يجد. ف سكره أو تمرات. فإذا أعوز ذلك - كلّه - فماء فاتر. و كان صلى الله عليه و آله يقول: ينقى المعده و الكبد. و يطيب النهكه و الفم. و يقوى الأضراس. و يقوى الحديق. و يجلو الناظر. و يغسل الذنوب غسلًا. و يسكن العروق الهائجه والمرّه الغالبه. و يقطع البلغم. و يطفىء الحرارة عن المعده. و يذهب بالصداع (الكافي ج 4 ص 153). (راجع: مشكاه الأنوار ج 1 ص 70 و روضه الواعظين ج 2 ص 187). (1) مرزه یا آویشن را سعتّر گویند.

1 - آب گرداندن در بینی - استنشاق -

2 - آب گرداندن در دهان - مضمضه -

131 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مضمضه نمودن و استنشاق کردن موجب پاک شدن و تمیزی دهان و بینی می گردد(1).

132 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بسیار مضمضه کنید و استنشاق نمائید.

زیرا این کار موجب آمرزش شما و دور شدن شیطان می گردد(2).

133 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مضمضه نمودن. دل آدمی را از گناه پاک می گرداند.

و استنشاق کردن موجب می گردد تا بوی آتش جهنم بر شخص حرام گردد(3).

ص: 87

---

1- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: المضمضه والإستنشاق سنّه و طهورٌ للفم و الأنف (الخصال ص 611). قال أمير المؤمنين عليه

السلام: المضمضه و الإستنشاق بالماء - عند الطهور - . طهورٌ للفم و الأنف (تحف العقول ص 101).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه و آله: ليبالغ أحدكم في المضمضه و الإستنشاق. فإنه غفران لكم و منفرة للشيطان (ثواب الأعمال ص

35). قال رسول الله صلى الله عليه و آله: ليبالغ أحدكم في المضمضه و الإستنشاق. فإنه غفران لما تكلم به العبد. و منفرة للشيطان (1)

(الجعفریات ص 28 و ص 55 و النوادر للسید فضل الله الراوندى - عليه الرحمه - ص 202).

3- - قال رسول الله صلى الله عليه و آله: ... سنتت على امتى المضمضه و الإستنشاق. و المضمضه: تنقى القلب من الحرام. و

الإستنشاق: يحرم رائحه النار (الاختصاص ص 36). قال رسول الله صلى الله عليه و آله: ... سنّ على امتى المضمضه لتنقى القلب من

الحرام. و الإستنشاق: لتحرم عليهم رائحه النار و ننتها (الأمالى للشيخ الصدوق - عليه الرحمه - ص 258). (1) فى النوادر: للشياطين. و

فى الجعفریات ص 28: الشيطان.

## اشاره

2 - علل و اسباب معنوی خوشبو شدن دهان(1)

## قرآن خواندن

134 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخص باایمانی که قرآن می خواند مانند میوه ای است که خوشبو و خوش طعم می باشد(2).

## استغفار کردن

135 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: با استغفار کردن. خود را معطر نمائید. تا بوی متعفن گناهان. شما را مفتضح و بی آبرو نسازد(3).

ص: 88

---

1- - علل و اسباب معنوی خوشبو شدن دهان متعدّد می باشد. در این فصل - مختصراً - به پاره ای از آنها اشاره می گردد. و برای اطلاع از سایر موارد به کتب مربوطه مراجعه فرمائید.

2- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إنّ المؤمن الذی یقرء القرآن. ک الأترجه. طعمها طیب. و ریحها طیب (إرشاد القلوب ج 1 ص 162 الباب 20). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: مثل المؤمن الذی یقرء القرآن. کمثل الأترجه (الّتی) (1) ریحها طیب. و طعمها طیب (اعلام الدین ص 100 و شرح نهج البلاغه لإبن أبی الحدید ج 10 ص 20 و ج 20 ص 279).

3- - قال أميرالمؤمنین علیه السلام: تعطّروا بالإستغفار. لا تقضحکم روائح (2) الذنوب (الأمالی للشیخ الطوسی - علیه الرحمه - ص 372 المجلس 13 و نهج البلاغه الحکمه رقم 225). قال أميرالمؤمنین علیه السلام: تعطّروا بالإستغفار. لئلا. تقضحکم روائح الذنوب (تنبيه الخواطر ج 2 ص 154). (1) ما بین القوسین لم یذکر فی شرح نهج البلاغه. (2) فی نهج البلاغه: رائحه الذنوب.

136 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بر پیامبر و آل پیامبر. صلوات و درود بسیار بفرستید. زیرا این کار موجب دستیابی و نیل به رحمت الهی می گردد(1).

137 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرستادن صلوات بر من و اهل بیتم. نفاق را از بین می برد(2).

138 - امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی که - در هنگام شنیدی صدای عطسه ای - بگوید: الحمد لله علی کل حال. و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد.

به دهان او گزندی نخواهد رسید(3).

139 - در حدیث آمده است: اگر بخواهید - هنگام خوردن سبزی تَرُب - از بوی بد آن در امان باشید - در آغاز خوردن - صلوات بفرستید(4).

ص: 89

1- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: وبالصلاة تنالون الرحمة. فأكثرُوا. من الصلاة على نبيكم وآله. إن الله وملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليماً (الأمالي للشيخ الصدوق - عليه الرحمة - ص 399 المجلس 52).

2- - قال الإمام الصادق عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الصلاة على و علي أهل بيتي تذهب بالنفاق (الكافي ج 2 ص 492).

3- - قال الإمام الصادق عليه السلام: من قال - إذا سمع عاطساً -: الحمد لله على كل حال - ما كان من أمر الدنيا والآخرة -. و صلى الله على محمد وآله. لم ير في فمه سوءاً (مكارم الأخلاق ج 2 ص 163).

4- - عن ابن مسعود قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا أكلتم الفجل وأردتم أن لا يوجد له ريح. فأذكروني عند أول قضمه (مكارم الأخلاق ج 1 ص 393). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا أكلتم الفجل وأردتم أن لاتتن. فصلوا علي عند أكله (المستدرک 427/16). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا أكلتم الفجل وأردتم أن تجتنبوا تنه. فصلوا علي عند أول قضمه منه (بحار الأنوار ج 59 ص 299). و جمله: طیبوا أفواہکم بذكر الصلوات علی محمد و آل محمد علیهم السلام - شاهد علی هذا الأمر -.

- صلوات الله تعالی علیهم -

140 - امّ سلمه - علیها الرحمه - می گوید: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: هنگامی که جمعی گرد هم می آیند و فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام را ذکر می نمایند.

و مناقب ایشان را یادآوری می کنند. ملائکه ای از آسمان بر آنها نازل می گردند.

و دور آنها حلقه می زنند.

و هنگامی که آن مجلس پایان می یابد و آن گروه متفرّق می گردند. آن ملائکه به طرف جایگاه خود در آسمان بر می گردند.

و هنگامیکه این ملائکه به جایگاه خود می رسند. فرشتگان دیگر به آنها می گویند:

این بوی خوشی که از شما استشمام می گردد از کجاست؟

زیرا تاکنون چنین بوی خوشی به مشام ما نرسیده است.

آن ملائکه می گویند: ما بسوی زمین رفته بودیم و در جمع گروهی که فضائل و مناقب محمد و آل محمد را یاد می کردند حضور داشتیم.

و به همین خاطر خوشبو گشته ایم.

در این هنگام آن فرشتگان به آنها می گویند: ما را به طرف زمین ببرید و در آن مجلس شرکت دهید تا ما نیز به آن بوی خوش معطر گردیم.

آن ملائکه در جواب به فرشتگان می گویند: آن مجلس. پایان یافت.

و گروهی که در آن مجلس دور هم جمع شده بودند پراکنده گشتند.

و هر کدام از آنها روانه منزل خود گشت.

در این هنگام آن فرشتگان می گویند: ما را به طرف آن محل ببرید تا از بوی خوش آن مکان معطر گردیم(1).

ص: 90

---

1- - قالت امّ سلمه - علیها الرحمه - سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: ما قوم اجتمعوا یذکرون فضل علی بن ابی طالب علیه السلام إلا هبطت علیهم ملائکه السماء حتی تحفّ بهم. فإذا تفرّقوا. عرجت الملائکه إلى السماء. فيقول لهم الملائکه: إنا نشمّ من رائحتکم ما لا نشمه من الملائکه. فلم نرائحه أطيب منها. فيقولون: کنا عند قوم یذکرون محمّداً و أهل بيته علیهم السلام. فعلق فينا من ريحهم. فتعطرنا. فيقولون: إهبطوا بنا إليهم. فيقولون: تفرّقوا. و مضى کلّ واحد منهم إلى منزله. فيقولون: إهبطوا بنا حتی نتعطر بذلك المكان

(الفضائل لإبن شاذان - عليه الرحمه - ص 541).



141 - امام کاظم علیه السلام فرمود: هنگامیکه شخصی به انجام حسنه و کار خیر اهتمام می ورزد. نَفَس او خوشبو می گردد(1).

ص: 91

---

1- - قال الإمام الكاظم عليه السلام: إنَّ العبد إذا همَّ بالحسنه. خرج نَفَسه طَيِّب الريح (الكافی ج 2 ص 429 و إرشاد القلوب ج 1 ص 341 و صفات الشیعه. حدیث رقم 62).

142 - روزی مردی به امام کاظم علیه السلام از بوی بد دهان خود شکوه و گلایه کرد.

و از آن حضرت راه علاج را طلب نمود.

امام کاظم علیه السلام به او فرمود: به سجده برو. و این ذکر و دعا را بگو:

یا الله یا الله یا الله یا رحمان. یا ربّ الأرباب. یا سیّد السادات. یا إله الآلهه.

یا مالک الملک. یا ملک الملوک.

اشفنی بشفائک من هذا الداء. وأصرفه عني. فإني عبدک و ابن عبدک. و أتقلّب فی قبضتک.

این مرد می گوید: سپس من از نزد حضرت علیه السلام رفتم و به دستوری که ایشان داده بود عمل نموده و این ذکر و دعا را در حال سجده خواندم.

به خدا سوگند می خورم که با - یک بار - انجام دادن این عمل. شفاء یافتم.

و از آن بوی بد رها شده و خلاص گشتم(1).

ص: 92

---

1 - عن علی بن عیسی عن عمّه قال شکوت إلی موسی بن جعفر علیهما السلام ریح البخر. فقال علیه السلام: قُل - و أنت ساجد -: یا الله یا الله یا الله یا رحمان. یا ربّ الأرباب. یا سیّد السادات. یا إله الآلهه. یا مالک الملک. یا ملک الملوک. اشفنی بشفائک من هذا الداء. و أصرفه عني. فإني عبدک و ابن عبدک. و أتقلّب فی قبضتک. (قال): فإنصرفت من عنده. ف و الله - الذی أکرّمهم بالإمامه - ما دعوت به إلا مرّه واحده - فی سجودی - فلم أحسّ به بعد ذلك (بحار الأنوار ج 92 ص 94).

مردی که از دسترنج حلال خود استفاده می کند

(1)

143 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که از دسترنج خود می خورد خدای متعال به دیده رحمت به سوی او می نگرد. و هیچگاه او را عذاب نمی کند(2).

144 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که از دسترنجی که از راه حلال بدست آورده است بخورد. خداوند عزّ وجلّ در بهای بهشت را به روی او می گشاید تا از هر کدام که بخواهد وارد آن شود(3).

145 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که از دسترنج خود می خورد. او در روز قیامت در شمار انبیاء علیهم السلام خواهد بود. و ثواب انبیاء را خواهد داشت(4).

146 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که از دسترنج خود می خورد. در روز قیامت - به سرعت برق - از پل صراط می گذرد(5).

ص: 93

- 
- 1- - زیرا ممکن است افرادی وجود داشته باشند که دسترنج خود را از راه حرام و نامشروع بدست می آورند.
  - 2- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من أكل من كده يده. نظر الله إليه بالرحمة. ثم لا يعدّبه أبداً (جامع الأخبار ص 390).
  - 3- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من أكل من كده حلالاً. فتح له أبواب الجنّة. يدخل من أيها شاء (جامع الأخبار ص 390).
  - 4- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من أكل من كده يده كان يوم القيامة في عداد الأنبياء. ويأخذ ثواب الأنبياء (جامع الأخبار ص 390).
  - 5- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من أكل من كده يده. مرّ على الصراط كالبرق الخاطف (جامع الأخبار ص 390 تحقيق و نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث. تحت إشراف سماحه العلامة حجّه الإسلام والمسلمين الحاج السيّد جواد الحسيني الشهرستاني - دامت برکاته -).

147 - علی بن ابی حمزه می گوید: روزی امام کاظم علیه السلام را دیدم که در مزرعه خود مشغول به کار بود - در حالیکه سرتاپای آن حضرت علیه السلام عرق کرده بود -.

من از این حال حضرت متعجب شده و به آن حضرت گفتم: شما مشغول این کار سخت هستید؟

پس کارگرها کجا هستند؟

امام کاظم علیه السلام به من فرمود: - ای علی - افرادی برتر از من - با دست خود کار کرده - و زحمت کشیده اند.

سپس من به آن حضرت گفتم: آنها چه کسانی هستند؟

آنگاه امام کاظم علیه السلام در جواب فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و پدرانم با دست خود. کار کرده اند.

و کار کردن با دست. شیوه پیامبران و اوصیاء و صالحین می باشد(1).

ص: 94

---

1- - عن الحسن بن علی بن ابی حمزه عن ابیه قال: رأیت أبا الحسن علیه السلام یعمل فی أرض له. وقد استتعت قدماه فی العرق. فقلت له: - جعلت فداک - این الرجال؟ فقال علیه السلام: - یا علی - (قد) (1) عمل بالید من هو خیر منی - و من ابی - فی أرضه (2). فقلت: (و) (3) من هو؟ فقال علیه السلام: رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و آبائی علیهم السلام - کلهم - قد عملوا بأیدیهم. و هو من عمل النبیین و المرسلین (و الأوصیاء) (4) و الصالحین (الكافی ج 5 ص 75 و من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 98). (1) ما بین القوسین لم یذكر فی الفقیه. (2) فی الكافی هكذا: من هو خیر منی - فی أرضه - و من ابی. (3) ما بین القوسین لم یذكر فی الفقیه. (4) ما بین القوسین لم یذكر فی الفقیه.

148 - راوی می گوید: روزی امام صادق علیه السلام را مشاهده کردم که در زمین زراعی خود مشغول کشاورزی بود.

من به آن حضرت گفتم: آیا اجازه می دهید تا ما و غلامان این کار را برای شما انجام دهیم؟

امام صادق علیه السلام فرمود: خیر.

زیرا دوست دارم تا خداوند عزّ و جلّ مرا در حالی ببیند که با دست خود کار می کنم و برای کسب رزق حلال. زحمت می کشم (1).

149 - روزی حضرت داود علیه السلام از کنار مردی که کفّاشی می کرد گذشت و به او فرمود:

- ای مرد - کار بکن و از دسترنج خود بخور.

زیرا خداوند متعال دوست دارد بنده ای را که کار می کند و از دسترنج خود می خورد.

و خداوند متعال دوست ندارد بنده ای را که می خورد اما کار نمی کند (2).

ص: 95

---

1- - عن الفضل بن أبي قرّة قال: دخلنا على أبي عبد الله عليه السلام - وهو يعمل في حائط له - . فقلنا: - جعلنا الله فداك - دعنا نعمل لك - أو تعمله (1) الغلمان - . قال عليه السلام: لا. دعوني. فإني أشتهي أن يراني الله عزّ و جلّ أعمل بيدي. وأطلب الحلال في أذى نفسي (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 99 و عوالي اللئالی ج 3 ص 200).

2- - مرّ داود عليه السلام: بإسكاف. فقال: - يا هذا - إعمل. و كل. فإنّ الله عزّ و جلّ يحبّ من يعمل ويأكل. و لا يحبّ من يأكل و لا يعمل (تنبيه الخواطر ج 1 ص 42). (1) في العوالي: يعمل.

150 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند عزّ وجلّ به حضرت داود علیه السلام وحی فرمود: - ای داود - تو نیکو بنده ای هستی.

امّا تو از بیت المال می خوری. و با دست خود کاری انجام نمی دهی.

پس از این امر حضرت داود علیه السلام چهل روز گریست.

آنگاه خداوند متعال به آهن فرمان داد تا برای حضرت داود علیه السلام نرم گردد.

پس از نرم شدن آهن برای حضرت داود علیه السلام آن حضرت با دست خود به ساختن زره مشغول گشت. و زرهی را که با دست خود می ساخت می فروخت.

و بدینوسیله از استفاده نمودن از بیت المال بی نیاز گشت (1).

ص: 96

---

1- - عن أبي عبد الله عليه السلام (إن أمير المؤمنين عليه السلام) (1) قال: أوحى الله عزّ وجلّ إلى داود عليه السلام: إنك نعم العبد. لولا أنك تأكل من بيت المال. و لا تعمل بيدك شيئاً. قال عليه السلام: فبكى داود عليه السلام (أربعين صباحاً) (2). فأوحى الله عزّ وجلّ إلى الحديد: أن لن لعبدى داود. فألان (3) الله تعالى له الحديد. فكان يعمل كلّ يوم درعاً. فبيعه بألف درهم. فعمل عليه السلام ثلاثمأة و ستين درعاً و باعها بثلاثمأة و ستين ألفاً. و استغنى عن بيت المال (الكافي ج 5 ص 74 و من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 99 و تهذيب الأحكام ج 6 ص 374). قال الإمام الصادق عليه السلام: إن سليمان عليه السلام لمّا سلب ملكه. خرج على وجهه. فضاف رجلاً عظيماً فأضافه. و أحسن إليه. قال: و نزل سليمان عليه السلام منه منزلاً عظيماً - لمّا رأى من صلاته و فضله - . قال: فزوجه بنته. قال: فقالت له بنت الرجل - حين رأته منه ما رأته -: بأبي أنت و أمي ما أطيب ريحك و أكمل خصالك. لا أعلم فيك خصله أكرهها. إلا أنك في مؤنه أبي. قال: فخرج حتى أتى الساحل. فأعان صياداً على ساحل البحر. فأعطاه السمكه التي وجد في بطنها خاتمه (الأمالى للشيخ الطوسي - عليه الرحمه - ص 659 المجلس 35). (1) ما بين القوسين لم يذكر في تهذيب الأحكام. (2) ما بين القوسين لم يذكر في الفقيه. (2) في الفقيه: ف لان.

مردی که ریش خود را به اندازه و در حدّ متناسب می گذارد

151 - روزی حضرت آدم علیه السلام سر بطرف آسمان بلند کرده و دعا نموده و به خداوند عزّوجلّ گفت: - ای خدا - بر زیبایی من بیفزای.

فردای آن روز خدای عزّوجلّ به او ریشی که رنگ آن سیاه بود کرامت فرمود.

در این هنگام حضرت آدم علیه السلام دست به ریش خود زده و به خداوند عزّوجلّ گفت:

این چیست؟

خدای عزّوجلّ به او فرمود: این ریش. مایه زینت و جمال تو و فرزندان ذکور تو - تا روز قیامت - می باشد(1).

152 - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی به مردان ریش کرامت فرمود تا برای آنها مایه عزّت و جلالت و هیبت باشد(2).

153 - در حدیث آمده است: خدای متعال به مردان ریش کرامت فرمود که برای آنها علامتی باشد تا بدینوسیله مردان از گروه زنان شناخته شوند(3). (4)

ص: 97

1- رفع آدم علیه السلام رأسه إلى السماء. وقال: - یاربّ - زدنی جمالاً. فأصبح وله لحيه سوداء. كالحمم. فضرب بيده إليها. فقال: - یا ربّ - ما هذه؟ قال عزّوجلّ: هذه اللحيه. زینتک بها أنت - وذكور ولدک - إلى يوم القیامه (علل الشرایع 94/2).

2- قال الإمام الصادق علیه السلام: أعطی (اللّه تبارک و تعالی) الرجل. اللحيه لما له من العزّه والجلاله والهيبه (بحار الأنوار ج 3 ص 88).

3- قال الإمام الصادق علیه السلام: جعلت اللحيه للرجال لیستغنی بها عن الكشف فی المنظر. و یعلم بها الذکر من الأثنی (علل الشرائع ج 1 ص 133 والخصال ص 513 والمناقب ج 4 ص 282).

4- از این احادیث شریف استفاده می شود که داشتن ریش متناسب - و به حدّ و به اندازه - برای یک مرد علامت مردانگی و مایه وقار و سنگینی او بشمار آمده و باعث زینت و زیبایی چهره او می گردد. و به همین خاطر است که به ریش مرد. محاسن می گویند. یعنی: مایه حُسن و زیبایی و جمال.

مردی که ریش خود را به اندازه و متناسب کوتاه می کند

154 - امام صادق علیه السلام فرمود: از نشانه های سعادت مرد آن است که ریش او خفیف و متوسط باشد (1).

155 - حسن زیات می گوید: امام باقر علیه السلام را دیدم در حالی که ریش او خفیف و متوسط بود (2).

156 - روزی مردی که ریش او زیاد بلند بود از کنار پیامبر صلی الله علیه و آله گذشت.

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چه ضرری داشت که این مرد. موی ریش خود را کوتاه می کرد؟

پس از آنکه این کلام حضرت صلی الله علیه و آله به گوش آن مرد رسید. او ریش خود را به اندازه متناسب کوتاه نموده و سپس بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد گشت.

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را با این حالت دید. فرمود: این گونه عمل کنید (3).

157 - راوی می گوید: از امام صادق علیه السلام در باره اندازه ریش سؤال کردم؟

آن حضرت علیه السلام فرمود: ریش خود را به اندازه مشت دست اندازه بگیر و بقیه آن را کوتاه کن (4).

ص: 98

---

1- قال الإمام الصادق عليه السلام: من سعادته المرأة خففه لحيته (مكارم الأخلاق ج 1 ص 158 و في تحف العقول ص 42 قال رسول الله صلى الله عليه وآله).

2- عن الحسن الزيات قال: رأيت أبا جعفر عليه السلام قد خفف لحيته (الكافي ج 6 ص 487 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 158). في مكارم الأخلاق: قد خفف.

3- برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 217 مراجعه فرمائید.

4- عن يونس عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله عليه السلام في قدر اللحية؟ قال عليه السلام تقبض بيدك على اللحية و تجز ما فضل (الكافي ج 6 ص 487).



مردی که ریش خود را شانه می زند

158 - امام صادق علیه السلام فرمود: مردی که ریش خود را شانه می زند. شیطان از او دور می گردد(1).

159 - در حدیث آمده است: بر شما لازم است که - در روز جمعه - غسل کنید.

و خود را آراسته سازید. و بوی خوش استفاده نمائید.

و محاسن خود را شانه کنید. و لباس تمیز بپوشید.

و برای نماز جمعه خود را آماده سازید.

و شایسته است که - در آن روز - با سکینه و وقار باشید. و اعمال خیر انجام دهید.

زیرا خداوند متعال در این روز با نگاه رحمت به بندگان خود نظر می افکند.

و حسنات آنها را فزونی می بخشد(2).

ص: 99

---

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: من سَرَّحَ (1) لحيته - سبعين مرّة - وعدّها - مرّة مرّة - لم يقتربه الشيطان أربعين يوماً (2) (الكافي ج 6 ص 489 و من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 75 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 163 و ثواب الأعمال ص 40 و جامع الأخبار ص 166 و اعلام الدين ص 364). عن عبد الله بن المغيرة عن أبي الحسن عليه السلام في قول الله عزّ وجلّ: خُذُوا زِينَتَكُمْ عند كلّ مسجد. قال عليه السلام: من ذلك. التمشّط عند كلّ صلاة (الكافي ج 6 ص 489).

2- - قال الإمام الصادق عليه السلام: ليتزَيَّن أحدكم - يوم الجمعة - ويغتسل. و يتطيّب. و يسرّح لحيته. و يلبس أنظف ثيابه. و ليتهيأ للجمعه. و ليكن عليه - في ذلك اليوم - السكينة و الوقار. و ليحسن عبادته ربّه. و ليفعل الخير ما استطاع. فإِنَّ الله يطلع على أهل الأرض. ليضاعف الحسنات (الكافي ج 3 ص 417). (1) سرحت الشعر: أرسلته. و تسريح الشعر: إرساله. (2) في ثواب الأعمال و جامع الأخبار و اعلام الدين: صباحاً.

مردی که ریش و محاسن خود را خوشبو می کند

160 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خوشبو کردن محاسن از اخلاق انبیاء علیهم السلام بشمار می آید.

و این کار. کرامت و گرامیداشتی است برای ملائکه ای که اعمال را می نویسند(1).

161 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محاسن خود را خوشبو و معطر می کرد.

و با استفاد نمودن از روغن آنها را براق می نمود(2).

162 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با عطر غالیه(3) محاسن خود را خوشبو و معطر می نمود(4).

ص:100

1- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: الطيب في الشارب من أخلاق النبيين عليهم السلام. و كرامه للكاتبين (الكافي ج 6 ص 510). قال أمير المؤمنين عليه السلام: الطيب في الشارب كرامه للكاتبين (تحف العقول ص 100). قال الإمام الصادق عليه السلام: الطيب في الشارب من أخلاق الأنبياء عليهم السلام و كرامه للكاتبين (الكافي ج 6 ص 512). قال الإمام الصادق عليه السلام: الطيب في الشارب من أخلاق الأنبياء عليهم السلام و كرامه للكاتبين (مكارم الأخلاق ج 1 ص 103). قال أمير المؤمنين عليه السلام: الطيب في الشارب من أخلاق النبي صلي الله عليه و آله و كرامه للكاتبين (الخصال ص 611). روى: أنّ الطيب في الشارب تكرمه الملكين (مستدرک الوسائل ج 1 ص 421).

2- - كان صلي الله عليه و آله يدهن شاربیه بدهن سوی دهن لحيته (مكارم الأخلاق ج 1 ص 81). كان صلي الله عليه و آله يحبّ الدهن و يكره الشعث (مكارم الأخلاق ج 1 ص 80). كان صلي الله عليه و آله إذا أدهن. بدء برأسه و لحيته (مكارم الأخلاق ج 1 ص 80).

3- - نام عطر خوشبوئی است که از ترکیب چند ماده خوشبو ساخته می شود.

4- - قال الجزري فيه: كنت اغلف لحيه رسول الله صلي الله عليه و آله بالغاليه. أي: ألتطخها به و أكثر (بحار الأنوار ج 47 ص 183). كنت اغلف لحيه رسول الله صلي الله عليه و آله بالغاليه. أي: ألتطخها بها (بحار الأنوار ج 11 ص 205).

163 - عده ای از مردم. امام سجّاد علیه السلام را در نیمه شبی - در حالی که آن حضرت علیه السلام جلیقه ای و جبهه ای از خز پوشیده و عبائی از خز بر دوش گرفته و محاسن مبارک خود را با عطر غالیه معطر نموده بود - مشاهده کردند.

آنها به آن حضرت گفتند: شما در این ساعت از شب. با این وضع و حال به کجا می روید؟

امام سجّاد علیه السلام فرمود: من امشب - با این حال - به مسجد جدم پیامبر صلی الله علیه و آله می روم تا حور العین را - از خدای متعال - برای خود خواستگاری نمایم (1).

ص: 101

---

1- - عن محمد بن جعفر بن محمد قال: خرج علي بن الحسين عليهما السلام ليله. و عليه جبه خز. و كساء خز - قد غلّف لحيته بالغاليه - فقالوا: في هذه الساعه؟ في هذه الهيئه؟ فقال عليه السلام: إني أريد أن أخطب الحور العين إلى الله عزّ و جلّ في هذه الليله (الكافي ج 6 ص 516). عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنّ علي بن الحسين عليهما السلام استقبله مولى له في ليله بارده. و عليه جبه خز. و مطرف خزّ و عمامه خزّ - و هو متغلّف بالغاليه - فقال له: - جعلت فداك - في مثل هذه الساعه - على هذه الهيئه - إلى أين؟ فقال عليه السلام: إلى مسجد جدّي رسول الله صلي الله عليه و آله أخطب الحور العين إلى الله عزّ و جلّ (الكافي ج 6 ص 517).

164 - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که تار موی ریش حضرت ابراهیم علیه السلام سپید گشت. از خدای متعال سؤال نمود: این چیست؟

خدای عزّوجلّ به او فرمود: این نور و نشانه وقار می باشد.

آنگاه حضرت ابراهیم علیه السلام به خداوند متعال گفت: - ای خدا - وقار مرا افزون نما(1). (2)

ص: 102

1- از این احیث شریف استفاده می شود که سپید شدن ریش یک مرد با ایمان. موجب افزونی وقار و سنگینی او می شود. و این امر. باعث نورانیت او در دنیا و آخرت می گردد.

2- قال الإمام الصادق علیه السلام: كان الناس لا يشبون. فأبصر إبراهيم عليه السلام شيباً في لحيته. فقال: - يا ربّ - ما هذا؟ فقال عزّوجلّ: هذا وقار. فقال عليه السلام - يا ربّ - زدني وقاراً (الكافی ج 6 ص 493 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 159 و علل الشرائع ج 1 ص 139 الباب 95). قال الإمام الصادق علیه السلام: أوّل من شاب إبراهيم عليه السلام. فقال: - يا ربّ - ما هذا؟ فقال عزّوجلّ: نور و توقیر. قال عليه السلام: - ربّ - زدني منه (الكافی ج 6 ص 492). قال الإمام الصادق علیه السلام: أوّل من شاب. إبراهيم الخليل عليه السلام و إنّهُ تئى لحيته فرأى طاقه بيضاء. فقال: - يا جبرئيل - ما هذا؟ فقال: هذا وقار. فقال إبراهيم عليه السلام: اللّهمّ زدني وقاراً (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 76). في مكارم الأخلاق: قال.

165 - امام صادق علیه السلام فرمود: موی سفید - برای شخص مؤمن - مایه وقار در دنیا.

و باعث نور درخشان - در آخرت - می گردد.

و خداوند متعال حضرت ابراهیم علیه السلام را بوسیله عطای موی سفید گرامی داشت.

هنگامی که موی حضرت ابراهیم علیه السلام سفید گشت به خداوند متعال عرض نمود:

- بار خدایا - این چیست؟

خداوند متعال به او فرمود: این وقار است.

سپس حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: - بار خدایا - وقار مرا افزون نما(1).

ص: 103

---

1- - عن رزیق قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ما رأيت شيئاً أسرع إلى شيء من الشيب إلى المؤمن. وإِنَّ وقار للمؤمن في الدنيا. ونور ساطع يوم القيامة. به وقر الله تعالى خليله إبراهيم عليه السلام. فقال: ما هذا - يا رب -؟ قال عزّ وجلّ: هذا وقار. فقال: - يا رب - زدني وقاراً. قال أبو عبد الله عليه السلام: فمن إجلال الله. إجلال شبيه المؤمن (الأمالی للشيخ الطوسی - علیه الرحمه - ص 699 المجلس 39).

166 - در حدیث آمده است: تا قبل از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام موی سر و صورت مردم سپید نمی شد.

و چه بسا پدر و فرزندی با هم در مجلسی حاضر می شدند. اما معلوم نبود که کدامیک از این دو نفر پدر می باشد.

و به همین جهت از آنها سؤال می شد: کدامیک از شما پدر هستید؟

تا اینکه حضرت ابراهیم علیه السلام به درگاه خدا دعا کرده و گفت:

- خدایا - موی مرا سپید گردان تا بوسیله آن شناخته گردم(1).

سپس خداوند متعال دعای حضرت ابراهیم علیه السلام را مستجاب نمود.

و سر و ریش او سپید گشت(2).

ص: 104

---

1- یعنی علامتی برای بزرگ بودن باشد. تا بدینوسیله پدر از فرزند شناخته گردد.

2- قال أمير المؤمنين عليه السلام: كان الرجل يموت وقد بلغ الهرم - ولم يشب - . فكان الرجل يأتي النادی - فيه الرجل و بنوه - فلا يعرف الأب من الإبن. فيقول: أيكم أبوكم. فلما كان زمان إبراهيم عليه السلام. فقال: اللهم اجعل لي شيئاً أعرف به. قال: فشاب و أبيض رأسه و لحيته (علل الشرايع ج 1 ص 139 الباب 95).

167 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: موی سپید نور است. پس آن را ننگید(1).

168 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی را مشاهده نمودند که در ریش او موی سپید بود.

حضرت صلی الله علیه و آله در توصیف موی سفید محاسن فرمود: این نور است.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که یک تار موی او در اسلام سپید گردد. آن تار مو - در روز قیامت - برای او نور خواهد بود(2).

169 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: موی سپید را ننگید. زیرا آن نوری است برای شخص مسلمان.

و شخصی که موی او در اسلام سپید گردد. برای او نوری در روز قیامت خواهد بود(3).

170 - در حدیث قدسی آمده است: خداوند متعال فرمود: موی سپید نور من است.

و من شخصی را که دارای این نور باشد. به آتش جهنم نمی سوزانم(4).

ص: 105

---

1- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الشيب نور. فلا تنتفوه (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 77 و الجعفریات ص 258 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 160).

2- - قال الإمام الصادق صلی الله علیه و آله: جاء رجل إلى النبي صلی الله علیه و آله فنظر إلى الشيب في لحيته. فقال النبي صلی الله علیه و آله: نور. (ثم قال صلی الله علیه و آله) (1): من شاب شبيه في الإسلام كانت له نوراً يوم القيامة (الكافي ج 6 ص 480 و من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 77 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 159 و ص 184).

3- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: لا تنتفوا الشيب. فإنه نور المسلم. و من شاب شبيه - في الإسلام - كان له نوراً يوم القيامة (الخصال ص 612-613).

4- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله عن الله جلّ جلاله: الشيبه نوري. فلا احرق نوري بناري (جامع الأخبار ص 241). (1) ما بين القوسين لم يذكر في مكارم الأخلاق.

(1)

171 - در حدیث آمده است: شخصی که مسلمان ریش سفیدی را مورد احترام قرار داده و گرامی بدارد. خداوند متعال او را از گزند روز قیامت در امان قرار خواهد داد(2).

و در حدیث آمده است: احترام نمودن و گرامی داشتن شخص مؤمن ریش سفید و کهنسال نمودی از گرامی داشتن عظمت الهی بشمار می آید(3).

ص: 106

1- - مراد از افراد ریش سفید: اشخاص بزرگ و مسن و کهنسال می باشد. و این احترام - و گرامی داشتن - شامل زنان بزرگ و مسن و سالخورده نیز می گردد.

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من وقّر ذا شبيهه في الإسلام. آمنه الله عزّ وجلّ من فزع يوم القيامة (الكافي ج 2 ص 658). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من عرف فضل كبير لسنته فوقه آمنه الله من فزع يوم القيامة (الكافي ج 2 ص 658).

3- - قال الإمام الصادق عليه السلام: من إجلال الله عزّ وجلّ إجلال المؤمن ذي الشبيهه (الكافي ج 2 ص 658). قال الإمام الصادق عليه السلام: من إجلال الله. إجلال شبيهه المؤمن (الأمالى للشيخ الطوسي - عليه الرحمه - ص 699 المجلس 39). قال الإمام الصادق عليه السلام: من إجلال الله عزّ وجلّ إجلال ذي الشبيهه المسلم (الكافي ج 2 ص 658). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من إكرام جلال الله عزّ وجلّ. إكرام ذي الشبيهه المسلم (جامع الأخبار ص 242). قال الإمام الصادق عليه السلام: إنّ من إجلال الله عزّ وجلّ: إجلال الشيخ الكبير (الكافي ج 2 ص 658). قال الإمام الصادق عليه السلام: من استخفّ بمؤمن ذي شبيهه. أرسل الله إليه من يستخف به قبل موته (الكافي ج 2 ص 658). قال الإمام الصادق عليه السلام: ثلاثة لا يجهل حقهم إلا منافق معروف بالنفاق: ذو الشبيهه في الإسلام. و حامل القرآن. و الإمام العادل (الكافي ج 2 ص 658).



1- در احادیث اهل بیت علیهم السلام برای کوتاه کردن موی سبیل. ثمرات و منافع فراوان - در دنیا - و اجر و ثواب بسیار - در آخرت - ذکر شده است. که در این فصل به بخشی از آنها اشاره می کنیم. لازم به ذکر است که انجام این عمل - در روز جمعه - فضیلت بیشتری دارد. و به انجام آن در این روز تأکید افزونتری شده است. اما این بدان معنی نیست که انجام این عمل در سایر روزهای هفته دارای فضیلت و اثر نمی باشد. زیرا رعایت بهداشت و پاکیزگی و نظافت - به طور کلی - مورد تأکید شرع مطهر واقع شده است و این امر مختص به زمان و مکان خاصی نمی باشد. و لازم به یادآوری است: در ضمن احادیثی که به کوتاه کردن موی سبیل توصیه می شود. به انجام اعمال دیگری - مانند: ناخن گرفتن - نیز توصیه شده است. که آن اعمال بین زن و مرد مشترک می باشد. موسی بن بکیر به امام کاظم علیه السلام گفت: بعضی از افراد می گویند: کوتاه کردن سبیل. و گرفتن ناخن. مخصوص روز جمعه می باشد؟ امام کاظم علیه السلام به او فرمود: - سبحان الله! - هر روز که دوست داشتی این عمل را انجام بدهد. اگر خواستی در روز جمعه آن را انجام بده و اگر خواستی در روزهای دیگر. قال موسی بن بکر للصادق علیه السلام: إن أصحابنا يقولون: أخذ الشارب و الأظفار يوم الجمعة. فقال علیه السلام: - سبحان الله - خذها. إن شئت فی يوم الجمعة. و إن شئت فی سائر الأيام (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 74). عن موسی بن بکر (1) قال: قلت لأبي الحسن علیه السلام: إن أصحابنا يقولون: (إن) (2) أخذ الشارب (3). و قلم الأظفار. يوم الجمعة؟! فقال علیه السلام: - سبحان الله - خذها (4) متى شئت. فی يوم الجمعة. و إن شئت فی سائر الأيام (تهذيب الأحكام ج 3 ص 260 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 151). (1) فی مكارم الأخلاق: بکیر. (2) ما بین القوسین لم يذكر فی مكارم الأخلاق. (3) فی مكارم الأخلاق هكذا: الشارب و الأظفار. (4) فی مكارم الأخلاق هكذا: خذها إن شئت فی الجمعة. و إن شئت فی سائر الأيام.

## آثار و برکات و منافع و ثمرات کوتاه کردن سبیل

### ملائکه برای چنین شخص با ایمانی استغفار کرده و طلب آمرزش

می کنند و او را همراهی و مشایعت می نمایند و - در روز قیامت - مورد

شفاعت خود قرار می دهند.

172 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که در روز جمعه ناخنهای خود را بچیند.

و سبیل خود را کوتاه کند.

و مسواک بزند.

و هنگامی که می خواهد به نماز جمعه برود غسل نماید.

هفتاد هزار ملک چنین شخصی را مشایعت نموده و او را همراهی می نمایند.

و آن ملائکه برای او استغفار و طلب آمرزش می کنند.

و برای او - در روز قیامت - شفاعت می نمایند(1).

### باعث شادابی می گردد

173 - راوی می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام در باره کوتاه کردن سبیل سخن به میان آمد.

امام صادق علیه السلام در باره آن فرمود: این کار باعث شادابی می گردد.

و این عمل سنت بشمار می آید(2).

ص: 108

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من قلم أظفيره يوم الجمعة. وأخذ من شاربته. و استاك. و أفرغ على رأسه من الماء - حين يروح إلى الجمعة - شيعة سبعون ألف ملك. - كلهم - يستغفرون له. و يشفعون له (جامع الأخبار ص 334).

2- عن ابن فضال عمّن ذكره عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ذكرنا الأخذ من الشارب. فقال عليه السلام: نشره. و هو من السنّه (الكافي ج 6 ص 487).

174 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کوتاه کردن سبیل نشانه نظافت و پاکیزگی است.

و این عمل سنت بشمار می آید(1).

175 - از امام صادق علیه السلام در باره شخصی که در هر روز جمعه سبیل خود را کوتاه می کند و ناخنهای خود را می گیرد سؤال شد؟

امام صادق علیه السلام در باره چنین شخصی فرمود: او همچنان - تا جمعه دیگر - در پاکیزگی و طهارت بسر خواهد برد(2).

ص: 109

---

1- قال أمير المؤمنين عليه السلام: أخذ الشارب من النظافه. و هو من السنّه (تحف العقول ص 100).

2- عن الحسن بن أبي العلاء قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما ثواب من أخذ شارب. و قلم أظفاره في كل جمعه؟ قال عليه السلام: لا يزال مطهراً إلى يوم الجمعة الأخرى (مكارم الأخلاق ج 1 ص 152). قال الحسين بن أبي العلاء للصادق عليه السلام: ما ثواب من أخذ من شارب. و قلم أظفاره في كل جمعه؟ قال عليه السلام: لا يزال مطهراً إلى الجمعة الأخرى (من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 73). عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: ما ثواب من أخذ من شارب. و قلم أظفاره في كل جمعه؟ قال عليه السلام: لا يزال مطهراً إلى الجمعة الأخرى (الكافي ج 6 ص 490).

## رزق و روزی را افزون می کند و فقر را از بین می برد

176 - امام صادق علیه السلام فرمود: گرفتن ناخن و کوتاه کردن سبیل و شستن سر - با خطمی - فقر را از بین می برد و رزق و روزی را افزایش می دهد(1).

177 - ابو کهمس به امام صادق علیه السلام گفت: چیزی را به من بیاموزید که بوسیله آن رزق و روزی من افزون گردد.

امام صادق علیه السلام به او فرمود: در روز جمعه موهای سبیل خود را کوتاه کن.

و ناخنهای خود را بگیر(2).

## زیبائی را افزون می کند

178 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما لازم است که موی سبیل خود را کوتاه کنید. و موی بینی خود را بگیرید. و به نظافت خود پردازید. زیرا این کار بر زیبایی شما می افزاید(3).

ص: 110

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: تقليم الأظفار والأخذ من الشارب وغسل الرأس بالخطمی. ينفي الفقر ويزيد في الرزق (الكافي ج 6 ص 504 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 151). قال الإمام الصادق عليه السلام: تقليم الأظفار وقص الشارب وغسل الرأس بالخطمی - كل جمعه - ينفي الفقر ويزيد في الرزق (الكافي ج 6 ص 491). قال الإمام الصادق عليه السلام: أخذ الشارب والأظفار وغسل الرأس بالخطمی - يوم الجمعة - ينفي الفقر ويزيد في الرزق (الكافي ج 3 ص 418).

2- - عن أبي كهمس قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: علمني دعاء (1) استنزل به الرزق؟ فقال عليه السلام لي: خذ من شاربك وأظفارك. و لیکن ذلك فی يوم الجمعة (ثواب الأعمال ص 42 و الخصال ص 391).

3- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: قال لنا رسول الله صلى الله عليه وآله: ليأخذ أحدكم من شاربته و ينتف شعر أنفه. فإن ذلك يزيد في جماله (الجعفریات ص 258). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليأخذ أحدكم من شاربته و الشعر الذي في أنفه. - و ل يتعاهد نفسه. - فإن ذلك يزيد في جماله (قرب الاسناد ص 67). (1) في بعض النسخ: علمني شيئاً (نقلاً عن هامش ثواب الأعمال).

179 - امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی که - در هر روز جمعه - ناخنهای خود را بچیند و موی سبیل خود را کوتاه نماید.

و بگوید:

بسم الله وبالله وعلى سنه محمد وآل محمد.

ثواب آزاد کردن بنده ای از فرزندان حضرت اسماعیل علیه السلام به او داده خواهد شد(1).

180 - امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی که سبیل خود را کوتاه کند و ناخنهای خود را بچیند و سر خود را - در روز جمعه - با خطمی بشوید مانند شخصی است که بنده ای را آزاد کرده باشد(2).

ص: 111

---

1- قال الإمام الصادق عليه السلام: من قلم أظفاره. وقصّ شاربه - في كل جمعه (1) -. ثم قال: بسم الله وبالله وعلى سنه محمد وآل محمد -. اعطى بكلّ قلامه و جُزازه عتق رقبه من ولد إسماعيل (الخصال ص 391 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 155). (راجع: ثواب الأعمال ص 42 و جامع الأخبار ص 335). قال الإمام الصادق عليه السلام: من أخذ من شاربه. وقلم (من) (2) أظفاره - يوم الجمعة -. ثم قال: بسم الله على سنه محمد وآل محمد. كتب الله له بكلّ شعره و كلّ قلامه عتق رقبه. و لم يمرض مرضاً - يصيبه - إلا مرض الموت (الكافي ج 3 ص 417 و التهذيب ج 3 ص 11). (راجع: من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 73 و الكافي ج 6 ص 491 و تهذيب الأحكام: ج 3 ص 260 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 153).

2- قال الإمام الصادق عليه السلام: من أخذ من شاربه. وقلم (من) (3) أظفاره. و غسل رأسه بالخطمي - يوم الجمعة - كان كمن أعتق نسمة (الكافي ج 3 ص 418 و الكافي ج 6 ص 504 و تهذيب الأحكام ج 3 ص 259 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 143). (1) في مكارم الأخلاق: في يوم الجمعة. (2) ما بين القوسين لم يذكر في تهذيب الأحكام. (3) ما بين القوسين لم يذكر في الكافي ج 6 و التهذيب و مكارم الأخلاق.

## سعی و تلاش نمودن در راه کسب رزق و روزی حلال

### مردی که در راه کسب رزق و روزی حلال سعی و تلاش می کند

181 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که در راه کسب حلال - برای خانواده خود - سعی می نماید. سعی و تلاش او در راه خدا می باشد(1).

182 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شخصی که در راه کسب رزق حلال. سعی و تلاش نماید. مانند شخصی است که در راه خدا جهاد می نماید(2).

183 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که روز خود را - در راه کسب رزق حلال - به شب برساند. در حالی می خوابد که مورد آمرزش الهی قرار گرفته است(3).

184 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: عبادت. هفتاد جزء دارد که بهترین آنها کسب روزی حلال می باشد(4).

ص: 112

- 
- 1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من سعى على عياله في طلب الحلال فهو في سبيل الله (روضه الواعظين ج 2 ص 435).
  - 2- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: الشاخص في طلب الرزق الحلال كالمجاهد في سبيل الله (دعائم الإسلام ج 2 ص 15 و عوالي اللئالی ج 3 ص 194).
  - 3- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من بات كالألأ من طلب الحلال. بات مغفوراً له (الأمالی للشيخ الصدوق - عليه الرحمه - ص 364 و جامع الأخبار ص 389 الفصل 99 و تنبيه الخواطر ج 2 ص 167). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من بات كالألأ في طلب الحلال. غفر الله له (عوالي اللئالی ج 3 ص 200 و ص 294).
  - 4- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: العباده سبعون جزءاً. أفضلها: طلب الحلال (الكافي ج 5 ص 78 باب: الحث على الطلب والتعرض للرزق) (وتهذيب الأحكام ج 6 ص 372 باب: المكاسب والمعاش). (و تحف العقول ص 37 و جامع الأخبار ص 389). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: العباده سبعون جزءاً. وأفضلها - جزءاً - طلب الحلال (معاني الأخبار ص 366 و ثواب الأعمال ص 215).

185 - محمد بن منکدر می گوید: در ظهر یک روز بسیار گرم به اطراف شهر مدینه رفته بودم که امام باقر علیه السلام را دیدم که در زمین خود مشغول کشاورزی بود.

من از این وضع تعجب نمودم. و با خود گفتم: چگونه ممکن است که پیرمردی - از پیرمردان قریش - در این وقت بسیار گرم. به دنیاطلبی مشغول باشد؟!

اینک بنزد او می روم تا او را نصیحت کنم. سپس به نزد ایشان رفته و سلام گفتم.

امام باقر علیه السلام در حالی که - از شدت سعی و تلاش - نفس نفس می زد. به سلام من جواب داد - در حالی که عرق از سر و روی حضرت می چکید -.

من به ایشان گفتم: شما پیرمردی از قریش هستید. در این ساعت گرم مشغول به دنیاطلبی هستید؟

اگر اینک أجل به سراغ شما بیاید و شما در این حال از دنیا بروید چه خواهید کرد؟ و چه جوابی در پیشگاه خدا خواهید داشت؟!

امام باقر علیه السلام به من فرمود: اگر مرگ - در این حالت - به سراغ من بیاید.

من در حالی از دنیا خواهم رفت که مشغول به اطاعت الهی بوده ام (1).

زیرا من با سعی و تلاش - در راه کسب روزی حلال - خود و خانواده ام را از تو و از مردم بی نیاز خواهم نمود.

از آن بیم دارم که مرگ من. زمانی فرا رسد که مشغول نافرمانی خدا باشم (2).

محمد بن منکدر می گوید: در این هنگام به امام باقر علیه السلام گفتم: راست می گوئید.

ص: 113

- 
- 1- - و شخصی که مشغول به انجام طاعت خداوند عزّ و جل می باشد. بی شک مشمول رحمت و لطف و مغفرت الهی خواهد بود.
  - 2- - امام باقر علیه السلام این جمله را برای آموزش مردم بیان داشته اند. زیرا آن حضرت علیه السلام معصوم و حجّت خدا می باشد. و شخص معصوم. از گناه و معصیت بدور است.

خداوند شما را مورد رحمت خود قرار دهد. من قصد داشتم تا شما را موعظه و نصیحت کنم. اما شما مرا موعظه و نصیحت کردید(1).

186 - امام باقر علیه السلام فرمود: شخصی که در راه کسب رزق حلال سعی و تلاش می کند - تا دست نیاز به سوی مردم دراز نکند. و اهل و عیال او در آسایش باشند. و به همسایگان خود رسیدگی و تفقد نماید - او در روز قیامت در حالی خداوند عزّ و جلّ را ملاقات می کند که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشد(2).

ص: 114

1- - قال محمد بن المنكدر: خرجت إلى بعض نواحي المدينة في ساعه حازه. فلقيت محمد بن عليّ عليهما السلام - وكان رجلاً بديناً - وهو متكئ على غلامين له أسودين - أو موليين له - فقلت في نفسي: شيخ من شيوخ قریش في هذه الساعه على هذه الحال في طلب الدنيا! أشهد ل أعظنه (1). فدنوت منه. فسلمت عليه. فسلم عليّ (2) ب بُهر (3). وقد تصبب عرقاً. فقلت: - أصلحك الله - شيخ من أشياخ قریش في هذه الساعه. على هذه الحال. في طلب الدنيا؟! لو (4) جائك الموت وأنت على هذه الحال؟ قال: فخلّي عن الغلامين من يده ثمّ تساند فقال عليه السلام: لو جئني - والله - الموت وأنا في هذه الحال جئني وأنا في طاعه من طاعات الله عزّ وجلّ أكفّ بها نفسي و عیالی عنک و عن الناس. و إنما كنت أخاف الموت لو جئني وأنا على معصیه من معاصی الله عزّ وجلّ. فقلت: - صدقت - یرحمک الله أردت أن أعظک فوعظتني. (الإشاد للشيخ المفيد - عليه الرحمه - ج 2 ص 161 و اعلام الوری ج 1 ص 507 و كشف الغمّه ج 3 ص 95 و المناقب ج 4 ص 217 و الکافی ج 5 ص 73 و تهذيب الأحكام ج 6 ص 373).

2- - عن أبي حمزه عن أبي جعفر عليه السلام قال: من طلب (الرزق في) (5) الدنيا استعفاً عن الناس. و توسيعاً على أهله (6). و تعظفاً على جاره. لقی الله عزّ و جلّ يوم القيامة و وجهه مثل القمر ليله البدر (الکافی ج 5 ص 78 و تهذيب الأحكام ج 6 ص 372). (1) في الکافی هكذا: أمّا ل أعظنه. و في التهذيب هكذا: فسلمت عليه. ف ردّ عليّ السلام. (3) البُهر - بالضم - : تتابع النفس يعترى الإنسان عند السعي الشديد. (4) في الکافی و التهذيب هكذا: أ رأيت لو جاء أهلك. و أنت على هذه الحال. ما كنت تصنع؟ (5) ما بين القوسين لم يذكر في تهذيب الأحكام. (6) في التهذيب هكذا: و سعيّاً على أهله.



مردی که در هنگام فرا رسیدن وقت نماز. از تجارت خود دست کشیده و به خواندن نماز مشغول می گردد

187 - رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ «(37)» (النور).

در این آیه مبارکه از مردانی ستایش می شود که تجارت - و خرید و فروش - آنها را از یاد خدا و برپا داشتن نماز باز نمی داد.

188 - امام صادق علیه السلام در باره مردانی که در این آیه از آنها ستایش شده است فرمود:

این مردان. مشغول تجارت بودند. اما هنگام فرا رسیدن وقت نماز. دست از تجارت خود کشیده و به سوی ادای نماز می شتافتند.

و اجر و ثواب آنها بیشتر از کسانی است که مشغول به کار و تجارت نبوده اند(1). (2)

ص: 115

1- - عن روح بن عبد الرحيم عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل: رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ قال عليه السلام: كانوا أصحاب تجاره. فإذا حضرت الصلاة. تركوا التجاره. و إنطلقوا إلى الصلاة. و هم أعظم أجراً ممن لم يتجر (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 119). (راجع: مجمع البيان ج 7 ص 228 و الكافي ج 5 ص 75 و تهذيب الأحكام ج 6 ص 374). قال عليه السلام: هم التجار الذين لا تلهيهم تجاره و لا بيع عن ذكر الله عز وجل. إذا دخل مواقيت الصلاة. أدوا إلى الله حقه فيها (الكافي ج 5 ص 154).

2- لازم به یادآوری است که این مدح و ثنا و ستایش اختصاصی به افراد تاجری - که در هنگام فرا رسیدن وقت نماز دست از تجارت کشیده و به انجام فریضه نماز می پردازند - ندارد. بلکه صاحبان مشاغل دیگر - اگر چنین کنند - آن مدح و ثنا و ستایش نیز شامل آنها خواهد گشت. و لازم به ذکر است: با اینکه خواندن نماز - در اول وقت - فضیلت بسیار داشته و در مورد آن تأکید فراوان شده است. اما انجام آن محدود و منحصر به اول وقت نمی باشد. زیرا ممکن است افرادی - به علل موجه و جهات مختلف - از خواندن نماز در اول معذور باشند.

189 - امام رضا علیه السلام فرمود: هنگامی که مشغول تجارت هستی و وقت نماز فرا رسید.

از تجارت خود دست کشیده و به نماز خود مشغول شو. و نباید تجارت تو مانع از ادای نماز در اوّل وقت آن گردد. زیرا خدای عزّ و جلّ - در قرآن - گروهی را مورد ستایش قرار داده و در باره آنها فرموده است:

آنها مردانی هستند که تجارت - و خرید و فروش - آنان را از ذکر الهی باز نمی دارد.

این گروه از مردان مشغول تجارت بودند اما هنگام فرا رسیدن وقت نماز. دست از تجارت کشیده و به خواندن نماز پرداختند.

و اجر و ثواب این گروه. بیشتر از کسانی است که به کاری مشغول نبوده و به نماز ایستادند (1).

190 - و در نقل دیگری در باره این گروه آمده است: کار آن گروه آهنگری و دوزندگی بوده است اما هنگام فرا رسیدن وقت نماز دست از کار کشیده و به خواندن نماز مشغول می شدند. (2)

ص: 116

---

1- - قال الإمام الرضا عليه السلام: إذا كنت في تجارتك. و حضرت الصلاة. فلا يشغلک عنها متجرک. فإنّ الله عزّ و جلّ وصف قوماً و مدحهم. فقال: رجال لا تلهيهم تجاره و لا بيع عن ذکر الله. و كان هؤلاء القوم يتجرون. فإذا حضرت الصلاة. تركوا تجارتهم. و قاموا إلى صلاتهم. و كانوا أعظم أجراً ممّن لا يتجر. و يصلّي (1) (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام ص 250 الباب 36 و بحار الأنوار ج 100 ص 100 و مستدرک الوسائل ج 13 ص 256).

2- - لا تلهيهم تجاره و لا بيع عن ذکر الله. إنهم كانوا حدّادين و خزّازين. فكان أحدهم إذا رفع المطرقة. أو غرز الأشفي. فيسمع الأذان. لم يخرج الأشفي من المغرز. و لم يضرب بالمطرقة. و رمى بها. و قام إلى الصلاة (تنبيه الخواطر ج 1 ص 43). (1) في بحار الأنوار و المستدرک هكذا: فيصلّي. و في مستدرک الوسائل ج 13 ص 10 هكذا: ممّن لا يتحرّف. و يصلّي.

191 - امام صادق علیه السلام فرمود: بدرستی که خداوند متعال شخص غیرتمند را دوست دارد(1).

192 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: غیرت داشتن نشانه ایمان است(2).

193 - امام رضا علیه السلام فرمود: در خروس سفید پنج نشانه از نشانه های پیامبران علیهم السلام وجود دارد: سخاوت و شجاعت.

و قناعت.

و شناختن وقت نماز.

و نزدیکی کردن زیاد.

و غیرت داشتن(3).

ص: 117

---

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ الله تبارك و تعالی غيور (1) يحبّ كلّ غيور. و ل غیرته حرّم الفواحش (2) ظاهرها و باطنها (الكافی ج 5 ص 535 و المشكاه ج 2 ص 127).

2- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إنَّ الغیره من الإیمان (من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 281). (و راجع: النوادر للسیّد فضل الله الراوندی - علیه الرحمه - ص 179 و الجعفریات ص 162 و دعائم الإسلام ص 217).

3- - عن أبي شعيب المحاملي عن أبي الحسن عليه السلام قال: قال: فی الديق خمس خصال من خصال الأنبياء عليهم السلام: السخاء و الشجاعه و القناعه و المعرفه بأوقات الصلوات و كثره الطروقه و الغیره (الكافی ج 6 ص 550). قال الإمام الرضا علیه السلام: فی الديق الأبيض خمس خصال من خصال الأنبياء عليهم السلام: معرفته بأوقات الصلاه. و الغیره. و السخاء و الشجاعه و كثره الطروقه (الخصال ص 298). (1) غیرته تعالی محموله على المبالغه فی إظهار غضبه على من یرتكب الفواحش و إنزال العقوبه (نقلاً عن هامش الكافی و هو مأخوذ من مرآه العقول للعلامة المجلسی - علیه الرحمه -). (2) فی مشكاه الأنوار هكذا: الفواحش. ما ظهر منها و ما بطن.

194 - در حدیث آمده است: غیرت داشتن یکی از مکارم اخلاق بشمار می آید.

و خدای متعال این صفت نیک را در نهاد انبیاء علیهم السلام قرار داده است.

و لازم است شخصی که دارای این خصلت می باشد. حمد خدای متعال را - بخاطر داشتن آن - بجای آورد. و بداند که خداوند متعال. خیر را به او کرامت فرموده است.

و لازم است بر شخصی که فاقد این خصلت می باشد که به درگاه خداوند متعال تضرع نماید و از حضرتش درخواست کند تا این خصلت را در نهاد او قرار دهد(1).

ص: 118

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ الله تبارك و تعالی خصَّ الأنبياء عليهم السلام بمكارم الأخلاق. فمن كانت فيه. ف ل يعلم أنَّه من خير أراده الله به. و من لم يكن فيه. فليتضرع إلى الله عزَّ و جلَّ. و ل يسأله أيَّها. ثمَّ عدَّها و قال عليه السلام: اليقين و القناعة و الصبر و الشكر و الحلم و حسن الخلق و السخاء و الغيرة و الشجاعة و المروءة و البرَّ و أداء الأمانة (مشكاة الأنوار ج 1 ص 133). قال الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ الله عزَّ و جلَّ خصَّ رسله بمكارم الأخلاق. فإمتحنوا أنفسكم. فإن كانت فيكم. فأحمدوا الله و اعلموا أنَّ ذلك من خير. و إن لا تكن فيكم فإسألوا الله و ارغبوا إليه فيها... (الكافي ج 2 ص 56). قال الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ الله تعالی خصَّ الأنبياء عليهم السلام بمكارم الأخلاق. فمن كانت فيه شيء من مكارم الأخلاق فليحمد الله تعالی. و من لم يكن فيه فليتضرع إلى الله عزَّ و جلَّ و ليسأله أيَّها (اعلام الدين ص 119). قال الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ الله خصَّ رسله بمكارم الأخلاق. و طبعهم عليها. فإمتحنوا أنفسكم. فإن كانت فيكم. فأحمدوا الله عزَّ و جلَّ و اعلموا أنَّ ذلك من خير. و إن لم يكن فيكم. فإسألوا الله تعالی التوفيق لها. و اجتهدوا. و قال عليه السلام: مكارم الأخلاق عشرة: اليقين و القناعة و الصبر و الشكر و الحلم و حسن الخلق و السخاء و المروءة و الغيرة و الشجاعة. ثمَّ قال عليه السلام: هذه العشرة. خصال من صفات المؤمنين فمن كانت فيه. ف ل يعلم أنَّ ذلك من خير أراده الله تعالی به... (اعلام الدين ص 118). (راجع: الدعوات ص 257 و تحف العقول ص 362 و التمهيد ص 68 و الخصال ص 290 و معاني الأخبار ص 191 و الكافي ج 2 ص 56 و مشكاة الأنوار ج 1 ص 132 و صفات الشيعة حديث رقم 67 و الأمل للشيخ الصدوق رحمه الله ص 290 و الأمل للشيخ المفيد رحمه الله ص 192).

بخاطر ترس از خدای عزّ وجلّ

مردی که بخاطر ترس از خدای عزّ وجلّ از ارتکاب گناه

با زن نامحرم منصرف می گردد

195 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که توانایی ارتکاب گناه با زن نامحرمی را داشته باشد اما بخاطر ترس از خدای عزّ وجلّ از این کار منصرف گردد. خدای متعال جهنّم را بر او حرام خواهد کرد. و او را از گزند و فزع روز قیامت در امان خواهد داشت. و او را وارد بهشت خواهد نمود(1).

196 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هفت گروه هستند که - در روز قیامت - در سایه رحمت الهی قرار خواهند گرفت. از جمله آنها: مردی است که زن زیبایی او را به ارتکاب گناه دعوت می نماید. اما آن مرد - در جواب او - می گوید: من از خدا می ترسم(2). (3)

ص: 119

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من قدر على امرأة - أو جارية - حراماً. فتركها - مخافه الله - حرّم الله عزّ وجلّ عليه النار. و آمنه الله تعالى من الفزع الأكبر. و أدخله الله الجنّة (ثواب الأعمال ص 334).

2- یعنی: بخاطر ترس از خداوند متعال مرتکب این گناه نمی گردم.

3- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: سبعة في ظلّ عرش الله عزّ وجلّ - يوم لا ظلّ إلا ظلّه -... و رجل دعته امرأة ذات جمال - إلى نفسها -. فقال: إني أخاف الله ربّ العالمين (الخصال ص 343). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: سبعة يظلّهم الله عزّ وجلّ - في ظلّه - يوم لا ظلّ إلا ظلّه -. ... و رجل دعته امرأة ذات حسب و جمال. فقال: إني أخاف الله عزّ وجلّ (الخصال ص 343). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من عرضت له فاحشه أو شهوة فاجتنبها من مخافه الله عزّ وجلّ. حرّم الله عليه النار و آمنه من الفزع الأكبر. و أنجز له ما وعده في كتابه في قوله تعالى: وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 7 والأمالی للشيخ الصدوق - عليه الرحمة - ص 514 و تنبيه الخواطر ج 2 ص 261 و مكارم الأخلاق ج 2 ص 314). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من اجتهد في امتي بترك شهوة من شهوات الدنيا. فتركها من مخافه الله. آمنه الله من الفزع الأكبر. و أدخله الجنّة (إرشاد القلوب ج 1 ص 358 الباب 53).

197 - در حدیث این چنین آمده است: سه نفر در بیابانی راه می رفتند. که یکبار طوفانی آنها را فرا گرفت.

آنها برای نجات خود به غاری که در پیش رویشان بود رفته و به آن غار پناه آوردند.

و پس از آنکه در غار مستقر گشتند. ناگهان صخره ای بر درب غار افتاده و آن را مسدود کرد.

(جاء فی حدیث): خرج ثلاث نفر یسیحون فی الأرض.

فبینا هم یعبدون الله فی كهف - فی قلّه جبل - حین [حتی] بدت صخره من أعلى الجبل حتی التقت باب الكهف.

فقال بعضهم لبعض: عباد الله - والله - ما ینجیکم مما وقعتم إلا أن تصدقوا الله.

فهلّم ما عملتم لله خالصاً.

فإنما ابتلیتم بالذنوب.

فقال أحدهم: اللهم إن كنت تعلم أنّی طلبت امرأه لحسنها وجمالها.

فأعطیت فیها مالاً ضحماً. حتی إذا قدرت علیها. و جلست منها - مجلس الرجل من المرأه - ذكرت النار. ففقت عنها فرقاً منك.

اللهم فإرفع عنا هذه الصخره.

فإنصدعت حتی نظروا إلى الصدع.

ثم قال الآخر: اللهم إن كنت تعلم أنّی استأجرت قوماً یحرثون.

کلّ رجل منهم بنصف درهم.

فلما فرغوا. أعطیتهم اجورهم.

فقال أحدهم: قد عملت عمل اثنين. - والله - لا آخذ إلا درهماً واحداً.

و ترک ماله عندی. فبذرت بذلك - النصف الدرهم - فی الأرض.

این سه نفر پس از آنکه از نجات خود مأیوس شدند. به همدیگر گفتند:

غیر از صداقت و راستی. چیز دیگری ما را از این مهلکه نجات نمی دهد.

بیاید تا نجات خود را - با دعا نمودن - از خدا بخواهیم. و نیت خود را خالص سازیم.

و کار نیکی را که فقط برای خدا انجام داده ایم - در حین دعاء و استغاثه - یادآور شویم. چه بسا - با این کار - بتوانیم نجات یابیم.

فأخرج الله - من ذلك - رزقاً.

و جاء صاحب النصف الدرهم. فأراه. فدفعته إليه ثمان عشرة ألف.

فإن كنت تعلم إنما فعلته مخافه منك.

فأرفع عنا هذه الصخرة.

قال: فإنفرت عنهم حتى نظر بعضهم إلى بعض.

ثم إن الآخر قال: اللهم إن كنت تعلم أن أبي وأمي كانا نائمين.

فأتيتهما بقعب من لبن. فخفت أن أضعه أن تمج فيه هامه.

و كرهت أن أوظهما - من نومهما - فيشق ذلك عليهما.

فلم أزل كذلك حتى استيقظا و شرباً.

اللهم فإن كنت تعلم أنني كنت فعلت ذلك ابتغاء وجهك فأرفع عنا هذه الصخرة.

فإنفرت لهم حتى سهل لهم طريقهم ... (المحاسن ج 1 ص 394).

(و في الدعوات هكذا): وقال الآخر: اللهم إن كنت تعلم إنّه كان لي والدان. و كنت أحلب لهما.

فأتيتهما ليله. و هما نائمان.

فقمتم قائماً حتى طلع الفجر.

فلما استيقظا شربا (الدعوات للشيخ الراوندي - عليه الرحمه - ص 43).

یکی از آنها گفت: خدایا تو می دانی که پدر و مادر پیری داشتیم.

و کار من چوپانی بود. شب هنگام پس از بازگشت از چرا. شیر گوسفندان را دوشیده و به والدین خود می دادم.

شبى از شبها دیر کردم و وقتی به نزد والدین خود رفتم. دیدم که آنها خواب هستند.

من در این هنگام نخواستم تا ظرف شیر را کنار آنها قرار دهم.

از ترس آنکه مبادا جانور و حشره ای داخل ظرف شیر بیفتد.

و نخواستم که آنها از خواب بیدار کنم.

(و جاء فی مصدر آخر هكذا): بینما ثلاثه رهط یتماشون. أخذهم المطر.

فأووا إلى غار فی جبل.

فبینا هم فیہ. انحطت صخره فأطبقت علیهم.

فقال بعضهم لبعض: - انظروا - أفضل أعمال عملتموها.

فسلوه بها.

لعلّہ یفرّج عنکم.

قال أحدهم: اللّهمّ إله کان لی والدان کبیران.

و کانت لی امرأه و أولاد صغار.

فکنت أروعی علیهم.

فإذا أرحت علیهم غنمی بدأت بوالدی فسقیتهما.

فلم آت حتّی نام أبوای.

فطیبت الإناء. ثمّ حلبت. ثمّ قمت بحلابی - عند رأس أبوی - و الصبیبه یتضاغون - عند رجلی - .



به همین جهت تا هنگام صبح در کنار آنها نشستیم.

و آنها پس از بیدار شدن - از خواب - از آن شیر تناول کردند.

خدایا تو می دانی که من این کار را - فقط - برای رضای خاطر تو انجام دادم.

پس بر ما رحم نما. و ما را از این گرفتاری نجات ده.

در این هنگام سنگی که بر درب غار افتاده بود تکانی خورده - و به مقداری که بتوانند آسمان را ببینند - به کناری رفت.

أكره أن أبدأ بهم قبل أبوي.

و أكره أن أوقفهما من نومهما.

فلم أزل كذلك حتى أضاء الفجر.

اللهم إن كنت تعلم أني فعلت - ذلك - ابتغاء وجهك فأفرج عني فرجه نرى منها السماء.

ففرج لهم فرجه. فرأوا - منها - السماء.

وقال الآخر: اللهم إنه كانت لي بنت عم.

فأحببتها حباً. كانت أعز الناس إلي. فسألتها نفسها.

فقالت: لا. حتى تأتيني بمائة دينار.

فسعيت حتى جمعت مائة دينار. فأتيته بها.

فلما كنت - بين رجليها - قالت: إتق الله. و لا تفتح الخاتم إلا بحقه.

فقممت عنها.

اللهم إن كنت تعلم أني فعلت - ذلك - ابتغاء وجهك فأفرج عني فرجها.

ففرج الله لهم فيها فرجه.

وقال الثالث: اللهم إني كنت استأجرت أجيراً بفرق ذره.

فلما قضى عمله. عرضت عليه. فإني أن يأخذه. و رغب عنه.

و بدین ترتیب روزنه ای - برای آنها - به سوی آسمان پدیدار گشت.

سپس دوّمین نفر آنها گفت: خدایا تو می دانی که دختر عمومی داشتم که او را بسیار دوست می داشتم.

روزی من به او پیشنهاد گناه و معصیت دادم.

و برای انجام این کار صد دینار برای او آماده کردم.

اما هنگامی که به نزدش رفتم. و می خواستم مرتکب گناه شوم. او به من گفت:

از خدا بترس و مرتکب گناه نشو. و از راه حرام به این کار اقدام نکن.

در این هنگام من از نزد دختر عمومی خود برخاسته و آن صد دینار را به او بخشیدم و از کنار او دور شدم. و دامن خود را به گناه آلوده نساختم.

خدایا تو می دانی که من بخاطر ترس از تو این گناه را ترک کردم و مرتکب این معصیت نشدم.

پس از ما رحم کن و ما را از این گرفتاری رهایی بخش.

در این هنگام. آن صخره تکان دیگری خورده و راه بیشتری از غار باز شد.

سپس سوّمین نفر آنها گفت: خدایا تو می دانی که من کارگری را برای کاری - با مزد مشخصی - استخدام کرده بودم.

فلم أزل أعتمل به حتّى جمعت منه بقرّاً و رعائها.

فجائنی فقال: إتّق اللّهُ. و أعطنی حقّی. و لا تظلمنی.

فقلت له: إذهب إلی تلک البقر و رعائها. فخذها.

فذهب فإستاقها.

اللّهمّ إن كنت تعلم أنّی فعلت - ذلک - ابتغاء وجهک. فأفرج عنّا ما بقی منها.

ففرّج اللّهُ عنهم. فخرجوا. یتماشون (الأمالی للشیخ الطوسی - علیه الرحمه - ص 396).

پس از تمام شدن کار. آن کارگر از مزدی که برای او مشخص شده بود ناراضی بود.

و به همین جهت از گرفتن آن مزد خودداری کرد. و از آن محل رفت.

و مزد او همچنان در دست من باقی ماند.

و من مزد او را سرمایه قرار دادم و با آن سرمایه گاو را خریداری نمایم.

پس از گذشت مدتی آن کارگر به نزد من آمده و به من گفت: مزد آن روز مرا بده و حق مرا به من برگردان. زیرا من به آن مزد نیاز دارم.

(و جاء فی مصدر آخر هكذا): بینا ثلاثه نفر - فیمن کان قبلکم - یمشون.

إذ أصابهم مطر. فأووا إلى غار. فإنطبق عليهم.

فقال بعضهم لبعض: - يا هؤلاء - و الله ما ينجيكم إلا الصدق.

فلیدع كل رجل منكم بما يعلم الله عزّ وجلّ أنّه قد صدق فيه.

فقال أحدهم: اللهمّ إن كنت تعلم. أنّه كان لی أجیر عمل لی عملاً - علی فرق من أرز - فذهب و تركه. فزرعته. فصار - من أمره - إني اشتریت - من ذلك الفرق - بقرأ.

ثمّ أتانی. فطلب أجره. فقلت: اعمد إلى تلك البقر. فسقها.

فقال: إنّما لی - عندك - فرق من أرز.

فقلت: اعمد إلى تلك البقر. فسقها. فإنّها من ذلك.

فساقها.

فإن كنت تعلم إني فعلت - ذلك - من خشيتك. ففرج عني.

فإنساحت الصخره عنهم.

وقال الآخر: اللهمّ إن كنت تعلم أنّه كان لی أبوان شیخان کبیران.

فكنت آتیهما - کلّ لیله - بلبن غنم - لی - .

فأبطأت عليهما - ذات لیله - . فأتیتهما - وقد رقدا - .

در این هنگام من به او گفتم: آن گاوی را که می بینی مال توست.  
آن را با خود ببر. زیرا من مزد اندک آن روز تو را سرمایه قرار دادم.  
و با آن خرید و فروش کردم تا توانستم با آن مزد این گاو را بخرم.  
اینک این گاو از آن توست. زیرا سرمایه اولیه آن. مزد تو بوده است.  
آن کارگر پس از شنیدن این مطلب. آن گاو را با خود برد.  
خدایا تو می دانی که من این کار را برای رضای تو انجام دادم.  
از تو می خواهم که ما را از این گرفتاری رهایی بخشی. و راه نجات ما را باز نمایی.  
در این هنگام آن سنگ تکان دیگری خورده و درب غار کاملاً باز شد.  
و بدین ترتیب آن سه نفر از غار بیرون آمده و نجات یافتند.  
و اهلی و عیالی يتضاغون - من الجوع - . فکنت لا أسقيهم حتى يشرب أبوی.  
فکرهت أن أوظهما - من رقدتهما - . و کرهت أن أرجع فيستيقظا - لشر بهما - .  
فلم أزل أنتظرهما حتى طلع الفجر.  
فإن كنت تعلم إني فعلت - ذلك - من خشيتك. ففرج عتًا.  
فإنساحت - عنهم - الصخره حتى نظروا إلى السماء.  
وقال الآخر: اللهم إن كنت تعلم أنه كانت لي ابنة عم - أحب الناس إلي - .  
و إني راودتها - عن نفسها - فأبت عليّ. إلا أن آتيتها بمأه دينار.  
فطلبتها. حتى قدرت عليها. فجننت بها. فدفعتها إليها. فأمكننتي من نفسها.  
فلما قعدت - بين رجلها - قالت: اتق الله. و لا تقض الخاتم إلا بحقه.  
فقمتم عنها. و تركت لها الماء. فإن كنت تعلم إني فعلت ذلك - من خشيتك - ففرج عتًا.  
ففرج الله عزّ و جلّ عنهم. فخرجوا (الخصال ص 184-185).

198 - مردی به همراه همسر خود با کشتی مسافرت می کرد که طوفانی وزیدن گرفته و کشتی آنها بوسیله آن طوفان درهم شکست.

و تنها زن آن مرد بوسیله تکه چوبی از غرق شدن نجات یافت و خود را به ساحل جزیره ای رساند.

در میان آن جزیره جوان راهزنی وجود داشت که از ارتکاب هیچ معصیت و گناهی رویگردان نبوده و ابائی نداشت.

هنگامی که آن راهزن متوجه این زن شد به طرف او آمده و قصد تجاوز به او و ارتکاب گناه را داشت.

هنگامی که آن جوان به آن زن نزدیک شد و آن زن متوجه قصد شوم آن جوان شد.

بدن او از شدت اضطراب به لرزه افتاد.

آن جوان به آن زن گفت: چرا می لرزی و مضطرب هستی؟

آن زن گفت: بخاطر ارتکاب این گناه می ترسم و از خدای عزّ و جلّ خوف دارم.

آنگاه آن جوان به آن زن گفت: آیا تاکنون مرتکب این گناه شده ای؟

آن زن جواب داد: به عزّت و جلال خدا سوگند که تا کنون مرتکب این گناه نشده ام.

سپس آن جوان به آن زن گفت: تو در طول زندگی خود مرتکب این گناه نشده ای و این گونه به خود می لرزی و از خدا می ترسی؟

باید من - که می خواهم با زور به تو تجاوز کنم - از خدا بترسم.

و از ارتکاب این عمل شنیع بر خود بلرزم.

و بدین ترتیب آن جوان از ارتکاب گناه با آن زن منصرف شده و به آن زن دست درازی نکرد. و از او دور شد.

و به درگاه خدا توبه و انابه نمود. و از کرده خود پشیمان گشت.

و به طرف خانه خود به راه افتاد.

آن جوان در میان راه با شخص راهبی هم مسیر شد. و آن دو با هم دوست شدند.

و چون گرمای آفتاب شدید بود و آنها را آزار می داد. راهب به آن جوان گفت: تو دعا بکن و از خدا بخواه تا ابری بر سر ما سایه افکند تا از حرارت و گرمی آفتاب کاسته گردد.

آن جوان گفت: من پیش خدا کار نیکی نکرده ام تا لایق اجابت دعا باشم.

سپس آن راهب به او گفت: من دعا می کنم و تو آمین بگو.

آن جوان قبول کرد.

سپس راهب مشغول دعا و راز و نیاز شده و از خدای متعال ابری را طلب نمود.

و آن جوان نیز پس از دعای راهب آمین گفت.

هنوز مدّت زمان اندکی از این دعا نگذشته بود که ابری در آسمان پدیدار شد.

و بر سر آن جوان و راهب سایه افکند. و به همراه آن دو نفر حرکت می کرد.

پس از مدتی که آن دو نفر یک مسیر را با هم طی کردند به دو راهی رسیدند که هر کدام از آن دو باید به طرف راه و مسیر خود می رفت.

سپس راهب راه خود را در پیش گرفت. و آن جوان در راه و مسیر خود قدم گذاشت.

پس از آنکه راه آن دو از هم جدا شد. آن ابر بالای سر آن جوان قرار گرفت و بر او سایه افکند. و به همراه او راه افتاد.

در این هنگام راهب از این امر متعجب شده و به آن جوان گفت: تو از من برتر هستی زیرا استجابت این دعا و آمدن این ابر بخاطر تو بوده است.

به من بگو که چه عمل خیری را انجام داده ای که اینگونه مورد رحمت الهی قرار گرفته ای؟

آن جوان. ماجرای خود با آن زن را بیان کرد.

در این هنگام آن راهب به آن مرد گفت: خداوند عزّ و جلّ گناه تو را - بخاطر خوف و ترسی که از او داشته ای - بخشید.

1- یعنی: اینک که مورد آموزش قرار گرفته ای. در آینده مواظب رفتار خود باش که چه می کنی.

2- - عن أبي حمزة الثمالي عن علي بن الحسين صلوات الله عليهما قال: إن رجلاً ركب البحر بأهله. فكسر بهم. فلم ينج مَن كان في السفينه إلا امرأه الرجل. فإنها نجت على لوح من ألواح السفينه حتى ألجأت على جزيره من جزائر البحر. و كان في تلك الجزيره رجل يقطع الطريق - ولم يدع لله حرمه إلا انتهكها -. فلم يعلم إلا والمرأه قائمه على رأسه. فرفع رأسه إليها فقال: إنسيه أم جنبيته؟ فقالت: إنسيه. فلم يكلمها كلمه حتى جلس منها مجلس الرجل من أهله. فلما أن هم بها. اضطربت. فقال لها: ما لك تضطربين؟ فقالت: أفرق من هذا. - و أومات بيدها إلى السماء -. قال: ف صنعت من هذا شيئاً؟ قالت: لا - و عزته -. قال: فأنت تفرقين منه هذا الفرق. و لم تصنعى من هذا شيئاً - وإنما أستكرهك استكراهاً -. ف أنا - والله - أولى بهذا الفرق والخوف - و أحق - منك. قال: فقام. و لم يحدث شيئاً. و رجع إلى أهله. و ليست له همّه إلا التوبه والمراجعه. فبينا هو يمشى. إذ صادفه راهب - يمشى فى الطريق -. فحميت عليهما الشمس. فقال الراهب للشاب: ادع الله يظللنا ب غمامه - فقد حميت علينا الشمس -. فقال الشاب: ما أعلم أن لى - عند ربى - حسنه. فأتجاسر على أن أسأله شيئاً. قال: فادعوا أنا و تؤمن أنت؟ قال: نعم. فأقبل الراهب يدعو. والشاب يؤمن. فما كان بأسرع من أن أظلتهما غمامه. فمشياً. تحتها ملياً من النهار. ثم تفرقت الجادّه جادّتين. فأخذ الشاب فى واحده. و أخذ الراهب فى واحده. فإذا السحابه مع الشاب. فقال: الراهب أنت خير منى. لك استجيب ولم يستجب لى. فأخبرنى ما قصّتك؟ فأخبره بخبر المرأه. فقال: غفر لك ما مضى حيث دخلك الخوف. ف انظر كيف تكون فيما تستقبل (الكافى ج 2 ص 69).

برطرف کردن موی بینی

مردی که موی بینی خود را برطرف می کند

(1)

199 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از موی سبیل خود بکاهید.

و موهای بینی خود را برطرف سازید. زیرا این کار. زیبایی شما را افزونتر می سازد(2).

200 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از موی سبیل خود بکاهید.

و موی بینی خود را برطرف سازید.

و به نظافت شخصی خود پردازد.

زیرا این کار بر زیبایی شما می افزاید(3).

201 - امام صادق علیه السلام فرمود: برطرف کردن موی بینی صورت شخص را زیبا می سازد(4).

202 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بدرستی که خداوند متعال زیبا است.

و او زیبایی را دوست دارد(5).

ص: 130

1- - رشد موی بینی در مردان بیشتر از زنان می باشد.

2- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: قال لنا رسول الله صلى الله عليه وآله: ليأخذ أحدكم من شاربته. و ينتف شعر أنفه. فإن ذلك يزيد في جماله (الجعفریات ص 258).

3- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليأخذ أحدكم من شاربته و الشعر الذي في أنفه. و ل يتعاهد نفسه. فإن ذلك يزيد في جماله (قرب الاسناد ص 67).

4- - قال الإمام الصادق عليه السلام: أخذ الشعر من الأنف يحسن الوجه (الكافي ج 6 ص 488 و من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 71 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 139 و عوالي اللئالی ج 4 ص 14).

5- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: إن الله جميل. يحب الجمال... (الكافي ج 6 ص 438 و الخصال ص 612 و دعائم الإسلام ج 1 ص 155 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 231).



موی سر کوتاه و مرتب داشتن

### مردی که موی سر او کوتاه و مرتب می باشد

203 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی فرمود: موی سر خود را کوتاه کن. زیرا این کار بر زیبایی تو می افزاید(1).

204 - مردی از امام صادق علیه السلام در باره کوتاه کردن موی سر پرسش نمود؟

امام صادق علیه السلام فرمود: این کار نیکو می باشد(2).

205 - مردی در باره کوتاه کردن موی سر از امام باقر علیه السلام پرسش نمود؟

امام باقر علیه السلام فرمود: این کار بر نظافت و پاکیزگی شخص می افزاید(3).

ص: 131

- 
- 1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله لرجل: إحلّق. فإنه يزيد في جمالك (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 71 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 137). قال الإمام الصادق عليه السلام: حلق الرأس في غير حجّ و (لا) عمره مثله لأعدائكم. و جمال لكم (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 71 و من لا يحضره الفقيه ج 2 ص 309 و مكارم الأخلاق ص 137). ما بين القوسين لم يذكر في مكارم الأخلاق.
- 2- سئل الإمام الصادق عليه السلام عن حلق الرأس؟ قال عليه السلام: حسن (مكارم الأخلاق ج 1 ص 167).
- 3- عن زراره (1) قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: الرجل يقلّم أظفاره و يجزّ شاربته و يأخذ من شعر لحيته و رأسه. هل ينقض ذلك وضوئه (2)؟ فقال عليه السلام: - يا زراره - كلّ هذا سنّه. و الوضوء فريضه. و ليس شيء من السنّه ينقض الفريضه. و إنّ ذلك ليزيده تطهيراً (تهذيب الأحكام ج 1 ص 368 و من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 38). (1) في الفقيه هكذا: سأل زراره أبا جعفر عليه السلام عن الرجل. (2) في الفقيه: الوضوء.

206 - در نقلی آمده است: کوتاه کردن موی سر برای مردان شامل فوائد پسندیده بسیاری می باشد.

از جمله آنها: پیشانی را فراخ نشان می دهد.

و صورت را بشاش می نماید.

و بینائی را افزایش می دهد.

و جلوه رخ را نمایان می کند.

و چهره مرد را از شبیه شدن به چهره زنانه متمایز می سازد(1).

و این کار مورد سفارش قرار گرفته است(2).

ص: 132

1- زیرا موی بلند سر. نشانی از جنسیت یک زن و جلوه ای از زیبایی او بشمار می آید.

2- - روی: أن فی حلق الرأس عشر خصال محموده: یحسن الطلعه. و یمحو الکسفه. و ینقی البشره. و یجلو الحدقه. و یغلظ القصره. و یشد الكدنه. و یرج من حدّ النسائیه إلى حدّ الرجولیه. و هو أحد الفروض المؤکده (مستدرک الوسائل ج 1 ص 400). زید عن أبی الحسن علیه السلام قال: إذا أخذت من شعر رأسک فابداً بالناصیه و مقدّم رأسک و الصدغین من القفا - فکذلک السنّه - . و قل: بسم الله و علی ملّه ابراهیم. و سنّه محمّد و آل محمّد حنیفاً مسلماً و ما أنا من المشرکین. اللهم أعطني بكلّ شعره و ظفره - فی الدنیا - نوراً یوم القیامه. اللهم أبدلنی مکانه شعراً لا یعصیک. تجعله زینه لی و قاراً فی الدنیا. و نوراً ساطعاً یوم القیامه (الأصول السنّه عشر ص 207 کتاب: زید النرسی - علیه الرحمه - تحقیق و نشر مؤسسه دارالحدیث تحت إشراف سماحه العلامه حجّه الإسلام و المسلمین الحاج الشیخ محمّد المحمّدی الرازی - دام عزّه العالی -).





(1)

207 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ازدواج سنت و شیوه من است. و شخصی که از شیوه و روش من سرپیچی نماید از من نیست (2).

208 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: شخصی که با داشتن امکانات از ازدواج نمودن صرفنظر کند از جمله افراد امت من محسوب نمی شود (3).

209 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله لعن و نفرین فرمود مردانی را که می گویند: ازدواج نمی کنیم.

و لعن و نفرین فرمود زنانی را که می گویند: ازدواج نمی کنیم (4).

210 - در حدیث آمده است: خدای متعال - از بالای عرش - چهار گروه را مورد لعن و نفرین قرار می دهد. و ملائکه بر این لعن. آمین می گویند.

از جمله آنها: شخصی است که بخاطر آنکه صاحب فرزند نشود. ازدواج نمی کند (5).

ص: 135

1- - مطالب ذکر شده در این فصل مربوط به مردانی است که از ازدواج نمودن امتناع می ورزند. و مطالب مربوط به زنانی که ازدواج نمی کنند در کتاب: زنان نفرین شده ذکر شده است.

2- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: النکاح سنتی. فمن رغب عن سنتی فلیس منی (جامع الأخبار ص 271). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: النکاح من سنتی. فمن رغب عنه فقد رغب عن سنتی (عوالی 261/2). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من رغب عن سنتی فلیس منی. وإن من سنتی النکاح (عوالی 283/3).

3- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من كان له ما يتزوج به. فلم يتزوج. فليس منّا (مکارم ج 1 ص 430). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من كان موسراً. ولم ينكح. فليس منی (مکارم الأخلاق ج 1 ص 433).

4- - (قال الراوی): لعن رسول الله صلی الله علیه و آله المتبتّلین من الرجال. الّذین یقولون: لا-تتزوج. و المتبتّلات من النساء. الّلاتی یقلن ذاک... (الجعفریات ص 242).

5- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أربع لعنهم الله من فوق عرشه و أمّنت علیه ملائکته: الّذی یحصّر نفسه. فلا یتزوج. و لا یتسرى. لنّلاً یولد له... (مجمع البیان ج 7 ص 220). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أربعة یلعنهم الله - من فوق عرشه - و یؤمنون الملائکة. رجل یتحفظ نفسه. و لا یتزوج - و لا جاریه له - کیلا یكون له ولد (المستدرک ج 14 ص 156).

211 - امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی که از ترس نداری و تنگدستی ازدواج نمی کند.

او - در حقیقت - به خدای متعال بدگمان شده است. زیرا خدای متعال می فرماید:

اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بی نیاز می سازد(1).

212 - در حدیث آمده است: چند چیز است که اگر شخصی آنها را دارا نباشد. او دل مشغول بوده و زندگیش ناقص شده و عقلش زائل خواهد گشت. نداشتن همسری شایسته از جمله آن چیزها بشمار می آید(2).

ص: 136

1 - قال الإمام الصادق عليه السلام: من ترك التزويج مخافة الفقر (فقد) \* أساء الظن بالله. إن الله عز وجل يقول: إن يكونوا فقراء يُغنيهم الله من فضله (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 243 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 432). \* ما بين القوسين لم يذكر في مكارم الأخلاق. قال الإمام الصادق عليه السلام: من ترك التزويج مخافة العيلة فقد أساء الظن بربه. لقوله سبحانه و تعالى: إن يكونوا فقراء يُغنيهم الله من فضله (مكارم الأخلاق ج 1 ص 430 و مجمع البيان ج 7 ص 220 و دعائم الإسلام ج 2 ص 191 و عوالي اللئالی ج 3 ص 281). في دعائم الإسلام: من ترك النكاح. في العوالي هكذا: الظن بالله. إن الله تعالى يقول. قال رسول الله صلى الله عليه و آله: من ترك التزويج مخافة العيلة. فقد أساء ظنه بالله عز وجل. إن الله عز وجل يقول: إن يكونوا فقراء يُغنيهم الله من فضله (الكافي ج 5 ص 331). قال رسول الله صلى الله عليه و آله: من سرّه أن يلقي الله طاهراً مطهراً. فليلقه بزوجه. و من ترك التزويج مخافة العيلة. فقد أساء الظن بالله عز وجل (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 243). قال الإمام الصادق عليه السلام من ترك التزويج مخافة الفقر. فقد أساء الظن بالله عز وجل. إن الله عز وجل يقول: إن يكونوا فقراء يُغنيهم الله من فضله (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 242). قال الإمام الصادق عليه السلام: من ترك التزويج مخافة العيلة. فقد أساء بالله الظن (الكافي ج 5 ص 330).

2 - (قال الراوى: قال الإمام السجّاد عليه السلام): خمس خصال من فقد واحده منهنّ لم يزل ناقص العيش. زائل العقل. مشغول القلب. فأولها: صحّة البدن. و الثانيه: الأمن. و الثالثه: السعه فى الرزق. و الرابعه: الأئیس الموافق. قلت: و ما الأئیس الموافق؟ قال عليه السلام: الزوجه الصالحه. و الولد الصالح. و الخليط الصالح. و الخامسه: - و هى تجمع هذه الخصال - : الدعاه (الخصال ص 284 و المكارم ج 1 ص 437).

213 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بیچاره است. بیچاره است. بیچاره است. مردی که دارای همسر نمی باشد.

مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: اگر چه آن مرد. دارای ثروت زیادی هم باشد باز او بیچاره است؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب آنها فرمود: بله. او بیچاره است. اگر چه دارای ثروت زیادی هم باشد.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بیچاره است. بیچاره است. بیچاره است. زنی که دارای شوهر نمی باشد.

مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: اگر چه آن زن دارای ثروت زیادی هم باشد باز او بیچاره است؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب آنها فرمود: بله. او بیچاره است. اگر چه دارای ثروت زیادی هم باشد(1).

214 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین شما کسانی هستند که ازدواج نکرده اند.

این گونه افراد از جمله یاران شیطان به حساب می آیند(2).

215 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی فرمود: ازدواج کن.

و اگر ازدواج نکنی از یاران شیطان محسوب خواهی گشت(3).

ص: 137

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مسكين. مسكين. مسكين. رجل ليست له امرأة. قالوا: - يا رسول الله - وإن كان كثير المال؟ قال صلى الله عليه وآله: وإن كان كثير المال. قال صلى الله عليه وآله: مسكينه. مسكينه. مسكينه. امرأة ليس لها زوج. قالوا: - يا رسول الله - وإن كانت غنية مكثره؟ قال صلى الله عليه وآله: وإن كانت غنية مكثره (كتاب العيال ص 153 منشورات دارالوفاء).

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: شراركم عزابكم. والعزَاب إخوان الشياطين (جامع الأخبار ص 273). (راجع: مجمع البيان ج 7 ص 220).

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله لرجل: تزوج. وإلا فأنت من إخوان الشياطين (جامع الأخبار ص 272).

216 - مردی به نام عکاف می گوید: به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم.

آن حضرت صلی الله علیه و آله به من فرمود: آیا همسر داری؟

گفتم: خیر.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: تو توانائی جسمی و امکانات مالی را برای ازدواج را داری؟

گفتم: بله.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در این صورت تو یا از یاران شیطان خواهی بود.

و یا از راهبان نصاری محسوب خواهی شد.

و یا باید کاری را که مسلمانان انجام می دهند انجام دهی (و ازدواج کنی).

و بدرستی که ازدواج شیوه و سنت من است.

و اشرار شما کسانی هستند که ازدواج نکرده اند.

و پستترین مردگان شما. آنهایی هستند که ازدواج ننموده اند.

وای بر تو - ای عکاف -

- ای عکاف - ازدواج کن. ازدواج کن.

و اگر ازدواج نکنی از جمله خطاکاران خواهی بود.

آنگاه عکاف گفت: - ای پیامبر - هم اینک زنی را به همسری من در آور.

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: فلان زن را به عنوان همسر برای تو انتخاب نمودم (1).

ص: 138

---

1- - عن عکاف بن وداعه الهلالی قال: أتیت إلى رسول الله صلى الله عليه وآله. فقال صلى الله عليه وآله لي: - يا عكاف - ألك زوجة؟ قلت: لا. قال صلى الله عليه وآله: ألك جارية؟ قلت: لا. قال صلى الله عليه وآله: وأنت صحيح موسر. قلت: نعم. والحمد لله. قال صلى الله عليه وآله: فأنتك - إذاً - من إخوان الشياطين. إما أن تكون من رهبان النصاری. وإما أن تصنع كما يصنع المسلمون. وإن من سنتي النكاح. شراركم عزابكم. وأراذل موتاكم عزابكم. إلى أن قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ويحك - يا عكاف - تزوج. تزوج. فإن لا فأنتك من إخوان الشياطين. قلت: - يا رسول الله - زوجني قبل أن أقوم. فقال صلى الله عليه وآله: زوجتك كريمه بنت كلثوم الحميري



(مستدرک الوسائل ج 14 ص 156). (و جاء فى مصدر آخر هكذا):... قال صلى الله عليه وآله: تزوّج وإلّفأنت من المذنبين. وفى روايه اخرى هكذا: تزوّج وإلّفأنت من رهبان النصارى. وفى روايه اخرى هكذا: تزوّج وإلّفأنت من إخوان الشياطين (جامع الأخبار ص 272).

217 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین افراد امت من کسانی هستند که متأهل اند.

و ضرورتین افراد امت من کسانی هستند که مجرد می باشند(1).

218 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رذلتین و پست ترین مردگان شما. آنانی هستند که ازدواج نکرده باشند(2).

219 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: بیشترین افراد اهل جهنم کسانی هستند که ازدواج نکرده اند(3).

ص: 139

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: خيار امتي المتأهلون. و شرار امتي العزّاب (جامع الاخبار ص 273). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: شراركم عزّابكم. و العزّاب إخوان الشياطين (جامع الاخبار ص 273). (راجع: مجمع البيان ص 220). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: شرار امتي عزّابها (جامع الأحاديث للشيخ جعفر بن أحمد القمّي - عليه الرحمة - ص 88).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: رذال موتاكم العزّاب (الكافي ج 5 ص 329). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ أراذل موتاكم. العزّاب (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 242). (راجع: تهذيب الأحكام ج 7 ص 276 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 431). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أراذل موتاكم. عزّابكم (مستدرک الوسائل ج 14 ص 156).

3- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أكثر أهل النار العزّاب (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 242).

(1)

220 - شخصی از امام صادق علیه السلام در باره مردی که استمناء می کند سؤال کرد.

امام صادق علیه السلام در جواب فرمود: این کار به منزله زنا می باشد(2).

ص: 140

1- - خداوند متعال برای بقاء نسل بشر غریزه جنسی را در نهاد انسان قرار داده و راه ارضاء مشروع آن را بوسیله ازدواج معین نموده است. و چنانچه این غریزه جنسی از راه مشروع ارضاء نگردد عوارض منفی بسیاری را در جسم و روان آدمی بوجود می آورد. و این عوارض موجب انحراف و لجام گسیختگی و طغیان او خواهد گشت. استمناء و خودارضائی از جمله انحرافات است که ممکن است گریبانگیر بعضی از این گونه افراد گردد. لذا شرع مطهر اسلام این عمل را حرام شمرده است. لازم به ذکر است که ارتکاب این عمل آثار سوء و عواقب شوم - در دنیا - و کیفر و عقوبت - در آخرت - را در پی دارد. در این فصل - مختصراً - به پاره ای از آنها اشاره می گردد.

2- - عن عمّار بن موسی عن أبي عبد الله عليه السلام في الرجل ينكح بهيمه - أو يدلك -؟ فقال عليه السلام: كل ما أنزل به الرجل مائه في هذا - و شبهه - فهو زنا (الكافي ج 5 ص 541). عن العلاء بن رزين عن رجل عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن الخضخضه؟ (1). فقال عليه السلام: هي من الفواحش. و نکاح الأمه خيرٌ منه (الكافي ج 5 ص 540). و من مستحسن الكلمات النبويه. قوله صلى الله عليه وآله - في الإستمناء باليد -: ذلك الوأد الخفي (2). شبه صلى الله عليه وآله إتلاف النطفه التي هي ولد - بالقوه - بإتلاف الولد - بالفعل - . و حرم الإستمناء باليد - وإتيان البهائم - للمعنى الذي لأجله حرم اللواط. و هو تقليل النسل (شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد ج 19 ص 89). (1) أي: الإستمناء. (2) لأن الجاهليّه كانت تند البنات. أي: تقتلهنّ خنقاً (نقلاً عن شرح النهج).

221 - امام صادق عليه السلام فرمود: مردی را به نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آوردند که به وسیله استمناء و خودارضائی شهوت جنسی خود را فروکش کرده بود.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام او را تنبیه نمود.

سپس آن حضرت علیه السلام - با پول بیت المال - همسری را به عقد او درآورد(1).

ص: 141

1- - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنَّ اميرالمؤمنين عليه السلام اتى برجل عبث بذكره. فضرب عليه السلام يده حتّى أحمرّت. ثمّ زوّجه من بيت المال (الكافي ج 7 ص 265 و تهذيب الأحكام ج 10 ص 73 و الاستبصار ج 4 ص 226 الباب 129 و عوالي اللئالي ج 2 ص 356). عن زراره عن أبي جعفر عليه السلام قال: اتى عليّ عليه السلام برجل عبث بذكره حتّى أنزل. فضرب يده حتّى أحمرّت. وزوّجه من بيت المال (عوالي اللئالي ج 2 ص 357). عن زراره عن أبي جعفر عليه السلام قال: اتى عليّ عليه السلام برجل عبث بذكره حتّى أنزل. فضرب يده بالدّرّه حتّى أحمرّت. و لا أعلمه إلا قال: وزوّجه من بيت مال المسلمين (تهذيب الأحكام ج 10 ص 73-74 و الإستبصار ج 4 ص 226 الباب 129). فى الاستبصار هكذا: و لا أعلم إلا قال عليه السلام: زوّجه من بيت مال المسلمين. قد روى: إنَّ رجلاً استمنى على عهد اميرالمؤمنين عليه السلام فرجع خبره إليه. فأمر بضرب يده بالدّرّه حتّى أحمرت. ثمّ سأل عنه: أمتأهل هو أم عزب؟ فعرف أنّه عزب. فأمره بالنكاح. فأخبره بعدم الطول إليه بالفقر. فاستتابه ممّا فعل. وزوّجه. و جعل مهر المرأه من بيت المال (المقنعه للشيخ المفيد - عليه الرحمه - ص 791 الباب 4).

و من با شخصی که مرتکب چنین عملی می گردد. غذا نمی خورم(1).

ص: 142

---

1- - سئل (الإمام الصادق علیه السلام) عن الخصخضة؟ فقال عليه السلام: إثم عظيم. قد نهى الله تعالى عنه في كتابه. و فاعله ك ناكح نفسه. و لو علمت بمن (1) يفعله (2). ما أكلت معه. فقال السائل: فبيّن لي - يا بن رسول الله - من كتاب الله نهيه (3). فقال عليه السلام: قول الله عزّ وجلّ: فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ. و هو ممّا (4) وراء ذلك (بحار الأنوار ج 101 ص 30 و وسائل الشيعه ج 28 ص 364 و مستدرک الوسائل ج 14 ص 355). (1) في الوسائل و المستدرک: بما. (2) في المستدرک: يفعل. (3) في الوسائل هكذا: من كتاب الله فيه. (4) في المستدرک: ما. هم الذين تعدّوا حدود الله. و خرجوا عمّا أباحه لهم (مجمع البيان ج 10 ص 539). أي: الظالمون المتجاوزون إلى ما لا يحلّ لهم (مجمع البيان ج 7 ص 158).

### نفرین شدن و مورد لعنت قرار گرفتن

223 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: لعنت و نفرین خدا و ملائکه و مردم بر شخصی باد که استمناء می کند(1).

224 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که استمناء می کند. ملعون و نفرین شده است(2).

### کیفر و عقوبت در آخرت و روز قیامت

225 - امام صادق علیه السلام فرمود: خدای متعال در روز قیامت با سه شخص سخن نمی گوید و آنها را مورد تزکیه قرار نمی دهد. و برای آنها عذابی دردناک خواهد بود:

از جمله آنها: شخصی است که خود ارضائی می کند(3).

226 - در حدیث آمده است: هفت گروه هستند که خداوند متعال - در روز قیامت - آنها را مورد لعن و نفرین خود قرار می دهد. و به دیده رحمت به آنها نمی نگرد.

و جایگاه آنها آتش جهنم خواهد بود.

مگر آنکه توبه نمایند. و از کرده خود پشیمان گردند.

از جمله آن گروه: شخصی است که استمناء می کند(4).

ص: 143

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا لعنة الله والملائكة والناس أجمعين... على ناكح يده... (میزان الحکمه ج 9 ص 3713 نقله عن كنز العمال).

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ناكح الكفّ. ملعون (عوالی اللثالی ج 1 ص 260). قال أمير المؤمنين عليه السلام: ملعون سبعة... و الناكح كفّه (فقه القرآن ج 2 ص 142).

3- (قال الإمام الصادق عليه السلام): ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة. ولا ينظر إليهم ولا يزكّيهم. ولهم عذاب أليم: الناتف شبيهه. و الناكح نفسه. و المنكوح في دبره (الخصال ص 106).

4- برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 311 مراجعه فرمائید.

## افترا زدن و تهمت بستن و نسبت ناروا دادن به زنان با ایمان و پاکدامن

مردی که به زن با ایمان و پاکدامن افترا می زند و تهمت می بندد و نسبت ناروا به او می دهد

(1)

227 - إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ (2) الْغَافِلَاتِ (3) الْمُؤْمِنَاتِ (4) لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (5) وَلَهُمْ (6) عَذَابٌ عَظِيمٌ (7) «23» (النور).

قرآن کریم در این آیه کسانی را که به زنان پاکدامن و با ایمان تهمت زده - و نسبت انجام عمل ناشایست به آنها می دهند - مورد نکوهش شدید قرار می دهد و محروم بودن آنان از رحمت الهی را اعلام می نماید.

و اینگونه افراد را به کیفر دنیوی و عقوبت اخروی وعده می دهد.

228 - پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نسبت دادن ارتکاب عمل ناشایست زنا - به شخصی که این

ص: 144

1- - این بخش مربوط به مردانی است که زنان با ایمان و پاکدامن را مورد تهمت و افترا قرار می دهند و مطالب مربوط به مردانی که همسران پاکدامن خود را مورد افترا و تهمت قرار می دهند. در کتاب: همسران رحمت شده و همسران نفرین شده ذکر شده است.

2- - آی: یقذفون العفائف من النساء.

3- - عن الفواحش.

4- - بالله ورسوله و اليوم الآخر.

5- - آی: ابعدوا من رحمہ اللہ فی الدارین. وقیل: استحقّوا اللعنه فیهما. وقیل: عدّبوا - فی الدنيا - بالجلد و ردّ الشهاده. و فی الآخره. بعذاب النار.

6- - مع ذلك.

7- - وهذا الوعيد عام لجميع المکلفین - عن ابن عباس و ابن زید (مجمع البیان ج 7 ص 211).

کار را نکرده - نشانه ای از کفر است. و جایگاه کفر در آتش خواهد بود(1).

## آثار سوء و عواقب شوم در دنیا

229 - امام صادق علیه السلام فرمود: نسبت دادن زنان پاکدامن به ارتکاب عمل ناشایست زنا از گناهان کبیره محسوب می گردد. زیرا خداوند در باره این گروه - در قرآن - فرموده است: در دنیا و آخرت مورد لعن قرار گرفته. و عذابی بزرگ برای آنها خواهد بود(2).

230 - در حدیث آمده است: شخصی که افراد پاکدامن را مورد تهمت قرار می دهد.

خداوند متعال اعمال خیر او را نابود خواهد نمود(3).

231 - امام صادق علیه السلام فرمود: نسبت دادن زنان پاکدامن به ارتکاب عمل ناشایست زنا موجب از بین رفتن و نابودی اعمال نیک یک سال شخص می گردد(4).

232 - امام صادق علیه السلام فرمود: نسبت دادن زنان پاکدامن به ارتکاب عمل ناشایست زنا موجب از بین رفتن و نابودی ثواب صد سال عبادت می گردد(5).

233 - در حدیث آمده است: از هفت چیزی که موجب هلاکت و نابودی است اجتناب کنید.

تهمت زدن به زنان با ایمان و پاکدامن از جمله آن هفت چیز می باشد(6).

ص: 145

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: القذف من الكفر. والكفر في النار (جامع الأخبار ص 446).

2- قال الإمام الصادق عليه السلام: قذف المحصنات من الكبائر. لأن الله عز وجل يقول: لعنوا في الدنيا والآخرة ولهم عذاب عظيم (علل الشرائع ج 2 ص 225 الباب 231). (راجع: الكافي ج 2 ص 27 وص 280 و ص 281 و ص 285 و من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 368 و إرشاد القلوب ج 1 ص 336 و عيون الأخبار ج 1 ص 285 الباب 28 و علل الشرائع ج 2 الباب 131 ص 107).

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من رمى محصناً أو محصنة أحبط الله عمله... (عقاب الأعمال ص 335 و اعلام الدين ص 415).

4- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: قذف محصنه يحبط عمل سنه (عوالی اللثالی ج 3 ص 561).

5- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: قذف محصنه يحبط عبادته مائة سنه (عوالی اللثالی ج 3 ص 461).

6- إن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: اجتنبوا السبع الموبقات. قيل: - يا رسول الله - وما هن؟ قال صلى الله عليه وآله: ... وقذف المحصنات الغافلات المؤمنات (الخصال ص 364).



234 - جعفری می گوید: مردی با امام صادق علیه السلام بسیار دوست و رفیق بود. به گونه ای که همیشه همراه آن حضرت علیه السلام راه می رفت.

روزی آن مرد - به همراه غلام خود - امام صادق علیه السلام را در بازار کفّاشها همراهی می کرد.

و آن غلام پشت سر آن مرد راه می رفت.

پس از آنکه مدتی راه رفتند. آن مرد متوجّه شد که غلام او پشت سرش راه نمی رود.

و به جایی رفته است.

و هنگامی که آن غلام به نزد آن مرد بازگشت. او با تندى به غلام گفت:

- ای فرزند مادر بدکاره - کجا رفته بودی؟

هنگامی که آن مرد این جمله را بر زبان جاری کرده و با غلام خود این گونه سخن گفت. امام صادق علیه السلام بسیار ناراحت شدند.

و از فرط ناراحتی با دست مبارک بر پیشانی خود زدند.

سپس آن حضرت علیه السلام با لحن سرزنش آمیزی به آن مرد فرمود: به مادر این غلام تهمت می زنی و به او نسبت ناروا می دهی؟

من تا امروز فکر می کردم که تو انسان با تقوا و پرهیزگاری هستی.

اما امروز - با این کار - فهمیدم که تو اهل تقوا و پرهیزگاری نیستی.

آن مرد برای توجیه این عمل ناپسند خود به امام صادق علیه السلام گفت:

مادر این غلام مسلمان نیست.

در این هنگام امام صادق علیه السلام به تندى به آن مرد فرمود: از من دور شو.

مگر نمی دانی که برای هر قوم و جماعتی ازدواج و پیمان زناشویی وجود دارد - که با انجام دادن آن - خود را از زنا و عمل نامشروع منزّه و

پاک می گردانند؟!!

1- - عن عمرو بن نعمان الجعفى قال: كان لأبى عبد الله عليه السلام صديق - لا يكاد يفارقه إذا ذهب مكاناً - . فبينما هو يمشى معه فى الحدائين و معه غلام له سندی يمشى خلفهما. إذا التفت الرجل - يريد غلامه - ثلاث مرّات. فلم يره. فلما نظر فى الرابعه قال: - يا ابن الفاعله - أين كنت؟ قال: فرفع أبو عبد الله عليه السلام يده. ف صكّ بها جبهه نفسه. ثم قال عليه السلام: - سبحان الله - تقذف أمّه؟! قد كنت أرى أنّ لك ورعاً. فإذا ليس لك ورع. فقال: - جعلت فداك - إنّ أمّه سنديه مشرکه. فقال عليه السلام: أمّا علمت أنّ لكلّ أمّه نكاحاً (1). تنحّ عنى. قال: فما رأيتّه يمشى معه. حتّى فرّق الموت بينهما (الكافى ج 2 ص 324). (راجع: تنبيه الخواطر ج 2 ص 206). (1) و فى روايه اخرى: إنّ لكلّ أمّه نكاحاً. يحتجزون به من الزنا.

235 - در زمان کودکی حضرت دانیال علیه السلام پادشاهی از پادشاهان بنی اسرائیل حکمرانی می کرد.

آن پادشاه دو قاضی داشت که مرد نیکوکاری با آن دو قاضی دوست و رفیق بود.

و این مرد نیکوکار دارای همسری زیبا و با ایمان بود.

روزی آن پادشاه به آن دو قاضی گفت: شخصی را برای انجام مأموریتی به من معرفی کنید.

آن دو قاضی. آن مرد نیکوکار را که دوست آنها بود به پادشاه معرفی کردند.

سپس آن مرد نیکوکار برای انجام مأموریتی که از طرف پادشاه به او محوّل شده بود به سفر رفت.

آن مرد قبل از سفر به نزد آن دو قاضی آمده و به آنها گفت: هنگامی که در مسافرت هستم از همسرم مواظبت کرده و مایحتاج زندگی او را تأمین نمائید.

در مدتی که آن مرد در مسافرت بود این دو قاضی به نزد همسر این مرد آمده و پیشنهاد گناه و معصیت را به او دادند.

و از آن زن پاکدامن خواستند تا به خواسته نامشروع آنها تن دهد.

اما آن زن از اجابت نمودن خواسته نامشروع آنها امتناع ورزیده و دست رد بر سینه آنها زد.

آن دو قاضی به آن زن پاکدامن گفتند: چنانچه خواسته ما را اجابت نکنی به نزد پادشاه رفته و شهادت می دهیم که تو مرتکب عمل شنیع زنا شده ای.

آن زن پاکدامن در جواب به آنها گفت: هر کاری که می خواهید بکنید. من دامن خود را به گناه آلوده نمی کنم.

آن دو قاضی پس از آنکه از دست یافتن به خواسته نامشروع خود مأیوس شدند به

نزد پادشاه رفته و در نزد - او به دروغ - گواهی دادند که این زن مرتکب زنا شده است.

و مجازات آن زن را از پادشاه درخواست نمودند.

آن پادشاه چون از پاکدامن بودن آن زن خبر داشت از این امر بسیار شگفت زده شد.

و از این امر بسیار غمگین و اندوهناک گشت.

اما چون آن دو قاضی به انجام این امر شهادت و گواهی داده بودند کاری از دست پادشاه بر نمی آمد.

اما به آن دو قاضی گفت: شهادت و گواهی شما را قبول می کنم اما از شما می خواهم تا سه روز به آن زن مهلت دهید. سپس او را مجازات نمایند.

آنگاه پادشاه به شخصی دستور داد تا در شهر ندا دهد: - ای مردم - زنی که عبادت می کرد و ادعای پاکدامنی داشت مرتکب زنا شده است.

و دو قاضی بر این امر شهادت و گواهی داده اند و خواستار مجازات او گشته اند.

و برای مشاهده اجرای مجازات او در فلان وقت حاضر شوید.

مردم از شنیدن این خبر متعجب و مبهوت شدند.

زیرا آن زن را به عفاف و پاکدامنی می شناختند.

و به همین جهت در میان مردم شهر ولوله افتاد.

آن پادشاه از وزیر خود درخواست چاره نمود.

اما وزیر برای رفع این مشکل چاره ای نیافت.

سه روز سپری شد و روز اجرای مجازات فرارسید.

در این روز آن وزیر در شهر گشت می زد که گذارش به چند بچه افتاد که با هم بازی می کردند و حضرت دانیال علیه السلام در میان آن بچه ها بود.

در این هنگام حضرت دانیال علیه السلام به آن بچه ها گفت: - ای بچه ها - بیاید تا بازی

جدیدی را شروع کنیم. و در این بازی من نقش پادشاه را بازی خواهم کرد.

و فلان کودک دیگر نقش آن زن پاکدامن را بازی خواهد کرد.

و دو کودک دیگر نقش آن دو قاضی را بازی خواهند نمود.

در این هنگام آن وزیر در آن محل ایستاد تا شاهد بازی این کودکان باشد.

حضرت دانیال علیه السلام در بازی خود - به عنوان پادشاه - آن دو قاضی را از هم دور کرده و از هر کدام جداگانه بازجوئی نمود.

و از هر یک از آنها خواست تا جزئیات ماجرا را برای او بگوید.

و از هر یک از آنها سؤال کرد که این عمل در چه روز و در چه ساعتی و در کجا و با چه شخصی انجام گرفته است؟

جواب هر یک از دو قاضی با هم متفاوت و مختلف بود.

در این هنگام حضرت دانیال علیه السلام ندای الله اکبر سر داده. سپس به آن کودکان گفت:

این دو قاضی دروغ گفته اند و شهادت ناروا داده اند. و به آن زن پاکدامن تهمت زده و افترا بسته اند. زیرا جواب هر یک از آنها مخالف جواب دیگری بود.

اینک لازم است که این دو قاضی را بخاطر گواهی دروغی که داده اند و تهمتی که به آن زن پاکدامن زده اند مورد مجازات قرار داده و آنها را به قتل برسانیم.

پس از پایان این بازی کودکانه وزیر که شاهد آن بود بی درنگ به نزد پادشاه رفته و از او خواست تا آن دو قاضی را احضار نموده و آنها را از هم دور ساخته و از هر یک جداگانه بازجوئی کنند. و پس از انجام این امر. آن دو قاضی جوابهای مختلف و دوگانه دادند. و بدین ترتیب در نزد پادشاه معلوم گشت که گواهی و شهادت آنها علیه آن زن پاکدامن دروغ بوده است. و بدینوسیله پاکدامن بودن آن زن برای مردم و پادشاه آشکار گشت.

1- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: إن دانيال كان يتيماً لا أم له ولا أب. وإن امرأه من بنى إسرائيل عجوزاً كبيره ضمته. فربته. وأن ملكاً - من ملوك بنى إسرائيل - كان له قاضيان. وكان لهما صديق. وكان رجلاً صالحاً. - وكانت له امرأه بهيئه جميله -. وكان يأتي الملك. فيحدثه. واحتاج الملك إلى رجل يبعثه في بعض اموره. فقال للقاضيين: اختارا رجلاً. أرسله في بعض امورى. فقالا: فلان. فوجهه الملك. فقال الرجل للقاضيين: اوصيكما يا مرأتى خيراً. فقالا: نعم. فخرج الرجل. فكان القاضيان يأتیان باب الصديق. فعشقا امرأته. فراوداها عن نفسها. فأبت. فقالا لها: - والله - لئن لم تفعلی. ل نشهدنّ عليك - عند الملك - بالزنى. ثم ل نرجمنک. فقالت: إفعلا ما أحببتما. فأتيا الملك. فأخبراه. وشهدا عنده أنّها بغت. فدخل الملك - من ذلك - أمر عظيم. واشتدّ بها غمّه. وكان بها معجباً. فقال لهما: إن قولكما مقبول. ولكن ارجموها - بعد ثلاثه أيام -. و نادى - فى البلد الذى هو فيه -: احضروا قتل فلانه العابده. فأتها قد بغت. فإنّ القاضيين قد شهدا - عليها - بذلك - فأكثر الناس فى ذلك -. وقال الملك لوزيره: ما عندك - فى هذا - من حيله؟ فقال: ما عندى - فى ذلك - من شىء. فخرج الوزير يوم الثالث - وهو آخر أيامها - فإذا هو ب غلمان عراه. يلعبون. وفيهم دانيال - وهو لا يعرفه -. فقال دانيال: - يا معشر الصبيان - تعالوا حتّى أكون - أنا - الملك. و تكون أنت - يا فلان - العابده. و يكون - فلان و فلان - القاضيين الشاهدين عليها. ثم جمع تراباً. و جعل سيفاً من قصب. و قال للصبيان: خذوا بيد هذا. ف نحوه إلى مكان كذا و كذا. -



236 - امام صادق علیه السلام فرمود: نسبت دادن زنان پاکدامن به ارتکاب عمل ناشایست زنا از گناهان کبیره محسوب می گردد. زیرا خداوند در باره کسانی که به زنان پاکدامن نسبت ناروا می دهند فرموده است: در دنیا و آخرت مورد لعن قرار گرفته. و عذابی بزرگ برای آنها خواهد بود(1).

237 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که نسبت ناروائی را به مرد مؤمن و یا زن مؤمنی بدهد. و سخنی در باره آنها بگوید که در مورد آنها روا نیست.

خدای متعال در روز قیامت چنین شخصی را بر تپه ای از آتش قرار خواهد داد(2).

238 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که زن پاکدامن و یا مرد پاکدامنی را به ارتکاب عمل ناشایست زنا نسبت دهد. خدای متعال اعمال نیک او را از بین برده و نابود خواهد ساخت. و در روز قیامت هفتاد هزار فرشته به او تازیانه خواهند زد.

و مارها و عقربها گوشت بدن او را جویده. سپس او روانه آتش جهنم خواهد شد(3).

ص: 153

---

1- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 145 مراجعه فرمائید.

2- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من بهت مؤمناً أو مؤمنة أو قال فيه ما ليس فيه. أقامه الله يوم القيامة على تلّ من نار حتّى يخرج ممّا قال فيه (جامع الأخبار ص 419 الفصل 112 وروضه الواعظین ج 2 ص 467 وعیون الأخبار ج 2 ص 37 الباب 31).

3- - (قال رسول الله صلی الله علیه و آله): من رمى محصناً أو محصنة أحبط الله عمله. و جلده - يوم القيامة - سبعون ألف ملك - من بين يديه و من خلفه - . و تنهش لحمه حیّات و عقارب. ثمّ يؤمر به إلى النار (عقاب الأعمال ص 335 و اعلام الدین ص 415). عن ابن أبي يعفور عن أبي عبد الله علیه السلام قال: من بهت (1) مؤمناً أو مؤمنة - بما ليس فيهما - . حبسه (2) الله يوم القيامة في طينه خبال حتّى يخرج ممّا قال. قلت: و ما طينه خبال؟ قال علیه السلام: صديد يخرج من فروج المومسات (عقاب الأعمال ص 286 و معانی الأخبار ص 164). یعنی: الزوانی (معانی الأخبار ص 164). (1) فی معانی الأخبار: باهت. (2) فی عقاب الأعمال: بعثه.



## بازی کردن با بیضه

### مردی که با بیضه خود بازی می کند

239 - در حدیث آمده است: چند چیز موجب غم و اندوه می گردد.

از جمله آن امور: بازی کردن با بیضه می باشد(1).

ص: 154

---

1- - روی فی بعض الكتب عن الأئمة عليهم السلام أنهم قالوا: إن أحد عشر شيئاً تورث الغمّ: ... و اللعب بالخصيه... (بحار الأنوار ج 73 ص 321).

### مردی که با ریش خود زیاد بازی می کند

240 - امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: با ریش خود زیاد بازی نکن.

زیرا این کار، چهره و صورت تو را زشت می کند(1).

241 - مردی به امام مجتبی علیه السلام گفت: نشانه جهل و ناتوانی چیست؟

امام مجتبی علیه السلام فرمود: بازی کردن با ریش.

و پرت کردن آب دهان در هنگام سخن گفتن با دیگری(2).

ص: 155

---

1- - عن صفوان الجمال قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: لا تكثر وضع يدك - في لحيتك - . فإن ذلك يشين الوجه (علل الشرائع ج 2 ص 329 الباب 351 الحديث 1). وذكر هذا الحديث في بحار الأنوار ج 73 ص 109 تحت عنوان: باب اللعب باللحية.

2- - قيل للإمام المجتبی علیه السلام: ما العیّ؟ قال علیه السلام: العبث باللحیه. و كثره التنحنح عند المنطق (تحف العقول ص 226).  
قيل للإمام المجتبی علیه السلام: ما العیّ؟ قال علیه السلام: العبث باللحیه. و كثره البزق (1) عند المخاطبه (كشف الغمّه ج 2 ص 389  
تحقیق و نشر المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام تحت إشراف سماحه العلامه حجّه الإسلام والمسلمین الحاج الشیخ محمد  
حسن الأخری - دامت برکاته -). (1) فی نسخه: النزق. و فی نسخه: البصق (نقلًا عن هامش المصدر).

242 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی را دیدند که در اثناء نماز با ریش خود بازی می کرد.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر قلب این مرد خشوع داشت. اندام و جوارح او نیز خشوع پیدا می کرد(1).

243 - مردی به امام صادق علیه السلام گفت: چه چیزهایی از ارزش نماز می کاهد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: بازی کردن مرد با ریش خود. از جمله آن چیزها می باشد(2).

ص: 156

1- - إن رسول الله صلى الله عليه وآله رأى رجلاً يعبث - فى صلاته - بلحيته. فقال صلى الله عليه وآله: لو خشع قلبه. لخشعت جوارحه (إرشاد القلوب ج 1 ص 226 الباب 33). إن رسول الله صلى الله عليه وآله أبصر رجلاً يعبث بلحيته فى صلاته. فقال صلى الله عليه وآله: إنّه لو خشع قلبه. لخشعت جوارحه (الجعفریات ص 64 كتاب الصلاة). إن النبي صلى الله عليه وآله رأى رجلاً يعبث بلحيته فى صلاته. فقال صلى الله عليه وآله: أما إنّه لو خشع قلبه. لخشعت جوارحه (مجمع البيان ج 7 ص 157). نظر رسول الله صلى الله عليه وآله إلى رجل يصلّى وهو يعبث بلحيته. فقال صلى الله عليه وآله: أما إنّه لو خشع قلبه. لخشعت جوارحه (دعائم الإسلام ج 1 ص 174 و عوالى اللئالى ج 2 ص 23). إن رسول الله صلى الله عليه وآله رأى رجلاً يعبث بلحيته فى صلاته. فقال صلى الله عليه وآله: لو خشع قلب هذا. لخشعت جوارحه (شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد ج 11 ص 195).

2- - عن مسلمه (1) بن عطاء قال: قلت لأبى عبد الله عليه السلام: أى شىء يقطع الصلاة؟ قال عليه السلام: عبث الرجل بلحيته (تهذيب الأحكام ج 2 ص 408 الباب 17). (قال الشيخ الطوسى - عليه الرحمه -): هذا الخبر محمول على التغليظ. لأنّنا قد بينّا أنّ العبث باللحية ممّا ينقص الصلاة. لا ممّا ينقضها (تهذيب الأحكام ج 2 ص 408). (1) فى وسائل الشيعه ج 7 ص 262 الباب 2: سلمه.

244 - امام باقر علیه السلام به زراره فرمود: هنگامی که به نماز ایستادی و مشغول آن شدی بر تو لازم است که توجه خود را به نماز معطوف داری.

و در اثناء نماز با دست و سر و ریش خود بازی نکن.

زیرا این امور موجب نقصان در کمال نماز است.

و از نماز توبه مقداری که - در آن - حضور قلب داشته ای قبول می گردد(1).

ص: 157

1- - عن زراره قال: قال أبو جعفر عليه السلام: إذا قمت - في الصلاة - فعليك بالإقبال على صلاتك فإنما يحسب لك منها ما أقبلت عليه. ولا تعبث - فيها - بيدك. ولا برأسك. ولا بلحيتك. ولا تحدث نفسك ولا تتثائب. ولا تتمط. ولا تكفر - فإنما يفعل ذلك المجوس -. ولا تلثم. ولا تحتفز. ولا تفرج - كما يفرج البعير -. ولا تقع على قدميك. ولا تقترش ذراعيك. ولا تفرقع أصابعك. فإن ذلك - كله - نقصان من الصلاة... (الكافي ج 3 ص 299). عن زراره عن أبي جعفر عليه السلام قال: عليك بالإقبال على صلاتك. فإنما يحسب لك منها ما أقبلت عليه منها بقلبك. ولا تعبث - فيها - بيدك. ولا برأسك. ولا بلحيتك. ولا تحدث نفسك ولا تتثائب. ولا تتمط. ولا تكفر - فإنما يفعل ذلك المجوس -. ولا تقولن - إذا فرغت من قرائتك -: آمين. فإن شئت قلت: الحمد لله رب العالمين. و قال عليه السلام: ولا تلثم. ولا تحتفز. ولا تقع على قدميك. ولا تقترش ذراعيك. ولا تفرقع أصابعك. فإن ذلك - كله - نقصان في الصلاة... و قال عليه السلام: ولا تقم - إلى الصلاة - متكاسلاً ولا متعاساً ولا متثاقلاً... (علل الشرائع ج 2 ص 63 الباب 74). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله كره لكم - أيتها الأمه - أربعاً وعشرين خصله و نهاكم عنها: كره لكم العبث في الصلاة (الكافي ج 3 ص 300). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله عز وجل كره لكم ستاً: العبث في الصلاة. والمن في الصدقه. والرفث في الصيام. والضحك عند القبور. وإدخال العيون - في الدور - بغير إذن. والجلوس في المساجد - وأنتم جنب - (دعائم الإسلام ج 1 ص 174). يقول ناجي الجزائري: والعبث باللحيه - أثناء الصلاة - يعد من مظاهر العبث في الصلاة.

245 - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که به نماز ایستادی و مشغول آن شدی.

با ریش و سر خود بازی نکن(1).

246 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سزاوار نیست که در اثناء نماز مردی با ریش خود بازی کند و کاری که او را از توجه به نماز باز می دارد انجام دهد(2).

247 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردان را نهی فرمود از اینکه در اثناء نماز با ریش خود بازی کنند.

پس از نهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی در هنگام نماز با ریش خود بازی کرد.

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را مورد نفرین قرار داد.

و در اثر این نفرین. آن مقدار از موهای ریشی که با آنها بازی کرده بود ریخت(3).

ص: 158

---

1- قال الإمام الصادق عليه السلام: إذا قمت في الصلاة فلا تعبت بلحيتك ولا برأسك... (الكافي ج 3 ص 301).

2- قال أمير المؤمنين عليه السلام: لا يعبت الرجل - في صلاته - بلحيتة. ولا بما يشغله عن صلاته (الخصال ص 620). قال أمير المؤمنين عليه السلام: لا يعبت أحدكم بلحيتة في الصلاة. ولا بما يشغله عنها (تحف العقول ص 110). قال الإمام الصادق عليه السلام: صلّ صلاة مودّع كأنك لا تصلّي - بعدها - أبداً. ولا تعبت بلحيتك. ولا برأسك. ولا بيديك. ولا تفرقع أصابعك... (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 198 باب: وصف الصلاة). قال الإمام الرضا عليه السلام: إذا أردت أن تقوم إلى الصلاة. ولا تعبت بلحيتك ولا بشيء من جوارحك ولا تفرقع أصابعك ولا تحك بدنك. ولا تولع بأنفك ولا بثوبك... (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام ص 99 الباب 7).

3- نهی النبی صلی الله علیه و آله أن ينقر الرجل لحيته في الصلاة. فرأى صلی الله علیه و آله رجلاً ينقر شعره. فقال صلی الله علیه و آله: فتح الله شعرك. ف صلح - مكانه - (المناقب ج 1 ص 115).

(1)

248 - حسین بن بشّار در مورد خواستگاری که برای دخترش آمده بود به امام رضا علیه السلام نامه ای ارسال داشته و از ایشان مشورت خواست.

او در نامه خود چنین نوشت: فامیلی دارم که از دختر من خواستگاری نموده است.

اما اخلاق او بد است؟

در این مورد چه می فرمائید؟

امام رضا علیه السلام در جواب فرمود: اگر آن شخص بد اخلاق است. به او همسر ندهید (2).

ص: 159

1- - بد اخلاقی. اختصاص به مردان ندارد. و چه بسا زنانی نیز که اینگونه باشند. در این فصل به پاره ای از موارد بد اخلاقی که مربوط به مردان می باشد اشاره می کنیم. و برای اطلاع از سایر مطالب و موارد مربوط به این امر به کتابهایی که درباره این موضوع می باشد مراجعه فرمائید.

2- - عن الحسين بن بشّار الواسطی قال: كتبت إلى أبي الحسن الرضا عليه السلام: إن لي قرابه قد خطب إليّ - و في خلقه شيء -؟ فقال عليه السلام: لا تزوّجه. إن كان سيّء الخُلُق (الكافي ج 5 ص 563). عن الحسين بن بشّار الواسطی قال: كتبت إلى أبي الحسن الرضا عليه السلام: إن لي قرابه قد خطب إليّ ابنتي - و في خلقه سوء -؟ فقال عليه السلام: لا تزوّجه. إن كان سيّء الخُلُق (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 259). عن الحسين بن بشّار قال: كتبت إلى أبي الحسن عليه السلام: إن لي ذا قرابه قد خطب إليّ - . - و في خلقه سوء -؟ فقال عليه السلام: لا تزوّجه. إن كان سيّء الخُلُق (مكارم الأخلاق ج 1 ص 443).

249 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که قصد رفتن به سفر حج داشتند فرمود: شخصی که بد اخلاق می باشد - و با همسایگان خود بد رفتاری می کند - همسفر ما نگردد(1).

250 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خوش اخلاقی نمودن و نشانی از رحمت الهی بشمار می آید.

و شخصی که خوش اخلاق می باشد. فرشته ای او را به طرف انجام کار خیر رهنمون می سازد.

و انجام دادن کار خیر. او را به سوی بهشت می کشاند.

و بد اخلاقی نشان و نمودی از عذاب بشمار می آید.

و شخصی که بد اخلاق می باشد. شیطانی او را به انجام عمل شرّ رهنمون می سازد.

و انجام عمل شرّ او را به سوی آتش می کشاند(2).

251 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که خداوند متعال شخص مؤمن را - بعد از ایمان داشتن - عذاب نمی کند مگر بخاطر بدگمانی و بد اخلاقی او(3).

ص: 160

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله في سفر خرج فيه حاجاً: من كان سييء الخلق والجوار. فلا يصحبنا (مكارم الأخلاق ج 1 ص 536).

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: حُسن الخلق. زمام من رحمه الله - في أنف صاحبه - . و الزمام بيد الملك. و الملك يجزه إلى الخير. و الخير يجزه إلى الجنة. و سوء الخلق. زمام من عذاب الله - في أنف صاحبه - . و الزمام بيد الشيطان. و الشيطان يجزه إلى الشر. و الشرّ يجزه إلى النار (جامع الأخبار ص 290).

3- قال أمير المؤمنين عليه السلام: - والله - لا يعذب الله سبحانه مؤمناً - بعد الإيمان - إلا بسوء ظنه و سوء خلقه (غرر الحكم).

252 - از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال شد: غمگین ترین مردم چه اشخاصی هستند؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بد اخلاق ترین آنها (1).

253 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بد اخلاقی باعث نحوست در زندگی می گردد (2).

254 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شخصی که بد اخلاق می باشد. نفس خود را در عذاب و شکنجه قرار داده است (3).

255 - امام صادق علیه السلام فرمود: خوش اخلاقی موجب گشایش و راحتی می گردد.

و بد اخلاقی باعث نحوست و ناخوشایندی می باشد (4).

256 - مردی به نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده و به ایشان گفت: فلان شخص از دنیا رفت.

و برای او قبری را حفر نمودیم. اما - در هنگام دفن - زمین از قبول او امتناع ورزید؟!!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: او مردی بد اخلاق بود (5).

257 - در حدیثی که پیرامون موجودات مسخ شده و علت مسخ شدن آنها می باشد آمده است: مردی که بد اخلاق بود. مسخ شده و به

صورت خار پشت درآمد (6).

ص: 161

1- - سئل أمير المؤمنين عليه السلام: من أدم الناس غمماً؟ قال عليه السلام: أسوأهم خلقاً (جامع الأخبار ص 290).

2- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: سوء الخلق. نكد العيش. وعذاب النفس (غرر الحكم).

3- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: من ساء خلقه. عدب نفسه (غرر الحكم).

4- - قال الإمام الصادق عليه السلام: إن الخلق الحسن يسر. وإن الخلق السيء. نكد (الزهد ص 70).

5- - عن أبي عبد الله عليه السلام: قال: أتى النبي صلى الله عليه وآله رجل. فقال: إن فلاناً مات. فحفرنا له. فإمتنع الأرض؟! فقال رسول

الله صلى الله عليه وآله: إنه كان سيء الخلق (الزهد ص 74 الباب 3 للحسين بن سعيد الأهوازي رحمه الله).

6- - (قال الإمام الصادق عليه السلام في حديث حول المسوخ وعلته مسخها): ... أما القنفذ. فكان رجلاً سيء الخلق. فمسخه الله عزّ

وجلّ قنفذاً (الخصال ص 493 وعلل الشرائع ج 2 ص 235).



(1)

258 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بدرستی که خداوند متعال دشمن دارد مردی را که قاذوره می باشد.

به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: قاذوره کیست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: قاذوره شخصی می باشد که اگر فردی با او هم‌نشین شود.

از وی متنفر می گردد(2).

259 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بد بنده ای است شخصی که کثیف و چرک و بد بو می باشد(3).

ص: 162

1- - بدبو بودن. موجب اشمئزاز نزدیکان و تنفر اطرافیان می گردد. و این امر اختصاصی به مردان ندارد. زیرا چه بسا زنانی نیز که ممکن است این گونه باشند. اما چون - غالباً - زنان بیشتر از مردان به بهداشت و پاکیزگی و نظافت شخصی می پردازند. لذا بخشی از مطالب مربوط به این موضوع را در این کتاب ذکر می نمائیم تا مردانی که بدبو می باشند. و به پاکیزگی و نظافت شخصی نمی پردازند - و نسبت به این امر سهل انگاری می نمایند - بدانند که در شمار نفرین شدگان قرار دارند. و لازم به یادآوری است که سبب تنفر داشتن - از یک شخص - منحصر به بد بو بودن او نیست. بلکه ممکن است عوامل و اسباب دیگری نیز - مانند: داشتن وضعیت ناهنجار و حرکات ناجور و وضع غیر مرتب یا غیر متعارف - باعث تنفر دیگران و دوری گزیدن آنها از شخص گردد.

2- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبْغُضُ الرَّجُلَ الْقَاذِرَةَ. فقيل له: و ما القاذوره - يا رسول الله -؟ قال صلی الله علیه و آله: الَّذِي يَتَأَنَّفُ بِهِ جَلِيْسَهُ (كنز الفوائد ج 2 ص 185 و بحار الأنوار ج 77 ص 106).

3- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: بئس العبد. القاذوره (الكافي ج 6 ص 439 و الجعفریات ص 259 ودعائم الإسلام ج 1 ص 123).

260 - حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام فرمود: خود را - بوسیله آب - از بوهای ناخوشایند پاکیزه نمائید.

زیرا خداوند متعال. دشمن دارد بندگان را که کثیف و چرک و بد بو می باشند(1).

261 - حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام فرمود: خود را - بوسیله آب - از بوی بدی که موجب آزار دیگران است پاکیزه سازید. و به نظافت شخصی خود پردازید. زیرا بدرستی که خداوند عزّ وجلّ دشمن می دارد بنده ای را که هم نشین او از وی تنفر دارد(2).

262 - مردم از بوی بد کسانی که با شتر و حیوانات سر و کار داشتند اذیت شدند و از این امر به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کردند.

آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شترداران دستور داد تا در روز جمعه شستشو و غسل کنند(3).

ص: 163

1- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: تنظّفوا بالماء من الرائحة المنتنة. فإنّ الله تعالى يبغض - من عباده - القاذوره (مكارم الأخلاق ج 1 ص 99). قال الإمام الرضا عليه السلام: إنّ الله تبارك و تعالى يحبّ الجمال و التجمّل. و يبغض البؤس و التباؤس. و إنّ الله عزّ وجلّ يبغض - من الرجال - القاذوره (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام ص 354).

2- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: تنظّفوا بالماء من النتن الريح الّذى يتأذى به. و تعهدوا أنفسكم. فإنّ الله عزّ وجلّ يبغض من عباده القاذوره الّذى يتأنّف به من جلس إليه (الخصال ص 620) \* قال أمير المؤمنين عليه السلام: تنظّفوا بالماء من الريح المنتنه. و تعهدوا أنفسكم. فإنّ الله عزّ وجلّ يبغض من عباده القاذوره الّذى يتأنّف به من جلس إليه (تحف العقول ص 110).

3- - فى روايه بعضهم عليهم السلام: إنّ كان الناس يتأذون من روائح من يسقى بالنواضح (1). فأمر النبيّ صلى الله عليه و آله بالغسل فى يوم الجمعة (المناقب ج 4 ص 385). (1) النواضح: الإبل الّتى يسقى عليها من الآبار.

263 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پس از آنکه سه روز نزول وحی بر من متوقف شده بود جبرئیل بر من نازل گشت.

به جبرئیل گفتم: - ای حبیب من - علت تأخیر تو چه بوده است؟

جبرئیل گفت: - ای محمد - چگونه ملائکه نازل شوند در حالی که مردم مسواک نمی زنند(1).

و خود را در هنگام قضای حاجت - بوسیله آب - نمی شویند(2).

و آلودگی را از لابلاهی انگشتان خود برطرف نمی سازند!(3). (4)

ص: 164

1- - یعنی لازم است که مردم به نظافت دهان و دندان خود پردازند.

2- - یعنی لازم است که مردم در هنگام رفتن به توالت بوسیله طهارت و شستشو کردن - با آب - خود را پاکیزه نمایند.

3- یعنی لازم است که آلودگیهای لابلاهی انگشتان خود را با آب شسته و برطرف نمایند. زیرا وجود این آلودگی در لابلاهی انگشتان - بویژه در انگشتان پا - بوی مشمئز کننده ای را بوجود می آورد.

4- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أتانی جبرئیل - وقد انقطع عني الوحي ثلاثة أيام - . فقلت: ما أبطأ بك - يا حبیبی - جبرئیل؟ فقال: - يا محمد - كيف تنزل عليكم الملائكة و أنتم لا تستاكون؟ و لا تستنجون بالماء؟ و لا تغسلون براجمكم (1) (دعائم الإسلام ج 1 ص 119). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أتانی جبرئیل صلی الله علیه و آله فقال: - يا محمد - كيف تنزل عليكم؟ و أنتم لا تستاكون؟ و لا تستنجون بالماء؟ و لا تغسلون (2) براجمكم (الجعفریات ص 27 و النوادر للسید فضل الله الراوندی - علیه الرحمه - ص 192). (1) البراجم: مفاصل الأصابع. (2) فی النوادر هكذا: و لا تغسلون.

به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: چرا بر شما وحی نازل نمی شود؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چگونه وحی بر من نازل گردد. در حالی که شما ناخنهای خود را نمی گیرید!؟

و بوهای بد را از خود دور نمی سازید(1). (2)

ص: 165

1- از این حدیث شریف استفاده می شود: با اینکه بهداشت و پاکیزگی و نظافت در وجود شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدّ اعلاّی آن وجود داشت. امّا آلودگی محیط و شهر و مردمی که در اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی می کردند. موجب گشت تا در نزول وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وقفه ای ایجاد گردد. تا بدینوسیله آن مردم منتبّه گشته و بدانند که آلودگی و رسیدگی نکردن به نظافت شخصی چه پیامدهای شوم و ناگواری را در پی دارد. و بدین ترتیب به اهمیت بهداشت و پاکیزگی و نظافت پی برده و آگاه گشته و به انجام آن پردازند.

2- قال الإمام الصادق علیه السلام: احتبس الوحی عن النبی صلی الله علیه و آله. فقیل له: احتبس الوحی عنک - یا رسول الله - قال صلی الله علیه و آله: و کیف لا- یحتبس؟ و أنتم لا تقلّمون أظفارکم. و لا تنقّون روائحکم (1) (مکارم الأخلاق ج 1 ص 154). قال الإمام الباقر علیه السلام: احتبس الوحی علی النبی صلی الله علیه و آله. فقیل: احتبس عنک الوحی - یا رسول الله - فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: و کیف لا- یحتبس عنی الوحی؟ و أنتم لا- تقلّمون أظفارکم. و لا تنفون روائحکم (بحار الأنوار ج 73 ص 119). (1) أی: لا تزیلون الرائحة الكریهه عن أبدانکم.

(1)

265 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پس از آنکه سه روز نزول وحی بر من متوقف شده بود جبرئیل بر من نازل شد.

به جبرئیل گفتم: - ای حبیب من - علت تأخیر تو چه بوده است؟

جبرئیل گفت: - ای محمد - چگونه ملائکه نازل شوند در حالی که مردم مسواک نمی زنند.

و خود را در هنگام قضای حاجت با آب نمی شویند.

و آلودگی را از لابلای انگشتان خود برطرف نمی سازند(2).

ص: 166

1- - وجود بوی بد - در دهان یک شخص - موجب اشمئزاز نزدیکان وی و تنفر اطرافیان از او می گردد. و این امر - چه بسا - مشکلاتی را برای دوستان و همنشینان و خانواده ها بوجود آورده و باعث ایجاد کدورت بین دوستان و دوری و جدائی آنها از همدیگر می شود. و اهمیت این امر به حدی است که ممکن است بین زن و شوهر نیز اختلاف ایجاد کرده و باعث طلاق و جدائی زوجین از همدیگر گردد. لذا شرع مطهر اسلام برای نظافت دهان و دندان و استفاده نمودن از مسواک و خلال و مواد خوشبو کننده. اهمیت ویژه ای قائل شده و نسبت به انجام این امر تأکید و سفارش و توصیه فراوانی نموده است. در این فصل به پاره ای از احادیث شریفی که پیرامون این موضوع می باشد اشاره می نمائیم. زیرا اخبار و احادیث مربوط به این موضوع به حدی فراوان است که پرداختن به همه آنها مستلزم تألیف کتاب مستقلی در این زمینه می باشد.

2- - برای اطلاع از متن این حدیث شریف به صفحه 164 و 165 مراجعه فرمائید.

266 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردمی را که به نظافت دهان و دندان خود نمی پرداختند و مسواک نمی زدند - و با این وضع به نزد ایشان می آمدند - مورد سرزنش قرار داده و به آنها فرمود:

چرا با دندانهای زرد و مسواک زده بر من وارد می شوید؟ (1) 267 - و در حدیث دیگری اینچنین آمده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اینگونه افراد فرمود:

چرا دندانهای شما زرد است؟

چرا شما مسواک نمی زنید؟ (2)

ص: 167

- 
- 1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله مالي أراكم - تدخلون عليّ - قُلْحاً (1) مرغاً؟ ما لكم لا تستاكون؟ (المحاسن ج 2 ص 381).
  - 2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما لي أراكم قُلْحاً؟ ما لكم لا تستاكون؟ (الكافي ج 6 ص 496). (1) القُلْح: من تغيّرت أسنانه و ركبتهما صفرة أو خضرة.

268 - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام خانه کعبه را بنا نمود.

خانه کعبه از آلودگی دستهای مشرکین و بوی متعفن دهان آنها به خدای عزّ وجلّ شکوه و شکایت نمود.

در این هنگام خدای متعال خطاب به کعبه فرمود: در آخر الزمان گروهی را به سوی تو گسیل خواهم داد. که آنان اهل نظافت و پاکیزگی می باشند.

و با مسواک زدن - و خلال نمودن - دهان خود را تمیز و پاکیزه می کنند(1).

ص: 168

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: لما بنى إبراهيم عليه السلام البيت - وحجّ الناس - شكت الكعبة إلى الله تبارك وتعالى ما تلقى من أيدي المشركين وأنفاسهم. فأوحى الله إليها: قرّى كعبه. فأتى أبعث في آخر الزمان قوماً يتنظفون ب قضبان الشجر. ويتخلّلون (تفسير القمّي - عليه الرحمة - ج 1 ص 87). قال الإمام الباقر عليه السلام: شكت الكعبة إلى الله عزّ وجلّ ما تلقى - من أنفاس - من المشركين. فأوحى الله إليها: قرّى كعبه. فأتى مبدلك بهم قوماً يتنظفون ب قضبان الشجر. فلما بعث الله عزّ وجلّ محمّداً صلى الله عليه وآله أوحى إليه - مع جبرئيل عليه السلام - بالسواك و الخلال (الكافي ج 4 ص 546). هكذا في المصدر. أثبتناه كما وجدناه. قال الإمام الباقر عليه السلام: شكت الكعبة إلى الله ما تلقى من أنفاس المشركين. فأوحى الله إليها: أن قرّى - يا كعبه -. فأتى ابدلك بهم قوماً يتخلّلون ب قضبان الشجر. فلما بعث الله محمّداً صلى الله عليه وآله أوحى الله إليه - مع جبرئيل - بالسواك و الخلال (المحاسن ج 2 ص 376). روى: إنّ الكعبة شكت إلى الله عزّ وجلّ ما تلقى من أنفاس المشركين. فأوحى الله تعالى إليها: قرّى - يا كعبه -. فأتى مبدلك بهم قوماً يتنظفون ب قضبان الشجر (1). فلما بعث الله عزّ وجلّ نبيّه محمّداً صلى الله عليه وآله نزل عليه الروح الأمين - جبرئيل عليه السلام - بالسواك (و الخلال) (2) (مكارم الأخلاق ج 1 ص 117 و من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 37). (1) في مكارم الأخلاق: الشجرة. (2) ما بين القوسين لم يذكر في من لا يحضره الفقيه.

\* علل و اسباب بد بو شدن دهان(1)

## علل و اسباب مادی بد بو شدن دهان

### 1 - گرسنگی و خالی بودن معده

269 - امام صادق علیه السلام فرمود: برای مؤمن سزاوار است که در هنگام خارج شدن از منزل چیزی میل کند. زیرا این امر عزت او را حفظ می کند(2). (3) 270 - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که می خواهی سراغ کاری روانه گردی مقداری نان با نمک تناول نما.

زیرا این کار عزت تو را حفظ می کند.

و باعث به انجام رسیدن کار و حاجت تو می گردد(4).

ص: 169

---

1- - بد بو شدن دهان. علل و اسباب مادی و معنوی متفاوت و مختلفی می تواند داشته باشد. که در این فصل به پاره ای از آنها اشاره می نمایم.

2- یعنی بهتر است - هنگام صبح - در وقت بیرون رفتن از منزل چیزی تناول کند. و او با انجام این کار بوی بد دهان خود را برطرف می سازد. و همچنین از قُرُقُر کردن معده - و صدائی که در وقت خالی بودن معده بروز می کند - جلوگیری می کند. و بدینوسیله عزت و احترام خود را حفظ می نماید.

3- - قال الإمام الصادق علیه السلام: ينبغي للمؤمن أن لا يخرج من بيته حتى يطعم. فإنه أعز له (المحاسن ج 2 ص 160 و ص 236).

4- - قال الإمام الصادق علیه السلام: إذا أردت أن تأخذ في حاجة. فكل كسره بملح. فهو (1) أعز لك. و أفضى للحاجة (المحاسن ج 2 ص 160 و ص 236). (1) في نسخة: فإنه.



## 2 - باقی ماندن غذا در لابلای دندانها

271 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پس از تناول نمودن غذا خلال نمائید.

زیرا هیچ چیزی برای فرشتگان. تفرانگیزتر از این نیست که ببینند در لابلای دندان بنده ای غذائی وجود داشته باشد(1).

272 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود:

خوشا به حال متخلّلین.

به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: تخلّل چیست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: تمیز کردن لابلای انگشتان و زیر ناخنها.

و خلال نمودن دندانها پس از خوردن غذا.

زیرا چیزی برای دو فرشته ای - که نزد مؤمن هستند - نفرت انگیزتر از این نیست که ببینند - در هنگام خواندن نماز - لابلای دندان او غذائی باقی مانده است(2).

273 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرشتگان از بوی دهان شخصی - که پس از خوردن غذا - خلال نمی کند در اذیت می باشند(3).

ص: 170

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تخلّلوا على أثر الطعام (دعائم الإسلام ج 2 ص 120) قال الإمام الكاظم عليه السلام: قال رسول

الله صلى الله عليه وآله: تخلّلوا. فإنّه ليس شيء أبغض إلى الملائكة من أن يروا في أسنان العبد طعاماً (المحاسن ج 1 ص 332).

2- قال أمير المؤمنين عليه السلام: خرج رسول الله صلى الله عليه وآله يوماً على أصحابه. فقال: حبّذا المتخلّلون. قيل: - يا رسول الله -

ما هذا التخلّل؟ قال صلى الله عليه وآله: التخلّل في الوضوء بين الأصابع والأظافر. و التخلّل من الطعام. فليس شيء أشدّ على ملكي

المؤمن من أن يريا شيئاً من الطعام في فيه - وهو قائم يصليّ - (دعائم الإسلام ج 1 ص 123 و ج 2 ص 120). (راجع: الجعفریات ص

30 و النوادر للسيد فضل الله الراوندی - عليه الرحمه - ص 202).

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ الملائكة تتأذى بريح فم من لا يتخلّل بعد الطعام (تحف العقول ص 14).

274 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دهان خود را بوسیلهٔ خلال کردن تمیز و پاکیزه کنید.

زیرا دهان شما مکان و محلّی است برای آن دو ملکی که از شما حفاظت می کنند و اعمال شما را می نویسند.

مرگب آنها: آب دهان شما می باشد.

و قلم آنها: زبان شما می باشد.

و برای آنها هیچ چیز سخت تر (و نفرت انگیز تر) از آن نیست که ببینند غذائی لابلای دندانها باقی مانده است(1).

275 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال متخلّین را مورد رحمت خود قرار می دهد.

به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: متخلّین چه کسانی هستند؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آنها کسانی هستند که بعد از خوردن غذا خلال می کنند.

زیرا هنگامیکه باقیماندهٔ غذائی در دهان می ماند. باعث بد بو شدن دهان می گردد.

و این بوی بد. فرشتگان را آزار می دهد(2).

ص: 171

---

1- عن سعد بن معاذ قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تقوا أفواهكم بالخال. فإنها مسكن الملكين. الحافظين. الكاتبين. وإنّ مدادهما: الريق. وقلمهما: اللسان. وليس شيء أشدّ عليهما من فضل الطعام في الفم (مكارم الأخلاق ج 1 ص 330).

2- عن أبي حمزه عن أبي الحسن عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: رحم الله المتخلّين. قيل: - يا رسول الله - و ما المتخلّون؟ قال صلى الله عليه وآله: يتخلّون من الطعام. فإنّه إذا بقى - في الفم - تعيّر. ف آذى الملك ريحه (المحاسن ج 2 ص 377).

(1)

276 - محمد بن سنان می گوید: از امام صادق علیه السلام در باره خوردن پیاز و تره سؤال کردم؟

آن حضرت علیه السلام فرمود: خوردن - پخته و خام - آنها باکی ندارد.

و چنانچه شخصی آنها را تناول کرد. بر او لازم است که از رفتن به مسجد خودداری نماید. زیرا بخاطر بوی بدی که دارند. همنشینان او آزرده می گردند. (2) 277 - از امام صادق علیه السلام در باره خوردن سیر و پیاز و تره سؤال شد؟

آن حضرت علیه السلام فرمود: خوردن آنها باکی ندارد.

اما اگر شخصی چیزی از آنها را تناول کرد. به مسجد نرود.

زیرا با بوی بدی که دارند. دیگران مورد آزار قرار می گیرند (3).

ص: 172

1- - از احادیث ذکر شده در این فصل استفاده می گردد: لازم است پس از تناول خوراکیهایی که بوی نامطبوعی داشته و دهان را بدبو می کند. از حضور یافتن در جمع خودداری نمود. و همچنین پس از استفاده نمودن و استعمال کردن - یا همراه داشتن - چیزی که بوی بد آن باعث تنفر دیگران و اشمئزاز آنها می گردد. لازم است که از حضور یافتن در جمع پرهیز کرد. زیرا وجود این بوی بد - و نامطبوع - باعث آزار اطرافیان و اذیت آنها می گردد.

2- - عن محمد بن سنان قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن أكل البصل والكراث؟ فقال عليه السلام: لا بأس بأكله - مطبوخاً و غير مطبوخ - و لكن إن أكل منه - ما له أذى - فلا يخرج إلى المسجد. كراهية أذاه على من يجالس (علل الشرائع ج 2 ص 278 الباب 295).  
عن ابن سنان قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الكراث؟ فقال عليه السلام: لا بأس بأكله - مطبوخاً و غير مطبوخ - و لكن إن أكل منه شيئاً - له أذى - فلا يخرج إلى المسجد. كراهه أذاه من يجالس (المحاسن ج 2 ص 317).

3- - سئل الإمام الصادق عليه السلام عن أكل الثوم والبصل والكراث - تياً و مطبوخاً -؟ قال عليه السلام: لا بأس بذلك. و لكن من أكله تياً فلا يدخل المسجد. فيؤذي ب رائحته (دعائم الإسلام ج 2 ص 112).

278 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: لازم است شخصی که خوراکیهای بد بو - مانند سیر و پیاز - می خورد. در مجالس ما حاضر نگردد.

زیرا ملائکه آزرده می گردند از چیزی که شخص مسلمان از آن آزرده می شود(1). (2) 279 - جابر بن عبدالله انصاری می گوید: پس از آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خوردن تره - و آمدن در جمع - نهی فرمود. گروهی از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تره خوردند.

و در مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله شرکت کردند.

هنگامی که حضرت صلی الله علیه و آله بوی تره را از آنها استشمام نمود با لحن سرزنش آمیزی به آنها فرمود: مگر شما را از خوردن این سبزی نهی نکردم؟!

شخصی که این سبزی را می خورد نباید در مسجد با ما معاشرت نماید.

زیرا فرشتگان آزرده می شوند از چیزی که انسانها از آن آزرده می گردند(3).

ص: 173

1- یعنی: همانگونه که بوی بد موجب آزار و اذیت انسان می گردد. وجود این بوی بد و نامطبوع. فرشتگان و ملائکه را نیز مورد آزار و اذیت قرار می دهد.

2- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من أكل هذه البقلة المنتهه: (الثوم و البصل) (1) فلا يغشانا في مجالسنا. فإنّ (2) الملائكة تتأذى بما يتأذى (3) به المسلم (الدعوات للشيخ الراوندي - عليه الرحمة - ص 159 و مستدرک الوسائل ج 3 ص 378 و ج 16 ص 432).

3- روی عن جابر بن عبدالله الأنصاری قال: نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن أكل الكراث. فلم ينتهوا. ولم يجدوا من ذلك بدأً. فوجد صلی الله علیه و آله ريحها. فقال صلی الله علیه و آله: ألم أنهكم عن أكل هذه البقلة الخبيثة؟ من أكلها. فلا يغشانا في مسجدنا. فإنّ الملائكة تتأذى بما يتأذى منه الإنسان (عوالی اللئالی ج 1 ص 101). عن أبي عبدالله عليه السلام قال: نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن الكراث. فقال عليه السلام: إثمها نهی لأنّ الملك يجد ريحه (المحاسن ج 2 ص 318). (1) مابين القوسين لم يذكر في مستدرک الوسائل. (2) في مستدرک الوسائل: وإن. (3) في مستدرک الوسائل ج 16: لتأذى.

280 - حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام فرمود: چنانچه شخصی خوراکیهائی را که بوی نامطبوعی دارند تناول کند. بر او لازم است که در مسجد حاضر نشود(1).

281 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که سیر یا پیاز یا تره می خورد بر او لازم است که نزدیک ما نگردهد. و به مسجد نیز نرود(2).

ص: 174

1- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: من أكل شيئاً من المؤذيات. فلا يقرب المسجد (تحف العقول ص 118). قال أمير المؤمنين عليه السلام: من أكل شيئاً من المؤذيات ب ريحها (1) فلا يقرب المسجد (الخصال ص 130 و تهذيب الأحكام ج 3 ص 281). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أكل هذه البقلة الخبيثة فلا يقرب مسجدنا (الكافي ج 6 ص 375 و من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 227 و تهذيب الأحكام ج 3 ص 112). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أكل هذه البقلة المنته فلا يقرب مسجدنا (علل الشرائع ج 2 ص 278 الباب 295).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أكل الثوم والبصل والكراث. فلا يقربنا. ولا يقرب المسجد (مستدرک الوسائل ج 3 ص 378). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أكل البصل أو الثوم أو الكراث. فلا يقربنا. ولا يقرب مسجدنا (عوالي اللئالی ج 1 ص 103). عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه نهى عن أكل الثوم. وأن يؤذى برائحته أهل المسجد. وقال صلى الله عليه وآله: من أكل هذه البقلة. فلا يقرب مسجدنا (دعائم الإسلام ج 1 ص 149). وقال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أكل هذه البقلة. فلا يقرب مسجدنا (المحاسن ج 3 ص 331 و علل الشرائع ج 2 ص 278 الباب 295). عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أكل هذه البقلة. فلا يقرب مسجدنا. ولم يقل أنها حرام (علل الشرائع ج 2 ص 278). (1) في تهذيب الأحكام: ريحها.

282 - امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: بر تو باکی نیست - بخاطر معالجه نمودن - از سیر استفاده نمائی.

اما اگر چیزی از آن تناول کردی - در آن هنگام - روانه مسجد نشو(1).

283 - ابو بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام در باره خوردن سیر و پیاز و تره سؤال شد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: برای خوردن آنها باکی نیست.

اما هنگامی که از آنها تناول کردی به مسجد روانه نشو(2).

ص: 175

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: لا بأس أن يتداوى بالثوم. ولكن إذا أكلت ذلك فلا تخرج إلى المسجد (مكارم الأخلاق ج 1 ص 395). سئل الإمام الصادق عليه السلام عن أكل الثوم؟ قال عليه السلام: لا بأس بأكله - تياً وفي القدر - . ولكن إذا كان كذلك. فلا يخرج إلى المسجد (مكارم الأخلاق ج 1 ص 394).

2- - عن أبي بصير قال: سئل أبو عبد الله عليه السلام عن الثوم والبصل والكراث؟ فقال عليه السلام: لا بأس بأكله - تياً وفي القدر (1) - ولا بأس بأن يتداوى بالثوم. ولكن إذا كان ذلك. لا تخرج (2) إلى المسجد (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 226 و تهذيب الأحكام ج 3 ص 112 و ص 113). عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سئل عن أكل الثوم والبصل والكراث؟ فقال عليه السلام: لا بأس بأكله. تياً وفي القدر. - ولا بأس بأن يتداوى بالثوم - . ولكن إذا أكل ذلك أحدكم. فلا يخرج إلى المسجد (الكافي ج 6 ص 375). عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألت عن الثوم؟ فقال عليه السلام: إنما نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عنه لريحه. فقال صلى الله عليه وآله: من أكل هذه البقلة المنتنه فلا يقرب مسجداً. فأما من أكله - ولم يأت المسجد - فلا بأس (علل الشرائع ج 2 ص 278). (1) في التهذيب: في القدر. (2) في التهذيب: لا يخرج.

(1)

284 - شخصی بنام ابو جحیفه می گوید: روزی پس از آنکه در خوردن غذا زیاده روی کرده بودم - در حالی که آروغ می زدم - به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: - ای ابو جحیفه - جلوی آروغ زدن خود را بگیر(2). زیرا پرخورترین شما - در دنیا - گرسنه ترین شما - در آخرت - خواهد بود(3).

285 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسانی که در دنیا آروغ بیشتری می زنند. گرسنگی آنها - در روز قیامت - نیز بیشتر است(4).

286 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هنگام آروغ زدن. صدای آن را بلند نکنید.

و در آن هنگام دهان خود را به طرف آسمان باز ننمائید(5).

ص: 176

1- صدا و گازی که پس از پر شدن معده - و تبخیر موادی که در شکم قرار دارد - متصاعد می گردد آروغ نام دارد. التجشاً: صوت مع ریح يحصل من الفم عند امتلاء المعده

2- و در روایت دیگر حضرت صلی الله علیه و آله به او فرمود: از صدای آروغ خود بکاه.

3- قال أبو جحيفه: أكلت يوماً ثريداً ولحماً سميناً. ثم أتيت رسول الله صلى الله عليه وآله وأنا أتجشأ. فقال صلى الله عليه وآله: إحبس جشأك - يا أبا جحيفه -. إن أكثركم شبعاً في الدنيا. أكثركم جوعاً في الآخرة (تنبيه الخواطر ج 1 ص 46). (راجع: شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد ج 19 ص 187). قال الإمام الصادق عليه السلام سمع رسول الله صلى الله عليه وآله رجلاً يتجشأ. فقال صلى الله عليه وآله: يا عبد الله - قصر من جشأك. فإن أطول الناس جوعاً يوم القيامة. أكثرهم شبعاً في الدنيا (المحاسن ج 2 ص 234). عن أبي جحيفه قال: أتيت رسول الله صلى الله عليه وآله وأنا أتجشأ. فقال صلى الله عليه وآله: - يا أبا جحيفه - إخفض جشأك. فإن أكثر الناس شبعاً في الدنيا. أطولهم جوعاً يوم القيامة (مكارم الأخلاق ج 1 ص 320 و روضه الواعظين ج 2 ص 434). قال أبو جحيفه: أتيت النبي صلى الله عليه وآله وأنا أتجشأ. فقال صلى الله عليه وآله لي: - يا أبا جحيفه - إكف جشأك. فإن أكثر الناس شبعاً في الدنيا. أطولهم جوعاً يوم القيامة (صحيفه الإمام الرضا عليه السلام ص 232). قال أمير المؤمنين عليه السلام: أتى أبو جحيفه النبي صلى الله عليه وآله - وهو يتجشأ - فقال صلى الله عليه وآله: إكف جشأك. فإن أكثر الناس في الدنيا شبعاً. أكثرهم جوعاً يوم القيامة. قال عليه السلام: فما ملأ أبو جحيفه بطنه من طعام حتى لحق بالله عز وجل (عيون الأخبار ج 2 ص 42).

4- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أطولكم جشأً في الدنيا. أطولكم جوعاً يوم القيامة.

5- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا تجشيتم. فلا ترفعوا جشأكم إلى السماء (المحاسن ج 2 ص 233).

287 - در حدیث آمده است: باقی ماندن بر جنابت موجب بد بو شدن دهان می گردد(1).

## 6 - بسته شدن فضای دهان در وقت خواب

288 - روزی حضرت عیسی علیه السلام وارد شهری شد و مشاهده نمود که بیشتر دندانهای آنها ریخته و صورتهای آنها ورم کرده است.

آنها از این امر به حضرت عیسی علیه السلام شکایت کردند.

حضرت عیسی علیه السلام به آنها فرمود: زیرا شما هنگامی که می خوابید. دهان خود را بیش از حد می بندید. و در این صورت نفسهای شما در سینه ها به تنگ آمده و در دهان شما حبس می شود.

و این امر. موجب فساد در دندان و بیماری در صورت و چهره شما می گردد.

پس بر شما لازم است هنگامی که می خوابید لبهای خود را باز نگه دارید و کاملاً نبندید(2).

ص: 177

---

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: ... إنَّ الجنابه بمنزله الحيض. و ذلك أنَّ النطفه دم لم يستحکم. و لا يكون الجماع إلا بحركة شديدة و شهوه غالبه. فإذا فرغ الرجل تنفس البدن و وجد الرجل - من نفسه - رائحة كريهه. فوجب الغسل لذلك. و غسل الجنابه - مع ذلك - أمانه اتتمن الله عزَّ وجلَّ عليها عبيده ليختبرهم بها (الإحتجاج ج 2 ص 239-240). (و راجع: المناقب ج 4 ص 286 و ص 385).

2- - (مرّ عیسی علیه السلام) بمدینته واذأ أهلها أسنانهم منثره و جوههم منتفخه. فشکوا إليه. فقال عليه السلام: أتمم إذا نتمم تطبقون أفواهکم، فتغلی الريح فی الصدور. حتّی تبلغ إلى الفم. فلا يكون لها مخرج. فتردّ إلى اصول الأسنان. فيفسد الوجه. فإذا نتمم ف إفتحوا شفاهکم. و صیروه - لكم - خُلُقًا. ففعلوا. فذهب ذلك عنهم (علل الشرائع ج 2 ص 350 الباب 377).



289 - روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مردی را دیدند که روبروی آفتاب قرار دارد(1).

در این هنگام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: برخیز زیرا این کار موجب می گردد که دهان تو بدبو شود(2).

## 8 - مسواک زدن در توالت

290 - در حدیث آمده است: مسواک زدن در توالت باعث بد بو شدن دهان می گردد(3).

ص: 178

1- - احتمال بسیار می رود که این شخص روبروی آفتاب خوابیده. و دهان او نیز بسته بود.

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: في الشمس أربع خصال: تغير اللون. و تتن الرياح و تخلق الثياب و تورث الداء (الخصال ص 249 و روضه الواعظین ج 2 ص 118). قال أمير المؤمنين عليه السلام: لا تسقبلوا الشمس. فإنها مبخره. تشحب اللون و تبلى الثوب. و تظهر الداء الدفين (الخصال ص 97). إن أمير المؤمنين عليه السلام رأى رجلاً في الشمس. فقال عليه السلام: قم عنها. فإنها مبخره (1). مجفره (2). تتقل الرياح. و تبلى الثوب. و تظهر الداء الدفين (شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد ج 19 ص 132).

3- - قال الإمام الكاظم عليه السلام: السواك في الخلاء يورث البخر (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 32 و تهذيب الأحكام ج 1 ص 35 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 114 و ص 119). قال الإمام الصادق عليه السلام: السواك على الخلاء يورث البخر (عوالي اللئالی ج 2 ص 189). قال الإمام الصادق عليه السلام: السواك بالخلاء يورث البخر (بحار الأنوار ج 73 ص 138). قال الإمام الصادق عليه السلام: السواك على المقعد يورث البخر (مكارم الأخلاق ج 1 ص 119). (1) مبخره: تورث البخر في الفم. (2) مجفره: تقطع عن النكاح. و تذهب شهوه الجماع.

291 - مفضل می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا خداوند متعال خوردن خون را حرام کرده است؟

امام صادق علیه السلام فرمود: زیرا خوردن خون. دهان را متعفن می کند.

و بدن را بد بو می سازد. و اخلاق را بد و چهره را زشت می گرداند.

و قساوت قلب را بوجود می آورد. و رأفت و رحمت را از بین می برد.

به گونه ای که ممکن است - چنین شخصی - فرزند و والدین خود را به قتل برساند.

و دوستان و نزدیکانش نیز از گزندش در امان نباشند(1).

ص: 179

1- - عن مفضل بن عمر (1) قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: أخبرني - جعلت فداك - لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ تبارك و تعالی الخمر و الميته و الدم و لحم الخنزير؟ فقال عليه السلام: ... أمّا الدم فإنه يورث - آكله - الماء الأصفر. و يبخر الفم (و ينتن الريح) (2). و يسيء الخلق. و يورث الكلب (3). و القسوه في القلب (4). و قلّه الرأفة و الرحمه. حتّى لا يؤمن أن يقتل ولده و والديه. و لا يؤمن على حميمه (5). و لا يؤمن من يصحبه (6) (الكافي ج 6 ص 242 و التهذيب ج 9 ص 149 و الاختصاص ص 103 و المحاسن ج 2 ص 62). قال الإمام الرضا عليه السلام: و حرّم الله عزّ و جلّ الدم - ك تحريم الميته - لما فيه من فساد الأبدان. و لأته يورث الماء الأصفر. و يبخر الفم. و ينتن الريح. و يسيء الخلق. و يورث القسوه للقلب. و قلّه الرأفة و الرحمه. حتّى لا يؤمن أن يقتل (ولده و) (7) والده و صاحبه (علل الشرائع ج 2 ص 231 الباب 237 و عيون الأخبار ج 2 ص 101 الباب 33). (1) في تهذيب الأحكام و الاختصاص هكذا: عن محمد بن عبد الله عن بعض أصحابه. قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ الخمر و الميته و الدم و لحم الخنزير. (2) ما بين القوسين لم يذكر في المحاسن. (3) داء شبه الجنون. (4) في تهذيب الأحكام: و قسوه القلب. (5) في الاختصاص هكذا: على حميمه و على من صحبه. (6) في التهذيب: صحبه. (7) ما بين القوسين لم يذكر في عيون الأخبار.

292 - امام رضا علیه السلام فرمود: خوردن شراب، موجب بیماری قلب می گردد.

و دندانها را سیاه می کند.

و بوی دهان را متعفن می سازد.

و آدمی را از خدای متعال دور می کند.

و خشم الهی را نزدیک می نماید.

و نوشیدنی ابلیس بشمار می آید(1).

293 - در حدیث آمده است: خوردن شراب موجب قساوت قلب می گردد(2). (3)

ص: 180

- 
- 1- قال الإمام الرضا عليه السلام: الخمر يورث فساد القلب. ويسود الأسنان. ويبخر الفم. ويبعد من الله. ويقرب من سخطه. وهو من شراب إبليس (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام ص 254 الباب 37).
  - 2- قال عليه السلام: الخمر تورث قساوه القلب (بحار الأنوار ج 62 ص 166 و ج 76 ص 141).
  - 3- لازم به یادآوری است که بوی بد دهان علل و اسباب مختلف دیگری نیز می تواند داشته باشد که در اینجا به پاره ای از آنها - مختصراً - اشاره می کنیم: 1 - نوشیدن مایعاتی که بوی نامطبوعی دارند. 2 - مصرف بعضی از داروها. 3 - پوسیدگی دندانها و کرم خوردگی آنها. 4 - وجود بیماری در دهان و فک و لثه. 5 - وجود بیماری در معده و مجاری آن. 6 - وجود بیماری در بینی و مجاری تنفسی. 7 - وجود بیماری عفونی مانند: تب و امثال آن. 8 - استعمال دخانیات و مصرف مواد مخدر. 9 - عوارض ناشی از دوران قاعدگی در بانوان. 10 - عوارض ناشی از حاملگی - در دوران بارداری - در بانوان.

اشاره

علل و اسباب معنوی بد بو شدن دهان(1)

1 - کفر و شرک و بت پرستی و اعتقاد نداشتن به توحید و یکتاپرستی

294 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که کافر است به منزله گیاه حنظل می باشد.

که مزه آن تلخ، و بوی آن بد و مشمئز کننده است(2).

2 - ارتکاب گناه و معصیت

295 - امام کاظم علیه السلام فرمود: هنگامی که بنده ای مرتکب گناه گردد - و به انجام آن اقدام نماید - بوی متعفنی از او منتشر می شود(3).

296 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خود را با بوی خوش استغفار. معطر سازید.

تا بوی متعفن گناه. شما را رسوا نکند(4).

ص: 181

1- - علل و اسباب معنوی بد بو شدن دهان متعدّد می باشد. که در این فصل - مختصراً - به پاره ای از آنها اشاره می گردد.

2- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إنّ الکافر ک حنظله. طعمها مرّ. و رائحتها کریهه (إرشاد القلوب ج 1 ص 162 الباب 20).

3- - قال الإمام کاظم علیه السلام: (إنّ العبد)... إذا همّ بالسیئه خرج نفسه منتن الريح (الکافی ج 2 ص 429 و صفات الشیعه حدیث رقم 62 و إرشاد القلوب ج 1 ص 341).

4- - قال أميرالمؤمنین علیه السلام: تعطّروا بالاستغفار. لئلا تفضحکم روائح الذنوب (تنبيه الخواطر ج 2 ص 154). قال أميرالمؤمنین علیه السلام: تعطّروا بالاستغفار. لا تفضحکم روائح الذنوب (الأمالی للشیخ الطوسی - علیه الرحمه - ص 372 المجلس 13). قال أميرالمؤمنین علیه السلام: تعطّروا بالاستغفار. لا تفضحکم رائحه الذنوب (شرح نهج البلاغه لإبن أبی الحدید ج 20 ص 281).

### 3 - غیبت و بدگوئی کردن و عیب جوئی نمودن

297 - روزی دو نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به جناب سلمان گفتند به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برو و برای ما غذائی بیاور.

آنگاه جناب سلمان رحمه الله برای تهیه غذا به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جناب سلمان را - برای تهیه غذا - به نزد اسامه بن زید - که انباردار آذوقه پیامبر صلی الله علیه و آله بود - فرستاد.

پس از آنکه سلمان به نزد اسامه رفت. اسامه به او گفت: فعلاً طعامی در نزد من نیست تا به تو تقدیم کنم.

آنگاه جناب سلمان - علیه الرحمه - به نزد آن دو نفر رفته و به آنها گفت: طعامی موجود نبود تا برای شما بیاورم.

پس از این امر آن دو نفر در باره اسامه گفتند: او بخیل می باشد.

و در باره سلمان گفتند: اگر او را به سوی چاه پرآبی روانه کنیم آن چاه خشک می گردد.

سپس آن دو نفر برای تجسس - در باره نبودن طعام - خود را به نزد اسامه رساندند.

در این حین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن دو نفر را مشاهده نموده و به آنها فرمود: این گوشتی که در میان دندانهای شما قرار دارد چیست؟

آن دو نفر به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: ما امروز هیچ نوع گوشتی را تناول نکرده ایم.

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن دو نفر فرمود: شما امروز - به خاطر بدگوئی و غیبتی که کرده اید - گوشت سلمان و اسامه را خورده اید(1).

ص: 182

---

1- - إنَّ رجلین من أصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله إغتابا رفیقهما - و هو سلمان - . بعثاه إلى رسول الله صلی الله علیه و آله لیأتی لهما بطعام. فبعثه صلی الله علیه و آله إلى اسامه بن زید - و كان خازن رسول الله صلی الله علیه و آله علی رحله - . فقال: ما عندی شیء. ف عاد إليهما. فقالا: بخل اسامه. و قالا لسلمان: لو بعثناه إلى بئر سمیحه. ل غار ماؤها. ثم إنطلقا یتجسسان - عند اسامه - ما أمر لهما به رسول الله صلی الله علیه و آله. فقال لهما رسول الله صلی الله علیه و آله: ما لی أرى خُضره اللحم فی أفواھكما؟ قالوا: - یا رسول الله - ما تناولنا - یومنا هذا - لحمًا. قال صلی الله علیه و آله: ظللتم (1) تأکلون لحم سلمان و اسامه (مجمع البیان ج 9 ص 203).

298 - ابن عباس می گوید: روزی دو نفر - در حالی که با پیامبر صلی الله علیه و آله راه می رفتند - از مردی غیبت و بدگوئی کردند.

در میانه راه گذر آنها به مردار بد بوئی افتاد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - در این حین - به آن دو نفر فرمود: از این مردار بخورید.

آنها گفتند: - یا رسول الله - چگونه از یک مردار بد بو تناول کنیم؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنها فرمود: بدگوئی و غیبتی که از برادر خود کرده اید. از این مردار گندیده. بد بو تر می باشد (1).

ص: 183

---

1- - قال ابن عباس: إنَّ رجلين من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله إغتابا بحضرتيه رجلاً. - وهو صلى الله عليه وآله يمشى و هما يمشيان معه. - فمرَّ صلى الله عليه وآله على جيفه. فقال صلى الله عليه وآله: إنَّهشاً منها. فقالا: - يا رسول الله - أو ننهش الجيفه. فقال صلى الله عليه وآله: ما أصبتما - من أخيكما - أنتن من هذه (شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد ج 9 ص 61). (1) أى: بقیتم و لا زلتم.

299 - روزی در حالی که عائشه در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود. زنی - که قد کوتاهی داشت - خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید تا در باره چیزی از ایشان پرسش نماید.

پس از آنکه آن زن از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت. عائشه - با حرکات دست خود - کوتاه بودن قد آن زن را توصیف و ترسیم کرد(1).

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عائشه فرمود: دندانهای خود را خلال کن.

عائشه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: من چیزی نخورده ام تا دندانهایم را از آن خلال نمایم.

دوباره پیامبر صلی الله علیه و آله به عائشه فرمود: دندانهای خود را خلال کن.

پس از آنکه عائشه دهان خود را واری نمود. تکه گوشتی از دهانش بیرون افتاد(2).

300 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دوزن که روزه بودند - اما زن مسلمانی را غیبت کرده بودند - فرمود: چیزی را که خورده اید قی کنید و بیرون بریزید.

در این هنگام هر یک از این دوزن. لخته خونی را قی کرده و از دهان خود خارج ساختند(3).

ص: 184

1- - لازم به ذکر است که غیبت نمودن. منحصر به سخن و گفتار نیست. بلکه حرکات و سکنات و توصیفی که نشانه عیبجوئی و بدگوئی می باشد نیز از جمله مصادیق غیبت بشمار می آید.

2- - قد جئت امرأه إلی رسول الله صلی الله علیه و آله تسأل عن شیء - و عائشه عنده - فلما انصرفت - و کانت قصیره - قالت عائشه - بیدها - : تحکی قصرها. فقال لها رسول الله صلی الله علیه و آله: تخللی. قالت: - یا رسول الله - و هل أکلت شیئاً؟ قال صلی الله علیه و آله لها: تخللی. ف فعلت. ف ألقیت مضغه من فیها (المحاسن ج 2 ص 250).

3- - فی حدیث أنس: إن رسول الله صلی الله علیه و آله قال - فی یوم صوم - : إن فلانه و فلانه کانتا تأکلان - الیوم - شحم امرأه مسلمه. یعنی: الغیبه. ف مرهما. ف ل یتقایا. ف قانت کل واحد - منهما - علقه دم (شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید ج 9 ص 61).

301 - روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که از کنار جماعتی عبور می کردند. به آنها فرمود:

دندانهای خود را خلال کنید.

آنها به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: ما گوشتی تناول نکردیم تا دندانهای خود را خلال کنیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنها فرمود: اما شما به خاطر غیبتی که از فلان شخص نمودید.

مانند آن است که گوشت او را خورده باشید(1).

302 - جابر رحمه الله می گوید: روزی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسیر راهی حرکت می کردیم.

که ناگهان باد متعفن و بد بویی وزیدن گرفت.

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: وزیدن این باد بد بو و متعفن - در این هنگام - بخاطر آن است که عده ای از منافقین.

جمعی از مؤمنین را مورد غیبت قرار دادند(2).

303 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج گروهی را - در آتش - مشاهده نمود که چیزهای گندیده و متعفن می خوردند.

پیامبر صلی الله علیه و آله به جبرئیل فرمود: اینها چه کسانی هستند؟

جبرئیل گفت: اینها کسانی هستند که - با غیبت کردن - گوشت مردم را می خوردند(3).

ص: 185

1- - مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ بِنَاسٍ مِنْ أَصْحَابِهِ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَهُمْ: تَخَلَّلُوا. فَقَالُوا: مَا أَكَلْنَا لَحْمًا. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بَلَى. مَرَّ بِكُمْ فُلَانٌ. فَوَقَعْتُمْ فِيهِ (مستدرک الوسائل ج 9 ص 126).

2- - قَالَ جَابِرٌ: كُنَّا نَسِيرُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ. فَهَاجَتْ رِيحٌ مَنْتَهَةٌ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا هَاجَتْ هَذِهِ الرِّيحُ. إِنَّ قَوْمًا مِنَ الْمُنَافِقِينَ ذَكَرُوا قَوْمًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. فَاغْتَابُوهُمْ (روضه الواعظین ج 2 ص 468). أَيْ: لِأَنَّ هَاجَتْ رِيحٌ مَنْتَهَةٌ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَنْاسًا - مِنَ الْمُنَافِقِينَ - اغْتَابُوا أَنْاسًا - مِنَ الْمُؤْمِنِينَ -. فَلِذَلِكَ هَاجَتْ (مستدرک الوسائل ج 9 ص 125).

3- - إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَظَرَ فِي النَّارِ - لَيْلَةَ الْإِسْرَاءِ -. فَاذًا بِقَوْمٍ يَأْكُلُونَ الْجِيفَ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: - يَا جِبْرَائِيلُ - مَنْ هَؤُلَاءِ؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ لَحْمَ النَّاسِ (مستدرک الوسائل ج 9 ص 125).



304 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فردی که شخص مسلمان را غیبت نماید. روزه اش باطل می گردد. و وضوی او نیز از بین می رود.

و از دهان او - در روز قیامت - بویی متعفن تر و گندیده تر از مردار منتشر می شود.

به گونه ای که اهل محشر از این بوی متعفن مورد آزار و اذیت قرار خواهند گرفت.

و اگر چنین شخصی - قبل از مرگ - توبه نکند. مانند شخصی خواهد بود که حرام خدا را حلال کرده است(1).

#### 4 - دروغ گفتن

305 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که شخصی دروغ می گوید بویی متعفن از او برمی خیزد که ملائکه - بخاطر آن بوی بد - از وی دور می گردند(2).

#### 5 - گفتن سخن باطل و بیان مطالب غیر حق

(3)

ص: 186

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من إغتاب امرأة مسلماً. بطل صومه و نقض وضوئه. و جاء - يوم القيامة - تفوح من فيه رائحة أنتن من الجيفة. يتأذى به أهل الموقف. فإن مات - قبل أن يتوب - مات مستحلاً لما حرم الله عز وجل (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 8 و الأما لي للشيخ الصدوق - عليه الرحمة - ص 515 المجلس 66 و مكارم الأخلاق ج 2 ص 315 و تنبيه الخواطر ج 2 ص 262). في الفقيه: بها.

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا كذب العبد. تباعد منه الملك من تنن ما جاء منه (مستدرک الوسائل ج 9 ص 89). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا كذب العبد كذبه. تباعد الملك منه - مسيره ميل - من تنن ما جاء منه (شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد ج 6 ص 357). (1) في الفقيه: بها.

3- - نمودهها و مصادیق مختلفی را می توان - بعنوان شاهد - برای این عنوان ذکر نمود که نشخوار و تقوّه و اعتقاد به مطالب کفرآمیز و شرک آلود - که سرمنشأ شیطانی بسیاری از آنها زنادقه روم و یونان باستان می باشد - از جمله آن موارد بشمار می آید.

306 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که با زن نامحرمی بذله گویی کند - برای هر کلمه - هزار سال در قیامت زندانی می شود(1).

ص: 187

1- - (قال رسول الله صلى الله عليه وآله): ... من فاكه امرأه - لا يملكها - حبس ب كل كلمه كلمها - فى الدنيا - ألف عام (1) والمرأه إذا طاوعت الرجل فالتزمها - حراماً - أو قبّلها. أو باشرها - حراماً - أو فاكهها أو أصاب منها فاحشه. فعليها من الوزر ما على الرجل. فإن غلبها - على نفسها - كان على الرجل وزره. ووزرها (عقاب الأعمال ص 334 و اعلام الدين ص 414). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لكل عضو من ابن آدم حظ من الزنا: العين. زناها: النظر. واللسان. زناه: الكلام. والأذنان. زناهما: السمع. واليدان. زناهما: البطش. والرجلان. زناهما: المشى. والفرج يصدق ذلك - كله - ويكذب (جامع الأخبار ص 408 الفصل 107). قال عليه السلام: من مزح الجوارى والغلمان فلا بد له من الزنا. ولا بد للزاني من النار (مستدرک الوسائل ج 14 ص 273 و 331). قال عليه السلام: محادثه النساء من مصائد الشيطان (مستدرک الوسائل ج 14 ص 273). قال عليه السلام: حديث النساء من مصائد الشيطان (دعائم الإسلام ج 2 ص 214). أى: الحديث معهنّ بالمزاح و المفاكحه. (1) فى عقاب الأعمال هكذا: ألف عام [فى النار].

مردی که بزدل و بخیل و جفاکار می باشد

307 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند عزّ وجلّ دشمن دارد مردی را که هنگام آمدن دزد به خانه اش با او مقابله نمی کند و از خود دفاع نمی نماید(1).

308 - امام صادق علیه السلام فرمود: اگر این سه خصلت در مردی وجود داشته باشد.

او از اهل جهنّم خواهد بود:

جفا کار بودن.

بزدل بودن.

بخیل بودن(2).

ص: 188

---

1- قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: إنّ الله عزّ وجلّ ليمقت الرجل يدخل عليه اللص - في بيته - فلا يحارب (الكافي ج 2 ص 51).  
2- قال الإمام الصادق عليه السلام: ثلاث إذا كنّ في الرجل فلا تخرج أن تقول: إنّه في جهنّم: الجفاء. والجبن. والبخل. وثلاث إذا كنّ في المرأة فلا تخرج أن تقول: إنّها في جهنّم: البذاء. والخيلاء و الفجر (1) (الخصال ص 159). (1) أي: الفجور.

مردی که زن نامحرمی را بغل می کند

مردی که زن نامحرمی در آغوش گرفته و او را می فشارد

309 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که زن نامحرمی را بغل می نماید.

او - در روز قیامت - با زنجیری از آتش به شیطانی بسته می شود.

سپس آن دو به طرف دوزخ پرتاب می گردند(1).

ص: 189

---

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من التزم إمراه - حراماً - قرن في سلسله من نار (1) مع شيطان (2). فيقذفان (3) في النار (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 8 و الأمالی للشيخ الصدوق - عليه الرحمه - ص 515 المجلس 66 و مكارم الأخلاق ج 2 ص 314 و تنبيه الخواطر ج 2 ص 261). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لكل عضو من ابن آدم حظ من الزنا: العين. زناها: النظر. و اللسان. زناه: الكلام. و الأذنان. زناهما: السمع. و اليدان. زناهما: البطش. و الرجلان. زناهما: المشى. و الفرج يصدق ذلك - كله - و يكذبه (جامع الأخبار ص 408 الفصل 107). (1) في الأمالی: النار. (2) في الأمالی و تنبيه الخواطر: الشيطان. (3) في تنبيه الخواطر: و يقذفان.

مردی که از راه حرام دیگری را می بوسد

310 - در حدیث آمده است: هر یک از اعضاء بدن انسان می تواند بهره ای از گناه زنا داشته باشد:

زنای چشم: نگاه نامشروع می باشد.

و زنای دهان: بوسیدن نامشروع می باشد.

و زنای دست: لمس کردن نامشروع می باشد(1).

ص:190

---

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: ما من أحد إلا هو يصيب حظاً من الزنا: ف زنا العينين: النظر. و زنا الفم: القبله. و زنا اليدين: اللمس. صدق الفرغ ذلك أم كذب (الكافي ج 5 ص 559 ومشكاة الأنوار ج 1 ص 354). یعنی انجام این گناهان - بوسیله این اعضاء از بدن - می تواند مقدمه ای برای ارتکاب عمل شنیع زنا گشته و زمینه انجام آن را بوجود بیاورد. پس لازم است که برای جلوگیری از آلوده شدن به گناه زنا. از ارتکاب مقدمات آن نیز پرهیز نمود. و لازم به یادآوری است که ارتکاب این گناهان. اختصاصی به مردان ندارد.

مردی که - از روی شهوت - پسری را می بوسد

311 - امام رضا علیه السلام فرمود: مردی که - از روی شهوت - پسری را می بوسد. ملائکه آسمان و زمین و ملائکه رحمت و ملائکه غضب او را نفرین می کنند.

و جایگاه او - در روز قیامت - آتش جهنم خواهد بود(1).

312 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که پسری را از روی شهوت ببوسد مانند آن است که با مادر خود عمل زشتی را - هفتاد بار - انجام داده باشد(2).

313 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که پسری را از روی شهوت ببوسد. خدای متعال در روز قیامت به دهان او لجام و افساری از آتش می زند(3).

314 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که پسری را از روی شهوت ببوسد. خدای متعال او را - در روز قیامت - هزار سال در آتش جهنم عذاب می کند(4).

ص: 191

1- - قال الإمام الرضا عليه السلام: إذا قبّل الرجل غلاماً - بشهوه - لعنه ملائكة السماء وملائكة الأرض وملائكة الرحمة وملائكة الغضب واعدّ له جهنّم وسائت مصيراً (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام ص 277 الباب 44 و في البحار ج 101 ص 41 و المستدرک ج 14 ص 351 عن الفقه).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من قبّل غلاماً بشهوه فكأنّما ناكح امّه سبعين مرّة (المستدرک 351/14).

3- - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من قبّل غلاماً - من شهوه - الجمه الله يوم القيامة بلجام من نار (الكافي ج 5 ص 548). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من قبّل غلاماً من شهوه الجمه الله يوم القيامة بلجام من النار (المكارم 508/1).

4- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من قبّل غلاماً بشهوه. عدّبه الله ألف عام في النار (عوالي اللئالی ج 1 ص 260 و إرشاد القلوب ج 1 ص 358 الباب 53). عن إسحاق بن عمّار قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: محرّم قبّل غلاماً من شهوه. قال عليه السلام: يضرب مأه سوط (الكافي ج 7 ص 200 و تهذيب الأحكام ج 10 ص 65).

315 - امام کاظم علیه السلام فرمود: بدرستی که خداوند متعال دشمن دارد شخصی را که بیکار می باشد (1).

316 - امام کاظم علیه السلام فرمود: بدرستی که خداوند عزّ وجلّ دشمن می دارد شخصی را که زیاد می خوابد و شخصی که بیکار است (2).

317 - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزّ وجلّ دشمن می دارد زیادی خواب و دشمن می دارد بیکاری را (3).

318 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بیکاری آفت است (4).

319 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: با بیکاری و بطالت لغزش بوجود می آید (5).

320 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سعادت و خوشبختی با سستی و بیکاری بدست نمی آید (6).

ص: 192

1- قال الإمام الكاظم عليه السلام: إنّ الله تعالى لا يبغض العبد الفارغ (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 103).

2- قال الإمام الكاظم عليه السلام: إنّ الله جلّ وعزّ يبغض العبد النّوّام. الفارغ (الكافي ج 5 ص 84).

3- قال الإمام الصادق عليه السلام: إنّ الله عزّ وجلّ يبغض كثره النوم. وكثره الفراغ (الكافي ج 5 ص 84 و مكارم الأخلاق ج 2 ص 42).

4- قال أميرالمؤمنين عليه السلام: آفة العمل البطالة (غرر الحكم).

5- قال أميرالمؤمنين عليه السلام: من الفراغ تكون الصبوه (غرر الحكم). قال أميرالمؤمنين عليه السلام: مع الفراغ تكون الصبوه (غرر الحكم).

6- قال أميرالمؤمنين عليه السلام: هيهات من نيل السعادة. السكون (1) إلى الهوينا و البطالة (غرر الحكم). (1) هكذا في المصدر. و الظاهر: مع السكون إلى الهوينا و البطالة.

(1)

321 - شخصی از امام صادق علیه السلام در باره مردی که با حیوان آمیزش جنسی می کند سؤال کرد.

امام صادق علیه السلام در جواب فرمود: این کار به منزله زنا می باشد(2).

322 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: گروهی - از این امت - به خدای عزّ وجلّ کفر ورزیدند.

از جمله آنها: شخصی است که با حیوانات آمیزش جنسی می کند(3). 323 - در حدیث آمده است: لازم است شخصی که با حیوانات آمیزش جنسی می کند. مجازات گردد(4).

ص: 193

1- - خداوند متعال برای بقاء نسل بشر غریزه جنسی را در نهاد انسان قرار داده و راه ارضاء مشروع آن را بوسیله ازدواج معین نموده است. و چنانچه این غریزه جنسی از راه مشروع. ارضاء نگردد. عوارض منفی بسیاری را در جسم و روان آدمی بوجود خواهد آورد. و این عوارض موجب انحراف و لجام گسیختگی و طغیان او خواهد گشت. عمل شنیع آمیزش جنسی با حیوانات از جمله انحرافات است که ممکن است گریبانگیر بعضی از این گونه افراد گردد. لذا شرع مطهر اسلام این عمل شنیع را نامشروع دانسته و آن را حرام می داند. و برای شخصی که مرتکب این عمل شنیع می گردد مجازاتی را معین کرده است. و همچنین دستور به نابودی و هلاکت حیوانی که با آن آمیزش شده است داده است.

2- - عن عمّار بن موسی عن أبي عبد الله عليه السلام في الرجل ينكح بهيمة أو يذلک؟ فقال عليه السلام: کلّ ما أنزل به الرجل مائه في هذا - و شبهه - فهو زنا (الكافي ج 5 ص 541).

3- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: كفر بالله العظيم - من هذه الأمة - عشرة: ... و ناکح البهيمه... (الخصال ص 451 و من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 254 و مکارم الأخلاق ج 2 ص 322).

4- - عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام في الذی يأتي البهيمه. فيولج؟ قال عليه السلام: عليه الحدّ (الكافي ج 7 ص 205 باب: الحدّ علی من يأتي البهيمه). عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام في رجل أتى بهيمه. فأولج؟ قال عليه السلام: عليه الحدّ (تهذيب الأحكام ج 10 ص 71 و الاستبصار ج 4 ص 224).



324 - در حدیث آمده است: حیوانی که مورد آمیزش جنسی انسان قرار گرفته باید کشته شود. سپس سوزانده و خاکستر آن در زمین دفن گردد.

راوی سؤال می کند: چرا باید آن حیوان نابود شود؟

حضرت علیه السلام می فرماید: تا آنکه مردم به انجام این کار جرأت نکنند. و نسل بشر منقطع نگردد(1).

ص: 194

1- - عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله عليه السلام والحسين بن خالد عن أبي الحسن الرضا عليه السلام. و صباح الحذاء عن إسحاق بن عمّار عن أبي إبراهيم (موسى عليه السلام) (1) في الرجل يأتي البهيمة؟ فقالوا - جميعاً - : إن كانت البهيمة للفاعل. ذبحت. فإذا ماتت. احرقت بالنار. و لم ينتفع بها. و ضرب - هو - خمسة و عشرين سوطاً - ربع حدّ الزانى - . و إن لم تكن البهيمة له. قومت فأخذ (2) ثمّنها منه. و دفع إلى صاحبها. و ذبحت و احرقت بالنار. و لم ينتفع بها. و ضرب خمسة و عشرين سوطاً. فقلت: ما ذنب البهيمة؟ فقال عليه السلام (3): لا- ذنب لها. و لكنّ رسول الله صلى الله عليه و آله فعل هذا - و أمر به - لكي لا يجترىء الناس بالبهايم. و ينقطع النسل (الكافي ج 7 ص 204 باب: الحدّ على من يأتي البهايم. و تهذيب الأحكام ج 10 ص 69 باب: الحدّ في نكاح البهايم و الاستبصار ج 4 ص 223 باب: حدّ من أتى بهيمه. عن سدير عن أبي جعفر عليه السلام في الرجل (4) يأتي البهيمة؟ قال عليه السلام: يجلد (5) - دون الحدّ - . و يغرم قيمه البهيمة لصاحبها. لأنّه أفسدها عليه. و تذبح و تحرق (و تدفن) (6) إن كانت (7) ممّا يؤكل (8) لحمه. و إن كانت ممّا يركب ظهره اغرم (9) قيمتها. و جلد - دون الحدّ - . و أخرجها من المدينة (10) التي فعل (11) بها فيها إلى بلاد اخرى - حيث لا تعرف - . فيبيعها فيها - كي لا يعير بها - (الكافي ج 7 ص 204 و من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 33 و علل الشرائع ج 2 ص 301 الباب 326 و تهذيب الأحكام ج 10 ص 70 و الاستبصار ج 4 ص 223). (1) ما بين القوسين لم يذكر في الكافي. (2) في التهذيب و الاستبصار: و أخذ. (3) في التهذيب و الاستبصار: قال عليه السلام. (4) في علل الشرائع: رجل. (5) في الكافي: يحدّ. (6) ما بين القوسين لم يذكر في التهذيب و الاستبصار. (7) في الفقيه: كان. (8) في التهذيب: تؤكل. (9) في الاستبصار: غُرم. (10) في علل الشرائع هكذا: من البلد الذي فعل ذلك بها فيه حيث لا تعرف. (11) في الفقيه هكذا: التي فعل ذلك بها إلى...

### نفرین شدن و مورد لعنت قرار گرفتن

325 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال مورد لعن و نفرین قرار می دهد. شخصی را که با حیوانی آمیزش جنسی می نماید(1).

326 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نفرین شده است. نفرین شده است. شخصی که با حیوانی آمیزش جنسی می کند(2).

### مسخ شدن

327 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی پیرامون مسخ شدگان و علت مسخ آنان فرمود:...

مردی که با حیوانات آمیزش جنسی می کرد. مسخ شده و به صورت فیل درآمد(3).

### کیفر و عقوبت در آخرت و روز قیامت

328 - در حدیث آمده است: هفت گروه هستند که خداوند متعال - در روز قیامت - آنها را مورد لعن و نفرین خود قرار می دهد. و به دیده رحمت به آنها نمی نگرد.

و جایگاه آنها آتش جهنم خواهد بود. مگر آنکه توبه کنند. و از کرده خود پشیمان باشند. از جمله آن گروه: شخصی است که با حیوانات آمیزش جنسی می کند(4).

ص: 195

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لعن الله من وقع على بهيمة (عوالي اللئالی ج 1 ص 185).

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ... ملعون. ملعون. من نكح بهيمة (الكافی ج 2 ص 270 و معانی الأخبار ص 402 و الخصال ص 129). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ملعون. من نكح بهيمة (الكافی ج 5 ص 541).

3- (قال رسول الله صلى الله عليه وآله في حديث حول المسوخ): ... وأما الفيل فإنه كان رجلاً جميلاً. فمسخ لأنه كان ينكح البهائم - البقر والغنم - شهوةً من دون النساء (الاختصاص ص 131). قال الإمام الصادق عليه السلام: ... أما الفيل فكان رجلاً ينكح البهائم. فمسخه الله عز وجل فيلاً (الخصال ص 493 و علل الشرائع ج 2 ص 235 الباب 239).

4- برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 311 مراجعه فرمائید.

### مردی که زن نامحرمی را تعقیب کرده و دنبال او راه می افتاد

329 - روزی در شهر مدینه نگاه پسر جوانی به زنی افتاد که از کنار او می گذشت.

در این هنگام آن جوان به تعقیب آن زن پرداخت و کوچه به کوچه دنبال او راه افتاد.

و به خاطر زیادی توجهی که آن جوان به آن زن نامحرم داشت. در میانه یکی از کوچه ها شیشه ای که از دیواری بیرون آمده بود به صورت او برخورد نموده و چهره او را خون آلود کرد - بطوری که لباس او به خون آغشته گشت -.

پس از این امر او از تعقیب آن زن دست برداشته و به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله او را با آن وضعیت دید. از علت این امر جو یا گشت؟

او جریان را به پیامبر صلی الله علیه و آله بازگو نمود. در این هنگام خداوند متعال این آیه را بوسیله جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد: به مؤمنین بگو تا از نگاه کردن به حرام چشم پوشی نمایند. و عفت و پاکدامنی خود را حفظ کنند.

زیرا این کار باعث پاکی و تزکیه آنها خواهد بود.

بدرستیکه خداوند به کارهای آنها آگاه است(1).

ص: 196

---

1- - عن سعد الإسكاف عن أبي جعفر عليه السلام قال: استقبل شاب من الأنصار امرأه بالمدينة. وكان النساء يتقنعن خلف آذانهن. فنظر إليها - وهي مقبله - فلما جازت. نظر إليها. ودخل في زقاق - قد سماه بيني فلان - فجعل ينظر خلفها. واعترض وجهه عظم في الحائط - أو زجاجه - فشق وجهه. فلما مضت المرأة. فإذا الدماء تسيل على صدره و ثوبه. فقال: - و الله - لآتين رسول الله صلى الله عليه و آله ولأخبرته. قال: فأتاه. فلما رآه رسول الله صلى الله عليه و آله قال له: ما هذا؟ فأخبره. فهبط جبرئيل عليه السلام بهذه الآية: قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم ويحفظوا فروجهم ذلك أزكى لهم إن الله خبير بما يصنعون (الكافي ج 5 ص 521).

## تنبلی نمودن و سعی و تلاش نکردن در راه کسب رزق و روزی حلال

### مردی که تنبلی می کند و در راه کسب روزی حلال تلاش نمی نماید

330 - هنگامی که آیه مبارکه:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ(1).

نازل شد. عده ای از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله از سعی و تلاش برای کسب رزق و روزی دست کشیدند.

و خود را خانه نشین کرده و مشغول عبادت گشتند.

و گفتند: خدا روزی ما را تضمین کرده است.

هنگامی که خبر عملکرد این گروه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید. حضرت آن گروه را احضار کرده و به آنها فرمود:

چه چیزی باعث شد که شما مرتکب این امر شوید؟

آنها گفتند: خدا در این آیه روزی ما را تضمین کرده است.

و بهمین خاطر ما به سوی عبادت روی آورده ایم.

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را مورد سرزنش قرار داده و به آنها فرمود:

شخصی که چنین کاری را انجام دهد. دعای او مستجاب نمی گردد.

بر شما لازم است که در طلب رزق و روزی بکوشید.

ص: 197

---

1- - یعنی: کسانی که تقوای الهی را پیشه خود سازند. خدای متعال برای آنان گشایش قرار داده و رزق آنها را - از جایی که گمان نمی کنند - می رساند.

آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من دشمن دارم مردی را که برای کسب رزق و روزی سعی و تلاش نمی کند. سپس می گوید:  
- خدایا - به من روزی بده(1).

331 - امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی به این مضمون فرمود: من بیزار و متنفر هستم از مردی که در طلب کسب روزی پشتکار ندارد و پس از روبرو شدن با مشکلی کار را رها می کند و به کناری می نشیند و می گوید: خدایا به من روزی بده.

اما او برای کسب روزی تلاش لازم را نمی کند و به دنبال کار نمی رود.

در حالی که مورچه نیز برای کسب روزی از لانه خود خارج می شود(2).

ص: 198

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ قوماً من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله لما نزلت: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. أَعْلَقُوا الأبواب. و اقبلوا على العباده. و قالوا: قد كفيينا. فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وآله. فأرسل إليهم. فقال صلى الله عليه وآله: ما حملكم على ما صنعتم؟ قالوا: - يا رسول الله - تكفل (1) لنا بأرزاقنا. فأقبلنا على العباده. فقال صلى الله عليه وآله: إني من فعل ذلك. لم يستجب (الله) (2) له. عليكم بالطلب (الكافي ج 5 ص 84 و من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 119). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إني لأبغض الرجل فاغراً فاه - إلى ربّه - يقول: ارزقني. و يترك الطلب (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 120). (و في حديث آخر هكذا): إنَّ الله يبغض العبد فاغراً فاه و يقول: اللهم ارزقني. و يترك الطلب (عوالي اللئالي ج 4 ص 22). لَمَّا نَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالَى وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. انقطع رجال من الصحابه في بيوتهم. و اشتغلوا بالعباده - و ثوقاً بما ضمن لهم - . فعلم النبي صلى الله عليه وآله ذلك. فعاب ما فعلوه. و قال صلى الله عليه وآله: إني لأبغض الرجل فاغراً فاه إلى ربّه يقول: اللهم ارزقني. و يترك الطلب (عوالي اللئالي ج 2 ص 108 و مستدرک الوسائل ج 13 ص 15).

2- - قال الإمام الباقر عليه السلام: إني أجدني أمقت الرجل يتعذّر عليه المكاسب. فيستلقى على قفاه و يقول: اللهم ارزقني. و يدع أن ينتشر في الأرض و يلتمس من فضل الله. و الذرّه تخرج من جحرها تلتمس رزقها (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 95). (1) في الفقيه هكذا: تكفل الله عزّ و جلّ بأرزاقنا. (2) ما بين القوسين لم يذكر في الكافي.

332 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دعای گروهی از افراد امت من مستجاب نمی گردد.

از جمله آن گروه: مردی است که در خانه خود می نشیند و برای کسب رزق و روزی از خانه خارج نمی گردد و می گوید: خدایا به من روزی بده.

خدای متعال به چنین شخصی می گوید: - ای بنده من - آیا راه سعی و تلاش برای کسب رزق و روزی را برای تو هموار نساخته ام؟

و تو را - در حالی که اعضای بدنت صحیح و سالم است - به انجام آن دعوت نکرده ام؟

و چنانچه تو سعی و تلاش مطلوب را می کردی. در این صورت دستور مرا اطاعت کرده بودی. و - با این کار - باری بر دوش خانواده ات نبود.

بر تو لازم است که سعی نمایی.

در این صورت اگر خواستم رزق تو را افزون می کنم.

و اگر خواستم رزق تو را اندک می سازم.

و اگر با تلاشی که کردی به چیزی دست نیافتی - در این صورت - عذر تو پیش من موّجه خواهد بود(1).

ص: 199

---

1- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إن أصنافاً من امتی لا یستجاب لهم دعاؤهم: ... و رجل یقعد فی بیته. و یقول: ربّ ارزقنی. و لا یخرج. و لا یطلب الرزق. فیکول الله عزّ وجلّ له: - عبدي - ألم اجعل لك السبیل إلى الطلب. والضرب فی الأرض بجوارح صحیحه - فتکون قد اعدرت فیما بینی و بینک فی الطلب. لإتباع أمری. و لیکلا تكون کلاً علی أهلک؟ فإن شئت رزقتک. و إن شئت فترت علیک. و أنت غیر معذور عندی... (الکافی ج 5 ص 67).

333 - امام صادق علیه السلام فرمود: چهار گروه هستند که دعای آنها مستجاب نمی شود:

از جمله آنها مردی است که در خانه می نشیند و می گوید: خدایا به من روزی ده.

به او گفته می شود: آیا خداوند عزّ و جلّ به تو دستور نداده است که در طلب رزق و روزی خود سعی و تلاش نمایی؟ (1) 334 - مردی به امام صادق علیه السلام گفت: شخصی را می شناسم که می گوید: در خانه می نشینم و به نماز و روزه و عبادت مشغول می گردم.

و برای رسیدن رزق و روزی دعا می کنم. تا رزق و روزی به سراغ من بیاید.

امام صادق علیه السلام در باره او فرمود: این شخص از جمله گروهی است که دعای آنها مستجاب نمی گردد (2).

ص: 200

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: أربعه لا تستجاب لهم دعوه: رجل جالس في بيته يقول: اللهم ارزقني. فيقال له: ألم آمرک بالطلب... (الكافي ج 2 ص 511). (راجع: العوالي ج 4 ص 22). قال الإمام الصادق عليه السلام: ... الثلاثة الذين يردّ دعاؤهم عليهم: ... رجل جلس في بيته و ترك الطلب. ثم يقول: - يا ربّ - ارزقني. فيقول الله عزّ و جلّ: ألم أجعل لك السبيل إلى الطلب للرزق (الخصال ص 160). قال عليه السلام: الثلاثة الذين يردّ دعاؤهم: ... رجل جلس في بيته و لا يسعى في طلب الرزق. و يقول: - يا ربّ - ارزقني. فيقول الربّ عزّ و جلّ: ألم أجعل لك سبيلاً إلى طلب الرزق (من لا يحضره الفقيه ج 2 ص 39). قال رسول الله صلى الله عليه و آله: خمس لا يستجاب لهم: ... و رجل جلس في بيته و قال: اللهم ارزقني. و لم يطلب (الخصال ص 299). الوليد بن صبيح عن الصادق عليه السلام أنّه قال: ثلاثة يدعون فلا يستجاب لهم - أو قال عليه السلام: يردّ عليهم دعائهم -: ... رجل أمسك عن الطلب. فيقول: اللهم ارزقني. فيقول الله تعالى: ألم أجعل لك السبيل إلى الطلب؟ (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 103).

2- - عن عمر بن يزيد قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: رجل قال: ل أقعدنّ في بيتي. و ل اصلينّ. و ل اصومنّ. و ل أعبدنّ ربّي. فأما رزقي فسيأتيني؟ فقال أبو عبد الله عليه السلام: هذا أحد الثلاثة الذين لا يستجاب لهم (الكافي ج 5 ص 77).

335 - امام صادق علیه السلام به شخصی فرمود: اگر مردی در خانه خود بنشیند و درب خانه را به روی خود ببندد. چگونه او توقع دارد که از آسمان چیزی برای او برسد؟ (1) 336 - راوی می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: عمر بن مسلم چکار می کند؟ من گفتم: - فدایت گردم - او در خانه مشغول عبادت شده و تجارت را رها کرده.

در این هنگام امام صادق علیه السلام در باره او فرمود: وای بر او. آیا او نمی داند شخصی که در راه کسب رزق و روزی سعی و تلاش نمی کند دعایش مستجاب نمی گردد؟ (2) 337 - اسباط بن سالم می گوید: روزی بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و ایشان از احوال عمر بن مسلم جويا شدند.

من در جواب گفتم: حال او نیکو است. اما او تجارت و سعی و تلاش در راه کسب رزق و روزی را رها کرده و ترک نموده است.

در این هنگام امام صادق علیه السلام در باره او - سه بار - فرمود: او مرتکب عمل شیطانی شده است (3).

ص: 201

---

1- - عن عمر بن یزید قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: رأيت لو أن رجلاً دخل بيته واغلق بابه. أكان يسقط عليه شيء من السماء؟ (الكافي ج 5 ص 78).

2- - عن علي بن عبدالعزيز قال: قال (لي) (1) أبو عبدالله عليه السلام: ما فعل عمر بن مسلم؟ قلت: - جعلت فداك - أقبل على العبادة. و ترك التجاره؟ فقال عليه السلام: - ويحه - أما علم أنّ تارك الطلب لا يستجاب له (دعوه) (2) (الكافي ج 5 ص 84 و من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 119).

3- - عن أسباط بن سالم قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام. فسألنا عن عمر بن مسلم ما فعل؟ فقلت (3): صالح. و لكنّه قد ترك التجاره؟ فقال أبو عبدالله عليه السلام: عمل الشيطان - ثلاثاً - (الكافي ج 5 ص 75 و التهذيب ج 6 ص 374). (1) ما بين القوسين لم يذكر في الفقيه. (2) ما بين القوسين لم يذكر في الكافي. (3) في التهذيب: فقلنا.



338 - راوی می گوید: روزی در نزد امام صادق علیه السلام بودم که آن حضرت از احوال مردی سؤال کردند.

به حضرت گفته شد: او گرفتار شده است.

امام صادق علیه السلام پرسید: او امروز چه می کند؟

به حضرت گفته شد: او در خانه خود نشسته و مشغول عبادت شده است.

امام صادق علیه السلام پرسید: پس چه شخصی خرج و قوت و روزی او را می دهد؟

به امام صادق علیه السلام گفته شد: بعضی از دوستانش خرج زندگی او را تأمین می کنند.

در این هنگام امام صادق علیه السلام فرمود: - به خدا سوگند - عبادت شخصی که خرج زندگی آن مرد را تأمین می کند از او بیشتر است (1).

339 - پیامبر اکرم علیه السلام فرمود: نفرین شده است. نفرین شده است. شخصی که بار زندگی خود را بر دوش دیگران می اندازد (2). (3)

ص: 202

1- عن سلیمان بن معلی بن خنیس عن ابیه قال: سألت أبو عبد الله عليه السلام عن رجل - وأنا عنده - فقيل له: أصابته الحاجة. قال عليه السلام: فما يصنع اليوم؟ قيل: في البيت يعبد ربه. قال عليه السلام: ف من أين قوته؟ قيل: من عند بعض إخوانه. فقال أبو عبد الله عليه السلام: - والله - ل الذي يقوته. أشدّ عباده منه (الكافي ج 5 ص 78).

2- یعنی: سعی و تلاش مطلوب - در راه کسب رزق و روزی حلال - را بکار نمی گیرد. و بار زندگی خود و خانواده اش را بر دوش دیگران می اندازد.

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ملعون. ملعون. من ألقى كَلِّه على الناس (الكافي ج 5 ص 72 و من لا يحضره الفقيه ج 2 ص 38 و تحف العقول ص 37).

## توصیف زیبایی زن نامحرم به مرد نامحرم

### مردی که زیبایی زن نامحرمی را برای مرد نامحرمی توصیف می کند

و بدینوسیله او را به ارتکاب گناه و فعل حرام می کشاند

340 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که زن نامحرمی را برای مرد نامحرمی توصیف نماید و زیبایی های او را برایش بیان کند.

به نحوی که او به گناه کشیده شود.

و با آن زن ارتباط نامشروع پیدا کند.

چنین شخصی از دنیا نمی رود مگر آنکه خدا بر او غضب می نماید.

و شخصی که خداوند تعالی بر او غضب کند. آسمانها هفتگانه و زمینهای هفتگانه نیز بر او غضب خواهد نمود.

و وزر و وبالی که برای مرتکب شونده آن گناه است برای او نیز خواهد بود.

به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: اگر آن زن و مرد توبه واقعی نمایند و اصلاح شوند.

آیا توبه آنها پذیرفته خواهد شد؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند توبه آن دو را می پذیرد.

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من وصف إمراه لرجل و ذكر جمالها (له) (1) فافتتن الرجل (2) بها - فأصاب منها فاحشه - لم يخرج من الدنيا حتى يغضب الله عليه. و من غضب الله عليه. غضبت عليه السماوات السبع و الأرضون السبع. و كان عليه من الوزر مثل الذى أصابها. قيل: - يا رسول الله - فإن تابا و أصلحا؟ قال صلى الله عليه وآله: يتوب الله تعالى عليهما. و لم يقبل توبه الذى (3) وصفها (اعلام الدين ص 417 و عقاب الأعمال ص 337). قال عليه السلام: كان بالمدينه رجلان. (يسمى أحدهما: هيت. و الآخر: مانع) (4). فقالا لرجل - و رسول الله صلى الله عليه وآله يسمع - إذا افتتحتم الطائف - إن شاء الله - ف عليك. ب ابنه غيلان الثقفي. فإنها شموع. بخلاء (5). مبتله. هيفاء. شنباء. إذا جلست. تثنت. و إذا تكلمت. غنت. تقبل ب أربع. و تدبر ب ثمان. بين رجلها مثل القدح. فقال النبى صلى الله عليه وآله: لا اريكما (6) من اولى الإربه من الرجال. فأمر بهما رسول الله صلى الله عليه وآله ف غرّب (7) بهما إلى مكان يقال له: العرايا. و كانا يتسوقان فى كلّ جمعه (الكافى ج 5 ص 523 و وسائل الشيعة ج 20 ص 205). (1) ما بين القوسين لم يذكر فى اعلام الدين. (2) فى عقاب الأعمال هكذا: فافتتن بها الرجل. (3) فى عقاب الأعمال هكذا: توبه الذى يخطبها بعد الذى وصفها. (4) ما بين القوسين لم يذكر فى وسائل الشيعة. (5) فى وسائل الشيعة: نجلاء. (6) فى وسائل الشيعة: لا أراكما. (7) فى وسائل الشيعة: ف غرّبا إلى مكان...

مردی که از جهاد نمودن در راه خداوند متعال امتناع می ورزد

341 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پیرامون جهاد نمودن در راه خداوند عزّ وجلّ فرمود:

... و شخصی که از انجام جهاد سرپیچی نماید خدای عزّ وجلّ لباس ذلّت و خواری را بر او خواهد پوشانید و دچار گرفتاری و مصیبت خواهد شد. و ذلّت و خواری نصیب او خواهد گشت. و بر دل او پرده گمراهی زده خواهد شد.

و به خاطر آنکه او از انجام جهاد سرپیچی کرده و آن را تضييع ساخته است. خوار و ذلیل خواهد شد. و حق از او رویگردان خواهد گشت(1).

ص: 205

1- - قال أمير المؤمنين - صلوات الله عليه - : فمن ترك الجهاد في الله ألبسه الله ثوب ذلّه. و شمله البلاء. و ضرب على قلبه بالشبهات و ديث بالصغار و القماء. و ادیل الحقّ منه بتضييع الجهاد و سيم الخسف. و منع النصف (الغارات ج 2 ص 326). و في روضه الواعظين هكذا: ... فمن تركه رغبه عنه البسه الله ثوب الذلّه و شمله البلاء و فارق الرخاه. و ضرب على قلبه بالأشبهاء و ديث بالصغار و القماء و سيم الخسف و منع النصف. فأزيل منه الحقّ بتضييعه الجهاد و غضب الله عليه بترکه نصرته (روضه الواعظين ج 2 ص 234). و في مصدر آخر هكذا: ... فمن تركه رغبه عنه. ألبسه الله ثوب الذلّ (1). (و شمله البلاء) (2). (و فارق الرضا) (3). و ديث بالصغار و القماء. و ضرب على قلبه بالأسداد (4). و ادیل الحقّ منه بتضييع الجهاد. و سئم (5) الخسف و منع النصف (الكافي ج 5 ص 4 و نهج البلاغه الخطبه 27). (راجع: معاني الأخبار ص 309 و كتاب الغارات ج 2 ص 326). (1) في معاني الأخبار هكذا: ثوب الذلّ و سيماء الخسف و ديث الصغار. (2) ما بين القوسين لم يذكر في معاني الأخبار. (3) ما بين القوسين لم يذكر في معاني الأخبار و نهج البلاغه. (4) في نهج البلاغه: بالإسهاب. (5) في نهج البلاغه: و سيم.

امام صادق علیه السلام فرمود: فرار نمودن از جهاد - در راه خدا - از گناهان کبیره بشمار می آید (1).

ص: 206

1- - (قال رجل للإمام الصادق عليه السلام): أحب أن أعرف الكبائر من كتاب الله عز وجل؟ فقال عليه السلام: ... والفرار من الزحف. لأن الله عز وجل يقول: وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (الكافي ج 2 ص 285-286). (قال رسول الله صلى الله عليه وآله): ... من ترك الجهاد ألبسه الله عز وجل ذللاً (في نفسه) (1). و فقراً - في معيشته - و محقاً في دينه... (الأمالى للشيخ الصدوق - عليه الرحمه - ص 673 المجلس 85 و عقاب الأعمال ص 225 و الكافي ج 5 ص 2 و روضه الواعظين ج 2 ص 232). عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه - لأصحابه -: إذا لقيتم عدوكم - في الحرب - فأقلوا الكلام. و (2) اذكروا الله عز وجل. و لا تولّوهم الأدبار. فتسخطوا الله تبارك و تعالی. و تستوجبوا غضبه (الكافي ج 5 ص 42 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 317). قال أمير المؤمنين عليه السلام حول الفرار من الزحف: ... وليعلم المنهزم بأنه مسخط ربه. و موبق نفسه. إن في الفرار موجهه الله (3). والذلّ اللازم. والعار الباقي. و فساد العيش عليه. و إن الفأز ل غير مزيد - في عمره - و لا - محجوز بينه و بين يومه. و لا - يرضى ربه. و لموت الرجل محقاً - قبل إتيان هذه الخصال - خيرٌ من الرضا بالتلبيس بها. و الإقرار عليها (الكافي ج 5 ص 41). (1) ما بين القوسين لم يذكر في الكافي و عقاب الأعمال و روضه الواعظين. (2) في مكارم الأخلاق هكذا: و أكثروا ذكر الله عز وجل. (3) هكذا في المصدر. والظاهر: موجهه لله.

مردی که موی ریش خود را می جود

343 - در حدیث آمده است: انجام چند چیز. موجب غم و اندوه می گردد:

از جمله آنها: جویدن موی ریش با دندان می باشد(1).

344 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز نشانهٔ وسواس است:

خوردن گِل. و جویدن ناخن. و جویدن موی ریش(2).

ص: 207

---

1- - روى فى بعض الكتب عن الأئمّه عليهم السلام إنّهم قالوا: إنّ أحد عشر شيئاً تورث الغمّ: ... وقصّ شعر اللحيه بالأسنان (بحار الأنوار ج 73 ص 321).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثة من الوسواس: أكل الطين. و تقليم الأظفار بالأسنان. و أكل اللحيه (الخصال ص 126 و من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 269 و مكارم الأخلاق ج 2 ص 334). قال الإمام الكاظم عليه السلام: أربعه من الوسواس: أكل الطين. و فث الطين. و تقليم الأظفار بالأسنان. و أكل اللحيه (الخصال ص 221).

مردی که دارای حرفه و هنری نیست

345 - ابن عباس می گوید: هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی نگاه می کرد و او نظر پیامبر صلی الله علیه و آله را به خود جلب می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد او پرسش نموده و می فرمود:

آیا این مرد حرفه و پیشه ای دارد؟

اگر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته می شد که او دارای حرفه و پیشه و هنری نیست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره آن مرد می فرمود: او از چشم من افتاد.

از پیامبر صلی الله علیه و آله از علت این امر سؤال شد.

حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: زیرا اگر شخص مؤمن. دارای حرفه و هنر و پیشه ای نباشد.

دین و آئین اش را وسیله ای برای کسب رزق و روزی خود قرار خواهد داد(1). (2)

ص: 208

1- - یعنی: در صورت نداشتن حرفه و هنر - و منبعی برای کسب درآمد - او از راه و طریقی کسب رزق و روزی خواهد نمود که - در نتیجه - به دین و آئینش لطمه وارد خواهد گشت.

2- - عن ابن عباس قال: کان رسول الله صلی الله علیه و آله إذا نظر إلى الرجل. فأعجبه. قال صلی الله علیه و آله: هل له حرفه؟ فإن قالوا: لا. قال صلی الله علیه و آله: سقط من عینی. قیل: و کیف ذلك - یا رسول الله -؟ قال صلی الله علیه و آله: لأنّ المؤمن إذا لم یکن له حرفه. یعیش بدینه (جامع الأخبار ص 390). قال بعضهم: إذا لم یکن للعالم حرفه و لا عقار. کان شرطياً لهؤلاء الظلمه (تنبيه الخواطر ج 1 ص 42). قال بعض: - یا فتیان - احترفوا. فإتی لا آمن علیکم أن تحتاجوا إلى القوم. یعنی: الأمراء (تنبيه الخواطر ج 1 ص 42).

346 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردانی که لباس حریر می پوشند - در روز قیامت - نصیب و بهره ای از بهشت ندارند(1).

347 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی فرمود: لباس حریر را بر تن نکن. زیرا خداوند - در روز قیامت - پوست بدن تو را می سوزاند(2).

ص: 209

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: إن رسول الله صلى الله عليه وآله كسا اسامه بن زيد حلّه حرير (1). فخرج فيها. فقال صلى الله عليه وآله: مهلاً - يا اسامه - إنما يلبسها من لا خلاق له (2). فأقسمها بين نسائك (الكافي ج 6 ص 453). قال الإمام الباقر عليه السلام: أتى اسامه بن زيد رسول الله صلى الله عليه وآله و معه ثوب حرير. فقال صلى الله عليه وآله: هذا لباس من لا خلاق له. ثم أمره. فشقه خُمراً بين نسائه (مكارم الأخلاق ج 1 ص 240). قال الإمام الصادق عليه السلام: لا يصلح للرجل أن يلبس الحرير إلا في الحرب (الكافي ج 6 ص 453). عن النبي صلى الله عليه وآله: أنه خرج و في إحدى يديه ذهب و الأخرى حرير. و قال صلى الله عليه وآله: إن هذين محرّمان على ذكور امتي. حلّ لأناثها (مستدرک الوسائل ج 3 ص 219). روى عن النبي صلى الله عليه وآله أنه خرج ذات يوم و في يده قطعه من ذهب و قطعه من حرير. فقال صلى الله عليه وآله: هاتان محرّمتان على ذكور امتي. دون انائهم (عوالي اللئالي ج 2 ص 214). روى عن النبي صلى الله عليه وآله و آله أنه أشار إلى حرير و ذهب. و قال صلى الله عليه وآله: هذان حرامان على رجال امتي (البحار ج 11 ص 198).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله لرجل: لا تلبس الحرير. فيحرق الله جلدك يوم تلقاه (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 164 و علل الشرائع ج 2 ص 51 الباب 57). (1) كأنه صلى الله عليه وآله كساه في وقت الحرب. و يدلّ على عدم جواز لبس الحرير للرجال - مطلقاً - و عليه علماء الإسلام. و اتفق علماؤنا على بطلان الصلاة فيه للرجال. و قطعوا على جوازه في حال الضروره و الحرب (نقلاً عن هامش المصدر وهو مأخوذ من مرآة العقول للعلامة المجلسي عليه الرحمه). لم يطلق النبي صلى الله عليه وآله لبس الحرير لأحد من الرجال إلا لعبد الرحمان بن عوف. و ذلك لأنه كان رجلاً قتملاً (الفقيه ج 1 ص 164) في غير الحرب. القمّل: الكثير القمّل. (2) أي: من نصيب في ثواب الجنّة (عيون الأخبار ج 2 ص الباب 27 و تفسير الإمام عليه السلام ص 473).



348 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرزندان خود را - روز هفتم - ختنه نمایند(1).

زیرا این کار خوشتر و پاکیزه تر می باشد. و باعث سرعت در روئیدن گوشت می شود.

و زمین - تا چهل روز - از ادرار شخصی که ختنه نکرده است نجس می گردد(2).

ص: 210

1- لازم به یادآوری است که شرائط زمانی و مکانی نوزاد و همچنین نداشتن آمادگی جسمی او ممکن است باعث تأخیر در انجام عمل ختنه او گردد. و انجام این کار - در روز هفتم - وجوب شرعی ندارد. بلکه این عمل مستحب بوده و به انجام آن در این روز توصیه فراوانی شده است. و انجام ختنه - پس از بالغ شدن - بر مرد مسلمان واجب می گردد. و بر کودک نابالغی که به حج می رود - نیز - ختنه واجب می باشد.

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: طهروا (1) أولادكم يوم (2) السابع. فإنه (أطيب و) (3) أظهر وأسرع لنبات اللحم (4). و إنَّ (5) الأرض تنجس من بول الأغلف أربعين صباحاً (الكافي ج 6 ص 35 و الخصال ص 538). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ الأرض تنجس ببول الأغلف. أربعين يوماً (المكارم ج 1 ص 491). قال الإمام الصادق عليه السلام: ... فأما الرجل. فلا يطوف إلا مختوناً (الفقيه ج 2 ص 250). عن إبراهيم بن ميمون عن أبي عبد الله عليه السلام: في الرجل الذي يسلم ويريد أن يختن - وقد حضر الحج - أيحج أو يختن؟ قال عليه السلام: لا. يحج حتى يختن (من لا يحضره الفقيه ج 2 ص 251). (1) في الخصال: ختنوا. وفي مكارم الأخلاق: إختنوا. (2) في مكارم الأخلاق هكذا: في يوم السابع. (3) ما بين القوسين لم يذكر في مكارم الأخلاق. (4) مكارم الأخلاق ج 1 ص 491. (5) في الخصال: فإنَّ.

349 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فرزندان خود را در روز هفتم ختنه نمائید.

وگرما و سرما شما را از انجام آن باز ندارد. زیرا این عمل. مایه پاکیزگی جسم می باشد.

و زمین از ادرار شخصی که ختنه نکرده است به خدا شکایت و شکوه می کند(1).

350 - امام صادق علیه السلام فرمود: فرزندان خود را در روز هفتم ختنه کنید. زیرا انجام دادن این کار پاکیزه تر بوده و روئیدن گوشت را سرعت می بخشد.

زیرا بدرستی که زمین اگر از ادرار شخصی که ختنه نکرده است(2).

351 - در حدیث آمده است: از جمله افرادی که برای امامت در نماز جماعت شایستگی ندارند کسانی هستند که ختنه نکرده اند(3).

ص: 211

1- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: اختننوا أولادكم يوم السابع. لا يمنعكم حرّ ولا برد. فإنه طهور للجسد. وإنّ الأرض ل تضحّج - إلى الله - من بول الأغلف (الخصال ص 636). روى عن الصادقين عليهما السلام: أن اختننوا أولادكم - يوم السابع - يطهروا. وإنّ الأرض تضحّج - إلى الله - من بول الأغلف (الكافي ج 6 ص 35 و من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 314 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 490). فى الفقيه و مكارم الأخلاق: عن الصالحين عليهم السلام.

2- - قال الإمام الصادق عليه السلام: اختننوا أولادكم لسبعة أيام. فإنه أطهر. وأسرع لنبات اللحم. وإنّ الأرض ل تکره بول الأغلف (الكافي ج 6 ص 34).

3- - عن الأصمغ بن نباته قال: سمعت علياً عليه السلام يقول: ... و أما الذين لا ينبغي أن يأموا - من الناس - الأغلف (الخصال ص 331). قال أمير المؤمنين عليه السلام: الأغلف. لا يؤمّ القوم - ولو كان أقرأهم للقرآن - لأنه ضيّع من السنّة أعظمها. و لا تقبل له شهادة. و لا يصلّى عليه - إلا أن يكون ترك ذلك خوفاً على نفسه - (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 248). قال عليه السلام: الأغلف. لا يؤمّ القوم - و إن كان أقرأهم - لأنه ضيّع من السنّة أعظمها. و لا تقبل له شهادة. و لا يصلّى عليه - إذا مات - إلا أن يكون ترك ذلك خوفاً على نفسه (علل الشرائع ج 2 ص 22 الباب 22). أى: لا ترغيب فى الصلاة عليه - إذا وجد من يصلّى عليه - . لا أنّه لا يصلّى عليه أحد (نقلاً عن هامش العلل).

352 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سزاوار نیست که مردی با زن نامحرمی در جائی خلوت نماید.

زیرا هنگامی که مردی با زن نامحرمی در مکانی خلوت کند. شیطان. سوّمین نفر آنها خواهد بود(1).

ص:212

---

1- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: لا يخلون رجل بامرأه. فما من رجل خلا بامرأه إلا كان الشيطان ثالثهما (دعائم الإسلام ج 2 ص 214). قال أمير المؤمنين عليه السلام: ما من رجل خلا بامرأه إلا كان الشيطان ثالثهما (مستدرک الوسائل ج 14 ص 265). قال الإمام الصادق عليه السلام: إنّ الرجل والمرأه إذا خليا - في بيت - كان ثالثهما الشيطان (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 160). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يخلون رجل بامرأه. فإنّ ثالثهما شيطان (مستدرک الوسائل ج 14 ص 266). عن رسول الله عليه السلام أنّه نهى عن محادثه النساء - یعنی غیر ذوات المحارم -. وقال صلى الله عليه وآله: لا يخلون رجل بامرأه. فما من رجل خلا بامرأه إلا كان الشيطان ثالثهما (دعائم الإسلام ج 2 ص 214). قال الإمام الصادق عليه السلام: محادثه النساء من مصائد الشيطان (مستدرک الوسائل ج 14 ص 273). قال عليه السلام: حديث النساء من مصائد الشيطان (دعائم الإسلام ج 2 ص 214). أي: في الخلوه.

353 - ابلیس به حضرت نوح علیه السلام گفت: در سه جا از شرّ من غافل مباش. زیرا من در این سه جا نزدیکترین فاصله را با آدمیان دارم:

هنگامی که غضب می کنی.

هنگامی که بین دو نفر قضاوت می کنی.

هنگامی که با زن نامحرمی خلوت می کنی به گونه ای که شخص دیگری بین شما نباشد(1).

354 - ابلیس به حضرت موسی علیه السلام گفت: با هیچ زن نامحرمی خلوت نکن و هیچ زن نامحرمی با تو خلوت نکند.

زیرا هنگامی که مردی با زن نامحرمی خلوت کند. و هنگامی که زنی با مرد نامحرمی خلوت نماید. من - شخصاً - با آنها همراه بوده در کنارشان خواهم بود(2).

ص: 213

---

1- - (قال إبليس عليه اللعنه لنوح عليه السلام):... اذكرني في ثلاثه مواطن - فإتي أقرب ما أكون من العبد إذا كان في إحدهنّ -: اذكرني إذا غضبت (1) و اذكرني إذا حكمت بين اثنين. و اذكرني إذا كنت مع إمراه - خالياً - ليس معكما أحد (الخصال ص 132).

2- - قال إبليس لموسى عليه السلام: - يا موسى - لا تخل بإمرأه - و لا تخل بك - . فإنه لا يخلو رجل بإمرأه - و لا تخلو به - إلا كنت صاحبه - دون أصحابي (الأمالى للشيخ المفيد - عليه الرحمه - ص 157 المجلس 19). قال إبليس لموسى عليه السلام: لا تخلونّ بإمرأه غير محرم. فإتي لست أجعل بينكما رسولاً غيري (مستدرک الوسائل ج 14 ص 266). قال إبليس لموسى بن عمران عليه السلام: لا تخل بإمرأه. فإنه ما خلا رجل بإمرأه - لا تحلّ له - إلا كنت صاحبه. أفتتنه بها (تنبيه الخواطر ج 1 ص 103). (1) فى بعض النسخ: عند غضبك.

355 - امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گروهی را مورد لعن و نفرین خود قرار داد.

از جمله آن گروه: مردی است که به نوامیس مردم خیانت می کند(1).

356 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که به همسر دیگران خیانت می کند از ما نیست. و بر چنین شخصی لعن و نفرین باد(2).

ص: 214

1- - عن أبي جعفر عليه السلام قال: لعن رسول الله صلى الله عليه وآله رجلاً ينظر إلى فرج امرأة لا تحلّ له. ورجلاً خان أخاه في امرأته. ورجلاً يحتاج الناس إلى نفعه. فسألهم الرشوة (الكافي ج 5 ص 559). قال أبو جعفر عليه السلام: لعن رسول الله صلى الله عليه وآله من نظر إلى فرج امرأة لا تحلّ له. ورجلاً خان أخاه في امرأته. ورجلاً احتاج الناس إليه لفقهم. فسألهم الرشوة (تهذيب الأحكام ج 6 ص 250). عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله الواشمه والمؤتشمه والناجش والمنجوش. ملعونون على لسان محمد (الكافي ج 5 ص 559 كتاب النكاح). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الناجش والمنجوش له. ملعونون على لسان محمد (مشكاة الأنوار ج 2 ص 300). الناجش: الخائن (معاني الأخبار ص 284). يقول الناجي الجزائري: ويحتمل - قوياً - أن يكون المراد من الخائن - ههنا - الذي يخون الناس في نسائهم.

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من خان إمراً - في زوجته - فليس منّا. و عليه لعنه الله (مستدرک الوسائل ج 14 ص 331). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليس منّا من خبّ إمراً امرئ مسلم عليه (جامع الأحاديث ص 114). خبّ فلان على فلان صديقه. أى: أفسده عليه. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليس منّا من خبّ إمراً رجل مسلم عليه (الجعفریات ص 177). قال عمّار الساباطي: دخل رجل على الصادق عليه السلام فقال عليه السلام: ما أقبح بالرجل أن يأتّمه رجل من إخوانه - على حرمه من حرمه - فيخونه بها (المناقب ج 4 ص 247).

### مردی که به زن نامحرم دست می دهد و با او مصافحه می کند

357 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که به زن نامحرم دست بدهد مورد خشم و غضب الهی واقع شده است (1).

358 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که به زن نامحرم دست بدهد در روز قیامت - در حالیکه دستانش با غل بسته شده است - به طرف آتش برده می شود (2).

359 - در حدیث آمده است: جایز نیست که زنی با مرد نامحرمی مصافحه نماید - و با او دست دهد - مگر از روی لباس - و نباید دست او را فشار بدهد (3).

360 - سؤال: دست دادن زن به مرد نامحرم با دستکش چه حکمی دارد؟

جواب: بهتر ترک این کار است (4).

ص: 215

1- - (قال رسول الله صلى الله عليه وآله): من صافح امرأة - تحرم عليه - فقد باء ب سخط (من) الله عز وجل (الأمالي للشيخ الصدوق - عليه الرحمة - ص 515 المجلس 66 و من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 8 و المكارم ج 2 ص 314 و تنبيه الخواطر ج 2 ص 261). مابین القوسین لم يذكر فی المكارم.

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من صافح امرأة - حراماً - جاء يوم القيامة مغلولاً... ثم يؤمر به إلى النار (عقاب الأعمال ص 334). (من جمله ما جاء فی خبر حول کیفیتہ بیعه النساء مع رسول الله صلى الله عليه وآله):... كانت يد رسول الله صلى الله عليه وآله الطاهره أطيّب من يمّسّ بها كفّ انثى ليست له بمحرم (الكافي ج 5 ص 526).

3- - و لا يجوز للمرأة أن تصافح غير ذی محرم إلا من وراء ثوبها (الخصال ص 588). عن أبي بصير قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: هل يصابح الرجل. المرأة ليست بذی محرم؟ فقال عليه السلام: لا. إلا من وراء الثوب (الكافي ج 5 ص 525 و الفقيه ج 3 ص 300 و المكارم 504/1). (وفی حدیث آخر): فلا يصابحها إلا من وراء الثوب. و لا یغمز كفّها (الكافي ج 5 ص 525).

4- - (توضیح المسائل مراجع ج 2 ص 929 احكام حجاب و نظر) (نشر دفتر انتشارات اسلامی).

مردی که ریش خود را بیش از حد و اندازه بلند می گذارد

361 - امام صادق علیه السلام فرمود: مازاد ریشی که طول آن بیش از یک مشت (1) باشد در آتش است (2).

362 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چنانچه طول ریش از یک قبضه دست تجاوز کرد آن را کوتاه کنید (3).

363 - راوی می گوید: از امام صادق علیه السلام در باره اندازه ریش سؤال کردم؟

آن حضرت علیه السلام فرمود: ریش خود را به اندازه مشت دست اندازه بگیر و بقیه آن را کوتاه کن (4).

ص: 216

1- - یعنی: به اندازه یک دست مشت شده.

2- - قال الإمام الصادق عليه السلام: مازاد من اللحية - على القبضة - ففي النار (مكارم الأخلاق ج 1 ص 158). قال الإمام الصادق عليه السلام: مازاد من اللحية - عن قبضه - فهو في النار (من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 76). قال الإمام الصادق عليه السلام: مازاد من اللحية - عن القبضة - فهو في النار (الكافي ج 6 ص 487). عن محمد بن أبي حمزة عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ما زاد على القبضة. ف في النار. يعني اللحية (الكافي ج 6 ص 487).

3- - قال أميرالمؤمنين عليه السلام: ما جاوز القبضة - من مقدّم اللحية - ف جزّوه (مستدرک الوسائل ج 1 ص 404).

4- - عن يونس عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله عليه السلام في قدر اللحية؟ قال عليه السلام تقبض بيدك على اللحية و تجزّ ما فضل (الكافي ج 6 ص 487). قال أميرالمؤمنين عليه السلام: إن جاوز القبضة - من مقدّم اللحية - ف جزّوه (الجعفریات ص 258). قال الإمام الصادق عليه السلام: تقبض بيدك على لحيتك. و تجزّ ما فضل (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 76).

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چه ضرری داشت که این مرد موی ریش خود را کوتاه می کرد؟

پس از آنکه این سخن حضرت صلی الله علیه و آله به گوش آن مرد رسید. او ریش خود را به اندازه متناسب کوتاه نموده و سپس بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد گشت.

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را با این حالت دید. فرمود: این گونه عمل کنید (1). (2)

ص: 217

1- - نظر رسول الله صلی الله علیه و آله به ریش او را دید. فرمود: این گونه عمل کنید (1). (2)

2- - نظر رسول الله صلی الله علیه و آله به ریش او را دید. فرمود: این گونه عمل کنید (1). (2)



## ریش تراشیدن صاف کردن صورت و از بین بردن محاسن چهره

مردی که صورت خود را صاف می کند و محاسن خود را از بین می برد

(1)

365 - در حدیث آمده است: تراشیدن ریش به منزلهٔ مُثله کردن است (2).

و شخصی که مرتکب مُثله گردد. لعنت و نفرین خدا بر او می باشد (3).

366 - در حدیث آمده است: قوم لوط مرتکب ده عمل زشت می شدند که به خاطر آن اعمال هلاک گشته و نابود شدند.

از جملهٔ آن اعمال: بلند نگه داشتن سبیل و تراشیدن ریش می باشد (4).

ص: 218

1- - از احایث شریفی که در این فصل ذکر شده است استفاده می گردد که داشتن ریش متناسب و مرتب و تمیز - و به حد و به اندازه - زینت یک مرد بشمار می آید. و موجب جمال و زیبایی او می گردد. و نشانی از وقار و عزت او می باشد. و به همین خاطر است که به ریش مرد. محاسن. گفته می شود. یعنی: مایهٔ حُسن و زیبایی و جمال. و تراشیدن ریش - آن هم با تیغ آهنی - و صاف کردن صورت و از بین بردن محاسن چهره. موجب محرومیت مرد از داشتن وقار و سنگینی و زیبایی او می گردد. و این کار باعث زشت شدن چهرهٔ او خشن و زبر گشتن پوست صورتش می شود.

2- - پاره نمودن و دریدن جسد و تگّه تگّه کردن آن را مُثله می گویند.

3- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: حلق اللحية من المثلثة. و من مثل. ف عليه لعنة الله (الجعفریات: ص 258 و مستدرک الوسائل ج 1 ص 406).

4- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: عشر خصال عملها قوم لوط. - بها اهلكوا - : ... و قصّ اللحية. و طول الشارب (مستدرک الوسائل ج 1 ص 407).

367 - روزی دو مرد(1) در حالی که ریشهای خود را زده و سیبهای بلندی داشتند بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نگاه کردن به آنها کراهت داشته و به آنها فرمود: - وای بر شما - به دستور چه شخصی این کار را کرده اید؟

آنها گفتند: خدای ما - کسری - به ما دستور داده است که اینگونه باشیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنها فرمود: اما خداوند عزّ و جلّ به من دستور داده تا ریش خود را بگذارم و سیبیل خود را کوتاه کنم(2).

368 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: قوم مجوس(3) ریشهای خود را می کنند و سیبهای خود را بلند نگه می داشتند. ولی ما(4) سیبیل خود را کوتاه می کنیم و ریش خود را نگه می داریم. و این امر یک سنت است(5).

369 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سیبیل خود را کوتاه کنید و ریش خود را نگه دارید.

و خود را شبیه قوم مجوس نکنید(6).

ص: 219

1- - این دو مرد آتش پرست بوده و از جانب کسری پادشاه ایران به نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده بودند.

2- - دخل رجلان علی رسول الله صلی الله علیه و آله. وقد حلقا لحاهما و اعفيا شواربهما. فکره صلی الله علیه و آله النظر إليهما. و قال صلی الله علیه و آله: - وبلکما - من أمرکما بهذا؟ قالوا: أمرنا بهذا ربنا - یعنیان کسری -. فقال صلی الله علیه و آله: لکن ربی عزّ و جلّ أمرنی بإعفاء لحیتی. و قصّ شاری (بحار الأنوار ج 20 ص 390 و مستدرک الوسائل ج 1 ص 407).

3- - یعنی آتش پرستان. 4- یعنی مسلمانان.

4-

5- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إن المجوس جزّوا لحاهم. و وفّروا شواربهم. و إنّما نجزّ الشوارب. و نعفی اللحي. و هی الفطره (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 76 و مکارم الأخلاق ج 1 ص 157). فی مکارم الأخلاق: و إنّنا نحن.

6- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: حفوا الشوارب و اعفوا اللحي. و لا تتشبهوا بالمجوس (معانی الأخبار ص 291).

370 - راوی می گوید: روزی امیرالمؤمنین علیه السلام را در بازار دیدم که به ماهی فروشان تذکر داده و به آنها می فرمود: مارماهی را به جای ماهی به مردم نفروشید.

و آن ماهی که در آب مرده است را به مردم عرضه نکنید(1) و به آنها نفروشید.

و آن حضرت علیه السلام ماهی فروشانی را که از این دستور تخلف می کردند تنبیه کرده و به آنها می فرمود: ای فروشندگان مسخ شده بنی اسرائیل و لشکر بنی مروان.

در این هنگام فرات بن احنف به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: - یا امیرالمؤمنین - لشکریان بنی مروان چه کسانی هستند و چه خصوصیتی داشتند؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آنها گروهی بودند که ریشهای خود را تراشیده و سیبیلهای خود را بلند نگه می داشتند. سپس آنها مسخ شدند(2).

ص: 220

1- - لازم به ذکر است که باید ماهی زنده صید شود تا قابل استفاده و تناول باشد. و چنانچه ماهی در آب بمیرد. تناول آن حرام بوده و فروش آن برای خوردن جایز نمی باشد.

2- - عن حَبَّابِهِ الْوَالِيِّهِ قَالَتْ: رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَرْطَةِ الْخَمِيسِ. وَ مَعَهُ دَرَّةٌ (لَهَا سَبَابَتَانِ) (1) يَضْرِبُ بِهَا بَيْعَى (2) الْجَرِيِّ وَالْمَارْمَاهِي وَالزَّمَّارَ (وَالطَّافِي) (3). وَ يَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُمْ: - بَا بَيْعَى مَسُوحَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ جُنْدَ بَنِي مَرْوَانَ -. فَقَامَ إِلَيْهِ فِرَاتُ بْنُ الْأَحْنَفِ (4) فَقَالَ (لَهُ) (5): - يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - فَمَا (6) جُنْدَ بَنِي مَرْوَانَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: أَقْوَامٌ حَلَقُوا اللَّحْيَ (7). وَ فَتَلَوْا الشُّوَارِبَ (فَمَسَخُوا) (8) (الكَافِي ج 1 ص 346 وَ كَمَالُ الدِّينِ ص 536). (1) مَا بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ لَمْ يَذْكُرْ فِي كَمَالِ الدِّينِ. (2) فِي كَمَالِ الدِّينِ: بَيْعَى. (3) مَا بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ لَمْ يَذْكُرْ فِي الْكَافِي. (4) فِي الْكَافِي: أَحْنَفُ. (5) مَا بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ لَمْ يَذْكُرْ فِي الْكَافِي. (6) فِي الْكَافِي: وَ مَا. (7) فِي كَمَالِ الدِّينِ: اللَّحَاءُ. (8) مَا بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ لَمْ يَذْكُرْ فِي كَمَالِ الدِّينِ. وَ الطَّافِي هُوَ الَّذِي يَمُوتُ فِي الْمَاءِ فَيُطْفِئُ عَلَى رَأْسِ الْمَاءِ (الْفَقِيهِ ج 3 ص 201). الطَّافِي هُوَ مَا يَتَغَيَّرُ رَائِحَتُهُ (الكَافِي ج 6 ص 219).

371 - امام صادق علیه السلام فرمود: خدای متعال در روز قیامت با سه شخص سخن نمی گوید و آنها را مورد تزکیه قرار نمی دهد.

و برای آنها عذابی دردناک خواهد بود:

شخصی که موی سپید خود را بکند(1).

شخصی که خود ارضائی می کند.

شخصی که تن به عمل لواط می دهد(2).

372 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: موی سپید را نکند. زیرا آن نوری است برای شخص مسلمان.

و شخصی که موی او در اسلام سپید گردد. برای او نوری در روز قیامت خواهد بود(3).

ص: 221

---

1- - چون موی سپید. باعث نورانیت و مایه وقار شخص و نشانه بزرگی او بشمار می آید. و احتمال می رود که مراد از موی سپید - در این احادیث شریف - موی سپید محاسن باشد.

2- - (قال الإمام الصادق علیه السلام): ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة. ولا ينظر إليهم ولا يزكّهم. ولهم عذاب أليم: الناتف شبيهة. و الناكح نفسه. و المنكوح في دبره (الخصال ص 106 و روضه الواعظین ج 2 ص 476). فی روضه الواعظین: شیبته.

3- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: لا تنتفوا الشيب. فإنه نور المسلم. و من شاب شيبه - في الإسلام - كان له نوراً يوم القيامة (الخصال ص 612-613).

#### اشاره

#### (1)

لازم به یادآوری است که: خداوند متعال برای بقاء نسل بشر غریزه جنسی را در نهاد انسان قرار داده و راه ارضاء مشروع آن را بوسیله ازدواج معین نموده است.

و چنانچه این غریزه جنسی - از راه مشروع - ارضاء نگردد. عوارض منفی بسیاری را در جسم و روان آدمی بوجود خواهد آورد.

و این عوارض. موجب انحراف و لجام گسیختگی و طغیان او خواهد گشت.

عمل شنیع زنا از جمله انحرافات است که ممکن است گریبانگیر بعضی از این گونه افراد گردد. لذا شرع مطهر اسلام این عمل شنیع را نامشروع دانسته و شدیداً با آن مخالفت نموده است.

و لازم به ذکر است که ارتکاب عمل شنیع زنا. آثار سوء متفاوت و عواقب شوم متعدّد. و کیفر و عقوبت و مجازات گوناگون و مختلفی را - در دنیا و آخرت - در پی دارد. در این بخش - بطور اختصار - به پاره ای از آنها اشاره می کنیم.

(1) مجازات و تنبیه معنوی.

(2) مجازات و تنبیه حقوقی.

(3) مجازات و تنبیه جسمی و بدنی.

(4) آثار سوء و عواقب شوم در دنیا.

(5) کیفر و عقوبت در آخرت و روز قیامت.

ص: 222

---

1- - عمل نامشروع زنا گاهی از طرف مرد و گاهی از طرف زن و گاهی از طرف هر دو انجام می گیرد. این فصل مربوط به آمیزش جنسی نامشروعی است که از طرف مرد صورت می گیرد. و مطالب مربوط به آمیزش جنسی نامشروع - از طرف زن - در کتاب: زنان نفرین شده. ذکر می گردد.

373 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که مردی مرتکب زنا می شود روح ایمان از او دور می گردد(2).

374 - امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند متعال. شخص زناکار را مؤمن نمی نامد(3).

375 - امام کاظم علیه السلام فرمود: ارتکاب عمل زنا دین و آئین را از بین می برد(4).

376 - امام صادق علیه السلام فرمود: شخص زناکار همانند شخصی است که بت می پرستد(5).

ص: 223

1- - در این بخش - مختصراً - به پاره ای از مجازات و تنبيه معنوی این عمل شنيع اشاره می کنیم. و برای اطلاع بیشتر از این موضوع. به کتب مربوطه مراجعه فرمائید.

2- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إذا زنا الرجل فارقه روح الإيمان (الكافی ج 2 ص 280 و ص 284 و عقاب الأعمال ص 313 و المحاسن ج 1 ص 192). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إذا زنا الرجل أخرج الله منه روح الإيمان (قرب الاسناد ص 33). قال الإمام الباقر علیه السلام: كان أبي عليه السلام يقول: إذا زنا الزاني فارقه روح الإيمان (الفقيه ج 4 ص 14). قال الإمام الصادق علیه السلام: من زنا خرج من الإيمان (إرشاد القلوب ج 1 ص 335). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا يزني الزاني - حين يزني - وهو مؤمن (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 24 و الكافی ج 5 ص 123 و الكافی ج 2 ص 32 و ص 284 و ص 285 و تهذيب الأحكام ج 6 ص 426 و دعائم الإسلام ج 2 ص 448 و عوالي اللئالی ج 1 ص 40 و ص 167). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا يزني الزاني وهو مؤمن (تفسير القمّي - عليه الرحمة - ج 1 ص 61 و الأمالی للشيخ المفيد - عليه الرحمة - ص 22 المجلس 3 و قرب الاسناد ص 258 و ص 299).

3- - قال الإمام الباقر علیه السلام: ... لم يسم الله الزاني مؤمناً. و لا الزانيه مؤمنه (الكافی ج 2 ص 32).

4- - قال الإمام الكاظم علیه السلام: إِيَّاكَ وَ الزنا. فَإِنَّهُ يَمْحَقُ الْبِرْكَه وَ يَهْلِكُ الدِّينَ (الكافی ج 5 ص 542). قال الإمام الكاظم علیه السلام: إِتَّقِ الزنا. فَإِنَّهُ يَمْحَقُ الرِّزْقَ وَ يَبْطُلُ الدِّينَ (الكافی ج 5 ص 541).

5- - قال الإمام الصادق علیه السلام: مَدَمِنَ الزنا وَ السَّرْقَةَ وَ شَارِبَ الْخَمْرِ كَ عَابِدِ وَثْنٍ (تفسير العياشي - عليه الرحمة - ج 2 ص 105). (وراجع: عقاب الأعمال ص 291).

377 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جوانی فرمود: - ای جوان - ازدواج کن.

و از انجام دادن زنا پرهیز نما.

زیرا ارتکاب زنا. ایمان را از دل تو بیرون می کند(1).

378 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شخصی که عمل زنا را دوست داشته باشد.

دروغ می گوید اگر بگوید: من حلال زاده هستم(2).

379 - امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی که از ارتکاب حرام و زنا خوشحال می گردد و از این عمل مسرور و مشعوف می شود.

شیطان شریک او شده است(3).

380 - در حدیث آمده است: شخصی که بخاطر عمل نامشروع جنسی سنگسار می گردد(4). در حقیقت خوار و ذلیل گشته. و از

رحمت الهی دور شده است.

و شخصی که از رحمت الهی دور شده است شایستگی دوستی و قرب را نخواهد داشت(5).

ص: 224

---

1- - (قال رسول الله صلى الله عليه وآله لشاب): - يا شاب - تزوج. و إياك و الزنا. فإنه ينزع الإيمان من قلبك (مكارم الأخلاق ج 1 ص 430).

2- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: كذب من زعم (أنه) (1) ولد من حلال. و هو يحب الزنا (الأمالی للشيخ الصدوق - عليه الرحمة - ص 278 المجلس 37 و روضه الواعظین ج 2 ص 448).

3- - قال الإمام الصادق عليه السلام: من شغف بمحبه الحرام و شهوه الزنا. فهو شرك شیطان (الفقيه ج 4 ص 299 و معانی الأخبار ص 400 والاختصاص ص 220 و روضه الواعظین ج 2 ص 447).

4- - اگر چنانچه توبه واقعی نکند. و مورد آمرزش الهی قرار نگیرد.

5- - (قال الإمام عليه السلام):... الرجم خزی. و من قد أمر الله برجمه. فقد أخزاه. و من أخزاه. فقد أبعده. و من أبعده. فليس لأحد أن يقربه (كمال الدين ص 460 و دلائل الإمامه ص 512 باب: من شاهده عليه السلام فی حياه أبيه عليه السلام). (1) ما بین القوسین لم يذكر فی روضه الواعظین.

## محرومیت از ازدواج نمودن با زنان پاکدامن - قبل از توبه کردن -

381 - در حدیث آمده است: شخصی که مرتکب عمل نامشروع زنا می گردد و به این کار مشهور می باشد - و برای انجام این عمل مجازات شده است - شایستگی ندارد تا با زنان پاکدامن ازدواج نماید. مگر پس از آنکه توبه کند (2).

ص: 225

1- - شخصی که مرتکب عمل شنیع زنا می گردد - بخاطر ارتکاب این جرم - از داشتن بعضی از حقوق محروم می شود. در این بخش - مختصراً - به پاره ای از این موارد اشاره می کنیم. و برای اطلاع بیشتر از این موضوع به کتب مربوطه مراجعه فرمائید.

2- - عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله عزّ وجلّ: الزّاني لا ینکح إلیّ زانیةً أو مُشْرِکَةً وَالزّانیةُ لا ینکحُها إلیّ زانٍ أو مُشْرِکًا. قال علیه السلام: ... من شهر شیئاً - من ذلک - . أو اقیم علیه الحدّ. فلا تزوّجوه. حتّی تعرف توبته (الكافی ج 5 ص 355). قال الإمام الصادق علیه السلام: ... من اقیم علیه حدّ الزنا - أو شهر به - لم ینبغ لأحد أن یناکحه حتّی يعرف منه التوبه (الكافی ج 5 ص 354). قال الإمام الصادق علیه السلام: ... من اقیم علیه حدّ الزنا - أو متّهم بالزنا - لم ینبغ لأحد أن یناکحه حتّی يعرف منه التوبه (الكافی ج 5 ص 354). قال الإمام الصادق علیه السلام: ... من اقیم علیه حدّ الزنا - أو شهر بالزنا - لم ینبغ لأحد أن یناکحه حتّی يعرف منه توبه (من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 257 و تهذیب الأحکام ج 7 ص 469 و مکارم الأخلاق ج 1 ص 336). فی مکارم الأخلاق هکذا: لا ینبغی. عن الحلبي قال: قال أبو عبد الله علیه السلام: لا تتزوّج المرأة المستعلنة بالزنا. و لا تزوّج الرجل المستعلن بالزنا. إلیّ أن تعرف منهما التوبه (الفقیه ج 3 ص 256 و المکارم ج 1 ص 446). عن الحكم بن الحکیم عن أبي عبد الله علیه السلام فی قوله عزّ وجلّ: الزّانی لا ینکحُ إلیّ زانیةً أو مُشْرِکَةً وَالزّانیةُ لا ینکحُها إلیّ زانٍ أو مُشْرِکًا. قال علیه السلام: إنّما ذلک فی الجهر. ثمّ قال علیه السلام: لو أنّ إنساناً زنا - ثمّ تاب - تزوّج حیث شاء (الكافی ج 5 ص 355). قیل: هذا الحکم نسخ بقوله عزّ وجلّ: و أنکحوا الأیامی منکم (مجمع البیان ج 7 ص 198).



382 - امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردی با زنی زنا کند. آن مرد نمی تواند با دختر آن زن ازدواج نماید(1).

ص: 226

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: إذا فجر الرجل بالمرأه. لم تحلّ له ابنتها - أبداً - . وإن كان قد تزوّج ابنتها قبل ذلك - ولم يدخل بها - فقد بطل تزويجه. وإن هو تزوّج ابنتها ودخل بها. ثم فجر بأُمّها - بعد ما دخل بابنتها - فليس يفسده (1) فجوره - بأُمّها - نكاح ابنتها. إذا هو دخل بها (تهذيب الأحكام ج 7 ص 384 والاستبصار ج 2 ص 166 الباب 108). (وراجع: النوادر للشيخ أبي جعفر محمد بن عيسى الأشعري القمي - عليه الرحمه - ص 95). عن منصور بن حازم عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن رجل فجر بامرأه أيتزوّج ابنتها؟ قال عليه السلام: إن كان قبله - أو شبهها - فلا بأس. وإن كان زنا. فلا (تهذيب الأحكام ج 8 ص 29). عن منصور بن حازم عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن رجل فجر بامرأه أيتزوّج ابنتها؟ قال عليه السلام: إن كان قبله - أو شبهها - فليتزوّج ابنتها - إن شاء - . وإن كان جماعاً. فلا يتزوّج ابنتها. ولتتزوجها (الكافي ج 5 ص 417). عن منصور بن حازم عن أبي عبد الله عليه السلام في رجل كان بينه وبين امرأه فجور؟ فهل (2) يتزوّج ابنتها؟ فقال عليه السلام (3): إن كان (من) (4) قبله - أو شبهها - فليتزوّج ابنتها. وإن كان جماعاً. فلا يتزوّج ابنتها. ولتتزوجها هي (إن شاء) (5) (الكافي ج 5 ص 417 و تهذيب الأحكام ج 7 ص 384). (راجع: عوالي اللئالي ج 3 ص 331). قال ابن إدريس: وقد روى: أن من فجر بعمته أو خالته لم تحلّ له ابنتها - أبداً - (وسائل الشيعة ج 20 ص 432). قال الشيخ - رحمه الله -: و من فجر بعمته أو خالته. حرّمت عليه ابنتها. ولم تحلّ له بنكاح - أبداً - (تهذيب الأحكام ج 7 ص 364). (1) في الإستبصار: يُفسد. (2) في التهذيب: هل. (3) في التهذيب: قال. (4) ما بين القوسين لم يذكر في التهذيب. (5) ما بين القوسين لم يذكر في التهذيب.

383 - محرومیت از حضور در شهر - و تبعید شدن از دیار - از جمله مجازات‌هایی است که ممکن است شخص زناکار. مستحق آن باشد (1).

### محرومیت از دیه و خونبها

384 - در حدیث آمده است: اگر مردی بخواهد به زنی تجاوز نماید و با او زنا کند و آن زن برای دفاع از خود. آن مرد را به قتل برساند - در این صورت - آن مقتول. دیه و خونبها ندارد (2).

### محرومیت از قبول گواهی و شهادت

385 - در حدیث آمده است: شخصی که مرتکب زنا می‌گردد. شهادت و گواهی او مورد قبول قرار نمی‌گیرد (3).

ص: 227

- 
- 1 - قال الإمام الصادق عليه السلام: إذا زنا الشابَّ الحدث. جُلد مأه. و نفی سنه من مصره (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 28). قال الإمام الصادق عليه السلام: إذا زنا الشابَّ الحدث. السنَّ جُلد. و نفی سنه من مصره (تهذيب الأحكام ج 10 ص 6). قال الإمام الصادق عليه السلام: إذا زنا الشابَّ الحديث السنَّ جُلد. و نفی سنه عن مصره (عوالي اللئالی ج 3 ص 553-554). قال الإمام الصادق عليه السلام: إن نفی من بلد إلى بلد. و قد نفی أمير المؤمنين عليه السلام رجلین من الكوفه إلى البصره (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 17 باب: ما يجب به التعزیر و الحدّ و الرجم و القتل و النفی فی الزنا). (راجع: تهذيب الأحكام ج 10 ص 41 باب: حدود الزنا).
  - 2 - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من كابر إمرأه ليفجر بها. فقتلته. فلا ديه له. و لا قود (الكافي 293/7).
  - 3 - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تقبل شهادة الخائن و لا الخائنه و لا الزانی و لا الزانیه. و لا ذی غمز علی أخیه. و الغمز: الحقد (عوالي اللئالی ج 1 ص 242 و مستدرک الوسائل ج 17 ص 434).

(1)

386 - با مراجعه به کتب فقهی می توان نسبت به موضوعات زیر - که بخشی از مطالب مربوط به تنبیه جسمی و بدنی زناکار می باشد - آگاهی و اطلاع پیدا نمود:

(1) معنای زنا در اصطلاح شرع.

(2) شرائط تحقق زنا و وقوع آن.

(3) چگونگی اثبات وقوع زنا (2).

(4) مجازات ارتکاب این عمل.

(5) تنوع و گوناگونی مجازات این عمل.

(6) علل و اسباب و عوامل تنوع و گوناگونی مجازات این عمل.

(7) شناخت شرایط و وضعیت و موقعیت فردی که مستحق مجازات می باشد.

(8) شرائط زمانی و مکانی اجرای مجازات.

(9) کیفیت اجرای مجازات.

(10) شرائط افرادی که می توانند این گونه مجازاتها را اعمال نموده و اجرا کنند.

و چگونگی شناخت و احراز صلاحیت آنها.

ص: 228

1- اینگونه مجازاتها - در اصطلاح فقهی - حدود و تعزیر نام دارد.

2- انتساب ارتکاب این عمل - به اشخاص - با دو صورت به اثبات خواهد رسید: 1) اقرار و اعترافی که حجیت داشته و مورد قبول شرع باشد. زیرا اقرار و اعترافی که از روی اجبار یا اکراه یا اضطراب یا ترس یا ارباب یا تهدید یا جهل و نادانی یا هزل و شوخی - و امثال آن - و همچنین اقرار و اعترافی که در حال خواب یا بیهوشی انجام می گیرد. حجیت نداشته و برای اثبات وقوع این امر. نافذ و کارساز نمی باشد. 2) گواهی شهود اربعه و وجود دلایل و مدارکی که حجیت داشته و مورد قبول شرع باشد.

### آبرو را از بین می برد

387 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زنا آبرو را از بین می برد(1).

### اجل و مرگ را نزدیک می سازد

388 - در حدیث آمده است: شخصی که مرتکب عمل زنا می گردد.

اجل و مرگ او زود هنگام می شود(2).

389 - امام سجّاد علیه السلام فرمود: زنا از گناهانی است که باعث مرگ زود هنگام می گردد(3).

### اعمال نیک را از بین می برد و آن را نابود می سازد

390 - شخصی - پس از آنکه هشتاد سال خدا را عبادت نمود - روزی به زن نامحرمی نگاه شهوت آمیزی نمود. سپس وسوسه شده و به طرف آن زن رفت. و با آن زن.

عمل نامشروع زنا را انجام داد. در این هنگام ملک الموت به سراغ آن مرد آمد - در حالی که زبان او بند آمده بود - (4).

و بدین ترتیب خداوند متعال. اعمال نیک هشتاد ساله این مرد را بخاطر ارتکاب عمل نامشروع زنا. نابود ساخته و از بین برد(5).

ص: 229

1- عن الفضیل عن أبی جعفر علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: فی الزنا خمس خصال: یدهب بماء الوجه. و یورث الفقر. و ینقص العمر. و یسخط الرحمن. و یخلّد فی النار. نعوذ باللّٰه من النار (الکافی ج 5 ص 542).

2- برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 241 مراجعه فرمائید.

3- قال الإمام السجّاد علیه السلام: والذنوب التي تعجّل الفناء... الزنا (معانی الأخبار ص 271).

4- یعنی هنگامی که ملک الموت سراغ آن مرد آمد زبان او بند آمده و سنگین شد.

5- (قال الإمام الباقر علیه السلام): عبد الله عابد - ثمانین سنه - ثمّ أشرف علی امرأه. فوقع فی نفسه. فنزل إلیها. فراودها عن نفسها. فطاوعته. فلمّا قضی منها. طرقة ملک الموت. فاعتقل لسانه... فأحبط الله عمل ثمانین سنه بتلك الزنيه... (عقاب الأعمال ص 167 و

عوالی اللّٰالی ج 1 ص 353 و الأصول السنّه عشر ص 348 تحقیق و نشر مؤسسه دار الحدیث).

## برکت رزق را از بین می برد

391 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال در رزق شخصی که مرتکب زنا می گردد.

برکت را قرار نمی دهد(1).

## جنایت بزرگی بشمار می آید

392 - امام رضا علیه السلام در باره زنا فرمود: این کار از بزرگترین جنایتها بشمار می آید(2).

## خیر و برکت را از بین می برد

393 - امام کاظم علیه السلام فرمود: زنا باعث از بین رفتن برکت می گردد(3).

394 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زنا و خیر در یک خانه جمع نمی شود(4). (5) 395 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

فرمود: خانه ای که در آن زنا وارد می شود. خراب گشته و از برکت تهی می گردد(6).

ص: 230

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أهل الزنا ليس على وجوههم نور ولا بهاء. ولم يجعل الله في رزقهم بركة (مستدرک الوسائل ج 14 ص 332).

2- قال الإمام الرضا عليه السلام في شأن الزنا: ... وهو أعظم الجنایات (علل الشرایع ج 2 ص 308 الباب 331 و عیون الأخبار ج 2 ص 104 الباب 33 و المناقب ج 4 ص 387).

3- قال الإمام الكاظم عليه السلام: إياك و الزنا. فإنه يمحق البركة. و يهلك الدين (الكافی ج 5 ص 542).

4- یعنی: ارتکاب عمل شنیع زنا باعث از بین رفتن خیر و برکت در خانه می گردد.

5- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يجتمع الزنا و الخیر فی بیت (الجعفریات ص 169 و دعائم الإسلام ج 2 ص 448).

6- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أربعة لا تدخل بيتاً واحده منهنّ إلاّ خرب. و لم يعمر بالبركة: الخيانة. و السرقة. و شرب الخمر. و الزنا (عقاب الأعمال ص 289 و الأمالی للشيخ الصدوق - عليه الرحمة - ص 482 المجلس 62 و عوالی اللئالی ج 1 ص 363). فی الأمالی: أربع.

396 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زنا باعث فقر می گردد.

و شهر و دیار را از سکنه خالی می سازد(1).

**خشم و غضب خداوند متعال را موجب می گردد**

397 - امام باقر علیه السلام فرمود: بدرستی که خداوند عزّ و جلّ بر شخص زناکار غضب نموده است(2).

398 - در حدیث آمده است: خشم و غضب خداوند متعال بر افراد زناکار شدید است(3).

399 - در حدیث آمده است: شخصی که با زن نامحرمی مرتکب فحشاء گردد از دنیا نمی رود مگر آنکه خداوند متعال بر او غضب می کند.

و شخصی که خداوند متعال بر او غضب می کند. آسمانها و زمینهای هفتگانه نیز بر او غضب خواهند کرد(4).

ص: 231

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الزنا يورث الفقر. ويدع الديار بلاقع (الفقيه ج 4 ص 13). أي: خاليه. و هو كناية عن خرابها و اباده أهلها. و البلقع: الأرض القفراء التي لا شيء فيها (مجمع البحرين ج 1 ص 245).

2- قال الإمام الباقر عليه السلام: إنّ الله غضب على الزاني (تفسير العياشي رحمه الله ج 1 ص 233).

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تعرض على الله أعمال بني آدم كلّ جمعه - مرتين -. فتكون شدّه غضب الله على الزاني (مستدرک الوسائل ج 14 ص 331-332). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ أعمال امتي تعرض علىّ في كلّ جمعه - مرتين -. فأشتدّ غضب الله على الزناه (سعد السعود ص 421 - نشر: دليل -).

4- (قال رسول الله صلى الله عليه وآله): من وصف امرأة لرجل - و ذكر جمالها له - فإفتن بها الرجل. فأصاب منها فاحشه. لم يخرج من الدنيا حتّى يغضب الله عليه. و من غضب الله عليه غضب عليه السماوات السبع والأرضون السبع. و كان عليه - من الوزر - مثل الذي أصابها... (عقاب الأعمال ص 337 و اعلام الدين ص 417).

400 - خداوند عزّ وجلّ در حدیث قدسی فرمود: شخصی که مرتکب زنا می شود. از دیدن نور الهی محروم می گردد. و درهای آسمان به روی دعای او بسته می شود(1).

### دشمنی خداوند متعال را موجب می گردد

401 - امام سجّاد علیه السلام در باره عمل زنا فرمود: این کار گناه و معصیت می باشد.

و موجب بغض و دشمنی خداوند متعال است(2).

402 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال دشمن می دارد مردی را که مرتکب زنا می گردد(3).

403 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: دشمن ترین خلائق در نزد خداوند متعال مردی است که مرتکب زنا می گردد(4).

ص: 232

---

1- قال الإمام الباقر عليه السلام: أوحى الله عزّ وجلّ إلى موسى بن عمران عليه السلام: لا تزن. فأحجب (1) عنك نور وجهي. و تغلق أبواب السماء دون دعائك (المحاسن ج 1 ص 194 و في بحار الأنوار ج 76 ص 27 نقله عن المحاسن).

2- في رواية أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً. يقول: معصية و مقتاً. ف إنّ الله يمقته و يبغضه... (تفسير القمّي - عليه الرحمه - ج 2 ص 18).

3- قال رسول الله صلى الله عليه و آله: إنّ الله يبغض الزاني (تحف العقول ص 42).

4- قال أميرالمؤمنين عليه السلام: أبغض الخلائق - إلى الله - الشيخ الزاني (غرر الحكم ص 187). قال أميرالمؤمنين عليه السلام: أمقت العباد - إلى الله - الفقير المزهو. والشيخ الزان. و العالم الفاجر (غرر الحكم ص 486). (1) في بحار الأنوار: فيحجب.

404 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در دنیا هیچ چیز در نزد خداوند دشمن تر از شخص زناکار نمی باشد(1).

405 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چهار گروه هستند که خداوند متعال آنها را دشمن می دارد.

از جمله آنها: مردی است که مرتکب زنا می گردد(2).

406 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آیا می خواهید شما را خبر کنم به دشمن ترین خلائق در نزد خداوند متعال؟

مردم گفتند: آری.

آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسانی که با نوامیس همسایگان خود زنا می کنند(3).

### رزق و روزی را از بین می برد

407 - امام صادق علیه السلام فرمود: زنا از جمله گناهانی است که رزق را از بین می برد(4).

ص: 233

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما فى الدنيا شىء أبغض إلى الله من شىء زانٍ (مشكاة الأنوار ج 1 ص 384).

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أربعه يبغضهم الله تعالى: البياع الحلاف. و الفقير المحتال (1). و الشيخ الزانى. و الإمام الجائر (عوالى اللئالى ج 1 ص 263 و مستدرک الوسائل ج 13 ص 273).

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا اخبركم بأبغض الخلق إلى الله تعالى؟ قالوا: بلى - يا رسول الله -. قال صلى الله عليه وآله: الزنانون بحلائل جيرانهم (جامع الأحاديث ص 201).

4- قال الإمام الصادق عليه السلام: الذنوب التى تحبس الرزق: الزنا (الاختصاص ص 238). (راجع: الكافى ج 2 ص 448 و علل الشرائع ج 2 ص 362 الباب 385 و معانى الأخبار ص 269). قال الإمام الكاظم عليه السلام: اتق الزنا. فإنه يمحق الرزق و يبطل الدين (الكافى ج 5 ص 541). (1) فى مستدرک الوسائل: المختال.



408 - در حدیث آمده است: کسانی که به نوامیس مردم متعرض شده و با آنها زنا می کنند.

دیگران نیز به نوامیس آنها تعرض نموده و با آنها زنا می کنند(1).

409 - جناب جعفر طیار - علیه الرحمه - فرمود: من در زندگی هیچگاه مرتکب زنا نشده ام. زیرا می ترسم اگر به دیگران خیانت کنم.

دیگران نیز به من خیانت کنند(2).

ص: 234

1- - عن أبي إبراهيم عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تزوجوا إلى آل فلان. ف إنهم عَفُوا. ف عَفَّتْ نساؤهم. و لا تزوجوا إلى آل فلان. ف إنهم. بغوا. ف بغت نساؤهم (الكافي ج 5 ص 554 و عوالي اللئالی ج 3 ص 548). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: عَفُوا. تعف نساؤكم. إن بنی فلان. زنوا. ف زنت نساؤهم (مكارم الأخلاق ج 1 ص 508). عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لما أقام العالم الجدار. أوحى الله تبارك و تعالی إلى موسى عليه السلام: إنى مجازى الأبناء. ب سعى الآباء. إن خيراً. ف خيراً. و إن شراً. ف شراً. لا تزنوا. فتزنى نساؤكم. و من وطئ فراش امرء مسلم. وطئ فراشه. كما تدين تدان (الكافي ج 5 ص 553 و المحاسن ج 1 ص 193). فى المحاسن هكذا: إن خيراً. ف خيراً. و إن شراً. ف شراً. قال الإمام الكاظم عليه السلام: مكتوب فى التورات: - أيها الناس - لا تزنوا. فتزنى نساؤكم. كما تدين تدان (الكافي ج 5 ص 554 و عوالي اللئالی ج 3 ص 548). قال الإمام الباقر عليه السلام: كان فيما أوحى الله تعالى إلى موسى بن عمران عليه السلام - يا موسى بن عمران - من زنا. زنى به - و لوفى العقب من بعده - (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 13 و عوالي اللئالی ج 3 ص 546).

2- - قال جعفر بن أبي طالب عليهما السلام: ... ما (1) زنى - قط - لأنى خفت. إنى إذا عملت. عمل بى... (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 283 و الأمالى للشيخ الصدوق - عليه الرحمه - ص 133 المجلس 17 و علل الشرائع ج 2 ص 327 الباب 248 و روضه الواعظین ج 2 ص 28). (1) فى روضه الواعظین: لا.

410 - در زمان حضرت داود علیه السلام مردی به نزد زن شوهرداری می رفت - و با زور و اجبار - با او عمل شنیع و ناشایست زنا انجام می داد.

روزی آن زن به آن مرد گفت: بدان. هر بار که تو به نزد من آمده و با من مرتکب عمل شنیع می شوی - در همین هنگام - مردی نیز به نزد همسر تو رفته و با او مرتکب عمل ناشایست می گردد.

آن مرد نگران شده و به نزد همسر خود رفته و با کمال تعجب دید که مردی در کنار همسر او می باشد.

سپس او. آن مرد را به نزد حضرت داود علیه السلام آورده و از مرد شکایت کرده و به آن حضرت گفت: این مرد را دیدم که در کنار همسر من بود.

در این هنگام خدای متعال به حضرت داود علیه السلام فرمود: به این مرد بگو:

هر چه با دیگران کنی. دیگران نیز با تو کنند(1).

ص: 235

---

1- - کانت امرأه علی عهد داود علیه السلام یأتیها رجل یستکرهها علی نفسها. فألقى الله عز وجل فی قلبها. فقالت له: إنک لا تأتینی - مرّه - إلاّ و عند أهلک من یأتیهم. فذهب الرجل إلى أهله. فوجد عند أهله رجلاً. فأتی به إلى داود علیه السلام. فقال: - یا نبی الله - أتی إلى ما لم یؤت إلى أحد. قال علیه السلام: و ما ذاک؟ قال: وجدت هذا الرجل عند أهلی. فأوحی الله تعالی إلى داود علیه السلام قل له: کما تدین تدان (من لا یحضره الفقیه ج 4 ص 14). (قال الإمام الصادق علیه السلام): إتیها کانت بغی فی بنی اسرائیل. و کان فی بنی اسرائیل رجل یكثر الاختلاف إلیها. فلما کان فی آخر ما أتاها أجری الله - علی لسانها - : أمّا إنک سترجع إلى أهلک فتجد معها رجلاً. قال: فخرج - و هو خبیث النفس - فدخل منزله غیر الحال التي کان یدخل بها قبل ذلك الیوم - و کان یدخل بإذن - فدخل یومئذ بغیر إذن. فوجد علی فراشه رجلاً. فارتعنا إلى موسی علیه السلام فنزل جبرئیل علیه السلام علی موسی علیه السلام فقال: - یا موسی - من یزن یوماً یزن به. فنظر إلیهما فقال: عقّوا. تعف نساؤکم (الکافی ج 5 ص 553).

411 - در حدیث آمده است: کسانی که به نوامیس مردم متعرض شده و با آنها زنا می کنند.

این کار موجب می گردد که نسل و تبار آنها نیز مورد تعرض دیگران قرار بگیرد(1).

### شایستگی نداشتن برای عفو و آمرزش

412 - در حدیث آمده است: خداوند متعال در شب مبارک قدر افرادی گناهکار از این امت را مورد عفو و آمرزش خود قرار می دهد. بجز چند گروه از آنها را.

از جمله آنها: شخصی است که مرتکب زنا می گردد(2).

ص: 236

1- - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لما أقام العالم الجدار. أوحى الله تبارك وتعالى إلى موسى عليه السلام: إني مجازي الأبناء. ب سعي الآباء. إن خيراً، ف خيراً. وإن شراً، ف شرّاً. لا تزنوا. فترزني نساؤكم. و من وطئ فراش إمرء مسلم. وطئ فراشه. كما تدین تدان (الكافي ج 5 ص 553 و المحاسن ج 1 ص 193). في المحاسن هكذا: إن خيراً، ف خيراً. و إن شرّاً، ف شرّاً. قال الإمام الباقر عليه السلام: كان فيما أوحى الله تعالى إلى موسى بن عمران عليه السلام - يا موسى بن عمران - من زنا. زنى به - و لوفى العقب من بعده - (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 13 و عوالي اللئالی ج 3 ص 546). قال الإمام الباقر عليه السلام: فيما أوحى الله تبارك وتعالى إلى موسى بن عمران عليه السلام: - يا موسى - إنه بنی إسرائيل عن الزنا. فإنه من زنا. زنى به - أو بالعقب من بعده - (دعائم الإسلام ج 2 ص 449). قد جاء في الأثر: من زنا زنى به - و لوفى عقب عقبه (شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد ج 19 ص 211).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله يرحم عصاه امتي في الليلة المباركة... فيغفر لهم إثمانيه نفر: المشرك. و الكاهن. و الساحر. و العاق. و آكل الربا. و مدمن الخمر. و الزاني. و الماجن (مستدرک الوسائل ج 13 ص 109).

413 - در حدیث آمده است: زمین به خود می لرزد و به خدای عزّ وجلّ شکوه و شکایت می کند از آبی که از شستشو و غسل بعد از زنا بر روی آن ریخته می گردد(1).

### عذاب و عقوبت در قبر

414 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که با زن مسلمان یا یهودی یا نصرانی یا مجوسی زنا نماید. و از این کار توبه نکند و تا هنگام مرگ بر این کار اصرار داشته باشد.

خداوند متعال در قبر او سیصد درب از آتش را می گشاید.

و از هر یک از این دربها اژدها و مارها و عقربهایی - که از دهان آنها آتش بیرون می آید - بر او وارد می شوند.

و او - تا روز قیامت - در این آتش می سوزد(2).

415 - در حدیث آمده است: شخصی که مرتکب زنا می گردد از قبر خود - در حالی که کور و کر و گنگ می باشد - به طرف محشر روانه می گردد(3).

ص: 237

---

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما عجت الأرض إلى ربّها كعجتها من إغتسال من زنا (جامع الأخبار ص 407 الفصل 107).

(راجع: الخصال ص 141 و من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 13 و روضه الواعظین ج 2 ص 445 و عوالی اللئالی ج 3 ص 545).

2- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 248 مراجعه فرمائید.

3- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ... يحشر صاحب الغناء - من قبره - أعمى و أخرس و أبكم. و يحشر الزانی مثل ذلك (جامع الأخبار ص 433 الفصل 115).

## فقر و تنگدستی را موجب می‌گردد

416 - در حدیث آمده است: شخصی که مرتکب عمل زنا می‌گردد.

فقیر و تنگدست می‌شود(1).

417 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زنا باعث فقر و تنگدستی می‌گردد(2).

418 - امام کاظم علیه السلام فرمود: در تورات این گونه نوشته شده است:

من خدا هستم. قاتلین را می‌کُشم.

و زناکاران را فقیر می‌سازم(3).

## فساد و تباهی را بوجود می‌آورد

419 - امام رضا علیه السلام فرمود: زنا موجب فساد و تباهی می‌گردد(4).

ص: 238

---

1- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 241 مراجعه فرمائید.

2- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: الزنا يورث الفقر (الخصال ص 505).

3- - قال الإمام الكاظم عليه السلام: مكتوب في التورات: أنا الله. قاتل القاتلين. و مفقر الزانين (الكافي ج 5 ص 554 و عوالي اللئالی ص 548). جاء في الحديث القدسي: إني أنا الله. لا إله إلا أنا. ذو بكة. مفقر الزناه. و تارك تارك الصلاة. عراه (اعلام الدين ص 152).

4- - قال الإمام الرضا عليه السلام: حرّم الله تعالى الزنا لما فيه من الفساد. من قتل الأنفس و ذهاب الأنساب و ترك التربية للأطفال و فساد الموارث. و ما أشبه ذلك من وجوه الفساد (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 369 و عيون الأخبار ج 2 ص 99 الباب 33). سئل (الإمام الصادق عليه السلام: لِمَ حرّم الله الزنا؟ قال عليه السلام: لما فيه من الفساد و ذهاب الموارث و إنقطاع الأنساب. لا تعلم المرأه - في الزنا - من أحبها. و لا المولود يعلم من أبوه. و لا أرحام موصوله. و لا قرابه معروفه (المناقب ج 4 ص 285).

420 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج گروهی را مشاهده نمودند که پوست بدن آنها با سوزنی از آتش دوخته می شد.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله به جبرئیل فرمود: اینها چه کسانی هستند؟

جبرئیل گفت: اینها مردانی بودند که با زنها زنا می کردند(1).

421 - حضرت یعقوب علیه السلام به یکی از فرزندان خود فرمود:

- ای فرزندم - هیچگاه مرتکب زنا نشو.

زیرا چنانچه پرنده ای مرتکب زنا گردد. پره‌های او گنده می شود(2).

### لذت آمیزش با همسر را از بین می برد

422 - در حدیث آمده است: زنا نکنید. زیرا این کار. لذت آمیزش با همسر را از بین خواهد برد(3).

ص: 239

---

1- (من جمله ما جرى في ليلة المعراج): ثم مرّ صلى الله عليه وآله على قومٍ تخاط جلودهم بمخائط من نار. فقال صلى الله عليه وآله: ما هؤلاء - يا جبرئيل -؟ فقال: هؤلاء الذين يأخذون عذره النساء بغير حلّ (الأمالى للشيخ الصدوق - عليه الرحمة - ص 525 المجلس 69 وروضه الواعظين ج 1 ص 153). في روضه الواعظين: يخاط.

2- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال يعقوب عليه السلام لابنه: - يا بُنَيَّ - لا تزن. فإنّ الطائر لو زنا. ل تناثر ريشه (الكافي ج 5 ص 542 و من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 13 و عوالى اللئالى ج 3 ص 546). فى الفقيه و العوالى: الطير. عن أبى عبد الله عليه السلام قال: قال يعقوب عليه السلام لابنه: - يا بُنَيَّ - لا تزن. فلو أنّ الطير زنا. ل تناثر ريشه (المحاسن ج 1 ص 193).

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تزنوا. فيذهب الله لذّه نساكنكم من أجوافكم (مكارم الأخلاق ج 1 ص 508)

423 - در حدیثی که پیرامون موجودات مسخ شده و علت مسخ آنان می باشد. آمده است: مرد زیبایی که با زنی - که شوهر با ایمانی داشت - مرتکب زنا شد.

این دو نفر - بخاطر ارتکاب این گناه - مسخ شدند.

و به شکل و صورت دو طاووس درآمدند(1).

424 - در حدیثی که پیرامون موجودات مسخ شده و علت مسخ آنان می باشد. آمده است: پادشاهی که مرتکب زنا می شد. مسخ شده و به شکل فیل درآمد(2).

425 - در حدیثی که پیرامون موجودات مسخ شده و علت مسخ آنان می باشد. آمده است: مردی که مرتکب عمل شنیع زنا می گشت و هیچ چیز او را از این عمل زشت باز نمی داشت. مسخ شده و بصورت و شکل کرم سیاهی - که در آب زندگی می کند - درآمد(3).

ص: 240

1- - قال الإمام الرضا عليه السلام: الطاووس مسخ. كان رجلاً جميلاً. فكابره امرأة رجل مؤمن (تحبّه) (1) فوقع بها. ثم راسلته - بعد - (ذلك) (2). فمسخهما الله عزّ وجلّ طاووسين - انثى و ذكراً - . ولا يؤكل (3) لحمه ولا بيضه. (الكافي ج 6 ص 247 و تهذيب الأحكام ج 9 ص 21 الباب 1). قال: و كان إساف و نائله رجل و امرأة زنيا - في البيت - . فمسخا حجّرين (تفسير القمّي - عليه الرحمه - ج 2 ص 83).

2- - قال الإمام الرضا عليه السلام: الفيل مسخ. كان ملكاً زئاناً (الكافي ج 6 ص 246 و التهذيب ج 9 ص 46). قال الإمام الرضا عليه السلام: أمّا الفيل. فإنّه مسخ. لأنّه كان ملكاً زئاناً لوطياً (علل الشرائع ج 2 ص 232).

3- - قال عليه السلام: أمّا الدعوص. فكان رجلاً زانى الفرج - لا يدع (4) من شيء - فمسخه الله عزّ وجلّ دعوصاً (الخصال ص 493 و علل الشرائع ج 2 ص 235 الباب 239). (و فى الحديث): إنّ رجلاً زنا. فمسخه الله تعالى دعوصاً (بحار الأنوار ج 62 ص 237). (1) مابين القوسين لم يذكر فى التهذيب. (2) مابين القوسين لم يذكر فى الكافي. (3) فى التهذيب هكذا: فلا تأكل. (4) فى العلل: لا يرع.

426 - در حدیث آمده است: آسمانها و زمینها افراد زناکار را لعن و نفرین می کنند(1).

### نور چهره آنها از بین می رود

427 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسانی که مرتکب زنا می گردند در چهره آنها نور و جلوه وجود ندارد(2).

428 - در حدیث آمده است: شخصی که مرتکب عمل زنا می گردد.

نور چهره او از بین می رود(3).

ص: 241

---

1- - جاء فی الأثر: إنَّ السماوات السبع والأرضین السبع ل تلعنَّ العجوز الزانیه. و الشیخ الزانی (تنبییه الخواطر ج 1 ص 39).

2- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أهل الزنا لیس علی وجوههم نور ولا بهاء. و لم یجعل الله فی رزقهم برکه (مستدرک الوسائل ج 14 ص 332). روى: أن الزنا یسود الوجه. و یورث الفقر. و بیتر العمر. و یقطع الرزق. و یذهب بالبهاء. و یقرّب السخط. و صاحبه مخذول مشؤوم (مستدرک الوسائل ج 14 ص 330).

3- - قال الإمام الباقر علیه السلام: للزانی ستّ خصال: ثلاث فی الدنیا. و ثلاث فی الآخرة. أمّا (1) التي فی الدنیا: ف یذهب (2) بنور الوجه. و یورث الفقر. و یعجلّ الفناء. و أمّا التي فی الآخرة: ف سخط (3) الربّ. و سوء (4) الحساب. و الخلود (5) فی النار (الكافی ج 5 ص 541 و المحاسن ج 1 ص 192 و عقاب الأعمال ص 311 و من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 375 و الخصال ص 321 و عوالی اللئالی ج 3 ص 547). (1) فی الفقیه و الخصال: فأما. (2) فی المحاسن و الفقیه و الخصال هكذا: فإتّه یذهب بنور الوجه. (3) فی العوالی: فیسخط. (4) فی العوالی: و یسوء. (5) فی العوالی: و یخلّد.



429 - در حدیث آمده است: هیچ گناهی - بعد از شرک به خداوند - در نزد خداوند متعال بزرگتر از آن نیست که مردی مرتکب زنا گردد و نطفه خود را در رحم زنی که نامحرم او می باشد قرار دهد(1).

ص: 242

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من ذنب أعظم عند الله تبارك وتعالى - بعد الشرك (بالله تعالى) (1) - من نطفه حرام وضعها (إمرء) (2) في رحم (إمرأه) (3) لا تحلّ له (الجعفریات ص 169 و النوادر للسید فضل الله الراوندى - عليه الرحمه - ص 180). (راجع: عوالی اللثالی ج 1 ص 259). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لن (4) يعمل ابن آدم عملاً أعظم عند الله تبارك وتعالى من رجل: قتل نبياً أو إماماً. أو هدم الكعبه التي جعلها الله عزّ وجلّ قبله لعباده. أو أفرغ مائه في إمرأه - حراماً - (الخصال ص 120 و جامع الأحادیث ص 209 و روضه الواعظین ج 2 ص 445). (من جمله ما جاء في باب: معرفه الكبائر التي أوعده الله عزّ وجلّ عليها النار): قال الإمام الصادق عليه السلام: ... و الزنا. لأنّ الله عزّ وجلّ يقول: و من يفعل ذلك يلق أثاماً. يضاعف له العذاب يوم القيامة. و يخلّد فيها مهاناً (إلا من تاب) (5) (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 368 و علل الشرائع ج 2 ص 108 الباب 131 و عيون الأخبار ج 1 ص الباب 28 و الكافي ج 2 ص 286). (1) ما بين القوسين لم يذكر في الجعفریات. (2) ما بين القوسين لم يذكر في النوادر. (3) ما بين القوسين لم يذكر في الجعفریات. (4) في جامع الأحادیث: لم. (5) ما بين القوسين غير مذكور في الكافي.

### محرومیت از وارد شدن به بهشت و سکونت در آن

430 - در حدیث آمده است: شخصی که با زنی عمل شنیع زنا انجام دهد. خداوند متعال بهشت را بر او حرام خواهد کرد. و او را وارد آتش جهنم خواهد نمود (2).

### محرومیت از استنشام بوی بهشت

431 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به من خبر داد که بوی بهشت از فاصله هزار سال به مشام می رسد. اما شخصی که مرتکب زنا می گردد. بوی بهشت را استنشام نخواهد کرد (3).

ص: 243

- 
- 1- - در این فصل بخشی از احادیثی که مربوط به کيفر و عقوبت اخروی ارتکاب عمل شنیع زنا می باشد را ذکر می نمائیم. و سایر احادیثی که پیرامون این موضوع می باشد. در کتاب: جزای اعمال و سزای کردار ذکر شده است.
  - 2- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من قدر علی إمرأه - أو جاریه - حراماً. فترکها مخافه الله عزّ و جلّ. حرّم الله عزّ و جلّ علیه النار. و آمنه الله تعالی من الفزع الأ-کبر. و أدخله الله الجنّه. و إن أصابها حراماً حرّم الله علیه الجنّه. و أدخله النار (عقاب الأعمال ص 334 و اعلام الدین ص 414). فی اعلام الدین: و ترکها.
  - 3- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أخبرنی جبرئیل: أنّ ریح الجنّه يوجد من مسیره ألف عام. ما یجدها... شیخ زان (معانی الأخبار ص 330). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إنّ ریح الجنّه توجد من مسیره ألف عام. و لا یجدها... شیخ زان... (الکافی ج 2 ص 349 و جامع الأحادیث للشیخ جعفر بن أحمد القمّی - علیه الرحمه - ص 283 و مشکاه الأنوار ج 1 ص 362 و إرشاد القلوب ج 1 ص 340 الباب 52). (و جاء فی حدیث آخر هكذا):... إنّ الجنّه توجد ریحها من مسیره... و ما یجدها... شیخ زان (جامع الأحادیث ص 282).

432 - در حدیث آمده است: شخصی که مرتکب عمل زنا می گردد - در روز قیامت - مورد حسابرسی سخت و طاقت فرسا قرار خواهد گرفت(1).

### پاک نشدن و مورد تزکیه قرار نگرفتن آنها

433 - در حدیث آمده است: سه گروه هستند که - در روز قیامت - از تزکیه و پاک شدن محروم هستند.

از جمله آن گروه: شخصی است که مرتکب عمل زنا می گردد(2).

### محرومیت از نگاه رحمت آمیز الهی به آنها

434 - در حدیث آمده است: سه گروه هستند که - در روز قیامت - از نگاه رحمت آمیز الهی محروم هستند.

از جمله آن گروه: شخصی است که مرتکب عمل زنا می گردد(3).

435 - در حدیث آمده است: گروهی هستند که خداوند متعال در روز قیامت به دیده رحمت به آنها نمی نگرد.

از جمله آنها: شخصی است که با ناموس همسایه خود زنا می کند(4).

ص: 244

---

1- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 241 مراجعه فرمائید.

2- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 245 مراجعه فرمائید.

3- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 245 مراجعه فرمائید.

4- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: خمسة لا ينظر الله إليهم يوم القيامة... والفاعل بحليله جاره (مستدرک الوسائل ج 14 ص 331).

436 - در حدیث آمده است: سه گروه هستند که خداوند متعال - در روز قیامت - با آنها سخن نمی گوید. از جمله آنها: شخصی است که مرتکب عمل زنا می گردد(1).

### خشم و غضب خداوند عزّ و جلّ بر آنها

437 - در حدیث آمده است: شخصی که مرتکب عمل زنا می گردد - در روز قیامت - مورد خشم و غضب خداوند عزّ و جلّ قرار می گیرد(2).

ص: 245

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثة لا يكلمهم الله عزّ و جلّ يوم القيامة. ولا ينظر إليهم. ولا يزيكهم. ولهم عذاب أليم: شيخ زان. و ملك جبار. و مقلّ مختال (عقاب الأعمال ص 265 و من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 13 و الكافي ج 2 ص 311 و عوالي اللئالی ج 3 ص 546 و تفسير العياشي - عليه الرحمة - ج 1 ص 314). (راجع: دعائم الإسلام ج 2 ص 448). في عوالي اللئالی ج 1 ص 360: محتال. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة. ولا ينظر إليهم. ولهم عذاب أليم: العالم المبتغي بعلمه حطام الدنيا. و مستحلّ الحرمات بالشبهات. و الزاني بحليله جاره (تنبيه الخواطر ج 2 ص 121). قال الإمام الصادق عليه السلام: ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة و لا ينظر إليهم. و لا يزيكهم. و لهم عذاب أليم: الشيخ الزاني. و الديوث. و المرأة توطئ فراش زوجها (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 13). (و راجع: الكافي ج 5 ص 537 و دعائم الإسلام ج 2 ص 448). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثة لا يكلمهم الله و لا ينظر إليهم: أمير جائر. و شيخ زان. و عابد متكبر (تنبيه الخواطر ج 2 ص 121).

2- - عن حذيفة بن يمان قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: - يا معشر المسلمين - إياكم و الزنا. فإنّ فيه ستّ خصال: ثلاث في الدنيا. و ثلاث في الآخرة. فأما التي - في الدنيا - فإنّه يذهب بالبهاء و يورث الفقر و ينقص العمر. و أما التي - في الآخرة - فإنّه يوجب سخط الله و سوء حساب و الخلود في النار. ثمّ قال النبيّ صلى الله عليه وآله: سؤلت لهم أنفسهم أن سخط الله عليهم و في العذاب هم خالدون (الخصال ص 320).

438 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از شرمگاه زناکاران - در روز قیامت - آتشی شعله ور می گردد. و آنها با بوی گندیده شرمگاهشان شناخته می شوند(1).

439 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زناکاران - در روز قیامت - با بوی گند و متعفن شرمگاهشان شناخته می شوند(2).

440 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اهل آتش - در روز قیامت - از بوی گند و متعفن زناکاران فریاد سر می دهند(3).

441 - در حدیث آمده است: اهل آتش - در روز قیامت - از بوی گند و متعفن شرمگاه زناکاران اذیت می شوند(4).

442 - حضرت موسی علیه السلام به خدای متعال گفت: - ای خدا - کیفر شخصی که مرتکب زنا می گردد چیست؟

خداوند متعال به او فرمود: - ای موسی - دود متعفن و بدبوتر از مردار - در روز قیامت - او را فرا می گیرد(5).

ص: 246

- 
- 1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ الزَّناةَ يأتون - يوم القيامة - تشتعل فروجهن ناراً. يعرفون ب نتن فروجهن (إرشاد القلوب ج 1 ص 149 الباب 18).
  - 2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ الزَّناةَ يعرفون ب نتن فروجهن يوم القيامة (المستدرک ج 14 ص 331).
  - 3- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ لأهل النار صرخه من نتن فروج الزناة (إرشاد القلوب ج 1 ص 149).
  - 4- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من فجر بامرأه - ولها بعل - تفجر (1) من فرجهما من صديد - وإِ مسيره خمسمائة عام - يتأذى أهل النار من نتن فرجهما. و كانا من أشدَّ الناس عذاباً (عقاب الأعمال ص 338 و اعلام الدين ص 418).
  - 5- - قال موسى عليه السلام للربِّ عزَّ وجلَّ: - الهی - فما جزاء من زنا فرجه؟ قال عزَّ وجلَّ: - يا موسى - يدخن يوم القيامة بدخان أنتن من ریح الجیف. و يرفع فوق الناس... (فضائل الأشهر الثلاثة ص 89). (1) فی اعلام الدين هكذا: يفجر من فرجهما.

443 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که شخص زناکار را - در روز قیامت - حاضر می کنند.

او را بالای سر اهل آتش قرار می دهند.

در این حال. قطره ای از شرمگاه او بر اهل جهنم چکیده می شود.

در این هنگام اهل جهنم از بوی بد و متعفن این قطره اذیت می شوند.

و آنها از مأموران جهنم می پرسند:

این بوی گند و متعفن - که از آن اذیت شدیم - چیست؟

به آنها گفته می شود: این بوی گندیده و متعفن برخاسته از زناکاران است (1).

444 - در حدیث آمده است: هنگامی که زناکاران - در روز قیامت - از قبر بیرون آمده و به طرف صحرای محشر روانه می گردند.

مردم از بوی متعفن و گندیده آنها آزرده و اذیت می شوند.

ص: 247

---

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يؤتى بالزاني - يوم القيامة - حتى يكون فوق أهل النار. فتقطر (1) قطره من - فرجه - فيتأذى (2) بها أهل جهنم من ننتها. فيقول أهل جهنم للخزان: ما هذه الرائحة المنتنة التي قد آذتنا؟ فيقال (لهم) (3): هذه رائحة زانٍ. و يؤتى (4) بامرأه زانية. فتقطر (5) قطره من فرجها. فيتأذى بها أهل النار من ننتها (الجعفریات ص 169 و النوادر للسید فضل الله الراوندي - عليه الرحمه - ص 180). (و راجع: دعائم الإسلام ج 2 ص 448). (1) في الجعفریات: فيقطر. (2) في الجعفریات: فيؤذى. (3) ما بين القوسين لم يذكر في النوادر. (4) في الجعفریات: و تؤتى. (5) في الجعفریات: فيقطر.

1- - قال رسول الله صلى الله عليه و آله: من زنا بامرأه مسلمه أو يهوديه أو نصرانيه أو مجوسيه - حرّه أو أمه - ثمّ لم يتب (منه) (1). و مات مصراً عليه (2). فتح الله (له) (3) فى قبره ثلاثمأة باب (تخرج) (4) منها (5) حيّات و عقارب و ثعبان النار (6). (فهو يحترق) (7) إلى يوم القيامة. فإذا (8) بعث - من قبره - تأذى الناس من نتن ريحه. فيعرف بذلك و بما كان يعمل فى (دار) (9) الدنيا. حتّى يؤمر به إلى النار (الأمالى للشيخ الصدوق - عليه الرحمه - ص المجلس 66 و من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 6 و روضه الواعظين ج 2 ص 448 و جامع الأخبار ص 407 الفصل 107 و مكارم الأخلاق ج 2 ص 312 و تنبيه الخواطر ج 2 ص 260). قال رسول الله صلى الله عليه و آله: من زنا بامرأه يهوديه أو نصرانيه أو مجوسيه أو مسلمه - حرّه أو أمه - . - أو من كانت من الناس - . فتح الله عزّ و جلّ عليه فى قبره ثلاثمأة ألف باب من النار. تخرج عليه منها حيّات و عقارب و شهب (10) من النار. فهو (11) يحترق إلى يوم القيامة. (و) (12) يتأذى الناس من نتن فرجه فيعرف به إلى يوم القيامة حتّى يؤمر به إلى النار. فيتأذى به أهل الجمع مع ما هم فيه من شدّه العذاب (عقاب الأعمال ص 332 و اعلام الدين ص 412). (1) ما بين القوسين لم يذكر فى الأمالى و روضه الواعظين و جامع الأخبار. (2) فى جامع الأخبار: عليها. (3) ما بين القوسين لم يذكر فى جامع الأخبار و روضه الواعظين. (4) فى تنبيه الخواطر: يخرج. (5) فى جامع الأخبار و مكارم الأخلاق: منه. (6) فى تنبيه الخواطر هكذا: ثعبان من النار. (7) ما بين القوسين لم يذكر فى روضه الواعظين. (8) فى روضه الواعظين و تنبيه الخواطر: وإذا. (9) ما بين القوسين لم يذكر فى جامع الأخبار. (10) فى اعلام الدين: لهب. (11) فى اعلام الدين: و هو. (12) ما بين القوسين لم يذكر فى اعلام الدين.

445 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا می رسد. بوی متعفن و گندیده ای منتشر می شود که این بو. اهل محشر را مورد آزار و اذیت قرار می دهد - بگونه ای که نفسهای آنها گرفته می شود -.

در این هنگام منادی ندا می دهد: آیا می دانید این بوی متعفنی که شما را آزار داد چیست؟

مردم می گویند: نمی دانیم. اما این بو ما را بسیار مورد اذیت و آزار قرار داده است.

در این حین به آنها گفته می شود: این بوی متعفن مربوط به کسانی است که مرتکب زنا شده و از این عمل توبه نکرده اند.

پس بر شما لازم است که آنها را مورد لعن و نفرین قرار دهید. زیرا خدا آنها را مورد لعن و نفرین قرار داده است.

در این هنگام همه اهل محشر می گویند: - خداوندا - زناکاران را مورد لعن و نفرین خود قرار ده (1).

ص: 249

---

1- - قال زید بن علیّ علیهما السلام: قال أمير المؤمنين عليه السلام: إذا كان يوم القيامة. أهبّ الله ريحاً منتنه - يتأذى بها أهل الجمع - . حتى إذا همّت - أن تمسك بأنفاس الناس - ناداهم مناد: هل تدرّون ما هذه الريح التي (قد) (1) آذتكم؟ فيقولون: لا. فقد (2) آذتنا وبلغت منا كلّ مبلغ. قال: فيقال هذه (الريح) (3) ريح فروج الزناه الذين لقوا الله بالزنا - ثمّ لم يتوبوا - . ف العنّوهم - لعنهم الله - . قال: فلا يبقى في الموقف أحد إلا قال: اللهمّ لعن الزناه (عقاب الأعمال ص 312 و المحاسن ج 1 ص 194). (1) ما بين القوسين لم يذكر في المحاسن. (2) في المحاسن: وقد. (3) ما بين القوسين لم يذكر في المحاسن.



446 - وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (1) «68»

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (2) وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا «69»

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا «70» (الفرقان).

در این آیه مبارکه تصریح شده است که شخص زناکار در روز قیامت مورد عذاب قرار می گیرد. و جایگانه او آتش جهنم خواهد بود.

447 - در حدیث آمده است: سه گروه هستند که - در روز قیامت - مورد عذاب دردناک قرار می گیرند. از جمله آنها شخصی است که مرتکب عمل زنا می گردد (3).

448 - امام صادق علیه السلام فرمود: شدیدترین عذابها در روز قیامت برای شخصی خواهد بود که نطفه خود را در رحمی که برای او حرام می باشد می ریزد (4).

ص: 250

1- - ای: عقوبه و جزاء لما فعل.

2- - قیل: معناه: إنه يستحق - على كل معصية منها - عقوبه. فیضاعب علیه العقاب. و قیل: المضاعفه: عذاب الدنيا و عذاب الآخرة. و قیل: إن إثاماً. واد فی جهنم (مجمع البيان ج 7 ص 280-281). إثام: واد من أودیه جهنم - من صفر مذاب - . یكون فيه من عبد غیر الله. و من قتل النفس التي حرم الله. و یكون فيه الزناه (تفسیر القمی - علیه الرحمه - ج 2 ص 117).

3- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 245 مراجعه فرمائید.

4- - قال الإمام الصادق علیه السلام: إن أشد الناس عذاباً - يوم القيامة - رجل أقر نطفته فی رحم تحرم علیه (المحاسن ج 1 ص 192 و الکافی ج 5 ص 541 و عقاب الأعمال ص 313). قال علیه السلام: أشد الناس عذاباً - يوم القيامة - من أقر نطفته فی رحم محرّم علیه (الدعائم 447/2).

449 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی پیرامون شخص زناکار فرمود: سنگین ترین عذابها برای او خواهد بود(1).

## سکونت در آتش جهنم

450 - عمل شنیع زنا از جمله گناهان کبیره ای است که خداوند عزّ و جلّ مرتکب آن را به آتش جهنم وعید داده است(2).

451 - در حدیث آمده است: شخصی که با زنی عمل شنیع زنا انجام دهد. خداوند متعال او را وارد آتش جهنم خواهد ساخت(3).

452 - در حدیث آمده است: شخصی که مرتکب عمل زنا می گردد - در روز قیامت - جایگاه همیشگی او آتش جهنم خواهد بود(4).

453 - امام صادق علیه السلام فرمود: سه گروه هستند که - بدون حساب - وارد آتش جهنم می گردند.

از جمله آنها: شخصی است که زناکار می باشد(5).

ص: 251

---

1- - (قال رسول الله صلى الله عليه وآله في شأن الزاني): ... و هو من أشدّ الناس عذاباً... (عقاب الأعمال ص 332 و اعلام الدين ص

412). (و جاء في حديث آخر في شأن الزاني): و كان من أشدّ الناس عذاباً (اعلام الدين ص 418). (قال الإمام السجّاد عليه السلام في

شأن الزاني): هو أشدّ الناس عذاباً. (البحار ج 76 ص 19).

2- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 242 مراجعه فرمائید.

3- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 241 مراجعه فرمائید.

4- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 241 مراجعه فرمائید.

5- - قال الإمام الصادق عليه السلام: الثلاثة الذین يدخلهم الله النار بغير حساب: فإمام جائر. و تاجر كذوب و شيخ زان (الخصال ص

80).

### مردی که خود را به صورت زن در می آورد و رفتار زنانه دارد

#### اشاره

454 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از امت من بشمار نمی آید مردی را که خود را به صورت زن در می آورد(1).

455 - در حدیث آمده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد نهی شدید قرار می داد از اینکه مردی خود را به زنان شبیه سازد(2).

456 - لازم به یادآوری است که زن نمائی یک مرد. و رفتار زنانه او - به قصد تهییج شهوت در مردان. و تحریک غریزه جنسی آنها - موارد مختلف و نمودها و نشانه های - ظاهری و غیر ظاهری - متعدّد و متفاوتی می تواند داشته باشد.

در این فصل - مختصراً - به پاره ای از آن موارد اشاره می گردد:

#### 1 - آرایش و زینت زنانه داشتن

457 - در حدیثی که پیرامون علائم آخر الزمان می باشد آمده است: در آن زمان.

مردان. خود را مانند زنان آرایش و زینت می کنند.

و رفتاری زنانه دارند.

آنها منافقین این امت در آخر الزمان هستند(3).

ص: 252

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليس منّا من تشبّه بالرجال من النساء. ولا من تشبّه بالنساء من الرجال (میزان الحکمه ج 5 ص 1868 نقله عن كنز العمال).

2- كان رسول الله صلى الله عليه وآله يزجر الرجل يتشبه بالنساء (مكارم الأخلاق ج 1 ص 257)

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله لابن مسعود: - يا ابن مسعود - سيأتي من بعدى أقوام: ... يتزيّنون بزينة المرأة لزوجها. ويتبرّجون تبرّج النساء... هم منافقوا هذه الأمّة - فى آخر الزمان -... (مكارم الأخلاق ج 2 ص 344).

## 2 - نازک کردن صدا مانند صدای زنان

458 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر دیدید مردی را که مانند زنان سخن می گوید(1). و مانند زنان راه می رود. و از مردان می خواهد تا با او همبستر شوند.

چنین شخصی را سنگسار کنید. و مرگ را برای او طلب نمائید(2).

## 3 - پوشیدن لباس زنانه

459 - در حدیث آمده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد لعن و نفرین قرار داد مردی را که لباس زنانه می پوشد(3).

460 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدا لعنت می کند مردی را که لباس زنانه می پوشد(4).

461 - در حدیثی که پیرامون علائم آخر الزمان می باشد آمده است: در آن زمان.

مردان. خود را - با پوشیدن لباس زنانه - زینت می کنند.

و بدینوسیله حیاء و عقّت از آنها دور می گردد(5).

462 - از امام صادق علیه السلام در باره مردی که لباس و پوشش او شبیه پوشش و لباس زنانه می باشد سؤال شد؟

امام صادق علیه السلام به این مضمون فرمود: من کراهت دارم - و دوست ندارم - از اینکه پوشش مردی شبیه پوشش زنان باشد(6).

ص: 253

---

1- - یعنی صدای خود را برای تهییج شهوت مردان - مانند زنان - نازک می کند.

2- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 276 مراجعه فرمائید.

3- - لعن رسول الله صلی الله علیه و آله الرجل یلبس لبسه المرأة (میزان الحکمه ج 9 ص 3687).

4- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لعن الله الرجل یلبس لبسه المرأة. و المرأة تلبس لبسه الرجل (میزان الحکمه ج 5 ص 1868 نقله عن الترغیب و الترهیب).

5- - (من جمله ما جاء فی حدیث حول ملاحم آخر الزمان و أشرط الساعة):... و تزین الرجال بشیاب النساء. و ذهب عنهم قناع الحیاء (جامع الأخبار ص 396).

6- - عن سماعة بن مهران عن أبي عبد الله عليه السلام - أو أبي الحسن عليه السلام - سئل عن الرجل یجرّ ثوبه؟ قال علیه السلام: إني لأكره أن یتشبه بالنساء (مکارم الأخلاق ج 1 ص 256). (راجع: الکافی ج 6 ص 458).

#### 4 - رفتار و سلوک و اطوار زنانه داشتن

463 - روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام - در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله - مردی را مشاهده فرمودند که رفتار و اطوار زنانه داشت. در این هنگام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: از مسجد رسول خدا بیرون برو.

زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله چنین شخصی را مورد لعن و نفرین قرار داد(1).

#### 5 - مخنث بودن

464 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر دیدید مردی را که مانند زنان سخن می گوید. و مانند زنان راه می رود. و از مردان می خواهد تا با او همبستر شوند.

چنین شخصی را سنگسار کنید. و مرگ را برای او طلب نمایید(2).

465 - در حدیث آمده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد لعن و نفرین قرار داد مردانی را که با مردان دیگر. آمیزش جنسی می کنند(3).

ص: 254

---

1- - عن زید بن علیّ عن آبائه عن علیّ علیه السلام: إنّه رأى رجلاً به تأنیث فی مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله. فقال علیه السلام له: اخرج من مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله. یا من لعنه رسول الله صلی الله علیه و آله (علل الشرائع ج 2 ص 384).

2- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 276 مراجعه فرمائید.

3- - قال الإمام الصادق علیه السلام: لعن رسول الله صلی الله علیه و آله المتشبهین من الرجال بالنساء. و المتشبهات من النساء بالرجال. قال علیه السلام: و هم المخنثون. و اللاتی ینکحن بعضهنّ بعضاً (الكافی ج 5 ص 550). (راجع: المحاسن ج 1 ص 202 و عقاب الأعمال ص 317). عن رسول الله صلی الله علیه و آله أنّه لعن المخنثین من الرجال. و قال صلی الله علیه و آله: اخرجوهم من بیوتکم (دعائم الإسلام ج 2 ص 455). لعن رسول الله صلی الله علیه و آله المتشبهین من الرجال. المتشبهین بالنساء. و المترجّلات من النساء. المتشبهات بالرجال (مستدرک الوسائل ج 13 ص 202). (راجع: الجعفریات ص 242). (قال رسول الله صلی الله علیه و آله فی حدیث حول ملاحم آخرالزمان و أشرط الساعه):... و عندها ینکفی الرجال بالرجال. و النساء بالنساء. و تشبه الرجال بالنساء. و النساء بالرجال (تفسیر القمّی - علیه الرحمه - ج 2 ص 311-312).

لعن و نفرین الهی بر آنها

466 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال چهار گروه را - از روی عرش - مورد لعن و نفرین قرار داد. و ملائکه نیز آمین گفتند.

از جمله آنها: مردی است که خود را به زنان شبیه سازد.

در حالی که خدای متعال او را مرد آفریده است.

و زنی که خود را به مردان شبیه سازد.

در حالی که خداوند متعال او را زن آفریده است(1).

467 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند لعن و نفرین فرمود - و ملائکه نیز آمین گفتند - مردی که خود را شبیه زن درآورد.

و زنی که خود را به مردان شبیه سازد(2).

468 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال لعن و نفرین کرد مردانی که خود را شبیه زنان قرار می دهند.

و زنانی که خود را به مردان شبیه می سازند(3).

ص: 255

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أربع لعنهم الله - من فوق عرشه - وأمنت عليه ملائكته. ... والرجل يتشبه بالنساء - وقد خلقه الله ذكراً - والمرأة تتشبه بالرجال - وقد خلقها الله انثى -... (مجمع البيان ج 7 ص 220).

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لعن الله - وأمنت الملائكة - على رجل تأث. وإمرأه تذكّرت (مستدرک الوسائل ج 14 ص 156).

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء. و المتشبهات من النساء بالرجال (علل الشرائع ج 2 ص 384 و الكافي ج 8 ص 71). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لعن الله المتشبهات بالرجال من النساء. و لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء (الكافي ج 5 ص 552).

469 - امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله لعن و نفرین فرمود مردانی که خود را شبیه زنان می سازند.

و زنانی را که خود را شبیه مردان می کنند(1).

ص: 256

1- - عن أبي عبد الله صلى الله عليه وآله قال: لعن رسول الله صلى الله عليه وآله المتشبهين من الرجال بالنساء. و المتشبهات من النساء بالرجال... (الكافي ج 5 ص 550 و المحاسن ج 1 ص 202 و عقاب الأعمال ص 317). قال الإمام الباقر عليه السلام: إن رسول الله صلى الله عليه وآله لعن المتشبهين من الرجال بالنساء. و لعن المتشبهات من النساء بالرجال (الخصال ص 587). (راجع: روضه الواعظين ج 2 ص 118). لعن رسول الله صلى الله عليه وآله المذكرات من النساء. و المؤنثين من الرجال (دعائم الإسلام ج 2 ص 455 و ص 215). قال الإمام الرضا عليه السلام: قد لعن رسول الله صلى الله عليه وآله سبعة:... المتشبه من النساء بالرجال. و الرجال بالنساء (بحار الأنوار ج 100 ص 51 و مستدرک الوسائل ج 3 ص 247). قال أمير المؤمنين عليه السلام: لعن رسول الله صلى الله عليه وآله المختئين. و قال: اخرجوهم من بيوتكم (الجعفریات ص 213 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 491 و النوادر للسید فضل الله الراوندى - عليه الرحمه - ص 191). عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه لعن المختئين من الرجال. و قال: اخرجوهم من بيوتكم (دعائم الإسلام ج 2 ص 455).

470 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: روزی در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودم که مردی مخنث (1) وارد شده و به پیامبر صلی الله علیه و آله سلام گفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله جواب سلام او را دادند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله صورت خود را رو به زمین کرده و کلمه استرجاع (2) را بر زبان جاری ساختند.

در این حین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا چنین افرادی در میان امت من وجود دارد؟

بدرستیکه وجود چنین افرادی - در میان یک امت - باعث نزول عذاب - قبل از قیامت - می گردد (3).

ص: 257

---

1- - یعنی: مردی که مرتکب عمل لواط و همجنس بازی می گردد. در رفتار این مرد نشانه های فاحشی وجود داشت که ظاهراً نمایانگر آلودگی او به این گناه بود.

2- - یعنی فرمود: *إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ*.

3- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: كنت مع رسول الله صلى الله عليه وآله جالساً في المسجد. حتى أتاه رجل به تأنيث. فسلم عليه. ف ردّ صلى الله عليه وآله عليه. ثم أكب رسول الله صلى الله عليه وآله - في الأرض - يسترجع. ثم قال صلى الله عليه وآله: مثل هؤلاء في امتي؟! إنّه لم يكن مثل هؤلاء في امه إلاّ عذبّت - قبل الساعة - (علل الشرائع ج 2 ص 384 الباب 385). (و جاء في بحار الانوار ج 76 ص 65 باب: تحريم اللواط). (و جاء في وسائل الشيعة ج 20 ص 338 باب: تحريم اللواط).



471 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چهار گروه - در دنیا و آخرت - مورد لعن و نفرین قرار گرفته اند. و ملائکه نیز بر این لعن و نفرین آمین گفتند.

از جمله آنها: مردی است که - با اینکه خداوند عزّوجلّ او را مرد آفریده است - خود را به صورت زن درمی آورد و شبیه زنان قرار می دهد(1).

ص: 258

---

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أربعه لعنوا في الدنيا والآخرة - وأنت الملائكة - . رجل جعله الله ذكراً. فأثت نفسه. و تشبه بالنساء. وإمرأه جعلها الله انثى. فتذكرت. و تشبهت بالرجال. و الذي يضلّ الأعمى. و رجل حصور. و لم يجعل الله حصوراً إلا يحيى بن زكريّا (میزان الحکمه ج 9 ص 3688 تأليف: سماحه العلامة حجّه الإسلام و المسلمین الحاج الشيخ محمد المحمّدي الرازي - دام عزّه العالی - نقله عن كنز العمال).

مردی که موی سبیل خود را بیش از حد و اندازه بلند می گذارد

472 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نگذارید موی سبیل شما بلند گردد(1).

زیرا در این صورت شیطان(2) خود را زیر آن مخفی می کند(3).

ص: 259

1- - در احادیث بسیاری از بلند گذاشتن موی سبیل و موی زیر بغل و موی عورت نهی شده است. زیرا وجود موی بلند در این مواضع باعث آلودگی و کثیفی می گردد. و در ضمن این احادیث از این گونه کثیفی و آلودگی به عنوان شیطان یاد شده است.

2- - یعنی: آلودگی و میکرب.

3- - عن أبي عبد الله عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يطولن أحدكم شاربه. فإنّ الشيطان يتّخذُه مخبئاً (1) يستتر به (الكافي ج 6 ص 488 و من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 73 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 156). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يطولن أحدكم شاربه ولا عانته ولا شعر جناحه. فإنّ الشيطان يتّخذها مخابىء يستتر بها (2) (النوادر للسيد فضل الله الراوندى - عليه الرحمه - ص 149 و الجعفریات ص 53). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يطولن أحدكم شاربه ولا عانته ولا شعر إبطيه (3). فإنّ الشيطان يتّخذها مخابئاً (4) يستتر بها (علل الشرائع ج 2 الباب 292 ص 277). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يطيلن أحدكم شاربه ولا عانته ولا شعر جناحيه. فإنّ الشيطان يتّخذها مجناً يستتر بها (دعائم الإسلام ج 1 ص 124). (1) فى الفقيه: مجناً. (2) فى الجعفریات: يستر بها. (3) فى بحار الأنوار ج 73 ص 88: إبطه. (4) فى بحار الأنوار هكذا: مخابى يستتر فيها.

473 - روزی دو مرد(1) در حالی که ریشه‌های خود را زده و سیب‌های بلندی داشتند بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نگاه کردن به آنها کراهت داشته و به آنها فرمود: - وای بر شما - به دستور چه شخصی این کار را کرده اید؟

آنها گفتند: خدای ما - کسری - به ما دستور داده است که اینگونه باشیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنها فرمود: اما خداوند عزّ و جلّ به من دستور داده تا ریش خود را بگذارم و سیبیل خود را کوتاه کنم(2).

474 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: قوم مجوس(3) ریشه‌های خود را می‌کنند و سیب‌های خود را بلند نگه می‌داشتند. ولی ما(4) سیبیل خود را کوتاه می‌کنیم و ریش خود را نگه می‌داریم. و این امر یک سنت است(5).

475 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سیبیل خود را کوتاه کنید و ریش خود را نگه دارید.

و خود را شبیه قوم مجوس نکنید(6).

ص: 260

1- - این دو مرد آتش پرست بوده و از جانب کسری پادشاه ایران به نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده بودند.

2- - دخل رجلان علی رسول الله صلی الله علیه و آله. وقد حلقا لحاهما و اعفيا شواربهما. فکره صلی الله علیه و آله النظر إليهما. و قال صلی الله علیه و آله: - وبلکما - من أمرکما بهذا؟ قال: أمرنا بهذا ربنا - یعنیان کسری -. فقال صلی الله علیه و آله: لکن ربی عزّ و جلّ أمرنی بإعفاء لحیتی. و قصّ شاری (بحار الأنوار ج 20 ص 390 و مستدرک الوسائل ج 1 ص 407).

3- - یعنی آتش پرستان. 4- یعنی مسلمانان.

4-

5- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إن المجوس جزّوا لحاهم. و وفّروا شواربهم. و إنّنا (1) نجزّ الشوارب. و نعفی اللحی. و هی الفطره (من لا یحضره الفقیه ج 1 ص 76 و مکارم الأخلاق ج 1 ص 157).

6- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: حفوا الشوارب و اعفوا اللحی. و لا تشبّوها بالمجوس (معانی الأخبار ص 291). (1) فی مکارم الأخلاق: و إنّنا نحن.

476 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که موی سبیل خود را کوتاه نکند از ما نیست(1).

477 - در حدیث آمده است: قوم لوط مرتکب ده عمل زشت می شدند که به خاطر آن اعمال هلاک گشته و نابود شدند.

از جمله آن اعمال: بلند نگه داشتن سبیل و تراشیدن ریش بود(2).

478 - راوی می گوید: روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در بازار دیدم که به ماهی فروشان تذکر داده و به آنها می فرمود:

مار ماهی را به جای ماهی به مردم نفروشید.

و آن ماهی که در آب مرده است را به مردم عرضه نکنید و به آنها نفروشید.

و آن حضرت علیه السلام ماهی فروشانی را که از این دستور تخلف می کردند تنبیه کرده و به آنها می فرمود: ای فروشندگان مسخ شده بنی اسرائیل و لشکر بنی مروان.

در این هنگام فرات بن احنف به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: - یا امیرالمؤمنین - لشکریان بنی مروان چه کسانی هستند و چه خصوصیتی داشتند؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آنها گروهی بودند که ریشهای خود را تراشیده و سبیلهای خود را بلند نگه می داشتند. سپس آنها مسخ شدند(3).

ص: 261

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من لم يأخذ شاربته. فليس منّا (مكارم الأخلاق ج 1 ص 156 و بحار الأنوار ج 73 ص 112).

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: عشر خصال عملها قوم لوط. - بها اهلكوا-: ... وقصّ اللحية. و طول الشارب (مستدرک الوسائل ج 1 ص 407).

3- - برای اطلاع از متن این حدیث شریف به صفحه 220 مراجعه فرمائید.

(1)

479 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مردی که شرابخوار است برای ازدواج به خواستگاری آمد. او شایستگی ازدواج را ندارد(2).

480 - پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که دختر خویش را به ازدواج مردی که شرابخوار است درآورد. بدرستی که او دخترش را به گناه و معصیت کشانده است(3).

481 - امام صادق علیه السلام فرمود: با شرابخواران همنشین نشوید. زیرا هنگامی که لعنت و نفرین بر آنها نازل می شود. همنشینان آنان را نیز دربرمی گیرد(4).

ص: 262

1- - لازم به یادآوری است که آلودگی به شرابخواری اختصاصی به مردان ندارد. بلکه زنان نیز ممکن است به این کار مبادرت ورزند. در این فصل مطالبی را - در این خصوص - که مربوط به مردان می باشد ذکر می کنیم. و آثار سوء و عواقب شوم شراب و شرابخواری در کتاب: جزای اعمال و سزای کردار ذکر شده است.

2- - قال الإمام الصادق علیه السلام: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من شرب الخمر بعد ما (1) حرّمها الله (علی لسانی) (2) فلیس بأهل أن یزوج إذا خطب... (الكافی ج 5 ص 348 و الكافی ج 6 ص 397 و مکارم الأخلاق ج 1 ص 447). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: شارب الخمر لا یزوج إذا خطب (الكافی ج 5 ص 348).

3- - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من زوج کریمته من شارب الخمر فکأنّهما ساقها إلى الزنا (عوالی اللئالی ج 1 ص 272). قال الإمام الصادق علیه السلام: من زوج کریمته من شارب الخمر فقد قطع رحمها (3) (الكافی ج 5 ص 347 و التهذیب ج 7 ص 459 و العوالی ج 3 ص 341 و مکارم الأخلاق ج 1 ص 509).

4- - قال الإمام الصادق علیه السلام: لا تجالسوا شرّاب الخمر. فإنّ اللعنه - إذا نزلت - عمّت من فی المجلس (من لا یحضره الفقیه ج 4 ص 41). (1) فی الكافی ج 6 هكذا: بعد أن حرّمها الله تعالی. (2) مابین القوسین لم یذکر فی مکارم الأخلاق. (3) فی مکارم الأخلاق: رحمه.

482 - در حدیث آمده است: خدای تعالی خشم می گیرد بر شخصی که بر زنی ظلم می کند. همانگونه که خشم می گیرد بر شخصی که بر یتیمی ستم روا می دارد(1).

483 - در حدیث آمده است: خداوند عزّ و جلّ خشم و غضب می کند(2) بر کسانی که به زنان و کودکان ظلم و ستم روا می دارند(3).

484 - امام سجّاد علیه السلام فرمود: ظلم نمودن به یتیم. و زن بیوه از جمله گناهای است که مانع نزول باران می گردد(4).

ص: 263

---

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ الله تعالى يغضب للمرأة كما يغضب لليتيم (عقاب الأعمال ص 336).

2- - یعنی: خداوند متعال بر چیز دیگری - به این شدّت - خشم و غضب نمی کند.

3- - قال الإمام الكاظم عليه السلام: إنّ الله عزّ وجلّ ليس يغضب لشيء كغضبه للنساء والصبيان (الكافي ج 6 ص 50).

4- - قال الإمام السجّاد عليه السلام: والذنوب التي تحبس غيث السماء... ظلم اليتيم والأرملة (معاني الأخبار ص 270 و عدّه الداعی ص 214).



489 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خدا لعنت کند مردی را که غیرت ندارد(1).

490 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعال بینی شخص بی غیرت را به خاک می مالد(2).

491 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: قلب مردی که غیرتمندی از خود نشان نمی دهد وارونه است(3)(4).

ص: 265

1- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: لعن الله من لا يغار (المحاسن ج 1 ص 205).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أرغم الله أنف من لا- يغار (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 281 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 509). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: جدع الله أنف من لا- يغار (الكافي ج 5 ص 536 و من لا يحضره الفقيه ج 5 ص 536 و المحاسن ج 1 ص 205 و مشكاة الأنوار ج 2 ص 128 و 129).

3- - یعنی از فطرت خود دور شده و حقایق را - آنچنان که هست - درک نمی کند.

4- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: من لا- يغار. فإنه منكوس القلب (المحاسن ج 1 ص 204 و مشكاة الأنوار ج 2 ص 128). قال الإمام الصادق عليه السلام: إذا لم يغر الرجل. فهو منكوس القلب (الكافي ج 5 ص 536). أي: يصير بحيث لا يستقرّ فيه شيء من الخير. كالإناء المكبوب. أو المراد بنكس القلب: تغيّر صفاته و أخلاقه التي لا ينبغي أن يكون عليها (نقلاً عن هامش المصدر).



## قبول نمودن دعوت زن نامحرم برای انجام گناه

### مردی که دعوت زن نامحرم برای انجام گناه را اجابت می کند

492 - خدای متعال به حضرت داود علیه السلام وحی فرمود: چه بسیار نمازگزاری که نماز خود را طول می دهد و در آن نماز بسیار گریه می نماید.

اما آن نماز در نزد من پیشیزی ارزش ندارد.

زیرا هنگامی که به دل آن بنده نگاه می کنم می بینیم که اگر او از نماز خود فارغ گشت و زن نامحرمی خود را به او عرضه نمود.

او خواسته آن زن را اجابت می کند و مرتکب حرام می گردد.

و چنانچه انسان مؤمنی با او معامله ای کند او - در آن معامله - آن شخص مؤمن را فریب می دهد(1).

ص: 266

---

1- - فیما أوحى الله تعالى إلى داود عليه السلام: ... کم رکعه طویله فیها بکاءً بخشیه - قد صلاها صاحبها - لا تساوی عندی فتیلاً. حین نظرت فی قلبه فوجدته إن سلّم من الصلاه. و برزت له امرأه. و عرضت علیه نفسها. أجابها. و إن عامله مؤمناً. خاتله (1) (عدّه الداعی ص 49 تحقیق و نشر مؤسسه المعارف الإسلامیه). (1) ختله: خدعه.

493 - شخصی بنام معتب - که در خانه امام صادق علیه السلام خدمت می کرد - می گوید:

روزی یکی از فرزندان حضرت امام صادق علیه السلام که اسماعیل نام داشت. تب شدیدی گرفته و بیمار گشت.

هنگامی که امام صادق علیه السلام از تب و بیماری اسماعیل خبردار شد به من فرمود:

به نزد اسماعیل برو و از وی پرسش نموده و به او بگو: امروز چه عمل زشت و ناپسندی از تو سر زده است که خداوند متعال اینگونه در مجازات تو تعجیل کرده است؟

معتب می گوید: به نزد اسماعیل رفتم و در حالی که او از شدت تب و بیماری می پیچید از او در باره این موضوع سؤال کردم.

او در جواب سکوت کرده و پاسخی به سؤال من نداد.

من در این باره از اهل خانه سؤال کردم؟

آنها به من گفتند: اسماعیل امروز دختر زلفا را - با دست خود - کتک زد.

و آن دختر - بر اثر این ضربه - به چارچوب درب برخورد نموده و صورتش خراش برداشت.

معتب می گوید: پس از آگاهی از این امر به نزد امام صادق علیه السلام رفتم و جریان را برای حضرت بازگو نمودم.

در این هنگام امام صادق علیه السلام فرمود: الحمد لله که خدای متعال در مجازات فرزندان ما تعجیل می نماید و آن را در همین دنیا قرار می دهد.

سپس امام صادق علیه السلام آن دختر را به نزد خود طلبیده و به او فرمود: اسماعیل را بخاطر اینکه تو را کتک زده است ببخش و از او درگذر.

آن دختر در جواب به امام صادق علیه السلام گفت: من او را حلال کرده و او را بخشیدم.

در این هنگام امام صادق علیه السلام هدیه ای به آن دختر عطا فرمود.

سپس امام صادق علیه السلام به من فرمود: به نزد اسماعیل برو و از حال او جو یا شو.

معتب می گوید: در این هنگام به نزد اسماعیل رفته و مشاهده نمودم که او بهبود یافته و تب او قطع گشته است (1).

ص: 268

---

1- - عن عبدالله بن سنان قال: سمعت معتباً (1) يحدث: إن إسماعيل ابن أبي عبدالله عليه السلام حمّ حمى شديده. ف أعلموا أبا عبدالله عليه السلام ب حمّاه. فقال عليه السلام لي: ائته. فإسأله: أي شيء عملت اليوم - من سوء - ف عجل الله عليك العقوبه؟ قال: فأتيته. فإذا هو موعوك. فسألته عمّا عمل؟ فسكت. وقيل لي: إنّه ضرب بنت زلفى (2) - اليوم - ب يده. ف وقعت على درّاعه الباب. ف عقر وجهها. فأتيت أبا عبدالله عليه السلام. فأخبرته بما قالوا. فقال عليه السلام: الحمد لله. إنّا أهل بيت يعجل الله لأولادنا العقوبه فى الدنيا. ثمّ دعا عليه السلام بالجارية. فقال عليه السلام: اجعلى إسماعيل فى حلّ ممّا ضربك. فقالت: هو فى حلّ. فوهب لها أبو عبدالله عليه السلام شيئاً. ثمّ قال عليه السلام لي: إذهب. ف انظر ما حاله؟ قال: فأتيته. وقد تركته الحمى (التمحيص ص 37). (1) كان يخدم الإمام الصادق عليه السلام فى البيت. (2) لم نثر على اسمها - حسب تتبعنا فى المصادر -.

مردی که کثیف و ژولیده می باشد و به نظافت شخصی نمی پردازد

494 - روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی را دیدند که موهای سر و صورت او ژولیده.

و لباسهای او کثیف. و وضعیت او ناهنجار بود.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بد بنده ای است شخصی که کثیف و ژولیده می باشد و به نظافت شخصی نمی پردازد(1).

ص: 269

---

1 - عن مسمع بن عبدالمک عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أبصر رسول الله صلى الله عليه وآله رجلاً شعناً شعر رأسه. وسخه ثيابه. سيئه حاله. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: من الدين: المتعه وإظهار النعمه. وبهذا الإسناد قال عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: بس العبد. القاذوره (الكافي ج 6 ص 439).

(1)

495 - در حدیث آمده است: هر یک از اعضاء بدن انسان می تواند بهره ای از گناه زنا داشته باشد: زنای چشم: نگاه نامشروع می باشد.

و زنای دهان: بوسیدن نامشروع می باشد.

و زنای دست: لمس کردن نامشروع می باشد (2).

496 - دست زنی که در مسجدالحرام مشغول طواف بود از آستین بیرون آمده بود.

مردی به سوی او دست دراز کرده و دست خود را روی بازوی آن زن قرار داد.

پس از آنکه این مرد - در مسجدالحرام - مرتکب این گناه شد. دست او به بازوی آن زن چسبید. بگونه ای که توانایی جدا کردن آن را نداشت.

و به همین خاطر از ادامه طواف باز مانده و طواف خود را قطع نمود.

در این هنگام مردم دور او جمع شدند و فرماندار شهر را از این امر باخبر نمودند.

آنگاه فرماندار به علماء شهر پیام داده و از آنها چاره جوئی کرد.

آنها در جواب گفتند: باید دست آن مرد بریده شود. زیرا او مرتکب جنایت شده است.

ص: 270

---

1- - لازم به یادآوری است که ممکن است نجات یک زن نامحرم - از مرگ - مستلزم لمس نمودن او باشد. که - در این صورت - این گونه لمس از مصادیق لمس حرام بشمار نمی آید.

2- - قال الإمام الصادق عليه السلام: ما من أحد إلا هو يصيب خطأً من الزنا: ف زنا العينين: النظر. و زنا الفم: القبلة. و زنا اليدین: اللمس. صدق الفرّج ذلك أم كذب (الكافی ج 5 ص 559 و مشکاه الأنوار ج 2 ص 354). یعنی: انجام این گناهان بوسیله این اعضاء از بدن. می تواند مقدمه ای برای ارتکاب عمل شنیع زنا گشته و زمینه انجام آن را بوجود بیاورد. پس لازم است که برای جلوگیری از آلوده شدن به گناه زنا. از ارتکاب مقدمات آن نیز پرهیز نمود.

در این هنگام فرماندار شهر از مردم سؤال کرد: آیا فرزندی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله در این شهر سکونت دارد؟

آنها گفتند: بله. حضرت حسین بن علی علیه السلام وارد شهر مکه شده است.

آنگاه فرماندار شهر به امام حسین علیه السلام پیام داده و از ایشان برای این مشکل چاره جوئی کرد.

پس از این امر حضرت امام حسین علیه السلام به مسجدالحرام آمده و روبروی کعبه ایستاده و دست به دعا بلند کرد.

سپس آن حضرت علیه السلام به طرف آن زن و مرد رفته و با دست مبارک خود. دست آن مرد را از بازوی آن زن جدا کرد.

در این هنگام فرماندار به امام حسین علیه السلام گفت: آیا این مرد را مجازات کنیم؟

امام حسین علیه السلام فرمود: خیر(1). (2)

ص: 271

---

1- زیرا احتمال دارد که آن مرد پس از چسبیده شدن دستش به بازوی آن زن و مفتضح شدن - در میان مردم - از گناه خود پشیمان شده و توبه نموده بود.

2- قال الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ إمْرأه كانت تطوف - و خلفها رجل - فأخرجت ذراعها. فبادر (1) بيده حتّى وضعها على ذراعها. فأثبت الله يده في ذراعها حتّى قطع الطواف. و أرسل إلى الأمير. و اجتمع الناس. و أرسل إلى الفقهاء. فجعلوا يقولون: اقطع يده. فهو الذى جنى الجنايه. فقال: ههنا أحد من ولد محمّد رسول الله صلى الله عليه و آله؟ فقالوا: نعم. الحسين بن علىّ - قدم الليله - . فأرسل إليه. فدعاه. فقال: انظر ما لقيت (2) ذان. فاستقبل عليه السلام القبلة (3) و رفع يديه فمكث طويلاً يدعو. ثمّ جاء عليه السلام إليهما حتّى خلّص (4) يده من يدها. فقال الأمير: ألا نعاقبه بما صنع؟ فقال عليه السلام (5): لا (تهذيب الأحكام ج 5 ص 520 و المناقب ج 4 ص 58). (1) فى المناقب: فمال. (2) فى المناقب: لقي. (3) فى المناقب: الكعبه. (4) فى المناقب: تخلّصت. (5) فى المناقب: قال عليه السلام.

#### اشاره

(1)

لازم به یادآوری است که: خداوند متعال برای بقاء نسل بشر غریزه جنسی را در نهاد انسان قرار داده و راه ارضاء مشروع آن را بوسیله ازدواج معین نموده است.

و چنانچه این غریزه جنسی - از راه مشروع - ارضاء نگردد. عوارض منفی بسیاری را در جسم و روان آدمی بوجود خواهد آورد.

و این عوارض. موجب انحراف و لجام گسیختگی و طغیان او خواهد گشت.

عمل شنیع لواط و همجنس بازی از جمله انحرافات است که ممکن است گریبانگیر بعضی از این گونه افراد گردد. لذا شرع مطهر اسلام این عمل شنیع را نامشروع دانسته و شدیداً با آن مخالفت نموده است.

و لازم به ذکر است که عمل شنیع لواط. آثار سوء متفاوت و عواقب شوم متعدّد و کیفر و عقوبت و مجازات گوناگون و مختلفی را - در دنیا و آخرت - در پی دارد.

در این بخش - بطور اختصار - به پاره ای از آنها اشاره می کنیم.

(1) مجازات و تنبیه معنوی.

(2) مجازات و تنبیه حقوقی.

(3) مجازات و تنبیه جسمی و بدنی.

(4) آثار سوء و عواقب شوم در دنیا.

(5) کیفر و عقوبت در آخرت و روز قیامت.

ص: 272

497 - در حدیث آمده است: ارتکاب عمل شنیع لواط و همجنس بازی نشانه کفر و بی ایمانی می باشد (2).

498 - در حدیث آمده است: شخصی که عمل شنیع لواط انجام می دهد. تمام آبهای دنیا او را از آلودگی پاک نخواهد کرد (3).

ص: 273

1- - در این بخش - مختصراً - به پاره ای از مجازات و تنبيه معنوی این عمل شنیع اشاره می کنیم. و برای اطلاع بیشتر از این موضوع. به کتب مربوطه مراجعه فرمائید.

2- - قال الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ الله تعالى جعل شهوه المؤمن في صلبه. و جعل شهوه الكافر في دُبْره (مكارم الأخلاق ج 1 ص 508). قال الإمام الصادق عليه السلام: أربع خصال لا تكون في مؤمن: ... ولا ينكح في دُبْره (الخصال ص 229). قال أمير المؤمنين عليه السلام: اللواط ما دون الدبر. و الدبر هو الكفر (الكافي ج 5 ص 544). قال أمير المؤمنين عليه السلام: اللواط ما دون الدبر - فهو لواط - و الدبر هو الكفر (عقاب الأعمال ص 316). قال أمير المؤمنين عليه السلام: اللواط ما دون الدبر - فهو لواط - و أمّا الدبر فهو الكفر (جامع الأخبار ص 410). قال أمير المؤمنين عليه السلام: اللواط ما دون الدبر - فهو لوطي - و الدبر فهو الكفر بالله (المحاسن ج 1 ص 201). قال أمير المؤمنين عليه السلام: اللواط بين الفخذين. و الدبر هو الكفر (الجعفریات ص 224). عن حذيفه بن منصور قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن اللواط؟ فقال عليه السلام: (ما) (1) بين الفخذين. قال: و سألت عن الذي يوقب؟ فقال عليه السلام: ذلك الكفر بما أنزل (الله) (2) على نبيّه صلى الله عليه و آله (تهذيب الأحكام ج 10 ص 62 و عوالي اللئالی ج 3 ص 558).

3- - قال رسول الله صلى الله عليه و آله: من جامع غلاماً جاء جنباً يوم القيامة. لا يتقيّه ماء الدنيا. و غضب الله عليه و لعنه و أعدّ له جهنّم و ساءت مصيراً... (الكافي ج 5 ص 544). (1) ما بين القوسين لم يذكر في تهذيب الأحكام. (2) ما بين القوسين لم يذكر في العوالي.



(1)

499 - در حدیث آمده است: فردی که مرتکب عمل شنیع لواط می‌گردد. نمی‌تواند با مادر شخصی که این عمل را با او انجام داده است ازدواج نماید(2).

500 - در حدیث آمده است: فردی که مرتکب عمل شنیع لواط می‌گردد. نمی‌تواند با دختر شخصی که این عمل را با او انجام داده است ازدواج نماید(3).

501 - در حدیث آمده است: فردی که مرتکب عمل شنیع لواط می‌گردد. نمی‌تواند با خواهر شخصی که این عمل را با او انجام داده است ازدواج نماید(4).

ص: 274

1- - شخصی که مرتکب عمل شنیع لواط و همجنس‌بازی می‌گردد بخاطر ارتکاب این جرم و گناه از داشتن بعضی از حقوق محروم می‌شود که در این بخش - مختصراً - به پاره‌ای از این موارد اشاره می‌کنیم. و برای اطلاع بیشتر از این موضوع به کتب مربوطه مراجعه فرمائید.

2- - عن ابراهیم بن عمر عن ابي عبدالله عليه السلام في رجل لعب بغلام. هل تحل له امه؟ قال عليه السلام: إن كان ثقب فيه. فلا (تهذيب الأحكام ج 7 ص 363).

3- - عن ابن أبي عمير عن رجل عن أبي عبدالله عليه السلام في الرجل يعبث بالغلام؟ قال عليه السلام: إذا أوقب. حرمت عليه اخته و ابنته (تهذيب الأحكام ج 7 ص 363).

4- - عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه عن أبي عبدالله عليه السلام في رجل يعبث بالغلام؟ قال عليه السلام: إذا أوقب. حرمت عليه ابنته و اخته (الكافي ج 5 ص 417). روى عن أبي عبدالله عليه السلام: في رجل لعب بغلام؟ قال عليه السلام: إذا أوقب. لن تحل له اخته - أبداً - (عقاب الأعمال ص 316). روى عن أبي عبدالله عليه السلام: في رجل لعب بغلام؟ قال عليه السلام: إذا أوقب. لم تحل له اخته - أبداً - (المحاسن ج 1 ص 200). عن حماد بن عثمان قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: رجل أتى غلاماً. أتحل له اخته؟ قال: فقال عليه السلام: إن كان ثقب. فلا (الكافي ج 5 ص 417). عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه عن أبي عبدالله عليه السلام في رجل يأتي أختاً امرأته؟ فقال عليه السلام: إذا أوقبه. فقد حرمت عليه المرأة (الكافي ج 5 ص 418). هكذا في المصدر. أثبتاه كما وجدناه.

(1)

502 - با مراجعه به کتب فقهی می توان نسبت به موضوعات زیر - که بخشی از مطالب مربوط به تنبیه جسمی و بدنی شخصی که مرتکب عمل شنیع لواط می باشد - آگاهی و اطلاع پیدا نمود:

- (1) معنای لواط در اصطلاح شرع.
  - (2) شرائط تحقق لواط و وقوع آن.
  - (3) چگونگی اثبات وقوع لواط (2).
  - (4) مجازات ارتکاب این عمل.
  - (5) تنوع و گوناگونی مجازات این عمل.
  - (6) علل و اسباب و عوامل تنوع و گوناگونی مجازات این عمل.
  - (7) شناخت شرایط و وضعیت و موقعیت فردی که مستحق مجازات می باشد.
  - (8) شرائط زمانی و مکانی اجرای مجازات.
  - (9) کیفیت اجرای مجازات.
  - (10) شرائط افرادی که می توانند این گونه مجازاتها را اعمال نموده و اجرا کنند.
- و چگونگی شناخت و احراز صلاحیت آنها.

ص: 275

---

1- اینگونه مجازاتها - در اصطلاح فقهی - حدود و تعزیر نام دارد.

2- انتساب ارتکاب این عمل - به اشخاص - با دو صورت به اثبات خواهد رسید: 1) اقرار و اعترافی که حجیت داشته و مورد قبول شرع باشد. زیرا اقرار و اعترافی که از روی اجبار یا اکراه یا اضطراب یا ترس یا ارباب یا تهدید یا جهل و نادانی یا هزل و شوخی - و امثال آن - و همچنین اقرار و اعترافی که در حال خواب یا بیهوشی انجام می گیرد. حجیت نداشته و برای اثبات وقوع این امر. نافذ و کارساز نمی باشد.

2) گواهی شهود اربعه و وجود دلایل و مدارکی که حجیت داشته و مورد قبول شرع باشد.

503 - امام صادق علیه السلام فرمود: اگر قرار باشد که شخصی دو بار سنگسار گردد. سزاوار است که مرتکب عمل لواط - دو بار - سنگسار شود(1).

504 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر مردی را مشاهده نمودید که مانند زنان سخن می گوید. و مانند زنان راه می رود(2).  
و از مردان می خواهد تا با او همبستر شوند.

چنین شخصی را سنگسار کنید. و مرگ را برای او طلب نمائید(3).

ص: 276

1- - (قال الإمام الصادق عليه السلام): لو كان ينبغى لأحد أن يرجم - مرتين - ل رجم اللوطي - مرتين - (عقاب الأعمال ص 316 و المحاسن ج 1 ص 200). (قال أمير المؤمنين عليه السلام): لو كان ينبغى لأحد أن يرجم - مرتين - ل رجم اللوطي (الكافي ج 7 ص 199 و من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 31 و تهذيب الأحكام ج 10 ص 62). (قال أمير المؤمنين عليه السلام): لو كان ينبغى لأحد أن يرجم - مرتين - ل رجم اللوطي (الجعفریات ص 212).

2- - یعنی ادا و اطوار و رفتار زنانه داشته. و او با این رفتار زنانه شهوت جنسی مردان را تحریک می نماید. و با این عمل. آنها را به سوی خود جلب می کند. تا آنها با او عمل شنیع همجنس بازی را انجام دهند. و بدینوسیله آنها را به گناه و معصیت و فساد آلوده می سازد.

3- - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: إذا كان الرجل. كلامه. كلام النساء. (و مشيته (1) مشيه (2) النساء (3). و يمكن من نفسه. فينكح. كما تنكح المرأة. ف أرحموه. و لا تستحيوه (4) (الكافي ج 7 ص 268 و تهذيب الأحكام ج 10 ص 171 و دعائم الإسلام ج 2 ص 455 و الجعفریات ص 212). (1) في تهذيب الأحكام: مشيه. (2) في دعائم الإسلام: مشى. (3) ما بين القوسين لم يذكر في الجعفریات. (4) أي: لا تطلبوا حياته (نقلاً عن هامش الكافي).

## آثار سوء و عواقب شومی که گریبانگیر قوم حضرت لوط علیه السلام شد

## اشاره

لازم به یادآوری است که قوم حضرت لوط علیه السلام مرتکب عمل شنیع لواط و همجنس بازی می شدند(1).

این جماعت و گروه بخاطر ارتکاب گناه همجنس بازی به مجازاتهای شدیدی رسیده و عقوبتهای سختی گریبانگیر آنها گردید.

در این بخش به پاره ای از آن مجازاتها و عقوبتها اشاره می کنیم:

ص: 277

1 - - وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تَبْصِرُونَ «54» أَتُنْكُمُ اللَّاتُوتُونَ الرَّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ «55» (النمل). وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ «80» إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ «81» (الأعراف). وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ «28» أَءَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ... «29» (العنكبوت). أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ «165» وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ «166» (الشعراء). وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سُوءٍ فَاسِقِينَ «74» (الأنبياء). وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْرُونَ فِي صَدِّيقِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ «78» (هود عليه السلام). قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ صَدِّيقِي فَلَا تَفْضَحُونِ «68» وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْرُونَ «69» قَالُوا أَوْلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ «70» قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ «71» لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ «72» (الحجر). قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ «31» قَالُوا إِنَّا أَزِيدْنَا إِلَى قَوْمٍ مُجْرِمِينَ «32» (الذاريات). برای اطلاع از شرح و تفسیر این آیات قرآنی به کتب تفسیر و حدیث مراجعه فرمائید.

505 - فَطَمَسْنَا (1) أَعْيَنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ (2) «37» (القمر).

506 - در حدیثی که پیرامون شرح ماجرای به کیفر رسیدن قوم لوط علیه السلام می باشد چنین آمده است: جبرئیل علیه السلام مقداری از خاک برداشته و به صورت آنها پاشید و بدین ترتیب چشم آنها کور شد (3).

507 - و در روایت دیگر چنین آمده است: جبرئیل علیه السلام به سوی این قوم اشاره کرده و بدین ترتیب چشم آنها کور شد (4).

### متلاشی شدن صورت

508 - در حدیثی که پیرامون شرح ماجرای به کیفر رسیدن قوم لوط علیه السلام می باشد چنین آمده است: جبرئیل علیه السلام با بال خود به صورت آنها زد.

و به همین خاطر. صورت آنها متلاشی شد (5).

ص: 278

1- - (2) آی: محونا. و المعنى: عُميت أبصارهم. وقيل معناه: أزلنا تخطيط وجوههم حتى صارت ممسوحة لا يرى أثر عين. وذلك أن جبرائيل عليه السلام صفق أعينهم - بجناحه - صفقه. فأذهبها (مجمع البيان ج 9 ص 291).

2- - (3) آی: فقلنا لقوم لوط: ذوقوا عذابي و نُذِرِ (مجمع البيان ج 9 ص 291).

3- - فأخذ (جبرئيل عليه السلام) كفاً من بطحاء. فضرب بها وجوههم. وقال: شاهت الوجوه. ف عُمى أهل المدينة كلهم (الكافي ج 5 ص 546 و المحاسن ج 1 ص 199 و عقاب الأعمال ص 316).

4- - فلما دخلوا أهوى جبرئيل عليه السلام بإصبعه نحوهم. فذهبت أعينهم. و هو قول الله: فطمسنا أعينهم (الكافي ج 5 ص 546 و الكافي ج 8 ص 328 و تفسير العياشي - عليه الرحمة ج 2 ص 217 و مجمع البيان ج 5 ص 280). (و جاء في حديث آخر هكذا):

فأشار إليهم جبرئيل عليه السلام بيده. فرجعوا عمياناً. يلتمسون الجدار بأيديهم (علل الشرائع ج 2 ص 318). (وفي آخر): فضرب جبرائيل عليه السلام بجناحه على عيونهم. فطمسها (مجمع البيان ج 4 ص 686).

5- - ... فضرب جبرئيل ب جناحه - على وجوههم - فطمسها (تفسير القمى رحمه الله ج 1 ص 364).

509 - در حدیث آمده است: هنگامی که قوم حضرت لوط علیه السلام عمل همجنس بازی را انجام دادند. زمین از عمل زشت آنها گریه کرده و به خدا شکوه و شکایت نمود.

و آسمان نیز از این عمل زشت آنها گریست.

در این هنگام خداوند متعال به آسمان فرمان داد تا آنان را سنگباران نماید.

و به زمین دستور داد تا آن جماعت را در خود فروبرد(1).

ص: 279

1- - قال الإمام الباقر عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا عمل قوم لوط ما عملوا بكت الأرض إلى ربّها. حتّى بلغت دموعها (إلى) (1) السماء. و بكت السماء. حتّى بلغت دموعها العرش (2). فأوحى الله تعالى إلى السماء: أن أحصيهم (3). و أوحى إلى الأرض: أن أخسفي بهم (تفسير العياشي - عليه الرحمة - ج 2 ص 321 و المحاسن ج 1 ص 196 و عقاب الأعمال ص 314). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا عمل (4) قوم لوط ما عملوا (5) شكّت (6) السماء والأرض إلى الله (ربّها) (7). فأوحى الله تعالى إلى السماء: أن أحصيهم. و (أوحى) (8) إلى الأرض: (أن) (9) أخسفي بهم (الجعفریات ص 225 و دعائم الإسلام ج 2 ص 455). (لَمَّا عمل قوم لوط ما عملوا): عبّت الأرض إلى ربّها. فسمعت السماء. فعبّت إلى ربّها. فسمع العرش. فعجّ إلى ربّه. فأمر الله السماء أن تحصبهم. و أمر الأرض أن تخسف بهم (مجمع البيان ج 4 ص 686). قيل: خُسف بالمقيمن منهم. و امطرت الحجارة على مسافريهم (البحار ج 12 ص 144). (1) ما بين القوسين لم يذكر في المحاسن. (2) في المحاسن: إلى العرش. (3) أي: إرميهم بالحصباء. و هي الحجارة (قصص الأنبياء عليهم السلام للسيد نعمه الله الجزائري - عليه الرحمة - ص 161 الباب السابع). (4) في الجعفریات: عملت. (5) في الجعفریات: عملت. (6) في الجعفریات: شكى. (7) ما بين القوسين لم يذكر في دعائم الإسلام. (8) ما بين القوسين لم يذكر في دعائم الإسلام. (9) ما بين القوسين لم يذكر في الجعفریات.

510 - امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند متعال بر شهر قوم لوط بارانی از سنگ فرود آورد(1).

511 - امام صادق علیه السلام در حدیثی پیرامون عقوبت و کیفر قوم حضرت لوط علیه السلام فرمود:

سپس جبرئیل شهر آنها با بال خود از جا کنده و به آسمان برده تا جائی که اهل آسمان صدای پارس کردن سگهای آنها و بانگ خروسهای آنها را شنیدند.

آنگاه جبرئیل آن را وارونه کرده و به طرف زمین پرتاب نمود.

و سپس بارانی از سنگ بر آنها باریدن گرفت(2).

ص:280

- 
- 1- - فی روایه ابی الجارود عن ابی جعفر علیه السلام قال: وأما القریه التي امطرت مطر السوء. ف هی: سدوم (1) - قریه قوم لوط. أمطر الله علیهم حجاره من سجّیل. یقول: من طین (تفسیر القمی - علیه الرحمه - ج 2 ص 114).
- 2- - (قال الإمام الصادق علیه السلام فی حدیث حول عقوبه قوم لوط علیه السلام):... ثمّ اقتلعها (2) جبرئیل علیه السلام بجناحیه (3) من سبعة (4) أرضین. ثمّ رفعها حتّى سمع أهل سماء (5) الدنيا. نباح الكلاب. و صراخ (6) الديوک. ثمّ قلبها. و أمطر علیها - و علی من حول المدینه - حجاره من سجّیل (الكافی ج 5 ص 548 و الكافی ج 8 ص 330 و تفسیر العیاشی - علیه الرحمه - ج 2 ص 318). (1) فی المصدر: ستدوم - و هو سهو مطبعی ظاهر. كانت أربع مدائن - و هی: المؤتفكات -: سدوم و عاموراء. و دوما و صبوايم. و أعظمها: سدوم. و كان لوط علیه السلام یسكنها (مجمع البیان ج 5 ص 281). (2) یعنی: المدینه. (3) فی التفسیر: بجناحه. (4) فی الكافی ج 8 و التفسیر: سبع. (5) فی التفسیر: السماء. (6) فی الكافی ج 8 هكذا: و صياح الديكه.

512 - در حدیثی پیرامون کیفیت عقوبت قوم حضرت لوط علیه السلام چنین آمده است:

هنگامی که فجر طلوع نمود. چهار ملک به طرف شهر آن قوم رفته و آن شهر را از ریشه درآورده. سپس به آسمان بالا برده به حدی که اهل آسمان صدای پارس سگها و بانگ خروس آن قوم را شنیدند.

آنگاه آن ملائکه. شهر را وارونه کرده و به طرف زمین پرتاب نمودند.

و سپس بارانی از سنگ بر آنها باریدن گرفت(1).

513 - در حدیثی پیرامون کیفیت عقوبت قوم حضرت لوط علیه السلام آمده است:

جبرئیل علیه السلام - در وقت سحر - بر شهر آنها فرود آمد و بال خود را به زیر شهر فرو برده و آن را از جا کنده و به بالا برد.

آنگاه آن را واژگون کرده و به طرف زمین پرتاب نمود.

سپس بارانی از سنگ بر آن شهر فرود آمد(2).

ص: 281

---

1- - فلما طلع الفجر صارت الملائكة الأربعة. كل واحد في طرف من قريتهم. فقلعوها من سبع أرضين إلى تخوم الأرض. ثم رفعوها في الهواء حتى سمع أهل السماء. نباح الكلاب. و صراخ الديكة. ثم قلبوها عليهم. و أمطرهم الله حجاره من سجّيل (تفسير القمّي - عليه الرحمة - ج 1 ص 365).

2- - قال الإمام الصادق عليه السلام في حديث حول كيفيته عقوبه قوم لوط عليه السلام: (و لما كان في السحر) نزل إليها جبرئيل عليه السلام فأدخل جناحه تحتها حتى إذا استعلت (1) قلبها عليهم. و رمى (جبرئيل عليه السلام) (2) (جدران) (3) المدينه بحجاره من سجّيل (علل الشرائع ج 2 ص 319 و تفسير العياشي - عليه الرحمة - ج 2 ص 318). قيل: ارسلت الحجاره على الغائبين. و قلبت القرية بالحاضرين (مجمع البيان ج 9 ص 238) (1) في التفسير: استقلت. أي: ارتفعت. (2) ما بين القوسين لم يذكر في العلل. (3) ما بين القوسين لم يذكر في التفسير.



514 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جبرئیل علیه السلام در باره کیفیت هلاک شدن قوم حضرت لوط علیه السلام پرسش نمودند.

جبرئیل علیه السلام گفت: در هنگام طلوع فجر از جانب عرش الهی به من خبر داده شد که هلاکت و عذاب این قوم در امروز حتمی شده است.

پس بر تو لازم است که به شهر این قوم و اطراف آن بروی و آن را از ریشه درآوری.

سپس آن را به طرف آسمان ببر. و - پس از واژگون نمودن - آن را به طرف زمین پرتاب کن.

و علامت و نشانی از خرابی آن شهر را برای عبرت دیگران باقی بگذار.

سپس جبرئیل علیه السلام گفت: من بر آن شهر فرود آمدم و با بال خود آن را شهر را از ریشه کنده و به طرف آسمان بردم. و مدت زمانی در آنجا نگه داشتم. به حدی که اهل آسمان بانگ خروس و صدای سگ این قوم را شنیدند.

سپس هنگام طلوع خورشید آن شهر را وارونه نمودم.

و به طرف زمین پرتاب کردم.

آنگاه خداوند عزّ و جلّ بارانی از سنگ بر آنها فرود آورد.

سپس جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: - ای رسول خدا - این کیفر و مجازات از ستمگران امت تو (1) نیز به دور نیست (2).

ص: 282

---

1- - یعنی: چنانچه افرادی از این امت مرتکب این عمل شنیع گردند. بعید نیست که آنان نیز به چنین عقوبت و کیفری برسند.

2- - إنّ رسول الله صلی الله علیه و آله سأل جبرئیل علیه السلام کیف کان مهلك قوم لوط علیه السلام؟ -



515 - آيات قرآنی زیر در باره سنگباران شدن قوم حضرت لوط عليه السلام می باشد.

برای آگاهی از شرح و تفسیر این آیات به کتب تفسیر و حدیث مراجعه فرمائید.

(1) وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطْرًا (1) فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ (2) «58» (النمل).

(2) وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطْرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ (3) «173» (الشعراء).

(3) وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطْرًا (4) فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (5) «84» (الأعراف).

(4) فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ (6) «74» (الحجر).

(5) فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ «82» (هود)

(6) وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا (7) عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْتُمُوهَا مَطَرًا (8) أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنها (9) بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا «40» (الفرقان).

(7) إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا (10) إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ «34» (القمر).

ص: 284

1- - وهو الحجارة.

2- - الذين أبلغهم لوط عليه السلام النذارة. و أعلمهم بموضع المخالفه. ليتقوها. فخالفوا ذلك (مجمع البيان ج 7 ص 356).

3- - أي: بس - و اشتد مطر الكافرين - مطرهم (مجمع البيان ج 7 ص 315).

4- - أي: أرسلنا عليهم الحجارة ك المطر. كما في آية اخرى: و أمطرننا عليهم حجاره من سجّيل.

5- - معناه: تفكر و انظر ب عين العقل. كيف كان مآل المقترفين للسيئات - والمنقطعين إليها - و عاقبه فعلهم. من عذاب الدنيا

بالاستئصال - قبل عذاب الآخرة بالخلود في النار - (المجمع ج 4 ص 685).

6- - قيل: أصله من سجين. أي: من جهنم. فأبدلت نونه لا ماً (بحار الأنوار ج 12 ص 159).

7- - يعني: كفار مكّه.

8- - يعني: قرية قوم لوط. امطروا بالحجارة.

9- - في أسفارهم - إذا مروا بهم - فيخافوا. و يعتبروا (مجمع البيان ج 7 ص 266).

10- - أي: ريحاً حصبتهم. أي: رمتهم بالحجارة و الحصباء. قال ابن عباس: يريد ما حصبوا به - من السماء - من الحجارة في الريح

(مجمع البيان ج 9 ص 291).

516 - امام صادق علیه السلام در حدیثی - که پیرامون کیفیت عقوبت قوم حضرت لوط علیه السلام می باشد - فرمود: جبرئیل به سوی شهرهای قوم لوط آمد. سپس بال خود را به زیر آن شهرها فرو برد. آنگاه آنها را به طرف آسمان برده به حدی که اهل آسمان صدای پارس سگها را شنیدند. سپس آن شهرها را واژگون کرد(1).

517 - در حدیث آمده است: جبرئیل علیه السلام شهرهای قوم لوط را بر بال خود به طرف آسمان بلند کرده. سپس آنها را وارونه نموده و آنگاه به طرف زمین پرتاب نمود(2).

ص: 285

1- - (قال الإمام الصادق عليه السلام في حديث حول عقوبه قوم لوط عليه السلام و ما جرى على مُدَنهم): هي أربع (1) مدائن: سدوم و صريم (2) و لدماء (3) و عميراء (4). قال عليه السلام: فأتاهنَّ (5) جبرئيل عليه السلام - و هنَّ مقلوعات (6) إلى تخوم الأرض (7) السابعة - فوضع جناحه تحت السفلى منهنَّ و رفعهنَّ - جميعاً - حتى سمع أهل سماء (8) الدنيا نباح كلابهم. ثمَّ قلبها (الكافي ج 5 ص 549 و علل الشرائع ج 2 ص 319 الباب 340).

2- - إنَّ جبرئيل عليه السلام رفع مدائن قوم لوط على خافقه من جناحه حتى بلغ بها إلى السماء. ثمَّ قلبها. فجعل عاليها سافلها (شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد ج 14 ص 112). يوم الأربعاء جعل الله عزَّ و جلَّ أرض قوم لوط عليه السلام عاليها سافلها (بحار الأنوار ج 12 ص 151). (1) في العلل: أربعة. (2) في العلل: صديم. (3) في العلل: ولدنا. (4) في العلل: عمير. (5) في العلل: فأتاهم. (6) في العلل: مقلوبات. (7) في العلل: الأرضين. (8) في العلل: السماء.

518 - در حدیثی پیرامون عقوبت و کیفر قوم حضرت لوط علیه السلام چنین آمده است:

بدرستی که خداوند متعال به جبرئیل امر فرمود تا بال خود را به زیر سرزمینی که این قوم در آن سکونت داشتند فرو برد.

جبرئیل علیه السلام نیز چنین کرد و آن شهرها را به طرف آسمان بالا برد تا جائی که اهل آسمان. صدای بانگ خروس و صدای پارس سگهای آن قوم را شنیدند.

سپس جبرئیل آن شهرها را واژگون کرده و به طرف زمین پرتاب نمود.

و بدین ترتیب مردم آن شهرها در قعر زمین فرورفته و تا روز قیامت همچنان در کام زمین خواهند ماند (1).

519 - و در نقل دیگری چنین آمده است: کسانی از قوم لوط که در شهر زندگی می کردند با زیر و رو شدن شهر به کیفر رسیدند.

و کسانی از آن قوم که از شهر خارج بودند بوسیله بارش باران سنگ بر آنها به عقوبت و کیفر رسیدند (2).

ص: 286

---

1- - إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَادْخَلَ جَنَاحَهُ تَحْتَ الْأَرْضِ. فَرَفَعَهَا. حَتَّى سَمِعَ أَهْلَ السَّمَاءِ. صِيَاحَ الدِّيكِ. وَ نَبَاحَ الْكَلَابِ. ثُمَّ قَلَبَهَا. ثُمَّ خَسَفَ بِهِمُ الْأَرْضَ. فَ هُمْ يَتَجَلَّلُونَ فِيهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (مجمع البيان ج 5 ص 281). فَلَمَّا طَلَعَ الْفَجْرُ ضَرَبَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِجَنَاحِهِ فِي طَرَفِ الْقَرْيَةِ. فَقَلَعَهَا مِنْ تَحْوَمِ الْأَرْضِينَ السَّابِعَةِ. ثُمَّ رَفَعَهَا فِي الْهَوَاءِ حَتَّى سَمِعَ أَهْلَ السَّمَاءِ نَبَاحَ كَلَابِهِمْ. وَ صَرَخَ دِيوكِهِمْ. ثُمَّ قَلَبَهَا عَلَيْهَا (مجمع البيان ج 4 ص 686).

2- - قِيلَ: أَرْسَلَتْ الْحِجَارَةَ عَلَى الْغَائِبِينَ. وَقَلَبْتَ الْقَرْيَةَ بِالْحَاضِرِينَ (مجمع البيان ج 9 ص 238).

520 - آیات قرآنی زیر در باره واژگون شدن شهرهای قوم حضرت لوط علیه السلام می باشد.

برای آگاهی از تفسیر این آیات به کتب تفسیر و حدیث مراجعه فرمائید.

(1) أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ (1) أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ «(70)» (التوبة).

(2) وَالْمُؤْتَفِكَةَ (2) أَهْوَى (3) «(53)» (النجم).

(3) فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ «(82)»

مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ «(83)» (هود علیه السلام).

(4) فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ «(74)» (الحجر).

(5) ثُمَّ دَمَرْنَا (4) الْآخَرِينَ «(172)» (الشعراء).

ص: 287

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: أولئك قوم لوط انتفكت عليهم. انقلبت عليهم (الكافي ج 8 ص 181). 1 - أي: المنقلبات. وهي

ثلاث قرى كان فيها قوم لوط عليه السلام. أهلكتهم الله بالخسف. وقلب المدينة (مجمع البيان ج 5 ص 75).

2- - یعنی: قرى قوم لوط عليه السلام (مجمع البيان ج 9 ص 277).

3- - بعد أن رفعها. فقلبها (بحار الأنوار ج 18 ص 21).

4- - أي: أهلكتناهم بالخسف. وقيل: بالانتفاك. وهو الانقلاب. ثم امطر على من كان غائباً منهم - عن القرية - الحجارة من السماء

(مجمع البيان ج 7 ص 315). وقيل: قلبت المدينة على الحاضرين منهم. فجعل عاليها سافلها. وامطرت الحجارة على الغائبين. فأهلكوا

(مجمع البيان ج 4 ص 686).

521 - وَالْمُؤْتَفِكَةَ (1) أَهْوَى «53» (النجم).

522 - وَالْمُؤْتَفِكَاتِ (2) أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ «70» (التوبه).

523 - ثُمَّ دَمَرْنَا (3) الْآخَرِينَ «172» (الشعراء).

524 - در حدیثی پیرامون عقوبت و کیفر قوم حضرت لوط علیه السلام چنین آمده است:

بدرستی که خداوند متعال به جبرئیل امر فرمود تا بال خود را به زیر سرزمینی که این قوم در آن سکونت داشتند فرو برد.

جبرئیل علیه السلام نیز چنین کرد و آن شهرها را به طرف آسمان بالا برد تا جائی که اهل آسمان صدای بانگ خروس و صدای پارس سگهای آن قوم را شنیدند.

سپس جبرئیل آن شهرها را واژگون کرده و به طرف زمین پرتاب نمود.

و بدین ترتیب مردم آن شهرها در قعر زمین فرورفته و تا روز قیامت همچنان در کام زمین خواهند ماند (4).

ص: 288

---

1- - یعنی: قری قوم لوط علیه السلام المخسوفه (مجمع البيان ج 9 ص 277).

2- - آی: المنقلبات. و هی ثلاث قری کان فیها قوم لوط علیه السلام. أهلكهم الله بالخسف. و قلب المدینه (مجمع البيان ج 5 ص 75).

3- - آی: أهلكناهم بالخسف. وقيل: بالإنثفاك. و هو الإنقلاب. ثم امطر على من كان غائباً منهم - عن القرية - الحجارة من السماء (مجمع البيان ج 7 ص 315).

4- - إن الله تعالى أمر جبرئيل عليه السلام فأدخل جناحه تحت الأرض. فرفعها. حتى سمع أهل السماء. صياح الديكة. و نباح الكلاب. ثم قلبها. ثم خسف بهم الأرض. ف هم يتجلبون فيها إلى يوم القيامة (مجمع البيان ج 5 ص 281).

525 - در حدیث آمده است: هنگامی که قوم حضرت لوط علیه السلام عمل همجنس بازی را انجام دادند. زمین از عمل زشت آنها گریه کرده و به خدا شکوه و شکایت نمود.

و آسمان نیز از این عمل زشت آنها گریست.

در این هنگام خداوند متعال به آسمان فرمان داد تا آنان را سنگباران نماید.

و به زمین دستور داد تا آن جماعت را در خود فرو برد(1).

### صیحه و نهیب آسمانی

526 - فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ (2) مُشْرِقِينَ «73» (الحجر).

527 - صیحه آسمانی از جمله عقوبتهائی بود که گریبانگیر قوم حضرت لوط علیه السلام شد.

### وزش طوفان و تندباد

528 - إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا (3) إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ «34» (القمر).

529 - وزیدن طوفان و تندباد از جمله عقوبتهائی بود که گریبانگیر قوم حضرت لوط علیه السلام شد.

ص: 289

---

1- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 279 مراجعه فرمائید.

2- - آی: أخذهم الصوت الهائل فی حال شروق الشمس (مجمع البیان ج 6 ص 527).

3- - آی: ریحاً حصبتهم. آی: رمتهم بالحجاره و الحصباء. قال ابن عباس: یرید ما حصبوا به - من السماء - من الحجاره فی الريح (مجمع البیان ج 9 ص 291).



530 - وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ (1) «38»

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ (2) «39» (القمر).

531 - يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا (3) إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (4) «76» (هود عليه السلام).

532 - وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ (5) بَطْشَتَنَا (6) فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ (7) «36» (القمر).

533 - إِنَّا مَنزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا (8) مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (9) «34» (العنكبوت).

534 - دچار شدن به انواع عقوبت - و نزول عذاب الهی از آسمان - از جمله کیفرهائی بود که گریبانگیر قوم حضرت لوط علیه السلام گردید.

ص: 290

1-1 - ای: آتاهم صباحاً عذاب نازل بهم حتی هلكوا جميعاً (مجمع البيان ج 9 ص 291).

2-2 - ای: فقلنا لقوم لوط - لما أرسلنا عليهم العذاب - ذوقوا عذابي و نذرى (المجمع 291/9).

3-3 - قال الإمام الباقر عليه السلام: لم يزل لوط و إبراهيم عليهم السلام يتوقعان نزول العذاب على قومهم. فكانت لإبراهيم عليه السلام و للوط عليه السلام منزله من الله عزّ و جلّ شريفه. و إنّ الله عزّ و جلّ كان إذا أراد عذاب قوم لوط. أدركته مودّه إبراهيم عليه السلام و خلّته و محبّه لوط عليه السلام. فإراقبهم. فيؤخر عذابهم. فلما اشتدّ أسف الله على قوم لوط. قدر عذابهم... (علل الشرائع ج 2 ص 315).

4-4 - ای: محتوم.

5-5 - لوط عليه السلام.

6-6 - ای: أخذنا إيّاهم بالعذاب.

7-7 - ای: تدافعوا بالإنذار - على وجه الجدال بالباطل - . و قيل معناه: فشكّوا و لم يصدّقوا. و قالوا: كيف يهلكنا. و هو واحد منّا؟ (مجمع البيان ج 9 ص 291).

8-8 - ای: عذاباً من السماء.

9-9 - ای: جزاءً بفسقهم (مجمع البيان ج 8 ص 442).

وَقَصَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ (1) أَنْ دَابِرَ هُوَلَاءِ (2) مَقْطُوعٌ (3) مُصْبِحِينَ «66» (الحجر).

535 - مقطوع النسل شدن و از بین رفتن دودمان از جمله عقوبتهائی بود که گریبانگیر قوم حضرت لوط علیه السلام شد.

536 - در خبری آمده است: در حین وقوع عذاب بر قوم لوط مردی از آن جماعت خارج از آن منطقه بوده و در جای امنی قرار داشت.

او آخرین شخصی از این قوم بشمار می آمد. اما هنگامی که از آن جای امن خارج شد. سنگی که چهل روز در آسمان معلق مانده بود بر او اصابت کرد.

او را به هلاکت رساند.

و بدین ترتیب. آخرین نفر آنها نیز به هلاک رسیده و نابود شد.

و از نسل آنها هیچ شخصی باقی نماند (4).

ص: 291

1- - ای: أعلمنا لوطاً و أخبرناه و أوحينا إليه ما نزل به من العذاب (مجمع البيان ج 6 ص 525).

2- - یعنی: قوم لوط علیه السلام (تفسیر القمّی - علیه الرحمه - ج 1 ص 407).

3- - یعنی: آن آخر من یبقی منهم یهلك وقت الصباح. و المراد: أنهم مستأصلون بالعذاب - وقت الصباح - علی وجه لا یبقی منهم أثر و

لا- نسل و لا عقب (مجمع البيان ج 6 ص 526). الدابر: العقب و النسل. و يقال للهلك: قد قطع الله دابره. كأنه یراد أنه عفا أثره و محا

اسمه (شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید ج 11 ص 85).

4- - ذکر: أن حجراً بقى معلقاً بين السماء والأرض - أربعين يوماً - يتوقع به رجل من قوم لوط - كان في الحرم - حتى خرج منه. فأصابه

(مجمع البيان ج 5 ص 282). أمطر علی من كان غائباً منهم - عن القرية - الحجارة من السماء (مجمع البيان ج 7 ص 315).

537 - وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ (1) إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ (2) «31» (العنكبوت).

538 - ثُمَّ دَمَرْنَا (3) الْآخَرِينَ «136» (الصافات).

539 - امام صادق علیه السلام فرمود: بدرستی که خدای متعال چهار ملک - جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و کزوبیل - را برای هلاکت قوم لوط فرو فرستاد (4).

ص: 292

1- - یعنون: قریه قوم لوط علیهم السلام. و إنما قالوا هذا لأن قریتهم كانت قریبه من قریه قوم إبراهیم علیہ السلام.

2- - ای: مشرکین. مرتکبین للفواحش (مجمع البیان ج 8 ص 442).

3- - ای: أهلکناهم (مجمع البیان ج 8 ص 715).

4- - قال الإمام الصادق علیه السلام: إنَّ الله تعالى بعث أربعة أملاك في إهلاك قوم لوط: جبرئيل و ميكائيل و إسرافيل و كزوبيل عليهم السلام (الكافي ج 8 ص 328 و الكافي ج 5 ص 546 و تفسير العياشي - عليه الرحمة - ج 2 ص 316). في التفسير: هلاك. قال إبراهیم علیہ السلام لجبرائیل: بماذا ارسلت؟ قال: بهلاك قوم لوط. فقال إبراهیم علیہ السلام: إنَّ فيها لوطاً. قال جبرائیل: نحن أعلم بمن فيها. لننجينه و أهله إلا امرأته كانت من الغابرين. قال إبراهیم علیہ السلام: - يا جبرئيل - إن كان في المدينة ماء رجل - من المؤمنين - يهلكهم الله؟ قال: لا. قال: فإن كان فيهم خمسون؟ قال: لا. قال: فإن كان فيهم عشرة رجال؟ قال: لا. قال: فإن كان واحد؟ قال: لا. و هو قوله عزَّ وجلَّ: فما وجدنا فيه غير بيت من المسلمين. فقال إبراهیم علیہ السلام: - يا جبرئيل - راجع ربك فيهم. فأوحى الله - ك لمح البصر - : يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (تفسير القمّي - عليه الرحمة - ج 1 ص 363).

## آثار سوء و عواقب شومی که گریبانگیر شخص همجنس باز می گردد

### اصابت سنگی - از سنگهایی که قوم لوط را هلاک نمود - به همجنس باز

(1)

540 - امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی که بر انجام عمل لواط و همجنس بازی اصرار داشته باشد - و از این گناه توبه نکند -

سنگی - از سنگهایی که قوم لوط بوسیله آن به هلاکت رسیدند - به او اصابت می کند که جان او بوسیله این سنگ گرفته می شود.

اما اصابت این سنگ - با چشم - دیده نمی شود (2).

ص: 293

1- عمل شنیع لواط و همجنس بازی آثار سوء و عواقب شوم متعدد و مختلفی را - در دنیا - در پی دارد. که در این بخش - مختصراً - به پاره ای از آنها اشاره کرده و آن آثار سوء و عواقب شوم را به ترتیب حروف الفباء ذکر می نمایم. و برای اطلاع از دیگر آثار سوء و عواقب شوم این عمل شنیع به کتاب: جزای اعمال و سزای کردار مراجعه فرمائید.

2- عن میمون البان (1) قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام ف قرء - عنده - آيات من هود. فلما بلغ: وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنصُودٍ مُسَوَّمَةٍ عِنْدَ رَبِّكَ. وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَبَعِيدٍ. (قال) (2): فقال عليه السلام: من مات مصرّاً - على اللواط - لم يمت حتى يرميه الله ب حجرٍ من تلك الحجارة - تكون فيه منيته - ولا يراه أحداً (الكافي ج 5 ص 548 و تفسير العياشي - عليه الرحمة - ج 2 ص 321). عن میمون البان قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام ف قرء - عنده - آيات من هود. فلما بلغ: وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنصُودٍ مُسَوَّمَةٍ عِنْدَ رَبِّكَ. وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَبَعِيدٍ. فقال عليه السلام: من مات مصرّاً - على اللواط - فلم يمت حتى يرميه الله ب حجرٍ من تلك الحجارة. يكون فيه منيته. ولا يراه أحداً (بحار الأنوار ج 76 ص 72). (1) في التفسير: اللبان. (2) ما بين القوسين لم يذكر في التفسير.

## اصابت سنگی - از سنگهایی که قوم لوط را هلاک کرد - به جگر همجنس باز

541 - امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی که مرتکب عمل قوم لوط می گردد. خدای عزّ و جلّ به جگر او سنگی - که قوم لوط بوسیله آن به هلاکت رسیدند - اصابت می کند.

و او در اثر اصابت این سنگ می میرد.

اما مردم. این سنگ را با چشم خود نمی بینند(1).

ص: 294

---

1- - عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ. قال عليه السلام: ما من عبد يخرج من الدنيا. يستحلّ عمل قوم لوط إلّا رماه (1) الله كبده من تلك الحجارة. تكون منيته فيها. ولكنّ الخلق لا يرونه (تفسير القمّي - عليه الرحمه - ج 1 ص 365 و بحار الأنوار ج 12 ص 160). (1) في بحار الأنوار هكذا: رمى الله كبده.

542 - امام رضا علیه السلام فرمود: از زنا نمودن و لواط کردن پرهیز.

و این دو گناه هر کدام از دیگری بدتر است.

و این دو گناه باعث هفتاد و دو نوع درد و مرض در دنیا و آخرت می گردد(1).

543 - در حدیث آمده است: شخصی که اصرار بر انجام عمل شنیع لواط بورزد.

به مرض ابنه دچار می گردد(2).

544 - در حدیث آمده است: شخصی که مرتکب عمل شنیع لواط و همجنس بازی می گردد. آلوده ترین و کثیف ترین افراد می باشد(3).

ص: 295

---

1- قال الإمام الرضا عليه السلام: اتق الزنا واللواط. وهو أشد من الزنا. و الزنا أشد منه. و هما يورثان صاحبهما اثنين و سبعين داء - في الدنيا و الآخرة - (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام ص 377 الباب 44 و بحار الأنوار ج 76 ص 49).

2- قال رسول الله صلى الله عليه و آله: من ألح في وطئ الرجال. لم يمُت حتى يدعوا الرجال إلى نفسه (الكافي ج 5 ص 546 و المحاسن ج 1 ص 200 و عقاب الأعمال ص 316 و جامع الأخبار ص 409). قال أمير المؤمنين عليه السلام: من أمكن من نفسه طائعاً القيت عليه شهوة النساء (دعائم الإسلام ج 2 ص 455). قال أمير المؤمنين عليه السلام: ما أمكن أحد من نفسه طائعاً - يلعب به - إلا ألقى الله عليه شهوة النساء (عقاب الأعمال ص 317). قال أمير المؤمنين عليه السلام: من أمكن من نفسه طائعاً - يلعب به - ألقى الله عليه شهوة النساء (الكافي ج 5 ص 549 و المحاسن ج 1 ص 202 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 508). في الكافي: قال رسول الله صلى الله عليه و آله.

3- (و جاء في حدیث حول من یرتکب اللواط): اخرجوهم - من بیوتکم - فإنهم أفدر شیء (علل الشرائع ج 2 ص 384 الباب 385 الحدیث 63). و جاء فی بحار الأنوار ج 76 ص 64-65 باب: تحریم اللواط. و جاء أيضاً فی وسائل الشیعه ج 20 ص 337 باب: تحریم اللواط.

545 - فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَابًا مِنْ سِجِّيلٍ مَنْصُودٍ «82»

مُسَوِّمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ (1) «83» (هود).

546 - وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً (2) لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (3) «37» (الذاريات).

547 - در حدیث آمده است: جبرئیل علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: اگر افرادی - از این امت - مرتکب عمل زشت قوم لوط شوند - دور و بعید نیست - مجازاتی را که آن قوم دیدند گریبانگیر او نیز خواهد شد.

و او به عقوبتی که آن قوم دچار شدند گرفتار خواهد گشت (4).

ص: 296

1- - (ای): من ظالمی امتک إن عملوا (ما) عمل قوم لوط (الکافی ج 5 ص 544 و عقاب الأعمال ص 316 و المحاسن ج 1 ص 200).  
ای: و ما تلك الحجارة من الظالمين من امتك - يا محمد - ببعيد. أراد - بذلك - إرهاب قريش. و قال قتاده: ما أجاز الله منها ظالماً بعد قوم لوط. فإتقوا الله و كونوا منه على حذر (مجمع البيان ج 5 ص 282). ما بين القوسين لم يذكر في الكافي. ما بين القوسين لم يذكر في عقاب الأعمال.

2- - ای: علامه.

3- - ای: تدلهم على أن الله أهلكهم. فيخافون مثل عذابهم (مجمع البيان ج 9 ص 238).

4- - قال رسول الله صلى الله عليه و آله: إن أخوف ما أخاف - على امتي - عمل قوم لوط. فليرتقب امتي العذاب - إذا تكافأ الرجال بالرجال. و النساء بالنساء (مستدرک الوسائل ج 14 ص 347 نقله عن لبّ اللباب).

548 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: روزی در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودم که مردی مخنث (1) وارد شده و به پیامبر صلی الله علیه و آله سلام گفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله جواب سلام او را دادند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله صورت خود را رو به زمین کرده و کلمه استرجاع (2) را بر زبان جاری ساختند.

در این حین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا چنین افرادی در میان امت من وجود دارد؟

بدرستیکه وجود چنین افرادی - در میان امت - باعث نزول عذاب - قبل از قیامت - می گردد (3).

549 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از بیشترین چیزهایی که بر امت خود می ترسم آن است که مرتکب عمل قوم لوط گردند (4).

و اگر چنین کنند باید منتظر نزول عذاب باشند (5).

ص: 297

1- - یعنی: مردی که مرتکب عمل لواط و همجنس بازی می گردد. در رفتار این مرد نشانه های فاحشی وجود داشت که ظاهراً نمایانگر آلودگی او به این گناه بود.

2- - یعنی فرمود: إنا لله وإنا إليه راجعون.

3- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: كنت مع رسول الله صلى الله عليه وآله جالساً في المسجد. حتى أتاه رجل به تأنيث. فسلم عليه. ف ردّ صلى الله عليه وآله عليه. ثم أكب رسول الله صلى الله عليه وآله - في الأرض - يسترجع. ثم قال صلى الله عليه وآله: مثل هؤلاء في امتي؟! إنّه لم يكن مثل هؤلاء في امه إلاّ عذّبت - قبل الساعة - (علل الشرائع ج 2 ص 384 الباب 385). (و جاء في بحار الانوار ج 76 ص 65 باب: تحريم اللواط). (و جاء في وسائل الشيعه ج 20 ص 338 باب: تحريم اللواط).

4- - یعنی مرتکب عمل شنیع لواط و همجنس بازی بگردند.

5- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ أخوف ما أخاف على امتي عمل قوم لوط. فلترتقب امي العذاب إذا تكافئ الرجال بالرجال و النساء بالنساء (مستدرک الوسائل ج 14 ص 347).



در آن زمان. فسق و فجور شیوع پیدا می کند. و عمل همجنس بازی آشکار می گردد.

و مردم آن زمان به خاطر این اعمال مورد خشم و غضب الهی قرار گرفته و عذاب الهی گریبانگیر آنها خواهد شد(1).

ص: 298

1- - (من جمله ما جاء فی حدیث حول ملاحم آخرالزمان):... و رأیت الفسق قد ظهر. و اکتفی الرجال بالرجال. و النساء بالنساء. ... و رأیت الغلام یعطى ما تعطى المرأة. و رأیت النساء يتزوجن النساء. ... و رأیت الرجال يتسمنون للرجال. و النساء للنساء. و رأیت الرجل معیشته من دبره. و معیشه المرأة من فرجها. و رأیت النساء يتخذن المجالس كما يتخذها الرجال. و رأیت التانیث فی ولد العباس قد ظهر و أظهروا الخضاب و امتشطوا كما تمتشط المرأة لزوجها و أعطوا الرجال الأموال علی فروجهم و تنوفس فی الرجل و تغایر علیه الرجال. ... و كان الزنى تمتدح به النساء. و رأیت المرأة تصانع زوجها علی نکاح الرجال. و رأیت أكثر الناس و خیر بیت من یساعد النساء علی فسقهنّ. ... و رأیت ذوات الأرحام ینکحنّ و یکتفی بهنّ. ... و یتغایر علی الرجل الذکر فیبدل له نفسه و ماله. و رأیت الرجل یعیبر علی إتیان النساء. و رأیت الرجل یأکل من کسب امرأته من الفجور - یعلم ذلك و یقیم علیه - ... و رأیت الرجل یکرى امرأته و جاریته و یرضی بالمدنی من الطعام و الشراب. ... ف کن علی حذر. و اطلب إلى الله عزّ و جلّ النجاه. و أعلم أنّ الناس فی سخط الله عزّ و جلّ. و إنّما یمهلهم لأمر یراد بهم. ف کن مترقباً. و اجتهد لیراک الله عزّ و جلّ فی خلاف ما هم علیه. فإن نزل بهم العذاب - و کنت فیهم - عجلت إلى رحمة الله. و إن أخرت ابتلوا و کنت قد خرجت ممّا هم فیهم من الجرأه علی الله عزّ و جلّ. و أعلم أنّ الله لا یضیع أجر المحسنین و أنّ رحمة الله قریب من المحسنین (الکافی ج 8 ص 38).

## شایستگی نداشتن برای سلام کردن به آنها

551 - امام باقر علیه السلام فرمود: به افرادی که مخنث (1) هستند. سلام نکنید (2).

## شایستگی نداشتن آنها برای مجالست و هم‌نشینی

552 - در حدیثی که پیرامون اشخاصی که مرتکب عمل شنیع لواط و همجنس بازی می‌گردند آمده است: آنها را از خانه خود بیرون کنید.

زیرا آنها آلوده و کثیف هستند (3).

## لرزیدن عرش الهی از کار آنها

553 - در حدیث آمده است: هنگامی که مردی با مردی لواط می‌کند.

عرش الهی از این عمل شنیع به لرزه درمی‌آید (4).

ص: 299

---

1- - یعنی شخصی که مرتکب عمل شنیع لواط و همجنس بازی می‌گردد.

2- - قال الإمام الباقر عليه السلام: لا تسلّموا علی... المخنث (الخصال ص 484 و روضه الواعظین ج 2 ص 439 و مشکاه الأنوار ج 2 ص 31).

3- - (و جاء فی حدیث حول من یرتکب اللواط): اخرجوهم - من بیوتکم - فإنّهم أقدر شیء (علل الشرائع ج 2 ص 384 الباب 385 الحدیث 63). و جاء فی بحار الأنوار ج 76 ص 64-65 باب: تحریم اللواط. و جاء أيضاً فی وسائل الشیعه ج 20 ص 337 باب: تحریم اللواط.

4- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ الذکر لیرکب الذکر. فیهتّر العرش لذلك (الكافی ج 5 ص 544).

554 - مردی از امام صادق علیه السلام از علت تحریم گناه لواط و همجنس بازی پرسید؟

امام صادق علیه السلام در جواب فرمود: این کار موجب بی نیازی مردان از زنان می شود.

و این امر باعث متروک شدن ازدواج و منقطع شدن نسل بشر می گردد.

و ارتکاب این عمل موجب تباهی و فساد بسیاری است (1).

### مورد خشم و غضب الهی قرار گرفتن آنها

555 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که با پسری آمیزش جنسی کند. در روز قیامت او در حالی که به جنابت آلوده شده است. وارد محشر می گردد.

و او بوسیله هیچ آبی پاک و طاهر نمی گردد.

و خداوند عزّ و جلّ بر او خشم می کند. و او را مورد لعن و نفرین قرار می دهد.

و او را در جهنّم قرار می دهد. که جهنّم بد جایگاهی است (2).

ص: 300

---

1- قال رجل للإمام الصادق عليه السلام: لِمَ حرّم اللواط؟ قال عليه السلام: من أجل أنّه لو كان إتيان الغلام حلالاً. ل إستغنى الرجال عن النساء. و كان (1) فيه قطع النسل. و تعطيل الفروج. و كان في إجازة ذلك. فساد كثير (الاحتجاج ج 2 ص 239 و المناقب ج 4 ص 285). عن محمّد بن سنان: أنّ أبا الحسن عليّ بن موسى الرضا عليهما السلام كتب إليه فيما كتب من جواب مسائله: علّه تحریم الذکران للذکران. و الإناث للإناث (2) لما ركب في الإناث. و ما طبع عليه الذکران. و لما في إتيان الذکران. الذکران - و الإناث. الإناث - من إنقطاع النسل. و فساد التدبير. و خراب الدنيا (علل الشرائع ج 2 ص 313 الباب 340 و عيون الأخبار ج 2 ص 104 الباب 33).

2- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: من جامع غلاماً جاء جنباً يوم القيامة. لا يتقيّه ماء الدنيا. و غضب الله عليه. و لعنه. و أعدّ له جهنّم. و ساءت مصيراً (الكافي ج 5 ص 544). (1) في المناقب: فكان. (2) في العيون: الإناث بالإناث.

## مورد لعن و نفرین الهی قرارگرفتن آنها

556 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که با پسری آمیزش جنسی کند. در روز قیامت او در حالی که به جنابت آلوده شده است. وارد محشر می گردد.

و او بوسیله هیچ آبی پاک و طاهر نمی گردد.

و خداوند عزّ و جلّ بر او خشم می کند.

و او را مورد لعن و نفرین قرار می دهد.

و او را در جهنّم قرار می دهد.

که جهنّم بد جایگاهی است (1).

557 - امام هادی علیه السلام در حدیثی پیرامون شخصی که مرتکب عمل شنیع لواط می شود.

فرمود: لعنت و نفرین خدا بر شخصی خواهد بود که مرتکب چنین عملی می گردد (2).

ص: 301

---

1- - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من جامع غلاماً جاء جنباً يوم القيامة. لا يتقيّه ماء الدنيا. و غضب الله عليه. و لعنه. و أعدّ له جهنّم. و ساءت مصيراً (الكافي ج 5 ص 544).

2- - الحسين بن سعيد قال: قرأت بخط رجل - أعرفه - إلى أبي الحسن عليه السلام. و قرأت جواب أبي الحسن عليه السلام - بخطه -: هل على رجل لعب بغلام - بين فخذيه - حدٌّ؟ فإنّ بعض العصابه. روى: إنّه لا بأس بلعب الرجل بالغلام بين فخذيه؟ فكتب عليه السلام: لعنه الله على من فعل ذلك (تهذيب الأحكام ج 10 ص 65 و الاستبصار ج 4 الباب 126).

558 - در حدیث آمده است: خداوند متعال لعن و نفرین می کند مردی را که با مرد دیگری آمیزش جنسی می نماید(1).

559 - در حدیث آمده است: خداوند متعال لعن و نفرین فرمود - و ملائکه نیز آمین گفتند - مردی را که با مرد دیگری آمیزش جنسی می کند(2).

560 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: لعنت و نفرین خدا بر شخصی خواهد بود که مرتکب عمل قوم لوط می گردد(3).

561 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: لعنت و نفرین خدا و ملائکه و همه مردم بر شخصی باد که مرتکب عمل لواط می گردد(4).

ص: 302

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لعن الله المتشبهات بالرجال من النساء. و لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء (الكافي ج 5 ص 553 باب: السحق). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لعن الله... المتشبهين من الرجال بالنساء. و المتشبهات من النساء بالرجال (الكافي ج 8 ص 71). و في بعض الأخبار: إنَّ المتشبهين من الرجال: المفعولون منهم. و المتشبهات من النساء: الساحقات (بحار الأنوار ج 22 صفحة 138). عن زيد بن عليّ عن آبائه عليهم السلام عن عليّ عليه السلام: أنّه رأى رجلاً - به تأنيث - في مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله. فقال عليه السلام له: اخرج من مسجد رسول الله - يا من لعنه رسول الله - . ثمّ قال عليّ عليه السلام: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء. و المتشبهات من النساء بالرجال. و في حديث آخر: اخرجوهم - من بيوتكم - فإنّهم أقدر شيء (علل الشرائع ج 2 ص 384 الباب 385 الحديث 63). و جاء في بحار الأنوار ج 76 ص 64-65 باب: تحريم اللواط. و جاء أيضاً في وسائل الشيعة ج 20 ص 337 باب: تحريم اللواط.

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لعن الله - و أمّنت الملائكة - على رجل تأث. و إمراه تذكّرت (مستدرک الوسائل ج 14 ص 349 باب تحريم اللواط).

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لعن الله من عمّلَ قوم لوط (میزان الحکمه ج 9 ص 3685).

4- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا لعنه الله و الملائكة و الناس أجمعين... على من أتى الذکران من العالمين (میزان الحکمه ج 9 ص 3713 نقله عن كنز العمال).

562 - در حدیث آمده است: خداوند متعال گروهی را مورد لعن و نفرین قرار می دهد و در روز قیامت با دیده رحمت به سوی آنها نمی نگرد.

و به آنها می گوید: که وارد جهنم شوید.

از جمله آن گروه: شخصی است که مرتکب عمل شنیع لواط می گردد.

مگر آنکه توبه واقعی نماید(1).

563 - در حدیثی که پیرامون بیان مفسد آخرالزمان می باشد چنین آمده است:

در آن زمان. مردان بوسیله مردان. شهوت جنسی خود را ارضاء می نمایند.

و مردانی خود را به زنان شبیه می سازند.

لعنت و نفرین خدا بر چنین اشخاصی باد(2).

ص: 303

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: سبعة يلعنهم الله. ولا ينظر إليهم يوم القيامة. ويقول: ادخلوا النار مع الداخلين: الفاعل و المفعول به. و ناكح البهيمة. و ناكح الأم و بنتها. و ناكح يده. إلا أن يتوبوا (ثواب الأعمال و عقابها - للدخيل - ص 649 نقله عن الكبائر ص 57).

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن من أشراط القيامة: ... ف عندها يكتفى الرجال بالرجال. و النساء بالنساء. و يغار على الغلمان - كما يغار على الجارية في بيت أهلها - . و يشبه الرجال بالنساء. و النساء بالرجال. و يركبن ذوات الفروج. السروج. ف عليهم - من امتي - لعنة الله (وسائل الشيعة ج 15 ص 348).

564 - امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله لعن و نفرین فرمود مردان مخنث را.

آنها مردانی هستند که با مردان. آمیزش جنسی می نمایند(1).

565 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افراد مخنث را مورد لعن و نفرین خود قرار داد.

و فرمود: آنها را از خانه های خود بیرون کنید. زیرا آنها بسیار آلوده و کثیف هستند(2).

ص:304

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: لعن رسول الله المتشبهين من الرجال بالنساء. و المتشبهات من النساء بالرجال. (قال): و هم: المخنثون. و اللاتي ينكحن بعضهن بعضاً (الكافي ج 5 ص 550 و المحاسن ج 1 ص 202 و عقاب الأعمال ص 317). ما بين القوسين لم يذكر في عقاب الأعمال.

2- - قال أمير المؤمنين عليه السلام: لعن رسول الله صلى الله عليه و آله المخنثين. و قال: اخرجوهم من بيوتكم (الجعفریات ص 213 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 496 و النوادر للسید فضل الله الراوندی - عليه الرحمه - ص 191). لعن رسول الله صلى الله عليه و آله المخنثين من الرجال. المتشبهين بالنساء (مستدرک الوسائل ج 14 ص 349 باب: تحريم اللواط). لعن رسول الله صلى الله عليه و آله مخنثين الرجال. المتشبهين بالنساء (الجعفریات ص 242). عن رسول الله صلى الله عليه و آله أنه لعن المخنثين من الرجال. و قال: اخرجوهم من بيوتكم. و لعن المذكرات من النساء و المؤنثين من الرجال (دعائم الإسلام ج 2 ص 455 و مستدرک الوسائل ج 14 ص 349 باب: تحريم اللواط). عن زيد بن عليّ عن أبائه عليهم السلام عن عليّ عليه السلام: أنه رأى رجلاً - به تأنيث - في مسجد رسول الله صلى الله عليه و آله. فقال عليه السلام له: اخرج من مسجد رسول الله - يا من لعنه رسول الله - . ثم قال عليّ عليه السلام: سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول: لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء. و المتشبهات من النساء بالرجال. و في حديث آخر: اخرجوهم - من بيوتكم - فإنهم أفذر شيء (علل الشرائع ج 2 ص 384 الباب 385 الحديث 63). (والبحار ج 76 ص 64 باب: تحريم اللواط. والوسائل ج 20 ص 337 باب: تحريم اللواط).

566 - در حدیثی که پیرامون علت مسخ می باشد آمده است: مردی که با مردان دیگر آمیزش جنسی می کرد مسخ شده و به صورت خرس درآمد(1).

567 - در حدیثی که پیرامون علت مسخ می باشد آمده است: مردی که با مردان دیگر آمیزش جنسی می کرد مسخ شده و به صورت فیل درآمد(2).

568 - ابن عباس می گوید: شخصی که مرتکب عمل شنیع لواط می گردد - و از این کار توبه نمی کند - در قبر مسخ شده و به صورت خوک در خواهد آمد(3).

569 - در حدیث آمده است: دو جوانی که مرتکب عمل شنیع لواط و همچنس بازی می شدند مسخ شده و به صورت سنگی درآمدند(4).

ص: 305

1- - (جاء فی حدیث حول المسوخ و سبب مسخها): و أمّا الدّبّ. فكان رجلاً مؤثّثاً يدعو الرجال إلى نفسه (الخصال ص 494 و علل الشرائع ج 2 ص 233 و ص 236 الباب 239). فی نسخه من العلل: مخثّثاً.

2- - (جاء فی حدیث حول المسوخ و سبب مسخها): و أمّا الفیل. فكان رجلاً لوطیاً لا یدع رطباً و لا یابساً (الخصال ص 494). ... أمّا الفیل فإنّه مسخ لأنّه کان ملکاً زتاءً لوطیاً (علل الشرائع ج 2 ص 232 الباب 239).

3- - قال ابن عبّاس: إنّ اللواط إذا مات - من غیر توبه - یمسّخ فی قبره خنزیراً (ثواب الأعمال و عقابها - للدخیل - ص 568 نقله عن کتاب الكبائر ص 57).

4- - سئل أمير المؤمنين عليه السلام عن إساف. و نائله؟ فقال عليه السلام: كانا شاتين صبيحين - و كان بأحدهما تأنيث - و كانا يطوفان بالبيت. ف صادفا - من البيت - خلوة. فأراد أحدهما صاحبه. ففعل. فمسخهما الله (حجرین) (1) (الكافی ج 4 ص 546 و قرب الاسناد ص 50). (1) مابین القوسین لم یذكر فی الكافی.



570 - در حدیث آمده است: ارتکاب عمل شنیع لواط و همجنس بازی موجب هلاکت و نابودی می گردد(1).

### فرو رفتن جنازه آنها در زمین و ملحق شدنشان به قوم لوط

571 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چنانچه فردی از امت من عمل قوم لوط را انجام دهد.

- و از این گناه توبه نکند - پس از مردن و قرار گرفتن در لحد. بیش از سه روز در قبر خود باقی نمی ماند.

زیرا پس از گذشت این مدت. در زمین فرو رفته و به قوم لوط ملحق می گردد.

و در روز قیامت با آنها محشور می شود(2).

ص: 306

---

1- - عن یونس عن بعض أصحابنا عن أبی عبد الله علیه السلام قال: سمعته یقول: حرمة الدبر أعظم من حرمة الفرج. إن الله أهلك أمه بحرمة الدبر. و لم یهلك أحداً بحرمة الفرج (الكافی ج 5 ص 543).

2- - قال أمير المؤمنين علیه السلام: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: من یعمل من امتی عمل قوم لوط. ثم یموت - علی ذلك - فهو مؤجل أن یوضع فی لحدہ. فإذا وضع فیہ لم یمکث أكثر من ثلاث. حتی تقذفه الأرض إلی جملة قوم لوط. المهلكین. فیحشر معهم (المناقب ج 3 ص 406). قال أمير المؤمنين علیه السلام: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: من عمل عمل قوم لوط. و خرج من الدنيا بغير توبه. ذهب الله به إلی قوم لوط. حتی یكون فیهم. و یحشر معهم (مستدرک الوسائل ج 14 ص 345).

5 - کیفر و عقوبت در آخرت و روز قیامت (1)

### محرومیت از وارد شدن به بهشت و سکونت در آن

572 - خداوند عزّ و جلّ در حدیث قدسی فرمود: به عزّت و جلال خود سوگند می خورم شخصی که مخنث (2) می باشد وارد بهشت نمی شود (3).

573 - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال نشستن بر فرشتهای بهشتی را - بر اشخاصی که مرتکب عمل لواط می گردند - حرام نموده است (4).

574 - امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ فرمود: به عزّت و جلال خود سوگند می خورم: هرگز شخصی که مرتکب عمل لواط می گردد بر فرشتهای بهشتی نمی نشیند (5).

ص: 307

1- - در این فصل بخشی از کیفر و عقوبت اخروی ارتکاب عمل شنیع لواط ذکر می گردد.

2- - یعنی: شخصی که مرتکب عمل شنیع لواط و همجنس بازی می گردد.

3- - (قال الله عزّ وجلّ - فی الحدیث القدسی - فی شأن الجنّه): ... و عزّتی و جلالی لا یدخلها... مخنث (من لا یحضره الفقیه ج 4 ص 257 و مکارم الأخلاق ج 2 ص 322 و جامع الأخبار ص 426). قال علیه السلام: إنّ للمخنّثین أرحاماً كأرحام النساء. إلاّ أنّها منکوسه (مکارم الأخلاق ج 1 ص 507).

4- - قال الإمام الصادق علیه السلام: حرّم الله علی کلّ (ذی) دُبُرٍ مستکح. الجلس علی استبرق الجنّه (مکارم الأخلاق ج 1 ص 508 و جامع الأحادیث للشیخ جعفر بن أحمد القمّی - علیه الرحمه - ص 293). ما بین القوسین لم یذکر فی جامع الأحادیث.

5- - قال الإمام الباقر علیه السلام: أقسم الله علی نفسه أن لا یقعد علی نماریق الجنّه من یؤتی فی دُبُرِهِ (الکافی ج 5 ص 550 باب: اللواط). قال الإمام الباقر علیه السلام: قال الله عزّ و جلّ: و عزّتی و جلالی لا یقعد علی استبرقها (و حریرها) من یؤتی فی دُبُرِهِ (الکافی ج 5 ص 550 و عقاب الأعمال ص 316 و المحاسن ج 1 ص 201 باب: اللواط). ما بین القوسین لم یذکر فی عقاب الأعمال.

575 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به من خبر داد که بوی بهشت از فاصله هزار سال به مشام می رسد.

اما شخصی که مخنث می باشد بوی بهشت را استنشام نخواهد کرد(1).

576 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که با پسری آمیزش جنسی نماید. بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید - مگر آنکه توبه نماید - (2).

### محشور شدن با قوم لوط

577 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چنانچه فردی از امت من عمل قوم لوط را انجام دهد.

- و از این گناه توبه نکند - پس از مردن و قرار گرفتن در لحد. بیش از سه روز در قبر خود باقی نمی ماند.

زیرا پس از گذشت این مدت. در زمین فرو رفته و به قوم لوط ملحق می گردد.

و در روز قیامت با آنها محشور می شود(3).

ص: 308

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أخبرني جبرئيل: أنّ ریح الجنة يوجد من مسيرة ألف عام. ما يجدها زنوق. و هو: المنخنث (معانی الأخبار ص 303). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يجد ریح الجنة زنوق. و هو: المنخنث (بحار الأنوار ج 76 ص 67 نقله عن معانی الأخبار).

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من قبّل غلاماً بشهوه عدّبه الله ألف عام في النار. و من جامعه لم يجد ریح الجنة. و ريحها يوجد من مسيرة خمسمائة عام - إلا أن يتوب - (إرشاد القلوب ج 1 ص 358 الباب 53).

3- - برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 306 مراجعه فرمائید.

578 - حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: مردی که با مرد دیگری آمیزش جنسی نماید - در روز قیامت - در جای بلندی به دار آویخته خواهد شد.

به گونه ای که اهل آتش. او را به ارتکاب این عمل شنیع می شناسند(1).

579 - امام رضا علیه السلام فرمود: مردی که با مرد دیگری آمیزش جنسی نماید. او را در روز قیامت به داری - که مشرف به آتش جهنم است - می آویزند.

و او تا هنگامی که خداوند عزّ و جلّ از حسابرسی مردم فارغ گردد بر آن دار آویخته می ماند. سپس او را به طرف جهنم پرت نموده و در طبقات آتش آن. مورد عذاب قرار خواهد گرفت. و هیچگاه از آتش جهنم بیرون نخواهد آمد(2).

580 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که با پسری آمیزش جنسی کند. در روز قیامت او در حالی که به جنابت آلوده شده است. وارد محشر می گردد.

و او بوسیلهٔ هیچ آبی پاک و طاهر نمی گردد.

و خداوند عزّ و جلّ بر او خشم می کند.

و او را مورد لعن و نفرین قرار می دهد.

و او را در جهنم قرار می دهد - که جهنم بد جایگاهی است - (3).

ص: 309

---

1- قال أمير المؤمنين عليه السلام: إذا قضى الذكر من الذكر شهوته. صلب يوم القيامة في مصلب رفيع. يعرفه أهل النار بذلك العمل (مستدرک الوسائل ج 14 ص 347).

2- قال الإمام الرضا عليه السلام: من لاط بغلام. فعقوبته أن يحرق بالنار. أو يهدم عليه حائط. أو يضرب ضربه بالسيف. ولا تحلّ له اخته في التزويج - أبداً - ولا ابنته. و يصلب يوم القيامة على شفير جهنم. حتّى يفرغ الله من حساب الخلائق. ثمّ يلقيه في النار. فيعدّبه بطبق من طبقه منها حتّى يؤدّه إلى أسفلها. فلا يخرج منها - أبداً - (بحار الأنوار ج 76 ص 71 نقله عن الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام).

3- برای اطلاع از متن این حدیث به صفحه 300 مراجعه فرمائید.

581 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که مرتکب عمل لواط گردد خداوند عزّ و جلّ در روز قیامت او را بر پل جهنّم زندانی خواهد نمود تا هنگامی که از حسابرسی خلافت فارغ گردد.

سپس او را روانه جهنّم خواهند ساخت.

و او در هر طبقه ای از جهنّم مورد عذاب قرار خواهد گرفت تا به طبقه پایین برسد.

و هیچگاه از آتش جهنّم بیرون نخواهد آمد(1).

582 - امام صادق علیه السلام فرمود: خدای متعال در روز قیامت با سه شخص سخن نمی گوید و آنها را مورد تزکیه قرار نمی دهد.

و برای آنها عذابی دردناک خواهد بود:

شخصی که موی سپید خود را بکند.

شخصی که خود ارضائی می کند.

شخصی که تن به عمل لواط می دهد(2).

ص: 310

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الرجل ليؤتى - في حقه - فيحسبه الله على جسر جهنم. حتى يفرغ من حساب الخلاق. ثم يؤمر به إلى جهنم. فيعدّب بطبقاتها - طبقه طبقه - حتى يرد إلى أسفلها. ولا يخرج منها (الكافي ج 5 ص 544).

2- (قال الإمام الصادق عليه السلام): ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة. ولا ينظر إليهم ولا يزكّيهم. ولهم عذاب أليم: الناتف شبيه (1). و الناحك نفسه. و المنكوح في دبره (الخصال ص 106 و روضه الواعظين ج 2 ص 476). (1) في روضه الواعظين: شبيته.

583 - در حدیث آمده است: چند گروه هستند که خدای متعال در روز قیامت بدیده رحمت به آنها نمی نگرد. و آنان را مورد تزکیه قرار نمی دهد.

و آنان را با مردم محشور نمی نماید.

و آنان اولین گروهی خواهند بود که وارد جهنم خواهند شد.

از جمله آن گروه: کسانی هستند که مرتکب عمل شنیع لواط می شوند.

مگر آنکه توبه نموده و از کرده خود پشیمان گردند(1).

ص: 311

---

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: سبعة لا ينظر الله إليهم يوم القيامة. ولا يزيغهم. ولا يجمعهم مع العالمين. يدخلون النار أول الداخلين. - إلا أن يتوبوا. فمن تاب. تاب الله عليه -: الناكح يده. و الفاعل و المفعول به. و مدمن الخمر. و الضارب أبويه حتى يستغيثا. و المؤذي جيرانه حتى يلعنوه. و الناكح حليله جاره (ثواب الأعمال و عقابها - للدخيل - ص 649 نقله عن نهائيه الأرب ج 2 ص 208). قال رسول الله عليه السلام: سبعة يلعنهم الله. و لا ينظر إليهم - يوم القيامة -. و يقول: ادخلوا النار مع الداخلين: الفاعل و المفعول به. و ناكح البهيمة. و ناكح الأم و بنتها. و ناكح يده. إلا أن يتوبوا (ثواب الأعمال و عقابها ص 649 - للدخيل - نقله عن الكبائر ص 57). من حديث الملك مع النبي صلى الله عليه وآله: أمّا التلّ الأسود - الذي رأيت - عليه قوماً مخبلين. تنفخ النار في أذبارهم. فتخرج من أفواههم و مناخيرهم و أعينهم و آذانهم. فأولئك يعملون عمل قوم لوط. الفاعل و المفعول به. ف هم يعدّون حتى يصيروا إلى النار (ثواب الأعمال و عقابها - للدخيل - ص 569 نقله عن تاريخ شام ج 1 ص 17 - منشورات دار المرتضى - بيروت).

584 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که مرتکب عمل لواط می گردد. بوی او - در روز قیامت - بدتر از مردار گندیده خواهد بود. به گونه ای که مردم از بوی بد او در اذیت خواهند بود. تا آن هنگام که وارد جهنم گردد.

و خدای متعال اعمال نیک او را قبول نمی کند.

و او را - در روز قیامت - در حالی که با میخهای آهنی میخکوب شده است در تابوتی قرار می دهد.

و در آن تابوت مورد عذاب قرار می گیرد.

و شدت عذاب او از همه بیشتر است (1).

ص: 312

---

1- - (قال رسول الله صلى الله عليه وآله): من نكح امرأة (1) - حراماً - في دبرها. أو رجلاً أو غلاماً. حشره الله تعالى - يوم القيامة - انتن من الجيفة. يتأذى به الناس - حتى يدخل جهنم -. و لا يقبل الله منه صرفاً ولا عدلاً. وأحبط الله عمله. و يدعه (2) - في تابوت - مشدوداً (3) بمسامير من حديد. و يضرب عليه - في التابوت - بصفائح حتى (4) يتشبك في تلك المسامير. فلو (5) وضع عرق - من عروقه - على أربع مائة (6) أمه. لماتوا جميعاً. و هو من أشد الناس عذاباً... (عقاب الأعمال ص 332 و أعلام الدين ص 412). (1) في أعلام الدين هكذا: إمراه - في دبرها - حراماً. (2) في أعلام الدين هكذا: و يدخل. (3) في أعلام الدين: مشدود. (4) في أعلام الدين هكذا: حتى تشبك حرّ تلك النار المسامير. (5) في أعلام الدين: و لو. (6) في أعلام الدين هكذا: على أربعمائة ألف أمه.

مردی که موی سر او ژولیده و نامرتب می باشد

585 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی مردی را مشاهده فرمود که موهای سر او ژولیده و لباسهای او چرک و وضع او ناهنجار بود.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بد بنده ای است شخصی که چرک و کثیف می باشد(1).

586 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی افرادی را که با وضع ناهنجاری به نزد ایشان آمده و به نظافت شخصی خود نپرداخته بودند مورد سرزنش قرار داده و به آنها فرمود:

چرا هنگامی که به نزد من می آید دندانهای خود را مسواک نمی زنید؟

و با موهای کثیف و ژولیده به نزد من می آید؟(2)

ص: 313

1- - عن مسمع بن عبد الملك عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أبصر رسول الله صلى الله عليه وآله رجلاً شعثاً شعر رأسه. و سخره ثيابه. سيئه حاله. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: من الدين: المتعه. و إظهار النعمه. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: بس العبد. القاذوره (الكافي ج 6 ص 439).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مالى أراكم - تدخلون علىّ - قُلْحاً (1) مرغاً (2). مالكم لا تستاكون؟ (المحاسن ج 2 ص 381). (1) القُلْح: من تغيّرت أسنانه و ركبتها صفره أو خضره. (2) أى: ذو شعر متشعث يحتاج إلى الدهن.



587 - در حدیث آمده است: لازم است بر فردی که موی سر خود را بلند نگه می دارد به موی خود رسیدگی کند و آن را مرتب نماید. و به نظافت آن پردازد - و گرنه آن را کوتاه سازد - . و اگر او چنین نکند - در روز قیامت - برای موهای سر او - با اژه ای از آتش - فرق باز می کنند(1).

588 - در حدیث آمده است: هنگامی که موی بدن مردی - بیش از حد - بلند می شود.

بینائی او ضعیف. و نور دیده اش کم می گردد. و شهوت او تقلیل می یابد(2).

ص: 314

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من اتخذ شعراً، فليحسن ولايته. أو ليجزّه (الكافي ج 6 ص 485 و من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 75 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 164). الحنيفة. عشر سنن: ... و الفرق لمن طول شعر رأسه. و من لم يفرّق شعر رأسه فرقه الله يوم القيامة بمنشار من نار (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 33). قال الإمام الصادق عليه السلام: من اتخذ شعراً، فلم يفرقه. فرّق الله بمنشار من نار (مكارم الأخلاق ج 1 ص 164 و العوالي ج 2 ص 20 و الفقيه ج 1 ص 76 و دعائم الإسلام ج 1 ص 125). قال الإمام الرضا عليه السلام: إياك أن تدع الفرق - إن كان لك شعر - . فقد روى عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: من لم يفرّق شعره. فرقه الله بمنشار من النار في النار (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام ص 66 و مستدرک الوسائل ج 1 ص 402). قال أمير المؤمنين عليه السلام: من اتخذ شعراً فلم يفرقه. فرقه الله تعالى يوم القيامة بمنشار من نار (الجعفریات ص 257 و قرب الاسناد ص 70). في قرب الاسناد: قال الإمام الباقر عليه السلام.

2- - قال الإمام الكاظم عليه السلام: إن شعر الرأس إذا طال ضعف البصر. و ذهب بضوء نوره (مستطرفات السرائر ص 57). قال الإمام الكاظم عليه السلام: إن الشعر في الرأس إذا طال أضعف البصر. و ذهب بضوء نوره (بحار الأنوار ج 73 ص 85). قال أمير المؤمنين عليه السلام: ما كثر شعر رجل - قط - إلا قلت شهوته (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 303 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 504). (قال الإمام الكاظم عليه السلام): شعر الجسد إذا طال قطع ماء الصلب و أرخى المفاصل و أورث الضعف والكسل (بحار الأنوار ج 73 ص 91). (وراجع: مستطرفات السرائر ص 57).

مردی که به زن نامحرم نگاه نامشروع می کند

589 - در حدیث آمده است: هر یک از اعضاء بدن انسان می تواند بهره ای از گناه زنا داشته باشد(1):

زنای چشم: نگاه نامشروع می باشد.

و زنای دهان: بوسیدن نامشروع می باشد.

و زنای دست: لمس کردن نامشروع می باشد(2).

ص: 315

1- یعنی انجام این گناهان بوسیله این اعضاء از بدن. می تواند مقدمه ای برای ارتکاب عمل شنیع زنا گشته و زمینه انجام آن را بوجود بیاورد. پس لازم است که برای جلوگیری از آلوده شدن به گناه زنا. از ارتکاب مقدمات آن نیز پرهیز نمود. و لازم به یادآوری است که ارتکاب این گناهان اختصاص به مردان ندارد.

2- قال الإمام الصادق عليه السلام: ما من أحد إلا هو يصيب حظاً من الزنا: ف زنا العينين: النظر. و زنا الفم: القبله. و زنا اليدين: اللمس. صدق الفرّج ذلك أم كذب (الكافي ج 5 ص 559 ومشكاة الأنوار ج 1 ص 354). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لكل عضو من ابن آدم حظ من الزنا: العين: زناها: النظر. و اللسان: زناه: الكلام. و الأذنان: زناهما: السمع. و اليدان: زناهما: البطش. و الرجلان: زناهما: المشى. و الفرّج يصدق ذلك - كله - و يكذبه (جامع الأخبار ص 408 الفصل 107). قال عيسى عليه السلام للحواريين: إن من نظر (إلى) إمراً - فإشتهها - فقد زنا بها في قلبه (سعد السعود ص 110 و بحار الأنوار ج 14 ص 317). ما بين القوسين لم يذكر في سعد السعود.

590 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نگاه (به زن نامحرم) تیر مسمومی است از تیرهای ابلیس (1).

591 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نگاه کردن به زیبایی زنان تیری است از تیرهای ابلیس (2).

592 - مردی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در باره نگاه کردن به زن نامحرم پرسید؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نگاه اول: از آن تو می باشد.

و نگاه دوم: علیه تو می باشد و برای تو نیست.

و نگاه سوم: تیری است مسموم از تیرهای ابلیس.

و خداوند متعال به شخصی که - بخاطر خدا - از این نگاه حرام پرهیز نماید. ایمانی عنایت می فرماید که مزه آن را خواهد چشید (3).

ص: 316

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: النظر سهم مسموم من سهام إبليس (جامع الأخبار ص 246). قال رسول الله صلى الله عليه وآله و

آله: النظر سهم مسموم من سهام إبليس. فمن تركها - خوفاً من الله - أعطاه الله إيماناً يجد حلاوته في قلبه (جامع الأخبار ص 407).

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: النظر إلى محاسن النساء سهم من سهام إبليس. فمن تركه أذاقه الله طعم عباده تسره (مستدرک

الوسائل ج 14 ص 270).

3- (سئل أمير المؤمنين عليه السلام) عن الرجل. تمرّ به المرأة. فينظر إليها؟ قال عليه السلام: أول نظره لك. و الثانية: عليك - لا لك -.

و النظره الثالثة: سهم مسموم من سهام إبليس. من تركها لله - لا لغيره - أعقبه الله إيماناً يجد طعمه (دعائم الإسلام ج 2 ص 202). قال

الإمام الصادق عليه السلام: النظر سهم من سهام إبليس. مسموم. من تركها لله عزّ و جلّ - لا لغيره - أعقبه الله إيماناً يجد طعمه (من لا

يحضره الفقيه ج 4 ص 11).

593 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: - ای مردم - بدرستی که نگاه کردن (به زن نامحرم) دامی است از شیطان. و چنانچه مردی نگاهش به زنی افتاد. به نزد همسر خود برود(1).

594 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خیره شدن (به نامحرم) دامی است از دامهای شیطان(2).

### تهییج و تحریک شهوت و افتادن به دام گناه

595 - در حدیث قدسی آمده است: قلب و زبان خود را از حرام دور نگهدار.

و از نگاه کردن به چیزی که خیری در آن نیست پرهیز کن.

و چه بسیار نگاهی که شهوت را در قلب می کارد.

و آدمی را به باتلاق هلاکت می کشاند(3).

596 - حضرت عیسی علیه السلام به حواریون فرمود: برحذر باشید و پرهیزید از نگاه کردن به حرام. زیرا این کار بذر و منشأ شهوت است(4).

597 - در حدیث آمده است: نگاه نامشروع به نامحرم. سبب افتادن در دام زنا و امثال آن می گردد(5).

ص: 317

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: - (يا) (1) أيها الناس - إنما النظره (2) من الشيطان. فمن وجد من ذلك شيئاً فليأت أهله (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 12 و الكافي ج 5 ص 494).

2- قال أميرالمؤمنين عليه السلام: لمح العيون مصائد الشيطان (تحف العقول ص 149).

3- قال الرب عز وجل لعيسى عليه السلام: اطو قلبك و لسانك عن المحارم. و كف بصرک عمّا لا خير فيه. فكم من ناظر نظره قد زرعت في قلبه شهوه. و وردت به موارد حياض الهلكه (الكافي ج 8 ص 134).

4- قال عيسى بن مريم عليه السلام للحواريين: إياكم و النظر إلى المحذورات. فإنها بذر الشهوات و نبات الفسق (مصباح الشريعة باب: غصّ البصر).

5- قال عليه السلام: النظر سبب إيقاع الفعل من الزنا و غيره (بحار الأنوار ج 77 ص 182). (1) ما بين القوسين لم يذكر في الكافي. (2) في الكافي: النظر.

598 - امام صادق علیه السلام فرمود: نگاه (به نامحرم) تیری است مسموم از تیرهای شیطان.

و چه بسیار نگاهی که موجب حسرت طولانی می گردد(1).

599 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شخصی که عنان نگاه خود را رها سازد. فکر و خاطر خود را خسته خواهد نمود.

و شخصی که از نگاه خود پیروی کند حسرت‌های او ادامه خواهد داشت(2).

600 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چه بسیار نگاهی که برای انسان حسرت ببار می آورد(3).

### در معرض لعن و نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفتن

601 - امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گروهی را مورد لعن و نفرین خود قرار داد.

از جمله آن گروه: مردی است که به شرمگاه زنی که نامحرم اوست نگاه می کند(4).

ص: 318

---

1- قال الإمام الصادق عليه السلام: النظر سهم من سهام إبليس مسموم. و کم من نظره أورثت حسره طویله (الكافی ج 5 ص 559 و عقاب الأعمال ص 314).

2- قال أمير المؤمنين عليه السلام: من أطلق ناظره أتعب خاطره. و من تابعت لحظاته. دامت حسراته (جامع الأخبار ص 245).

3- قال أمير المؤمنين عليه السلام: کم من نظره جلب حسره (غرر الحکم).

4- عن أبي جعفر عليه السلام قال: لعن رسول الله صلى الله عليه وآله رجلاً ينظر إلى فرج امرأه لا تحلّ له. و رجلاً خان أخاه في امرأته. و رجلاً يحتاج الناس إلى نفعه (1). فسألهم الرشوة (الكافی ج 5 ص 559 و تهذيب الأحكام ج 6 ص الباب 87). (1) في التهذيب: إلى فقهه.

602 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که به خانه همسایه اش سرک می کشد و به موی زن همسایه یا جائی از بدنش نگاه می کند. سزوار است که خداوند متعال در روز قیامت او را با منافقین در آتش جهنم قرار دهد.

زیرا آنها در خانه های مسلمانان سرک می کشیدند و در جستجوی چیزهای پنهان مردم بودند.

و چنین شخصی از دنیا نمی رود تا آنکه خداوند متعال او را در دنیا رسوا سازد.

و عیبهای او را - در آخرت - برای مردم آشکار می نماید(1).

603 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که با تعمّد به عورت برادر دینی خود - یا عورت زنی که نامحرم اوست - نگاه کند خداوند متعال او را در روز قیامت با منافقین در آتش جهنم قرار خواهد داد.

و چنین شخصی از دنیا نمی رود. تا آنکه مفتضح و رسوا گردد.

مگر آنکه توبه نماید و از کرده خود پشیمان شود. و از این کار دست بردارد(2).

ص: 319

1- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله من أطلع في بيت جاره فنظر إلى عوره رجل أو شعر إمرأه - أو شيئاً من جسدها - كان حقيقاً على الله أن يدخله النار مع المنافقين الذين كان يتجسسون عورات المسلمين في الدنيا. ولم يخرج من الدنيا حتى يفضحه ويبدى عوراته للنظرين في الآخرة (جامع الأخبار ص 245).

2- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من نظر إلى عوره أخيه المسلم - أو عوره غير أهله - متعمداً. أدخله الله تعالى مع المنافقين الذين كانوا يبحثون عن عورات المسلمين (1). ولم يخرج من الدنيا حتى يفضحه الله. إلا أن يتوب (الأمالى للشيخ الصدوق - عليه الرحمه - ص 514 المجلس 66 و من لا - يحضره الفقيه ج 4 ص 7 و مكارم الأخلاق ج 2 ص 312). (1) في الفقيه هكذا: عورات الناس.

604 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در اولین نگاه به زن نامحرم باکی بر شما نیست.

اما این نگاه را با نگاه دیگری پیگیری ننمائید.

و از فتنه بپرهیزید و بر حذر باشید (1).

605 - امام صادق علیه السلام فرمود: نگاه - پی در پی - بدر شهوت را در قلب می‌کارد.

و برای صاحب خود موجب فتنه می‌گردد (2).

606 - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نگاه گوشه چشمی (به نامحرم) پرچمدار فتنه بشمار می‌آید (3).

607 - حضرت عیسی علیه السلام به اصحاب خود فرمود: بر حذر باشید و بپرهیزید از نگاه کردن (به زن نامحرم).

زیرا این کار، شهوت را در قلب شما می‌کارد و موجب فتنه می‌گردد (4).

ص: 320

---

1- قال أمير المؤمنين عليه السلام: لكم أول نظره إلى المرأة. فلا تتبعوها بنظرة أخرى. واحذروا الفتنه (الخصال ص 632).

2- قال الإمام الصادق عليه السلام: النظرة بعد النظرة تزرع - في القلب - الشهوة. و كفى بها لصاحبها فتنه (من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 11).

3- قال أمير المؤمنين عليه السلام: اللحظ رائد الفتن (غرر الحكم).

4- قال الإمام الصادق عليه السلام: كان المسيح عليه السلام يقول لأصحابه: إياكم والنظرة. فإنتها تزرع في قلب صاحبها الشهوة. و كفى بها لصاحبها فتنه (مستدرک الوسائل ج 14 ص 270). (راجع: المحاسن ج 1 ص 196).

## قبول نشدن نماز

608 - خدای متعال به حضرت داود علیه السلام وحی فرمود: چه بسا نمازگزاری که من نماز او را به صورتش می زنم.

و بین خود و صدای او حجایی قرار می دهم تا صدای او را نشنوم.

آیا می دانی آن شخص کیست؟

او شخصی است که - زیاد - با چشم ناپاک به نوامیس مؤمنین نگاه می کند(1).

609 - در حدیث آمده است: شخصی که - در حین نماز به زن نامحرمی - نگاه نامشروع بيفکند. نماز او مورد قبول قرار نمی گیرد(2).

## قبول نشدن روزه

610 - در حدیث آمده است: شخص روزه داری که به زن نامحرمی نگاه نامشروع بيفکند روزه او مورد قبول واقع نمی گردد(3).

ص: 321

---

1- - فیما أوحى الله تعالى إلى داود عليه السلام: ولربما صلى العبد فأضرب بها وجهه. وأحجب عني صوته. أتدري من ذلك - يا دواد - ذلك الذي يكثر الالتفات إلى حرم المؤمنین بعین الفسق. و ذلك الذي حدّثه نفسه لو ولى أمراً لضرب فيه الأعناق ظمناً (عدّه الداعي ص 48).

2- - قال یونس بن عبدالرحمن: قال أبو عبد الله عليه السلام: من تأمل خلف إمراه فلا صلاه له. قال یونس: إذا كان فی الصلاه (المحاسن ج 1 ص 162).

3- - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من تأمل خلف إمراه حتى يتبين له حجم عظمها - من وراء ثيابها - وهو صائم. فقد أفطر (معانی الأخبار ص 410). یعنی: فقد أشرط (1) نفسه للإفطار بما ينبعث من دواعی نفسه و نوازل همّته. فيكون من مواقعه الذنب على خطر (معانی الأخبار ص 410). (1) أي: أعدّ.



611 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسانی که به پشت زنان مردم نگاه می کنند.

آیا از این نمی ترسند که دیگران نیز به پشت زنان آنان نگاه کنند(1)؟(2)

ص: 322

1- - قال الإمام الصادق عليه السلام: أما يخشى الذين ينظرون في أدبار النساء أن يبتلوا بذلك في نسائهم (الكافي ج 5 ص 553 و عوالی اللثالی ج 3 ص 547). قال الإمام الصادق عليه السلام: ما يأمن الآذین ينظرون فی أدبار النساء أن یبتلوا (1) بذلك فی نسائهم (من لا یحضره الفقیه ج 4 ص 12 و دعائم الإسلام ج 2 ص 202). قال أبو بصیر للإمام الصادق علیه السلام: الرجل تمرّ به المرأة. فینظر إلی خلفها؟ قال علیه السلام: أیسرّ أحدکم أن ینظر إلی أهله و ذوات قرابته؟ قلت: لا. قال علیه السلام: فأرض للناس ما ترضاه لنفسک (من لا یحضره الفقیه ج 4 ص 12). عن جعفر بن محمد علیهما السلام أنه سئل عن رجل تمرّ به المرأة فینظر خلفها؟ قال علیه السلام: أیسرّ أحدکم أن ینظر أحد إلی أهله؟ ارضوا للناس. ما ترضون لأنفسکم (دعائم الإسلام ج 2 ص 201). (1) و فی وسائل الشیعه ج 20 ص 196 هكذا: أن ینظر بذلك فی نسائهم.

2- اگر چه در این احادیث شریف به مردان دستور داده شده است تا به پشت زنان نگاه نکرده و از این امر خودداری نمایند. اما بر زنان نیز لازم است تا از پوشیدن لباس تنگ و بدن نما در انظار نامحرم خودداری نمایند و از رفتار و حرکات تحریک آمیز اجتناب نمایند تا موجب تهییج مردان نامحرم و کشیدن شدن آنها به گناه نگردند.

612 - حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام فرمود: نگاه نامشروع به زن نامحرم باعث هلاکت و نابودی می گردد.

پس هرگاه هر یک از شما نگاهش به زن نامحرمی افتاد بر او لازم است که به نزد همسر خود برود.

زیرا همسر او مانند همان زن می باشد(1).

613 - امام صادق علیہ السلام فرمود: نگاه اول از آن تو می باشد.

و نگاه دوم بر تو می باشد.

و نگاه سوم موجب هلاکت تو می گردد(2).

614 - حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام فرمود: شخصی که عنان نگاه خود را رها کند نابودی و هلاکت خود را طلب کرده است(3).

ص: 323

---

1- قال أمير المؤمنين عليه السلام: إنَّ أبصار هذه الفحول. طوامح و هو سبب هبائها (1). فإذا نظر أحدكم إلى امرأة فأعجبته. فليمس أهله. فإنما هي امرأة بامرأه (غرر الحكم و مستدرک الوسائل ج 14 ص 271).

2- قال الإمام الصادق عليه السلام: أوّل نظره (2) لك. و الثانيه عليك و لا لك. و الثالثه فيها الهلاك (من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 304 و مكارم الأخلاق ج 1 ص 505).

3- قال أمير المؤمنين عليه السلام: من أطلق طرفه. جلب حتفه (غرر الحكم). (1) أي: هلاكها. (2) في مكارم الأخلاق: النظرة.

615 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که از راه حرام به زن نامحرمی چشم بدوزد.

خدای عزّ وجلّ در روز قیامت میخهایی از آتش در چشم او قرار خواهد داد.

سپس او را روانه جهنّم خواهد نمود(1).

616 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که به خانه همسایه خود سرک بکشد و به شرمگاه مرد همسایه یا موی زن همسایه یا جایی از بدن او نگاه کند. خدای متعال در روز قیامت او را - به همراه منافقینی که در پی عیب جوئی از مردم بودند - در آتش جهنّم وارد خواهد ساخت. و خداوند او را در دنیا رسوا ساخته و عیبهای او را در آخرت نشان مردم خواهد داد(2).

617 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی که نگاه نامشروع به زنی بيفکند. خداوند متعال در روز قیامت چشم او را از آتش پر خواهد ساخت(3).

618 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که چشم خود را از نگاه به حرام پر نماید.

خداوند متعال در روز قیامت چشم او را از آتش پر خواهد نمود.

مگر آنکه توبه نماید و از این کار دست بکشد(4).

ص: 324

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من ملأ عينيه من امرأة - حراماً - حشاهما الله عزّ وجلّ يوم القيامة بمسامير من نار. وحشاهما

ناراً - حتى يقضى بين الناس - ثمّ يؤمر به إلى النار (عقاب الأعمال ص 338). (راجع: اعلام الدين ص 418 و جامع الأخبار ص 245).

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من اطّلع في بيت جاره فنظر إلى عوره رجل أو شعر امرأة أو شيء من جسدها. كان حقاً على الله أن يدخله النار مع المنافقين الذين كانوا يتبعون عورات الناس في الدنيا. ولا يخرج من الدنيا حتى يفضحه الله. ويبدى للناس عورته في الآخرة (عقاب الأعمال ص 332).

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أصاب من امرأة نظره حراماً. ملأ الله عينه ناراً (المستدرک 270/14).

4- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من ملأ عينيه من حرام ملأ الله عينيه - يوم القيامة - من النار. إلا أن يتوب ويرجع (الأمالی للشيخ الصدوق - عليه الرحمه - ص 515 و من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 8 و مكارم الأخلاق ج 2 ص 314 و تنبيه الخواطر ج 2 ص 261). في الأمالی: عينه.

مردی که بدون اذن و اجازه و خبر بر مادر یا خواهر خود وارد می شود

619 - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا (1) وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا (2) ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ (3) لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ «(27)»

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ (4) وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ازْجِعُوا فَارْجِعُوا (5) هُوَ أَزْكَى لَكُمْ (6) وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ «(28)»  
(النور).

در این آیه مبارکه به اهل ایمان دستور داده شده است که نباید - قبل از اجازه گرفتن و رخصت طلبیدن و خبر دادن - وارد خانه و حریم دیگران گردید.

ص: 325

1- - ای: حَتَّى تستأذِنُوا. وقيل: تستأنسوا بالتنح و الكلام الذى يقوم مقام الاستيدان.

2- - قيل: إِنَّ فِيهِ تَقْدِيمًا وَتَأْخِيرًا. تقديره: حين تسلّموا على أهلها و تستأنسوا. و تستأذِنُوا. فَإِنْ اذِنَ لَكُمْ. فادخلوا. وقيل معناه: حَتَّى تستأنسوا بأن تسلّموا.

3- - معناه: ذلك الدخول - بالإستيدان - خيرٌ لكم (مجمع البيان ج 7 ص 213).

4- - ای: حَتَّى يَأْذِنَ لَكُمْ أَرْبَابُ الْبُيُوتِ فِي ذَلِكَ. بَيْنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ - بهذا - أَنَّهُ لَا يَجُوزُ دَخُولُ دَارِ الْغَيْرِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ - وَإِنْ لَمْ يَكُنْ صَاحِبُهَا فِيهَا - . وَلَا يَجُوزُ أَنْ يَتَطَّلَعَ إِلَى الْمَنْزِلِ لِيرَى مِنْ فِيهِ فَيَسْتَأْذِنَهُ - إِذَا كَانَ الْبَابَ مَغْلَقًا - . لِقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا جَعَلَ الْإِسْتِيدَانَ لِأَجْلِ النَّظَرِ. وَإِلَّا أَنْ يَكُونَ الْبَابُ مَفْتُوحًا. لِأَنَّ صَاحِبَهُ - بِالْفَتْحِ - أَبَاحَ النَّظَرَ.

5- - ای: فَإِنْصَرَفُوا. وَلَا تَلْجُوا عَلَيْهِمْ. وَ ذَلِكَ بَأَنْ يَأْمُرُكُمْ بِالْإِنْصِرَافِ - صَرِيحًا - . أَوْ يَوْجِدُ مِنْهُ مَا يَدُلُّ عَلَيْهِ.

6- - معناه: أَنْ الْإِنْصِرَافِ. أَنْفَعُ لَكُمْ فِي دِينِكُمْ وَدُنْيَاكُمْ. وَأَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ. وَأَقْرَبُ إِلَى أَنْ تُصَيِّرُوا أَزْكَيَاءَ (مجمع البيان ج 7 ص 214).

620 - ابو ایوب انصاری به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: چگونه خبر وارد شدن خود را به اهل خانه بدهیم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله به این مضمون فرمود: لازم است در آن هنگام با ذکر تسبیح و تحمید و تکبیر الهی. و سرفه نمودن. اهل منزل را از قصد وارد شدن به خانه آگاه ساخت(1).

621 - در حدیث دیگری در باره کیفیت خبر دادن به اهل خانه هنگام وارد شدن بر آنها آمده است: لازم است که با کشیدن کفشهای خود بر زمین - و سلام گفتن با صدای رسا - اهل خانه را از قصد ورود خود. خبر داد(2).

622 - در حدیث آمده است: هنگامی که شخصی از شما بخواهد وارد بر خانه و حریم شخص دیگری گردد. بر او لازم است که بوسیله: سلام کردن با صدای رسا و کشیدن کفشهای خود بر زمین. و سرفه نمودن.

ساکنین آن محل را از قصد ورود خود باخبر ساخته و از آنها اجازه بگیرد.

تا نگاه او به چیز ناخوشایندی نیفتد(3).

ص: 326

1- - عن أبي أيوب الأنصاري قال: قلنا - يا رسول الله - ما الإستيناس؟ قال صلى الله عليه وآله: يتكلم الرجل بالتسبيح والتحميده والتكبيره. و يتنحج على أهل البيت (مجمع البيان ج 7 ص 213). قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا جاء الرجل إلى باب الدار. يسبح و يهلل - حتى يعلم أهل الدار أنه يريد الدخول فيها - (مستدرک الوسائل ج 8 ص 377).

2- - عن عبدالرحمان بن أبي عبدالله قال: سألت أبا عبدالله عليه السلام عن قول الله عز وجل: لا تدخلوا بيوتاً غير بيوتكم حتى تستأنسوا وتستلموا على أهلها. قال عليه السلام: الإستيناس: وقع النعل. و التسليم (معاني الأخبار ص 163 و تفسير القمى - عليه الرحمه - ج 2 ص 101). (وراجع: مشكاة الأنوار ج 2 ص 24). قال عليه السلام: الإستيناس هو: الإستيدان (تفسير القمى - عليه الرحمه - ج 2 ص 101).

3- - قال عليه السلام: يسلم الرجل - إذا دخل على أهله - و إذا دخل يضرب بنعليه. و يتنحج. يصنع ذلك حتى يؤذنه. أنه قد جاء. حتى لا يرى شيئاً يكرهه (مشكاة الأنوار ج 2 ص 23 و جامع الأخبار ص 231). دقت.

623 - امام صادق علیه السلام فرمود: اذن و اجازه خواستن از دیگران برای وارد شدن بر آنها سه مرحله دارد:

مرحله اول: شنیده شدن اذن و اجازه.

مرحله دوم: آمادگی پیدا کردن.

مرحله سوم: اگر خواستند اجازه می دهند و اگر نخواستند اجازه نمی دهند.

و چنانچه به او اجازه وارد شدن داده نشد بر او لازم است که برگردد و از وارد شدن منصرف شود(1).

624 - در حدیث آمده است: اجازه خواستن و رخصت طلبیدن برای وارد شدن بر دیگران دارای سه مرحله می باشد:

(1) با صدای رسا سلام بگوید(2) تا آنها بشنوند.

(2) از پشت در اجازه بگیرد - قبل از آنکه نگاه به اندرون منزل بیفکند - (3).

(3) سه بار اجازه بگیرد.

اگر در مرتبه اول به او اجازه ورود داده شد. وارد شود.

و اگر به او اجازه داده نشد. و به او گفته شد: برگرد.

بر او لازم است که برگردد. و وارد آن خانه نشود.

اجازه اول بخاطر آگاه شدن ساکنین خانه می باشد.

ص: 327

---

1- قال الإمام الصادق عليه السلام: الإستيدان ثلاثة. أولهنّ: يسمعون. و الثانية: يحذرون. و الثالثة: إن شأؤوا أذنوا. و إن شأؤوا لم يفعلوا.

فليرجع المستأذن (الخصال ص 91).

2- زیرا سلام. نامی از نامهای خداوند متعال بشمار می آید.

3- یعنی: حق ندارد - قبل از اجازه دادن به او - اندرون خانه را ببیند. و نگاه خود را به داخل منزل بیفکند.

و اجازه دوّم بخاطر آن است که آنها آمادگی پذیرش پیدا کنند.

و اجازه سوّم بخاطر آن است که آنها انتخاب کنند که برای وارد شدن این شخص اجازه بدهند یا اجازه ندهند.

و چنانچه اجازه ندادند بر او لازم است که وارد نشود و برگردد(1).

625 - امام صادق علیه السلام فرمود: پسر نوجوانی که به حدّ بلوغ می رسد. نباید بدون اجازه بر مادر یا خواهر یا خاله و امثال آنها وارد شود(2). (3) 626 - امام صادق علیه السلام فرمود: بر یک مرد لازم است که هنگام وارد شدن بر دختر یا خواهر خود - اگر آنها ازدواج کرده باشند (4) - از آنها اجازه بگیرد و اذن بطلبد(5).

ص: 328

1 - قال الإمام الصادق عليه السلام: إذا استأذن أحدكم. فليبدأ بالسلام. فإنه اسم من أسماء الله عزّ وجل. فليستأذن من وراء الباب قبل أن ينظر إلى قعر البيت. فإنما امرتم بالإستئذان من أجل العين (1). والإستئذان - ثلاث مرّات - . فإن قيل: ادخل. فليدخل. وإن قيل: ارجع. فليرجع. أو لاهنّ: يسمع أهل البيت. و الثانيه: يأخذ أهل البيت حذرهم. و الثالثه: يختار أهل البيت. إن شاءوا. أذنوا. و إن شاءوا. لم يأذنوا. ثمّ ليرجع (مشكاه الأنوار ج 2 ص 24). (1) قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّما جعل الإستئذان. من أجل النظر (الأمالى للشيخ الطوسى - عليه الرحمه - ص 398 المجلس 14).

2- یعنی: بر او لازم است که هنگام وارد شدن بر زنانی که محرم او نیز هستند اجازه بگیرد و با رخصت و اذن آنها به نزدشان برود.

3- قال عليه السلام: من بلغ الحلم منكم فلا يلج على امّه و لا على اخته و لا على ابنته - و لا على سوى ذلك - إلا ياذن (الكافى ج 5 ص 529). قال الإمام الصادق عليه السلام: من بلغ الحلم. فلا يلج على امّه و لا على اخته و لا على خالته - و لا على سوى ذلك - إلا ياذن (مشكاه الأنوار ج 2 ص 24).

4- زیرا ممکن است آنها با شوهر خود خلوت کرده باشند.

5- قال الإمام الصادق عليه السلام: ليستأذن الرجل على بنته و اخته إذا كانتا متزوّجتين (مشكاه الأنوار ج 2 ص 27). قال الإمام الصادق عليه السلام: ويستأذن الرجل على ابنته و اخته إذا كانتا متزوّجتين (الكافى ج 5 ص 528).

627 - مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: آیا هنگامی که می خواهیم بر مادرم وارد گردم لازم است که از او اجازه بگیرم و رخصت طلب کنم؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بله.

آیا دوست داری او را برهنه و عریان ببینی؟

آن مرد گفت: خیر.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: بنابر این لازم است که هنگام وارد شدن بر او اجازه بگیری (1).

ص: 329

---

1- - روی: إن رجلاً قال للنبي صلى الله عليه وآله: أستأذن على أمي؟ فقال صلى الله عليه وآله: نعم. قال: إنَّها ليس لها خادم غیری - فأستأذن عليها - كلما دخلت؟ قال صلى الله عليه وآله: أتحب أن تراها عريانة؟ قال الرجل: لا. قال صلى الله عليه وآله: فأستأذن عليها (مجمع البيان ج 7 ص 213). عن عليّ عليه السلام أنه قال: أتى رجل رسول الله صلى الله عليه وآله. قال: - يا رسول الله - هل أستأذن على أمي. إذا أردت الدخول عليها؟ قال صلى الله عليه وآله: نعم. أيسرّك أن تراها عريانة؟ قال: لا. قال صلى الله عليه وآله: فأستأذن - عليها - إذا (دعائم الإسلام ج 2 ص 202) قال أمير المؤمنين عليه السلام: إن رجلاً أتى النبي صلى الله عليه وآله فقال: - يا رسول الله - أستأذن على أمي؟ قال صلى الله عليه وآله: نعم. قال: وليم - يا رسول الله -؟ قال صلى الله عليه وآله: أيسرّك أن تراها عريانة؟ قال: لا. قال صلى الله عليه وآله: فأستأذن عليها (النوادر للسيد فضل الله الراوندي - عليه الرحمه - ص 136). (وراجع: الجعفریات ص 165).



628 - در حدیثی - که پیرامون اجازه گرفتن هنگام وارد شدن بر مادر یا خواهر می باشد - آمده است:

نباید خواهری در برابر برادرش. زینت خود را نمایان سازد. و با قیافه و حالتی تهییج کننده در برابر او ظاهر شود.

زیرا چه بسا - این عمل - موجب تهییج او گشته - و با وسوسه شیطان - مرتکب فعل حرام گردد.

و به گناه آلوده شود(1).

ص:330

---

1- - قال رجل لرسول الله صلى الله عليه وآله: يا رسول الله - تكشف شعرها بين يدي؟ قال صلى الله عليه وآله: لا. قال: لِمَ. قال صلى الله عليه وآله: أخاف عليك - إذا أبدت شيئاً من محاسنها إليك - أن يستفزك الشيطان (دعائم الإسلام ج 2 ص 202). قال رجل لرسول الله صلى الله عليه وآله: يا رسول الله - ... اختي تكشف شعرها بين يدي؟ قال صلى الله عليه وآله: لا. قال: لِمَ. قال صلى الله عليه وآله: إني أخاف - إذا أبدت شيئاً من محاسنها من شعرها و من معصهما - أن توقعها (النوادر للسيد فضل الله الراوندي - عليه الرحمة - ص 136). (راجع: الجعفریات ص 165).

(1)

629 - عبدالله بن سنان می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردی را می شناسم که او نسبت به وضو و نماز وسواس دارد.

و به آن حضرت علیه السلام گفتم: او مرد عاقلی است.

امام صادق علیه السلام به من فرمود: چگونه او عاقل است؟

در حالی که او از شیطان اطاعت می کند!

سپس به امام صادق علیه السلام گفتم: چگونه او از شیطان اطاعت می کند؟!

امام صادق علیه السلام به من فرمود: از آن شخص سؤال کن و به او بگو: این وسوسه ای که در تو بوجود می آید از جانب کیست؟

او در جواب خواهد گفت: این وسوسه از شیطان است (2).

ص: 331

- 
- 1- - لازم به یادآوری است که این مرض اختصاص به مردان ندارد. بلکه بعضی از زنان نیز ممکن است دچار آن باشند.
  - 2- - عن عبدالله بن سنان قال: ذكرت لأبي عبدالله عليه السلام رجلاً مبتلاً بالوضوء والصلاه (1). وقلت: هو رجل عاقل. فقال أبو عبدالله عليه السلام: وأيّ عقل له! وهو يطيع الشيطان. فقلت له: وكيف يطيع الشيطان؟ فقال عليه السلام: سله: هذا الذي يأتيه من أيّ شيء هو؟ فإنه يقول لك: من عمل الشيطان (2) (الكافي ج 1 ص 12) (1) أي: بالوسواس في تيّتهما أو أفعالهما أو شرائطهما. و سببه: فساد العقل أو الجهل بالشرع. (2) فهو يعلم أنّ الوسوسة من عمل الشيطان لما في قوله تعالى: من شرّ الوسواس الخناس الذي يوسوس في صدور الناس. و لكنّه لا يتمكّن من طرده حين العمل (نقلاً عن هامش الكافي).

630 - امام باقر علیه السلام فرمود: اگر - در هنگام نماز - سهو کردن شما زیاد شد. به نماز خود ادامه دهید و به آن شک اعتناء نکنید.

در این صورت آن شک شما را رها می کند. زیرا آن شک از شیطان است(1).

631 - مردی به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و از زیادی وسوسه و شک در نماز شکایت نمود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: هنگامی که می خواهی به نماز مشغول گردی ران پای چپ را با انگشت اشاره(2) دست راست فشار بده و بگو:

بسم الله وبالله. توکلت علی الله. أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم.

تو با این کار شیطان را مغلوب ساخته و از خود دور خواهی نمود(3).

ص: 332

1- - عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا كثرت عليك السهوه. فأمض في صلاتك. فإنه يوشك أن يدعك. إنما هو من الشيطان (الكافي ج 3 ص 359). روى محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا كثرت عليك السهوه. فدعه. فإنه يوشك أن يدعك. إنما هو من الشيطان (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 224). (وجاء في حديث آخر): فليمض في صلاته وليتعوذ بالله من الشيطان الرجيم. فإنه يوشك أن يذهب عنه (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 230).

2- - یعنی: انگشتی که در کنار انگشت شصت قرار دارد.

3- - عن السكوني عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أتى رجل النبي صلى الله عليه وآله فقال: - يا رسول الله - أشكو إليك ما ألقى من الوسوسة في صلاتي. حتى لا أدري ما صلّيت - من زياده أو نقصان - . فقال صلى الله عليه وآله: إذا دخلت - في صلاتك - فأطعن فخذك الأيسر. بأصبعك اليمنى المسبّحه. ثم قل: بسم الله. وبالله. توکلت علی الله. أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم. فإنك تنحره. و تطرده (الكافي ج 3 ص 358). إن رسول الله صلى الله عليه وآله أتاه رجل من الأنصار فقال: - يا رسول الله - إليك أشكو ما ألقى من الوسوسة في صلاتي حتى لا أعقل ما صلّيت - من زياده أو نقصان - . فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا دخلت في صلاتك فأطعن فخذك اليسرى. بأصبعك اليمنى المسبّحه ثم قل: بسم الله. وبالله. توکلت علی الله. أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم. فإنك تنحره و تزرجه. و تطرده عنك (من لا يحضره الفقيه ج 1 ص 224). المسبّحه: اصبع تلي الإبهام. لأنها تشاركها عند التسبيح (مجمع البحرين ج 1 ص 324).

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

